



سالنامه توده

بمناسبت پنجاهمین سال
تأسیس حزب کمونیست ایران
و سی امین سال تأسیس
حزب توده ایران

۱۳۴۹

سالنامهٔ توده

بمناسبت پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست ایران

و

سی امین سالگرد حزب تودهٔ ایران

از انتشارات حزب تودهٔ ایران

سال ۱۳۴۹

سالنامه توده

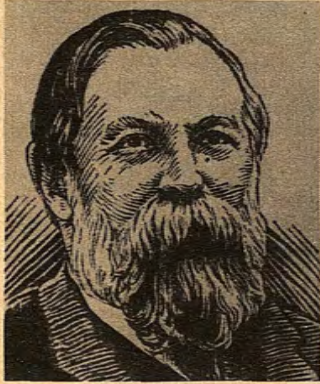
سالنامه ی توده بمناسبت پنجاهمین سال تأسیس حزب کمونیست ایران و سی امین سال تأسیس حزب توده ی ایران منتشر میشود.

ماکوشید ه ایم در این سالنامه يك سلسله اطلاعات فاکتوگرافیک و آماری درباره جنبشهای انقلابی در ایران ، تاریخ حزب کمونیست ایران و حزب توده ی ایران و جنبش ملی کردن نفت و نیز درباره ی وضع اقتصادی و اجتماعی کشور در شرایط کنونی بدست دهیم - یعنی اطلاعاتی که برای مجاهدان حزبی و همه ی مبارزان ضد رژیم ضد ملی و ضد مپکراتیک کنونی دانستن آنها سودمند است . بویژه تنظیم تقویم زندگی حزب توده ی ایران که برای اولین بار باین وسعت انجام میگردد از مزایای مسلم این سالنامه است .

مادراین جزوه از قهرمانان و شهیدان حزب و نهضت یاد کرده ایم و مستخرجاتی از اسناد مهم سیاسی و اشعار و سرودهای اجتماعی و انقلابی درج نموده ایم و تا حد امکان این جزوه را با عکسهای لازمه آراسته ایم .

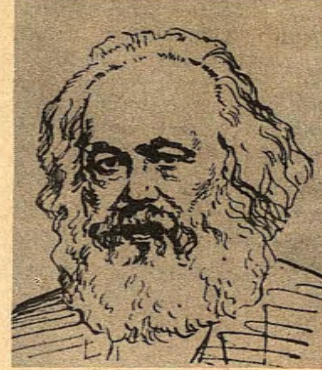
انتشار این سالنامه طبق تصمیم پلنومهای ۱۲ و ۱۳ کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران که پیشنهاد شعبه ی تبلیغات و تعلیمات حزب را در این زمینه تصویب کرده است ، انجام میگردد . امید است کارانجام یافته بتواند نقش خود را در فعالیت تبلیغاتی و تعلیماتی حزب ما ایفا کند . ما از خوانندگان ارجمند سالنامه سپاسگزار خواهیم شد اگر نظریات انتقادی و تکمیلی خود را برای ما ارسال دارند تا در کتابخانه ی ما در این زمینه مورد استفاده قرارگیرد .

شعبه ی تبلیغات و تعلیمات حزب توده ی ایران

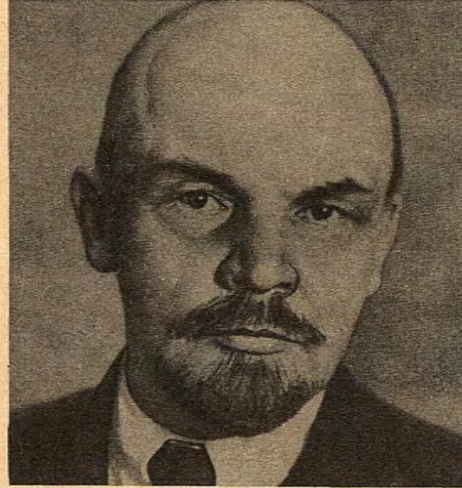


فردریش انگلس

پیشوایان سترگ پرولتاریای جهانی
و بنیاد گزاران آموزش مارکسیسم - لنینیسم



کارل مارکس



ولادیمیر ایلچ لنین

پیروزیاد مارکسیسم - لنینیسم - جهان بینی انقلابی حزب توده ایران

سپه‌های واقعی اقتصاد ایران

در این بخش سالنامه به بررسی مختصر وضع اقتصاد ایران می‌پردازیم و میکوشیم ضمن ارائه اطلاعات فشرده‌ای درباره‌ی اقتصاد کشور، تحلیلی واقع‌بینانه مبتنی بر ارقام و واقعیت‌ها نیز از آن بعمل آوریم. بدیهی است تحلیل ماجنیه‌ی کلی دارد و فقط به برخی مسائل عمده خواهیم پرداخت.

در میان مطالب، از لحاظ حجم حتی الامکان رعایت تناسب شده است. درباره‌ی معدودی از مسائل که تاکنون مطبوعات ما بآنها پرداخته‌اند به تفصیل بیشتر سخن خواهد رفت. علاوه بر این بخش، نوشته‌های دیگری در این سالنامه درباره‌ی وضع کشاورزی و پایگاه‌های امپریالیسم در ایران و غیره وجود دارد که مکمل مطالبی است که در این بررسی می‌آید.

۱- اوضاع طبیعی ایران

ایران کشور مست وسیع که در جنوب غربی آسیایان ۴۴ تا ۶۳ درجه طول شرقی و ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی قرار گرفته است. مساحت ایران در حدود ۱۴۵ هزار کیلومتر مربع است. ایران بتمنهائی بیش از مجموعه ی انگلستان و فرانسه و سویس و بلژیک و هلند و اسپانیا و پرتغال وسعت دارد.

جمعیت ایران اکنون به ۲۸ میلیون نفر بالغ میشود. در هر کیلومتر مربع آن در حدود ۱۷ نفر زندگی میکنند. بنابراین تراکم جمعیت در ایران کم است (در سرساز زمین ۲۶ نفر، در آسیا ۴۷ نفر). جمعیت ایران سالانه در حدود ۸ درصد افزایش مییابد که تقریباً و برابر میزان افزایش جمعیت در کشورهای پیشرفته ی صنعتی است. آهنگ رشد جمعیت در شهرهای ایران سریعتر از آهنگ رشد در مناطق روستائی است. مهاجرت به شهرها ط اصلی آنست.

ایران در حدود ۸ هزار کیلومتر مرز دارد که یک سوم آنرا مرزهای دریائی تشکیل میدهد. ایران از لحاظ ارتباط با سایر کشورهای جهان از موقعیت مناسبی برخوردار است.

سرزمین ایران قسمت بزرگی از پشته یانجد ایران را تشکیل میدهد. ایران کشور است کوهستانی و سطح آنرا پستی و بلندی مناطق کوهستانی فرا گرفته است و جز در سواحل دریای خزر و خلیج فارس و بحر عمان بیش از هزار متر از سطح دریا ارتفاع دارد. مناطق کوهستانی ایران بطور عمده شامل سلسله کوههای البرز و زاگرس است.

کوههای البرز از شمال غربی کشور آغاز میشود، پس از دوزدن سواحل جنوبی خزر بسوی شرق امتداد مییابد و به کوههای افغانستان می پیوندد. دماوند بلندترین قله ی البرز است و ۵۶۰۴ متر ارتفاع دارد.

کوههای زاگرس از آذربایجان آغاز میشود، ابتدا بسمت جنوب و سپس در جهت جنوب شرقی امتداد می یابد، بتدریج از ارتفاع خود میکاهد و سرانجام به خاک پاکستان داخل میشود.

در داخل ایران نیز چند رشته کوه وجود دارد که بنام کوههای مرکزی ایران شهرت دارند. این کوهها در واقع شعبات سلسله کوههای زاگرس هستند.

در شرق ایران نیز کوههای منفردی وجود دارد که کوه تفتان با قله ی ۴۰۴۲ متری خود بلندترین آنهاست.

قسمتهای داخلی این کوهها راهمواریهای بی آب و علف و شوره زار دشت کویر و دشت لوت در بر گرفته است.

باآنکه ایران در منطقه ی معتدله ی شمالی قرار دارد وضع آب و هوای آن بیش از آنکه بر حسب موقعیت جغرافیائی کشور تعیین شود، تحت تاثیر پستی و بلندیهای نجد ایرانست. بطوریکه ایران در مقایسه با کشورهای نظیر یونان و ایتالیا و هند و برمه و غیره که از لحاظ جغرافیائی همعرض ایران هستند، آب و هوای کاملاً متفاوتی دارد.

کوههایی که ایران را همچون حصار از چهار سمت احاطه کرده اند، مانع نفوذ جریانهای هوائی خارج به داخل کشور میگردند. مثلاً سلسله کوههای البرز مانع دخول جریانهای نمناک اقیانوس اطلس و دریای خزر به داخل کشور میشود. این جریانها فقط بسواحل خزر و دامنه های شمالی البرز و تاحدودی به نواحی کوهستانی شمال غرب و دامنه های غربی زاگرس نفوذ میکنند. و یا کوههای جنوبی ایران مانع دخول باد های سوزان صحرائ عربستان بنواحی مرکزی ایران میگردد.

نرسیدن جریانهای هوایی اقیانوس هاود ریاها به داخل کشور باعث شده است که نواحی مرکزی ایران دارای اقلیم خشک و کاملاً بستی باشد. بخصوص در نواحی کویر ولایت منطقه ای کاملاً مستقل و جدا شده ای از محیط اطراف بوجود میآید که در اثر تابش شدید آفتاب فضای بسی اندازگرم و خشک در آن پدید میآید. درجه حرارت در این نواحی در فصل مختلف و حتی در شبانه روز شدت تغییر می یابد. چنانکه اختلاف درجه حرارت در برخی نقاط حتی به ۴۰ درجه میرسد.

هوای ایران بطور کلی گرم است. در بعضی نواحی حد اکثر حرارت در تابستان به بیش از ۵۰ درجه و حتی در زمستان تا ۲۰ درجه پائین میرود. حد اقل حرارت در اکثر نقاط ایران پائین تر از صفر است و گاه به ۳۰-۳۵ درجه زهر صفر میرسد.

وجود کوهها و چین خوردگیهای فراوان باعث شده است که در نواحی مختلف ایران و حتی در داخل منطقه ای کوچکی شرایط اقلیمی کاملاً متفاوت پدید آید. هنگامیکه مثلاً در آذربایجان جوانه های گندم هنوز زهیر برف است، در نواحی جنوبی ایران کار درو و خرمن کوبی آغاز میشود و نقاط سرد سیر و گرمسیر چنان در هم میآمیزند که باطنی چند کیلومتره میتوان از گیاههای سرد سیری به گیاهان گرمسیری رسید. این وضع امکانات وسیعی برای تولید انواع محصولات کشاورزی خاص مناطق حاره و معتدله و مناطق مدیترانه ای در ایران فراهم آورده است. تنوع پوشش گیاهی و وجود انواع حیوانات و پرندگان که بر حسب شرایط خاص نواحی مختلف ایران بطور طبیعی پرورش یافته اند، گواه بر این امر است. در ایران بیش از ۱۶۰۰ نوع گیاه، در حدود ۷۰۰ نوع حیوانات ذیفقار، بیش از صد نوع حیوانات پستاندار و ۴۰۰ نوع پرنده وجود دارد.

بارندگی در ایران مجموعاً کم است و میزان آن در نواحی مختلف کاملاً متفاوت است. چنانکه در سواحل خزر میزان نزولات آسمانی بیش از ۱۰۰۰ میلیمتر و در سیستان کمتر از ۱۰۰ میلیمتر در سال است. میزان سالانه ای بارندگی در ایران بطور متوسط ۳۰۰ میلیمتر است (در سراسر کره ای زمین بطور متوسط ۸۶۰ میلیمتر و در خشکیها ۶۶۰ میلیمتر بارندگی میشود). در ایران مجموعاً ۵۰۰-۴۵۰ میلیارد متر مکعب بارندگی میشود.

در ایران رود بزرگ کم است. آب رود های ایران یا از بارانهای موسمی، یا از آبهای زیرزمینی (چشمه سارها) و یا از برفها و یخهای کوهستانی تأمین میشود. در ایران فقط رود کارون قابل کشتیرانی است. در کارون نیز فقط در طول ۳۰۰ کیلومتر (در بخش سفالی آن) میتوان کشتیرانی نمود.

رود های ایران از لحاظ حوضه ای آبریز به سه قسمت میشوند: ۱- حوضه ای آبریز دریای خزر، ۲- حوضه ای خلیج فارس و دریای عمان و ۳- حوضه ای داخلی که شامل رود های است که به دریاچه های داخلی میریزند و یا در باتلاقها و ریگزارها فرو میروند.

آب بسیاری از رود های ایران گل آلود بوده. اکثراً با املاح سولفات و کلرات توأم است.

در رود های ایران در حدود ۱۰۰ نوع ماهی زندگی میکنند و بخصوص رود های حوضه ای دریای خزر از لحاظ ماهی غنی هستند.

در رود های ایران سالانه در حدود ۱۱۷۵ میلیارد متر مکعب آب جار بست که فقط از ۲۹ میلیارد متر مکعب آن بهره برداری میشود و مابقی بدون آنکه مورد استفاده قرار گیرد به دریاها و دریاچه ها و باتلاقها و شنزارها وارد میشود. از ۲۹ میلیارد متر مکعب مورد بهره برداری نیز فقط ۱۷-۱۶ میلیارد متر مکعب بمصرف نهائی میرسد و بقیه ای این آبها نیز بهدر میرود. در صورت ایجاد سد های مخزنی و انحرافی و کانال کشی و بکار بردن شیوه های علمی آبیاری میتوان از هدر رفتن این همه آب گرانبها در کشور جلوگیری نمود.

از لحاظ خاک شناسی ایران وضع کاملاً متنوعی دارد. تنوع در وضع پستی و بلندی، آب و هوا، پوشش گیاهی، وضع زمین شناسی و وجود رسوبات مختلف موجبات این تنوع را فراهم آورده است. بالاینهمه خاکهای ایران بیشتر از نوع خاکستری است. وفور مواد قلیائی، قلت مواد آلی و کثرت سنگلاخها از مشخصات خاک ایران است. با اینجهت فقط

خاک

با اصلاح خاک (بکار بردن مواد شیمیائی، پاک کردن زمین از سنگ، استعمال کود و آبیاری و غیره) میتوان پنحوی شایسته از زمینهای ایران — بران بهره برداری نمود.

در باره ی معادن ایران (جز نفت) هنوز بررسی دقیق و همه جانبه ای انجام نگرفته است. سرزمین ایران از این لحاظ هنوز ناشناخته است. ولی وجود چین خوردگیها و قشر بندیها و مواد آتشفشانی و رسوبات تمام ادوار زمین شناسی — از مرحله ی کامبرین از دوران پالئوزوئیک گرفته تا آخرین مرحله ی دوران کاینوزوئیک — وجود انواع مواد معدنی را در ایران به ثبوت میرساند. کشف انواع مواد معدنی ضرور — فلزات سیاه و رنگین، شبه فلزات، نفت، سنگها و خاکهای ساختمانی و آبهای معدنی — که از دیر زمان برائرمساعی مردم ایران و یاد رساله های اخیر در نتیجه ی بررسی های مقداتی سازمانهای دولتی و موسسات خصوصی انجام گرفته، موید آنست که اگر در ایران بررسیهای دقیق علمی بعمل آید، ذخایر معدنی عظیم بدست خواهد آمد. نقشه ی معادن مکشوفه ی ایران امکانات وسیع کشور را از لحاظ تنوع مواد معدنی بخوبی آشکار میسازد (رجوع به صفحه ی بعد).

از سند اصلی جمله ی مشاوره ی احزاب برادر :

شیوه های نواستعماری

در باره طیه جنبش آزاد بیخشن ملی، امپریالیسم از یک سو با سرسختی از بازمانده های استعمار دفاع میکند و از سوی دیگر کوشاست با شیوه های نواستعماری راه ترقی اقتصادی و اجتماعی را بر کشورهای رشد یابنده، بر کشورهاییکه حاکمیت ملی کسب کرده اند، ببندد. بدین منظور از محافل ارتجاعی حمایت میکند، از لغو نظامهای اجتماعی عقب مانده جلو میگیرد و میکوشد بر سر راه رشد بسوی سوسیالیسم یا راه ترقی و غیر سرمایه داری که در نظام سوسیالیستی میگشاید، ایجا د موانع و دشواری کند.

امپریالیستها بر این کشورها قرارداد های اقتصادی و پیمانهای نظامی — سیاسی ناقض حق حاکمیت آنها تحمیل مینمایند، از طرف صد و سرمایه، شرایط نابرابر در بازرگانی، بازی قیمتها و کسورس ارزها، وامها، از طریق اشکال گوناگون با اصطلاح "کمک" و تزیینات سازمانهای مالی بین المللی، این کشورها را استثمار میکنند.

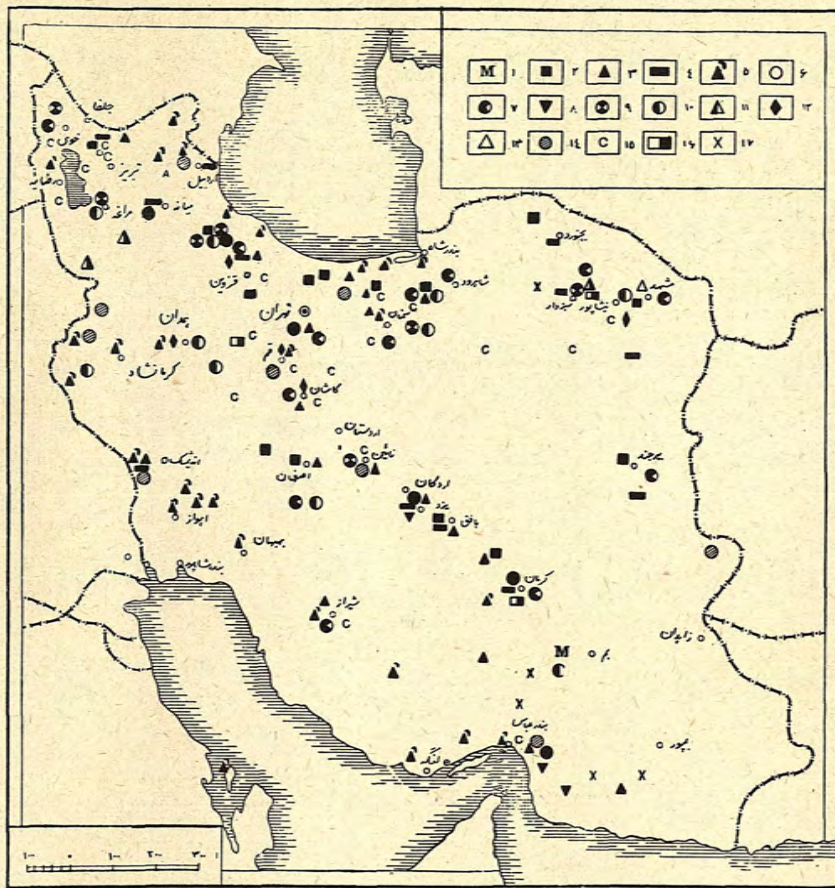
از سند تحلیلی حزب :

مضمون تحولات سالهای اخیر کشور

طی ده سال اخیر در اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشورمان تحولاتی روی داده که مضمون اساسی آن، چنانکه بارها حزب توده ی ایران اعلام داشته، عارتست از بسط مناسبات سرمایه داری در شهر و ده و زوال تدریجی مناسبات فئودالی.

تحولات مزبور ناگزیر ساختمان جامعه ی نیمه فئودال ایران را نیز دستخوش تغییراتی ساخته است که انجام یافتن و شکل گرفتن نهائی آن یاد رجه ی سرعت نفوذ و عمق رسوخ مناسبات تولیدی جدید بستگی تام دارد. بهمین جهت میتوان گفت که جامعه ی ایران اکنون بسک دوران انتقالی را طی میکند.

اقدامات اقتصادی و تدابیر اصلاحی رژیم، بویژه طی سالهای اخیر معطوف به برانگیختن وساطتی بمنظور تسریع این پروسه ی گذار، در عین حال حفظ منافع اساسی طبقات و قشرهای استثمارگر داخلی و سرمایه — داری خارجی بوده است.



- ۱- مولیدن
- ۲- زغال سنگ
- ۳- آهن
- ۴- مس
- ۵- نفت
- ۶- منگنز
- ۷- سرب
- ۸- نیکل
- ۹- انواع فلزات
- ۱۰- طلا
- ۱۱- جیوه
- ۱۲- گرافیت
- ۱۳- طلق نسوز
- ۱۴- گوگرد
- ۱۵- نمک
- ۱۶- فیروزه
- ۱۷- کرم

۲- مشخصات عمومی اقتصاد ایران

ایران از لحاظ اقتصادی کشور یست عقب مانده تولید ناخالص ملی سرانه دلایران در حدود ۳۰۰ دلار یعنی ۶-۵ بار کمتر از سطح متوسط کشورهای پیشرفته صنعتی است.
چگونگی توزیع نیروی کار میان رشته های مختلف و ترکیب تولید ملی ایران حاکی از عقب ماندگی اقتصادی این کشور و همچنین مبین عدم تناسب کامل میان رشته های مختلف فعالیت تولیدی کشور است.

عقب ماندگی
اقتصادی

توزیع نیروی کار و ترکیب تولید ملی ایران در پایان برنامه ی سوم (۱۳۴۶) *

تولید ناخالص ملی بقیمت جاری		تعداد شاغلین (۱۳۴۵)		
%	میلیارد ریال	%	هزار نفر	
۲۳٫۳	۱۲۸٫۳	۴۶٫۲	۳۱۶۹	کشاورزی
۰٫۳	۱٫۷	۰٫۳	۱۹	محصولات معدنی
۱۳٫۱	۷۲٫۲	۱۷٫۹	۱۲۳۱	محصولات صنعتی
۱۳٫۲	۷۳٫۰	۰٫۶	۴۴	نفت (سهم ایران)
۵٫۱	۲۸٫۵	۷٫۴	۵۱۰	ساختمان
۱٫۴	۷٫۹	۰٫۷	۵۲	آب و برق
۴٫۹	۲۷٫۰	۳٫۳	۲۲۴	حمل و نقل و ارتباطات
۳٫۰	۱۶٫۱	۰٫۵	۳۴	بانکداری و بیمه گری
۱۰٫۲	۵۶٫۲	۷٫۶	۵۱۸	بازرگانی
۱۰٫۷	۵۸٫۹	۷٫۸	۵۳۳	خدمات دولتی
۹٫۷	۵۳٫۳	۵٫۸	۳۹۶	خدمات خصوصی (شامل کرایه مسکن)
-	-	۱٫۹	۱۲۸	فعالیتها روشن نشده
-۱٫۹	-۱۰٫۳	-	-	اشتباهات آماری
۷٫۱	۳۹٫۳	-	-	خالص مالیاتهای غیر مستقیم
-۰٫۵	-۳٫۲	-	-	خالص درآمد عوامل تولید از خارج
-۱۰۰	۵۴۹٫۴	-۱۰۰	۲۸۵۸	جمع

* از آنجا که پایان سال ۱۳۴۶ مرحله ی معینی از رشد اقتصادی ایران (برنامه ی سوم) پایان می یابد و همچنین از آنجا که آمارهای مربوط به این دوره کاملترین آمارهای منتشره در ایران بوده و آمارهای مربوط به سالهای بعد اغلب جنبه ی تخمین دارد، در این بررسی بطور عمد به آمارهای این دوره استناد خواهد شد.

(م)

کشاورزی هم از لحاظ نیروی کار شاغل در آن و هم از لحاظ تولید ملی بزرگترین سهم را در فعالیت اقتصادی کشور دارد. بیش از ۶۱ درصد شاغلین کشور در رشته ی کشاورزی فعالیت میکنند و ۲۳٫۲ درصد تولید ملی را ایجاد میکنند. سهم کشاورزی در تولید ملی که ۵۰ درصد سهم آن از لحاظ نیروی کار است، در عین حال عقب ماندگی کامل کشاورزی ایران را نشان میدهد.

صنایع نفت که ۱۳٫۲ درصد تولید ناخالص ملی را تأمین میکند، مقام دوم را در اقتصاد کشور دارد. این امر حاکی از رشد یکجانبه ی اقتصاد صنعتی ایران و تسلط صنایع استخراجی در آنست.

صنایع تبدیلی از لحاظ نیروی کار مقام دوم (۱۷٫۹ درصد) و از لحاظ تولید مقام سوم (۱۳٫۱ درصد) را در اقتصاد کشور اشغال میکند. مقایسه ی این دو رقم بازده ناچیز این رشته ی حیاتی و بنابراین عقب ماندگی آنرا به ثبوت میرساند. اکثریت مطلق کسانیکه در صنایع بی فعالیت تولیدی مشغولند، در کارگاههای کوچک و پراکنده با ابزار دستی بتولید میپردازند و سهم نسبتا ناچیزی در تولید ملی دارند.

خدمات دولتی ۷٫۸ درصد شاغلین کشور را در خود متمرکز ساخته است و سهم آن در تولید ملی به ۱۰٫۷ درصد میرسد (*). خدمات دولتی از لحاظ نیروی کار مقام سوم و از لحاظ "تولید ملی" مقام چهارم را در کشور دارد. این ارقام حاکی از بوروکراتیزه و میلیتاریزه شدن بخش بزرگی از فعالیت اجتماعی کشور در سایه ی تسلط رژیم کنونی است.

بنابراین اقتصاد ایران، اقتصاد یست عقب مانده و مسخ شده: تولید کشاورزی در آن تسلط دارد، صنایع استخراجی (فقط نفت) در آن رشد یکجانبه یافته است، در راه صنعتی شدن کشور گامهای اولیه برداشته میشود، بوروکراتیسم و میلیتاریسم از مشخصات آنست.

اقتصاد ایران، اقتصاد یست وابسته به اقتصاد کشورهای امپریالیستی و این وابستگی عامل عده ی عقب ماندگی و مسخ شدن اقتصاد کشور است.

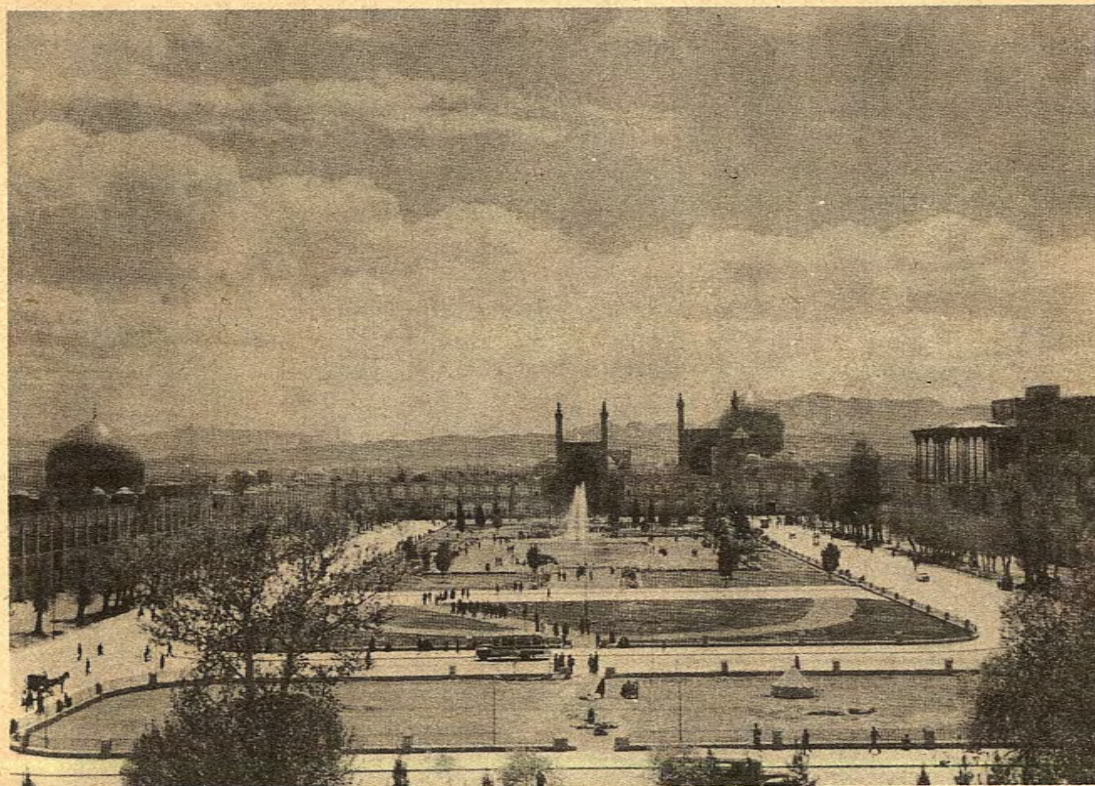
وابستگی
اقتصادی

سرنوشت تولید و فروش نفت، پرازشتترین منابع طبیعی کشف میهن ماکه سالانه در حدود ۲۱ درصد تولید داخلی کشور ما را تشکیل میدهد (**). در دست انحصارهای نفتی جهان سرمایه دار است. برای واگذاری سایر منابع طبیعی کشور ما از قبیل معادن مس و منابع جنگلی و زمینهای بکر و آبهای سد های ساخته شده به انحصارهای کشورهای امپریالیستی اقدامات وسیعی از طرف رژیم کنونی بعمل میآید.

نفوذ امپریالیسم در سایر رشته های تولیدی از قبیل صنایع و کشاورزی در حال افزایش است. خالص سرمایه گذارین و وامهای خصوصی انحصارهای خارجی از سال ۱۳۴۵ تا نیمه ی دوم سال ۱۳۴۸ به ۶۴٫۶ میلیون دلار بالغ شده است که تقریبا ۶ برابر خالص سرمایه گذارینهای خصوصی خارجی طی ۶ سال قبل از ۱۳۴۵ میباشد. اکنون در راه تشکیل کنسرسیومی از بزرگترین انحصارات امریکا برای سرمایه گذاری در رشته های پردازش گامهای عملی برداشته شده است. انحصارات خارجی و رژیم کنونی میخواهند با استفاده از منابع غنی، مواد اولیه ی فراوان، نیروی کار ارزان، بهای نازل حمل و نقل در ایران (و البته "نیات" سیاسی متکی به سرنیزه!) ایران را به پایگاه فروش اقتصادی به کشورهای همجوار مبدل سازند. گفته میشود این کنسرسیوم در نظر دارد یک میلیارد دلار در ایران سرمایه گذاری کند. برای بی بردن به اهمیت این رقم کافیست گفته شود که سرمایه گذارینهای مستقیم بخش خصوصی ایالات متحده ی امریکا در سراسر آسیا تا سال ۱۹۶۷ برابر ۴٫۳ میلیارد دلار و در سراسر

(*) خدمات دولتی نیز مانند برخی خدمات دیگر، رشته ی مولد نیست. مافقط برای نمایش وضع کنونی اقتصاد کشور باین ارقام استناد میوزیم.

(**) باتولید ملی اشتباه نشود! تولید داخلی از جمله شامل تمام ارزش افزوده ی نفت است. ولی تولید ملی فقط شامل سهم ایران از درآمد نفت است.



میدان نقش جهان اصفهان

افریقا ۲٫۲ میلیارد دلار بود. میزان این سرمایه‌گذارها در آلمان غربی تا سال ۱۹۶۸ برابر ۳٫۸ میلیارد دلار، در فرانسه ۱٫۹ و در ایتالیا ۱٫۳ میلیارد دلار بود.

عده‌ترین کشورهای سرمایه‌داری بیش از ۷۷ درصد بازاریوارداتی ایران را در دست دارند. از ویژگی‌های وابستگی بازرگانی خارجی ایران در سالهای اخیر اینست که این وابستگی که در سابق بطور عمده مربوط به کالاهای مصرفی بود، اکنون به وابستگی کامل رشته‌های تولیدی انجامیده است. رشته‌های تولیدی از لحاظ ماشین‌آلات و تجهیزات و حتی در مواردی از لحاظ مواد اولیه وابسته به صنایع کشورهای امپریالیستی هستند. در سال ۱۳۴۶ از ۲۲ میلیارد ریال بهای ماشین‌آلات و لوازم صنعتی و معدنی که در ایران سرمایه‌گذاری شد، ۲۱٫۶ میلیارد ریال یا تقریباً ۹۸ درصد آن از طریق واردات تأمین گردید. اکنون رشته‌های تولیدی در ایران بیش از پیش به زائده‌ی تولید کشورهای امپریالیستی بدل میشود و تجدید تولید کشور از قبیل تجدید تولید انحصارهای خارجی انجام میگردد.

علاوه بر آنکه وابستگی‌های اقتصادی، سیستم پولی ایران را تابع سیستم ارزی بزرگترین کشورهای امپریالیستی نموده است، به دامن‌های فعالیت سرمایه‌های خارجی در حیات مالی کشور نیز افزوده شده است. سرمایه‌های خارجی از طریق ایجاد بانکهای مختلط در رشته‌های مالی و پولی کشور نفوذ کرده‌اند و تا ۴۹ درصد سرمایه‌ی این بانکها در دست سرمایه‌گذاران خارجی است. بانکهای مختلط ۱۰ درصد سرمایه‌های پرداخت شده‌ی تمام بانکهای ایران را در دست دارند، ولی میدان عمل آنها وسیعتر از جدید سرمایه‌گذاری آنهاست، زیرا مثلاً در سال ۱۳۴۶ در حدود ۱۳٫۲ درصد تمام داراییها و ۱۲٫۴ درصد اعتبارات بخش خصوصی را در دست خود متمرکز ساخته بودند.

بودجه‌ی دولت که بخش عظیمی از درآمد ملی را مصرف میکند، بصورت مختلف وابسته به کشورهای امپریالیستی است. در برنامه‌ی چهارم از ۱۴۴ میلیارد ریال درآمد سازمان برنامه ۷۶ میلیارد ریال (۵۳ درصد) از محل درآمد‌های نفت که سرنوشت آن در دست کارتل‌های نفتی است، تأمین خواهد شد و بیش از ۲۳ میلیارد (۲۳ درصد) نیز از طریق وام‌های خارجی. یعنی ۷۶ درصد بودجه‌ی عمرانی کشور باید از قبیل "مراحم" کشورهای امپریالیستی تأمین گردد. وام‌های خارجی دولت ایران از کشورهای امپریالیستی سال به سال افزایش مییابد. دولت ایران از سال ۱۳۴۵ تا نیمه‌ی دوم سال ۱۳۴۸ جمعاً ۱۲۳۸ میلیون دلار وام دراز مدت دریافت داشته است که بیش از ۱٫۷ برابر تمام وام‌هایی است که طی ۱۲ سال قبل از ۱۳۴۵ دریافت داشته بود.

اکنون وابستگی اقتصادی کشور به دول امپریالیستی بحدی افزایش یافته که علاوه بر سرنوشت تمام اقتصاد و برنامه‌های ایران بدست کشورهای امپریالیستی افتاده است. تلاشهای پرتب و تاب محافل اقتصادی رژیم در مذاکرات آشکار و پنهان با محافل نفتی و مؤسسات مالی کشورهای امپریالیستی برای بالا بردن میزان درآمد نفت و اخذ وام‌های دولتی و جلب سرمایه‌های خصوصی وابستگی مطلق کشور را به انحصارهای خارجی به ثبوت میرساند.

نتیجه‌ی مستقیم این وابستگی، غارت درآمد ملی ماست. مطابق آمارهای رسمی فقط طی سالهای ۱۳۴۶-۱۳۴۱ یعنی در ظرف شش سال مبلغ ۲۱۷ میلیارد ریال از درآمد ملی ما بصورت مختلف بدست انحصارهای خارجی از کشور ما خارج شده است. این رقم بیش از ۸ درصد تولید داخلی کشور ما، ۲۵ درصد بیش از سرمایه‌گذارهای ثابت بخش دولتی و تقریباً ۵۰ درصد تمام سرمایه‌گذارهای ثابت داخلی کشور در این مدت است. حال چگونه میتوان از نتایج مثبت اینگونه مناسبات اقتصادی و بازرگانی یا به عبارت دقیقتر اینگونه وابستگی برای رشد اقتصادی کشور صحبت داشت؟

نتیجه‌ی مستقیم دیگر این وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی کشور به سیاست‌ها و استراتژی جهانی کشورهای عده‌ی امپریالیستی است. شرکت در پیمانهای نظامی، همکاری با امپریالیسم و همگامی با آنتی‌کمونیسم بین‌المللی از مشخصات سیاست خارجی دولت ایرانست که به پیروی از

استراتژی جهانی دول امپریالیستی و برای حفظ منافع رژیم کنونی و پایگاههای اجتماعی آن اعمال میگردد.
البته، ایران اکنون دیگر فقط آماج سیاست های امپریالیستی نیست، بلکه رژیم حاکم بر آن خود در اجرای استراتژی جهانی کشورهای
عده ی امپریالیستی هم در داخل کشور و هم در خارج از مرزهای آن نقش فعال بعهده گرفته است. و این امر خصلت ضد ملی و ارتجاعی سیاست
خارجی رژیم راشدین را در بر میگیرد (*).

میلیتاریزه شدن اقتصاد ایران را نباید به معنای کلاسیک آن فهمید. سطح رشد صنایع ایران چنان نیست که بتواند
میلیتاریزه باتوسعه ی صنایع نظامی اقتصاد خود را میلیتاریزه کند. میلیتاریزه شدن اقتصاد ایران از طریق افزایش بودجه ی
شدن نظامی دولت که از لحاظ مالی نیرومندترین بخش اقتصاد کشور بوده و در حدود ۴۰ درصد تولید ملی را بصورت مختلف
در دست خود متمرکز کرده است، انجام میگردد. و این امر از عواقب وابستگی اقتصادی و سیاسی رژیم کنونی —
امپریالیسم جهانی است. از ۱۴۱ میلیارد ریال بودجه ی عادی کشور در سال ۱۳۴۹ در حدود ۵۱ میلیارد ریال یعنی بیش از ۳۶ درصد
صرف امور نظامی خواهد شد. بودجه ی نظامی ایران بیش از ۶ درصد تولید ملی کشور است. برای مقایسه، ذکر این نکته را لازم میدانیم که هزینه ها
نظامی تمام کشورهای رشد یافته ی جهان سرمایه داری (۶۱ درصد تولید ملی آنانست و از جمله در اروپای غربی ۴۳ درصد و در ایالات متحده ی
امریکا ۸۵ درصد. در ارتش ایران در سال ۱۳۴۷ در حدود ۲۲۱ هزار نفر خدمت میکردند (در نیروهای زمینی ۲۰۰ هزار نفر، در نیروی هوایی
۱۵ هزار نفر و در نیروی دریایی ۶ هزار نفر).

علاوه بر هزینه های مستقیم نظامی، بخش بزرگی از هزینه های دیگر دولت، بخصوص هزینه های سنگین آن در رشته ی حمل و نقل و ارتباطات
در راه امور نظامی مصرف میشود. ایجاد شبکه ی وسیعی از فرودگاههای بزرگ و دستگاههای نیرومند مخابراتی و ارتباطی بطور عده برای ایجاد
انفرا استرکچر نظامی انجام میگردد.

نظامی کردن اقتصاد دولت فقط بمنظور سرکوب جنبشهای داخلی نیست، بلکه هدفهای وسیعتری از جمله مقاصد سیطره جهانیه در خلیج
فارس، کمک به تحکیم مواضع امپریالیسم در این منطقه بدست نیروهای محلی و مقابله با جنبشهای آزاد بخش ملی در کشورهای همجوار را نیز
تعقیب میکند.

اقتصاد ایران در راه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم رشد میکند. این راهیست که هم منافع رژیم کنونی و طبقات و
راه رشد قشرهای حاکم بر ایران و هم منافع اقتصادی و استراتژیک امپریالیسم جهانی را تأمین میکند. تمام سیاست اجتماعی
اقتصادی و مالی دولت در چند سال اخیر در جهت تسریع رشد سرمایه داری و پیوند دادن منافع سرمایه داران
بزرگ داخلی با منافع انحصارهای خارجی عمل کرده است.

اصلاحات ارضی نخستین گام بزرگ اجتماعی برای تسریع رشد سرمایه داری در ایران بود. در روستای ایران غیرم تسلط مناسبات ارباب — رعیتی و
حتی تا حدی در روستای این مناسبات قشرهای نسبتاً وسیع و نیرومندی از بورژوازی خرد و متوسط و کلان بوجود آمده بود که فقط از طریق استثمار
کارگران روستائی فاقد وسایل تولید میتوانند بهره برداری از زمینهای تحت اختیار خود بپزدازند. مطابق آمارهای تخمینی سال ۱۳۳۹، در
آستان اصلاحات ارضی خانوارهایی که بیش از ۱۰ هکتار زمین در اختیار داشتند ۱۸-۱۷ درصد تمام خانوارهای بهره بردار با زمین رانشکی —
میدادند و در حدود ۶۰-۵۵ درصد تمام اراضی مورد بهره برداری را در اختیار داشتند. باید یادآور شویم که حق بهره برداری از زمین بمعنای

(* در زمینه ی همین بحث رجوع کنید به بررسی مربوط به پایگاههای امپریالیسم در ایران در همین سالنامه.

مالکیت بر آن نیست. چنانکه اتمام زمینهای مورد بهره برداری فقط ۲۸ درصد تحت مالکیت بهره برداران بوده و مابقی بصورت مزارعه و یا اجاره ی عادی در دست بهره برداران قرار داشت (۶۲٫۲ درصد بصورت مزارعه و ۹٫۴ درصد بصورت اجاره ی عادی). این قشرهای بورژوازی مناسبی مبتنی بر مزارعه و اجاره ی عادی را هم بچلفت پرداخت بهره ی مالکانه که بخشی از درآمد آنان را نصیب مالک زمین میکرد و هم بعلت وجود مالکیت های بزرگ اربابی و تسلط حق نسق که شکل حقوقی سنتی برای بهره برداری از زمین اربابی بود و مانع انتقال آزاد تر و وسیع تر زمین به آنها میگردد، سد راه پیشرفت سریع خود میدانستند. خواسته های سود جو یانه ی این قشرها با تقاضاهای طبیعی و مبارزات حقیقی اکثریت مطلق دهقانان کم زمین (۷۲-۷۳ درصد تمام خانوارهای بهره بردار با زمین) و یاکارگران کشاورزی فاقد زمین (که تعداد آنان در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۷۹۰ هزار نفر بالغ میگردد) برای بدست آوردن قطعه ی کوچکی زمین و همچنین مقتضیات رشد سرمایه داری در شهرکه امکان و توان بیشتری برای توسعه یافته بود و قشرهای معینی از سرمایه داران را برای توسعه ی بازار داخلی در برانداختن نظام کهنه در روستا ذینفع میساخت، همراه با مجموعه ی اوضاع اجتماعی و سیاسی داخلی و عوامل سیاسی و اقتصادی خارجی مؤثر در ایران مسئله ی پایان دادن به نظام ارباب - رعیتی را در دستور روز قرار داده بود. برانداختن نظام فئودالی یا نیمه فئودالی از وظایفی است که سرمایه داری همیشه دیر یا زود ناگزیر به انجام آن بوده است. در شرایط ما آنچه دارای اهمیت اساسی است، برانداختن این قبیل مناسبات نیست، بلکه چگونگی مناسباتی که جانشین مناسبات کهنه میگردد، و خاتمه اهمیت عده است. رژیم کنونی نظام منحوس سرمایه داری را جانشین نظام پوسیده ی ارباب - رعیتی میسازد.

اقدامات ناپیکر و مخدوش دولت در راه اصلاحات اداری و آموزشی و بهداشتی و برخی اصلاحات اجتماعی دیگر همگی بمنظور ایجاد شرایط اجتماعی مساعد تر برای تسریع رشد سرمایه داری در ایران انجام میگردد.

در زمینه ی اقتصادی نیز دولت بوسایل گوناگون به بسط سرمایه داری و بویژه به تقویت بیش از پیش سرمایه داری بزرگ و وابسته به امپریالیسم کمک میکند. ایجاد شرکت های سهامی زراعی و واحد های کشت و صنعت در روستا، تشویق سرمایه گذارهای بزرگ از راه تشکیل شرکت های سهامی و بخصوص شرکت های سهامی عمومی، تشویق و جلب سرمایه های خصوصی خارجی برای ایجاد مؤسسات مختلط ایرانی و خارجی (کمپرادوریز کردن صنایع داخلی)، ادغام اطاقهای بازرگانی و صنایع و معادن برای ایجاد هماهنگی میان این دو بخش رقیب و اقدامات دیگری که در این زمینه انجام میگردد همگی در جهت اجرای این سیاست استراتژیک دولت است. بودجه ی چند میلیاردي دولت در خدمت این هدف قرار گرفته است. اعطای اعتبارات و وامهای بزرگ دراز مدت، قائل شدن امتیازات مالیاتی و بخشودگیهای گمرکی، فراهم آوردن تسهیلات فراوان برای شرکت های سهامی بزرگ، دادن کمکها و راهنمایی های فنی، ایجاد شرایط مساعد بی نظیر برای سرمایه های خارجی و غیره اقدامات و تدابیر مشخصی است که دولت برای توسعه و پیشرفت سرمایه های بزرگ داخلی و خارجی در ایران انجام میدهد.

نقش اقتصاد دولتی

سرمایه داری دولتی در ایران نقش بزرگی در اقتصاد کشور دارد. طی ۸ سال ۱۳۴۵-۱۳۳۸ میزان سرمایه گذاری - های ثابت بخش دولتی ۱۹۳٫۴ میلیارد ریال یا بیش از ۳۵ درصد مجموع سرمایه گذارهای ثابت کشور بود. در برنامه ی چهارم از ۸۱۰ میلیارد ریال سرمایه گذارهای ثابت ۴۴۳٫۵ میلیارد یا تقریباً ۵۵ درصد از طرف دولت انجام خواهد گرفت.

ولی نقش دولت در تولید مادی متناسب با میزان سرمایه گذارهای آن نیست. زیرا قیمت عظیم سرمایه گذارهای دولت برای ایجاد انفراسترکچر انجام میگردد. سرمایه گذارهای دولت بیشتر در رشته های است که برای پیشرفت کار بخش خصوصی ضرور بوده ولی اقدام بدان فعلاً بصره ی سرمایه داران خصوصی نیست. مقایسه ی چگونگی سرمایه گذارهای بخش خصوصی و بخش دولتی در رشته های مختلف طی برنامه ی چهارم این حقیقت را نشان میدهد.

سرمایه گذاری ثابت بخش‌های خصوصی و دولتی طی برنامه چهارم
(به میلیارد ریال)

جمع	بخش دولتی	بخش خصوصی	
۶۶۱	۲۵۰	۴۱۱	کشاورزی
۲۰۷۰	۸۱۷	۱۲۰۳	صنایع و معادن
۹۴۶	۴۲۳	۵۲۳	نفت و گاز
۹۹۶	۹۸۴	۱۲	آب و برق
۱۰۵۵	۸۵۵	۲۰۰	ارتباطات و حمل و نقل
۲۷۸	۲۷۸	-	مخابرات
۳۱۱	۲۵۸	۵۳	عمران دهات و شهرها
۸۶۵	۲۰۱	۶۶۴	ساختمان و مسکن
۹۱۸	۳۱۹	۵۹۹	سایر سرمایه گذاریها
۸۱۰۰	۴۴۳۰	۳۶۶۰	جمع کل

بطوریکه ارقام مندرجه در جدول نشان میدهد، دولت در رشته‌های پرهزینه‌ای مانند ارتباطات و حمل و نقل و مخابرات و عمران دهات و شهرها و آب و برق که در عین حال شرایط مساعد برای فعالیت بخش خصوصی فراهم می‌آورد ۲۳۷ میلیارد ریال (بیش از ۵۳ درصد تمام سرمایه گذاریهای دولت) سرمایه گذاری خواهد کرد. سرمایه گذاری دولت در رشته‌های کشاورزی نیز بطور عمده برای ایجاد شرایط لازم برای سرمایه‌گذاریهای خصوصی خواهد بود و نه برای شرکت مستقیم در تولید کشاورزی.

علاوه بر این میزان سرمایه گذاریهای دولتی بعلافت سنگینی هزینه‌های نظامی و اداری و گذشتنهای مالیاتی بسمایه داران، کمتراز امکانات واقعی است. چنانکه از ۲۷۲ میلیارد ریال بودجه‌های عادی و عمرانی دولت در سال

۱۳۲۹ فقط ۱۴۴ میلیارد ریال سهم سازمان برنامه خواهد بود که تازه ۳۳ میلیارد ریال آن از طریق وام‌های خارجی و ۳۲۷ میلیارد ریال نیز از راه وام‌های داخلی تأمین خواهد شد. یعنی در واقع دولت فقط ۷۸ میلیارد ریال از محل درآمد‌های واقعی خود که ۷۶ میلیارد آن نیز از محل درآمد نفت است، صرف سرمایه گذاری و امور عمرانی خواهد کرد. در عین حال هزینه‌های اداری و نظامی دولت به ۷۷ میلیارد ریال بالغ میگردد که در حدود هزینه‌های اقتصاد کشور است. در واقع اگر دولت از درآمد نفت بهره‌مند نبود، برای سرمایه گذاری دولتی هیچگونه امکانی در دست نداشت. بطوریکه میدانیم در کشورهای نظیر هند و استرالیا که از درآمد‌های استثنائی نظیر درآمد نفت محروم هستند، دولت سالانه مبلغ هنگفتی از درآمد‌های عادی خود را سرمایه گذاری میکند و بخش دولتی در آنها وزن قابل ملاحظه‌ای بدست آورده است.

پائین بودن سطح مالیاتهای مستقیم در ایران که فقط به ۱۷ درصد تولید ملی بالغ میشود و در واقع گزشتی بسود درآمد‌های بزرگ میباشد یکی دیگر از عواملی است که امکان دولت را در سرمایه گذاری محدود میسازد. مالیاتهای مستقیم یکی از منابع عمده درآمد دولت در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی است. این نوع مالیاتها به ۱۹ درصد تولید ملی در آمریکا، ۱۷ درصد تولید ملی در انگلستان و ۱۶ درصد تولید ملی در فرانسه بالغ میشوند. فقط دسترسی به منابع استثنائی درآمد نفت باعث شده است که دولت ایران از یکی از منابع عادی درآمد‌های دولتی کشورهای سرمایه داری بنبغ ثروتمندان کشور تقریباً چشم‌پوشد.

شرکت مستقیم دولت در امور تولیدی علی‌الاصول در رشته‌هاییست که بخش خصوصی قادر و یا بعلافت مایل ب سرمایه گذاری در آن نباشد.

سرمایه گذاری نسبتاً هنگفت دولت در رشته‌ی صنایع و معادن در برنامه‌ی چهارم به طاعت ایجاد صنایع سنگین از قبیل ذوب آهن و ماشین سازی و پتروشیمی است که بخش خصوصی فعلاً از عهده‌ی آن بر نمی‌آید.

دولت ایران حتی از سال ۱۳۴۱ بفروش کارخانه‌های موجود خود اقدام نمود. رژیم کنونی برای تقویت بیشتر بخش خصوصی در اوایل سال ۱۳۴۸ تصمیمات تازه‌ای اتخاذ کرد که مطابق آن "دولت جز در موارد معین مستقلاً سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. سرمایه‌گذارانهای صنعتی دولت مشترکاً با بخش خصوصی انجام خواهد گرفت" و "در این سرمایه‌گذارانها اکثریت سهام به بخش خصوصی واگذار خواهد شد".

دولت ایران با سیاست اقتصادی و مالی و همچنین از طریق سرمایه‌گذارانهای مستقیم خود نقش مؤثری در رشد اقتصادی کشور ایفا می‌کند. اکنون برای هماهنگ ساختن فعالیت‌های اقتصادی و مالی دولت و ارشاد مجموعه‌ی اقتصاد و امور مالی کشور برنامه‌هایی تنظیم و مرحله‌ی اجرا را گذارد. میشود.

برنامه‌های عراقی که شامل خطوط کلی جوانب کیفی رشد اقتصادی کشور و پیش‌بینی مشخص جوانب کمی برخی از عوامل این رشد است، منعکس کننده‌ی اهداف اقتصادی و اجتماعی و شیوه‌های ارشاد دولت در نایل به این هدف است.

برنامه‌ی ریزی در ایران مراحل چندی را طی کرده است. برنامه‌های اول و دوم که شامل بخش خصوصی نبود و به مسائل عمومی اقتصاد کشور توجه نداشت، فقط متضمن طرح‌های معینی بود که با سرمایه‌گذاری دولت میبایست مرحله‌ی اجرا را درآید.

برنامه‌های سوم و چهارم تمام اقتصاد کشور و از جمله بخش خصوصی را در بر میگیرد و از سال ۱۳۴۴ در کار تنظیم بود که نیز تغییرات جدی بعمل آمده و نحوه‌ی تنظیم بودجه با حواشی برنامه‌ریزی هماهنگ شده است. در تنظیم برنامه‌ی سوم اولین بار از الگوهای اکونومیتری ساده و ابتدایی هارود - دور برای تعیین تناسبات لازم میان نرخ انباشت، ضریب سرمایه، آهنگ رشد جمعیت و آهنگ رشد درآمد ملی استفاده شده بود. ولی در این برنامه مسئله‌ی اساسی ایجاد تعادل و هماهنگی میان رشته‌های تولیدی و توزیع نیروی انسانی مورد توجه قرار نگرفته بود. در برنامه‌ی چهارم که بر پایه الگوهای بخرنجتری تنظیم شده و از محاسبات مربوط به تعادل نهائی مصرف و پس‌انداز و غیره و ضریب کشش تقاضاهای کالاها و خدمات مختلف استفاده گردید، میزان رشد و چگونگی تناسبات میان رشته‌های مختلف تولیدی و توزیع نیروی کار نیز پیش‌بینی شده است. اکنون برای استفاده از جدول روابط میان رشته‌ها و بخش‌های تولیدی که به جدول صادرات و واردات و یا جدول داده‌ها و ستادهای لیونیف شهرت دارد و در بهبود کار برنامه‌ریزی مؤثر است، کوششهای پراکنده بعمل می‌آید. ولی بهبود تکنیک ریزی و استفاده از فرمولهای ریاضی، هر قدر هم به استحکام برنامه‌ها و دقت ریاضی آنها بیفزاید، تا می‌چند آن در عملی بودن این برنامه‌ها نخواهد داشت، زیرا رمز اساسی در شرایط اجتماعی اجرای این برنامه‌ها نهفته است و نه در دقت ریاضی تنظیم آنها.

با اینکه برنامه‌های ایران بتصویب قوای مقننه میرسد، یعنی جنبه‌ی قانونی و حتی الاجرا پیدا میکند، جز در بخش دولتی که تا حدودی این برنامه‌ها جنبه‌ی دیرکتیو دارند، فقط خصلت راهنما و ارشادی و باصلاح اقتصاد دانان بورژوازی جنبه "اندیکاتیو" دارند. زیرا بخش خصوصی را نمیتوان با اجرای این یا آن طرح موظف ساخت. دولت فقط با استفاده از اهرمهای اقتصادی نظیر سیاستهای مالیاتی و گمرکی و اعتباری و پولی و بانکهای مستقیم و با سرمایه‌گذارانهای خود میتواند بخش خصوصی را بطور غیرمستقیم در جهت مورد نظر خود سوق دهد و نتایج این کار نیز نسبی است.

دولت ایران برای انتظام امور اقتصادی بخش خصوصی به برخی تدابیر صرفاً اداری نیز متوسل میشود که اجازه‌ی صدور پروانه‌ی تأسیسات و یا پروانه‌ی بهره‌برداری از آنها و نیز ایجاد آزادی و یا ممنوعیت‌های قانونی برای وارد کردن برخی کالاها از اهم این تدابیر است. ولی نتایج مثبت احتمالی این قبیل تدابیر اداری نیز در اثر تضادهای موجود میان صاحبان صنایع و بازرگانان واردکننده و یار داخل هر یک از این

رشته ها که بصور مختلف در دستگاهاى دولتى نيز منعكس ميشود و بصورت تصميمات خلق الساعه و متضاد و تغييرات دائمى در اين تصميمات متظاهر ميشود ، تاحدود زيادى ختنى ميگردد . اين عامل ذهنى نه تنها به هرج و مرج و تضاد هاى ناشى از قوانين رشد اقتصادى سرمايه دارى پايان نمى بخشد ، بلكه خود تاحدودى بشدت آن مى افزايد .

پيش بينى هاى برنامه ها در مورد بخش دولتى نيز هميشه در جهت مورد نظر دولت قابل اجرا نيست ، زيرا سرمايه گذارهاى دولت بميزان زياد به وامهاى داخلى و خارجى و بطور كللى بوضع عمومى اقتصاد كشور وابسته است . در ماهها و سالهاى كه در نتيجه ي تشديد فعاليت بخش خصوصى آثار تورمى پديد مى آيد ، دولت از ميزان سرمايه گذارهاى خود ميكاهد و برعكس در دوران تخفيف فعاليت بخش خصوصى براى ايجاد تحرك بيشتري در اقتصاد سرمايه گذارهاى خود ميفزايد . يعنى سرمايه گذارهاى دولت عملاً تابعى است از وضع عمومى اقتصاد كشور و بويژه از فعاليت بخش خصوصى . و اين يكى از مشخصات عمومى برنامه ريزى در كشورهاى سرمايه دارى است . تنظيم اقتصاد كشور زمانى انجام ميگيرد كه رشد ادوارى اقتصاد بيكى از مراحل نهايى خود - ركود يارونق تهديد كننده نزد يك شده باشد .

تغييرات مكررى كه در برنامه هاى دوم و سوم وارد شد و با افزايش سرمايه گذارهاى بخش خصوصى تاد و برابر ميزان پيش بينى شده در برنامه ي سوم حاكى براين امر است .

با اينهمه نبايد از اهميت على برنامه ريزى در ايران كاست . اين برنامه ها حاكى از داشتن هدف و كوشش در راه رسيدن ب اين هدف است و دولت نيز با استفاده از امكانات مالى و اهرمهاى اقتصادى خود ميتواند مجموعه ي اقتصاد كشور را با وجود نوسانات و ناهماهنگى هاى گاه شديده گاه خفيف در جهت مورد نظر خود سوق دهد .

اقتصاد ايران در سالهاى اخير از تحرك نسبتاً قابل ملاحظه اى برخوردار است . توليد ناخالص مى در دوره ي برنامه

آهنگ رشد	سوم بطور متوسط ۸٫۵ درصد در سال	افزايش يافته و در سالهاى بعد نيز آهنگى بيش از ۸ درصد در سال داشته
اقتصادى	است .	

افزايش توليد مى در دوره ي اول بحساب افزايش در آمد نفت (۱۳٫۴ درصد در سال) و خدمات دولتى (۱۴٫۸

درصد در سال) و مالياتهاى غير مستقيم (۱۳٫۱ درصد در سال) انجام گرفته است .

افزايش سريعتر در آمد نفت نسبت به تمام اقتصاد كشور وابستگى مبين ما را به اقتصاد نفت و بالنتيجه به انحصارهاى امپرياليستى افزايش داده است . سهم در آمد نفت در توليد ناخالص مى از ۱۳٪ در آغاز برنامه ي سوم به ۱۵٫۲ درصد در پايان آن افزايش يافت .

افزايش سريع خدمات دولتى و مالياتهاى غير مستقيم نيز كه بمعناى افزايش توليد مادى جامعه نيست حاكى از تورم دستگاها ادارى و نظامى و تشديد فشار بر توده هاى زحمتکش است .

رشد کشاورزى ايران با آهنگى سريع انجام نميگيرد . چنانكه در دوره ي برنامه ي سوم بطور متوسط ۴٫۶ درصد در سال افزايش داشت كه كمتراز ميزان پيش بينى شده در برنامه بود .

صنایع داراى رشد نسبتاً سريعى است و آهنگ سالانه ي آن طى برنامه ي سوم ۱۱٫۲ درصد بود ، و در سالهاى بعد نيز بطور متوسط

رشدى بيش از ۱۰ درصد داشت . رشد صنايع ايران تاكنون بطور عمده بحساب صنايع توليد كننده ي وسائل مصرفى انجام گرفته است . آب و برق از متحرك ترين رشته هاى اقتصاد كشور است . آهنگ متوسط رشد آن طى برنامه ي سوم تقريباً ۲۴ درصد در سال بود . طى

اين برنامه وزن مخصوص اين رشته از ۷٫۰ درصد به ۱۷٫۰ درصد بالا رفت .

بانكدارى و بيمه گرى نيز در اين مدت از رشد سريع برخوردار بود (۱۳٫۲ درصد در سال) . ساير رشته هاى فعاليت اقتصادى جز حمل

و نقل از رشدی در حدود مجموعه‌ی اقتصاد ملی برخوردار می‌شوند. رشد متوسط رشته‌ی حمل و نقل ۳٫۶ درصد در سال بوده که بارشد تولید ناخالص ملی (۸٫۵ درصد در سال) متناسب نیست. علت اصلی این امر آنست که خدمات دولتی و مالیاتهای غیرمستقیم، بطوریکه در بالا اشاره کردیم، در افزایش تولید ملی سهم قابل توجهی داشته‌اند و چون این دو در تولید مادی شرکت ندارند، لذا در افزایش حجم کاروسائط نقلیه نمیتوانسته‌اند مؤثر باشند.

اقتصاد ایران با آهنگی ناموزون رشد مییابد. چنانکه طی برنامه‌ی سوم رشد سالانه‌ی تولید ناخالص ملی میان ۴٫۶ درصد و ۱۲٫۱ درصد نوسان داشت. این ناموزونی زیان جدی به اقتصاد کشور وارد میسازد.

رشد نسبتاً سریع اقتصاد ایران در سالهای اخیر معلول افزایش سریع سرمایه‌گذاریهای کشورهای کشور بود. سرمایه‌گذارهای ثابت از ۱۵٫۳ درصد تولید ناخالص ملی در آغاز برنامه‌ی سوم به ۲۲٫۳ درصد آن در پایان دوره‌ی برنامه رسید. در برنامه‌ی چهارم نیز که رشدی برابر ۹ درصد برای مجموعه‌ی اقتصاد کشور پیش بینی شده است، میزان سرمایه‌گذارها به ۲۵ درصد تولید ملی افزایش خواهد یافت.

افزایش سریع میزان سرمایه‌گذارها که در عین حال توانم‌یافزایش سریع هزینه‌های مصرفی دولت بود (۱۵٫۴ درصد در سال) باعث گردید که سهم هزینه‌های مصرفی خصوصی از ۷۱٫۶ درصد تولید ملی در سال ۱۳۴۱ به ۶۴٫۸ درصد آن در سال ۱۳۴۶ کاهش یابد. در جامعه‌ی طبقاتی ایران این کاهش بدون شک بحساب توده‌های زحمتکش بوده است. در برنامه‌ی چهارم نیز این گرایش حفظ خواهد شد. یعنی از رشد نسبی اقتصاد ایران در دوره‌ی اول طبقات و قشرهای ثروتمند کشور بهره‌میرند و سهم ناچیزی از آن نصیب زحمتکشان ایران میگردد.

ایران برای رشد سریعتر و همه‌جانبه و هماهنگ اقتصاد خود امکانات وسیعی در اختیار دارد. غارت منابع طبیعی ما بوسیله‌ی امپریالیسم هزینه‌های سنگین اداری و نظامی، توزیع غیرعادلانه‌ی درآمد ملی که مشوق مصارف تجملی اقلیت ناچیز ثروتمندان بزرگ میگردد - عوامل بعدی‌ای هستند که مانع استفاده از امکانات واقعی کشور برای رشد سریعتر اقتصادی و اجتماعی بسود زحمتکشان ایران میگردد.

بسط روابط بازرگانی کشورهای سوسیالیستی با ایران و بویژه گسترش دامنه‌ی همکاریهای اقتصادی و فنی این کشورها و نقش کشورهای سوسیالیستی در رده‌ی اول اتحاد شوروی به ایران تحولی کیفی در چگونگی روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با کشورهای خارجی و مرحله‌ی نوینی در رشد اقتصادی کشور پدید آورد.

مناسبات اقتصادی و بازرگانی کشورهای سوسیالیستی با ایران، برخلاف مناسبات کشورهای امپریالیستی بر پایه‌ی برابری حقوق، احترام بحق حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی کشور مبتنی است و با قید و شرط‌های سیاسی و نظامی اقتصادی همراه نیست. این مناسبات از لحاظ اقتصادی نیز کاملاً بصره‌ی ایرانست. زیرا برخلاف بازارهای کشورهای امپریالیستی، بازاری وسیع و استوار و مصون از توسانات داعمی بازار جهان سرمایه‌داری برای کالاها‌ی ایران فراهم می‌آورد.

اعتبارات مالی ناشی از این مناسبات با شرایط بسیار سهل و در درجه‌ی اول با بهره‌ی نازل و اگذار می‌شود (۳-۲٫۵ درصد). با زپرد اصل و بهره‌ی وامها به ارز داخلی و آنهم بوسیله‌ی فروش کالا انجام میگیرد. بهره‌ی دریافتی کشورهای سوسیالیستی بابت وامهای اعطائی آنان از ۳ درصد در سال تجاوز نمیکند. میزان این بهره برابر بارقمی است که چند سال پیش در کنفرانس ژنو بتصویب تمام کشورهای "جهان سوم" و کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانس رسید و فقط ایالات متحده‌ی آمریکا بان راجحی مخالف داد و کشورهای اروپای غربی و "نماینندگان" کره‌ی جنوبی و ویتنام جنوبی به راجحی معتنع اکتفا کردند.

بهره‌ی دریافتی کشورهای سوسیالیستی هرگز بمعنای بهره‌کشی و نزول خواری نبوده، بلکه کاملاً ناشی از مکانیسم درونی پروسه‌های اقتصادی است. مثلاً اتحاد شوروی طی سالهای ۱۹۶۵-۱۹۵۸ در برابر هر روبل سرمایه‌گذاری در داخل کشور خود سالانه در حدود ۲۵٪ روبل



(۱۹)

آرامگاه سعدی شاعر و نویسنده ی سترگ ایران

به درآمد ملی خود افزود. است. یعنی سرمایه‌گذاریهای داخلی شوروی عملاً ۲۵٪ "بهره" نصیب زحمتکشان این کشور کرده است. اعطای بدون "بهره"ی هر روبل وام بایران (بایه هر کشور دیگر) بمعنای گذشت مردم شوروی از ۲۵٪ روبل درآمد ملی خود خواهد بود. و اگر استهلاك این سرمایه را ده سال فرض کنیم، در اینصورت مردم شوروی باید سالانه از ۲۳ درصد "بهره"ی این سرمایه‌گذاری چشم‌پوشند. و چون بخش معینی از سرمایه‌گذاریهای اتحاد شوروی در رشته‌های غیرمولد (خانه‌سازی و ایجاد مؤسسات فرهنگی و بهداشتی و غیره) انجام میگیرد، عملاً "بهره"ی یک روبل سرمایه‌ی مولد به ۳۲ درصد در سال بالغ میشود. بنابراین، این نوع "بهره" در واقع معنای جبران بخشی از ارزش نوئی است که زحمتکشان شوروی تولید میکنند. دولت شوروی نه فقط به برخی از کشورهای نظیر هیتلر و کما و غیره اعتبارات بدون بهره واگذار میکند، بلکه وسایل مادی و مالی فراوان به صورت کمکهای بلاعوض در اختیار این قبیل کشورها میگذارد.

کشورهای سوسیالیستی در مالکیت و سوزموسساتی که بکمک آنان ایجاد میشود، شرکت ندارند. بنابراین اعتباراتی که این کشورها به دولت ایران واگذار میکنند، هرگز خصلت سرمایه‌گذاری و سودجویی ندارند (گو اینکه تقسیم‌کاری بین المللی مبتنی بر اصول طمی در موارد معینی همکاری نزدیکتر بر پایه‌ی سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری مشترک از مؤسسات تولیدی را در مقیاس بین المللی ایجاب میکند).

همکارهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی در وهله‌ی اول متوجه ایجاد رشته‌های تولیدی و بخصوص صنایع سنگین در ایرانست. بنیادگذاری صنایع بزرگ تولیدکننده‌ی وسایل تولید در ایران که استرکتور صنایع و مجموعه‌ی اقتصاد کشور را متحول میسازد، فقط در پرتو همکاری کشورهای سوسیالیستی انجام گرفت. همکاری کشورهای سوسیالیستی بر این اندیشه‌ی تبهکارانه‌ی محافل امپریالیستی و مدافعین داخلی آنان که گویا ایران نمیتواند و نباید در راه صنعتی شدن واقعی گام بردارد، خط بطلان کشید و راه تازه‌ای برای پیشرفت اقتصادی کشور ما گشود.

تا سیم مجتمع صنایع فلزسازی در اصفهان، فراهم آوردن وسایل بهره‌برداری از معادن آهن و زغال سنگ در کرمان، ایجاد کارخانه‌های ماشین‌سازی و ترانکتورسازی در تبریز و اراک، احداث سد و نیروگاه برارس، همکاری نزدیک در ساختمان شاه‌لوله‌ی گاز ایران، کمکهای فنی و مالی برای بهره‌برداری از منابع جنگلی کشور، همکاری مؤثر در اکتشاف معادن، اعطای اعتبارات دراز مدت با شرایط مساعد و بی‌سابقه برای ایران، خرید گاز و نفت و محصولات صنعتی که تحویل در امستروکتور صادرات ایران بوجود میآورد و بسیاری اقدامات و کمکهای دیگر برای بهره‌برداری ثمربخش از منابع طبیعی و نیروهای انسانی کشور - همگی هدف و سمت این روابط را بخوبی آشکار میسازند.

کشورهای سوسیالیستی با ارائه‌ی نمونه‌های زنده و مشخص از چگونگی مناسبات کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در حال رشد جبهه‌ی تازه‌ای برای نبرد جهانی با امپریالیسم گشوده‌اند. کشورهای سوسیالیستی برای تحقق این اندیشه‌ی لنینی که سوسیالیسم به نیروی سیاست اقتصادی‌ی خویش تا "بیرنده‌ی خود را در سیر انقلاب جهانی اعمال میکند، گامهای جدی برداشته‌اند. کشورهای سوسیالیستی با همکاریهای خود به تسلط مطلق انحصارهای امپریالیستی در کشورهای "جهان سوم" پایان می‌بخشند و برای برانداختن نفوذ امپریالیسم در این کشورها شرایط مادی و محیط مساعد بوجود می‌آورند. برانداختن نهائی تسلط امپریالیسم در هر کشور، بیش از همه وظیفه‌ی مبارزان انقلابی این کشورهاست.

۳- وضع رشته های اساسی فعالیت اقتصادی کشور

اینک پس از تشریح اجمالی مشخصات عمومی اقتصاد کشور به بررسی مختصر برخی از رشته های اساسی فعالیت اقتصادی میپردازیم.
کشاورزی بزرگترین و درعین حال عقب مانده ترین رشته ی تولیدی در اقتصاد کشور است. ۴۶٪ شاغلین کشور در رشته ی کشاورزی فعالیت میکنند و در حدود ۲۳٪ تولید ناخالص ملی در این رشته ایجاد میشود.
در آمار ایران به پیروی از طبقه بندی رشته های تولیدی از طرف سازمان ملل، کشاورزی شامل زراعت، دامپروری، جنگلداری و ماهیگیری میشود. سهم هر یک از این گروهها در ارزش افزوده ی رشته ی کشاورزی بشرح زیر است:

ارزش افزوده ی فرآورده های کشاورزی در سال ۱۳۴۶
(به قیمت جاری)

درصد	میلیارد ریال	
۵۸٫۸	۶۹٫۱	زراعت
۴۰٫۱	۵۸٫۰	دامپروری
۰٫۸	۰٫۸	جنگلداری
۰٫۳	۰٫۴	ماهیگیری
۱۰۰-	۱۲۸٫۳	جمع

بطوریکه از ارقام جدول برمیآید، زراعت و دامپروری بخش عمده ی تولید کشاورزی را تأمین میکنند و جنگلداری و ماهیگیری با وجود امکانات وسیع سهم ناچیزی در تولید ملی دارند.

در آغاز برنامه ی چهارم در ایران تقریباً ۷ میلیون هکتار زمین زیرکشت وجود داشت که ۴ میلیون هکتار آن دیم و مابقی آبی بود. سطح کشت و میزان فرآورده های زراعتی در جدول زیر نشان داده میشود:

سطح کشت و میزان فرآورد ه های زراعتی در سال ۱۳۴۶

میزان محصول	سطح کشت (هزار هکتار)		
	میلیارد ریال	هزار تن	از جمله آبی
گندم	۲۲٫۶	۳۸۰۰	۱۴۱۴
جو	۴٫۵	۱۰۳۵	۳۱۴
برنج	۱۰٫۸	۹۳۰	۳۴۷
حبوبات	۲٫۵	۱۹۴	۱۱۰
پنبه	۵٫۷	۴۰۵	۲۶۰
چغندر قند	۳٫۱	۲۸۵۷	۸۲٫۵
نیشکر	۰٫۶	۴۵۲	۴٫۴
چای	۱٫۲	۶۳	—
توتون و تنباکو	۱٫۱	۲۲	۱۰
دانه های روغنی		—	۲۵
سیب زمینی ، جالیز ، سبزی	۳۲٫۴	—	۱۱۱
میوه		—	۲۸۰
علفچه (یونجه، شبدر، اسپرسو غیره)		—	۱۱۰٫۲
جمع	۸۴٫۲	—	۳۰۶۸٫۱

چگونگی تقسیم زمینهای زیرکشت میان فرآورد ه های کشاورزی و همچنین میزان برداشت محصول از واحد زمین عقب ماندگی کامل کشاورزی ایران را نشان میدهد. در حدود ۸۰ درصد زمینهای زیرکشت به غلات تخصیص یافته است و از این زمینها فقط ۴۴ درصد ارزش محصولات زراعتی کشور بدست میآید. نباتات صنعتی سهم ناچیزی در زراعت ایران دارند. میزان برداشت محصول از واحد زمین در ایران ۲-۳ بار کمتر از میزان برداشت در کشورهای پیشرفته است.

در سالهای اخیر چغندر کاری و برنج کاری ارزشد سریع برخوردار بودند (بترتیب ۲۷ و ۱۰ درصد) اقدامات دامنه داری از طرف بخش خصوصی برای توسعه ی کشت دانه های روغنی بعمل میآید. چنانکه در اثر اقدامات "شرکت سهامی توسعه ی کشت دانه های روغنی" که بوسیله ی صاحبان کارخانه های تولید روغن نباتی تأسیس شد. سطح کشت دانه های روغنی از ۵۶۰۰ هکتار در سال ۱۳۴۶ به ۴۷۵۰۰ هکتار در سال ۱۳۴۸

افزایش یافته است و در سال ۱۳۴۹ به ۹۰ هزار هکتار خواهد رسید.

با اینهمه اقتصاد کشاورزی ایران مجموعاً رشد قابل توجهی ندارد. آهنگ متوسط رشد کشاورزی طی برنامه ی سوم ۴٫۶ درصد رسال بود که کمتر از میزان پیش بینی شده در این برنامه است.

مصرف کود های شیمیائی در ایران بسیار کم است و میزان آن در پایان برنامه ی سوم فقط ۱۳۰ هزار تن بود و طبق پیش بینی در پایان برنامه ی چهارم به ۳۵۰ هزار تن خواهد رسید.

تعداد تراکتور در سراسر کشور از ۱۸-۱۷ هزار دستگاه تجاوز نمیکند و بهر ۴۰۰ یا ۵۰۰ هکتار زمین بطور متوسط فقط یک تراکتور میرسد. برای مکانیزه کردن کشاورزی، اقلاً باید تعداد تراکتورهای مشغول بکار را به ۱۰ برابر افزایش داد.

بذر مرغوب و نهال اصلاح شده در دسترس اکثر کشاورزان نیست. برای مبارزه با آفات و اصلاح خاک اقدام جدی بعمل نیامده است. در اکثر واحدهای کشاورزی از شیوه های علمی تولید استفاده نمیشود.

در ایران که میزان و فصل بارندگی در اکثر نواحی مساعد برای زراعت دیم نیست، فقط ۳ میلیون هکتار کشت آبی وجود دارد. پیش از اجرای برنامه های عمرانی اراضی قاراپ ۲٫۵ میلیون هکتار بود. اکنون پس از اجرای چند برنامه ی هفتساله و پنجساله و صرف ۴۲ میلیارد ریال فقط ۵۰۰ هزار هکتار به کشتهای آبی افزوده شده است.

در ایران اکنون در حدود ۷ میلیون هکتار زمین زیر کشت وجود دارد و در حدود ۱۲ میلیون هکتار نیز سالانه بصورت آیش خارج از بهیسه برداری قرار میگیرد. یعنی عملاً فقط از ۴٪ مساحت کل کشور بهره برداری زراعی میشود. طبق برآورد های موجود، علاوه بر زمینهای آیش و زیر کشت کنونی، بیش از ۳۰ میلیون هکتار زمین قابل کشت در ایران وجود دارد. برای توسعه ی کشاورزی باندازه ی کافی زمین در اختیار داریم.

با آنکه میزان و فصل بارندگی در ایران، جز در نواحی معین (اکثر در سواحل دریای خزر) برای کشاورزی دیم مناسب نیست، ولی این واقعیت هرگز بمعنای کمبود آب برای کشاورزی نیست. بارندگی در ایران برای ایجاد سیستم آبیاری مصنوعی نسبتاً کافی است. میزان بارندگی در ایران ۵۰۰-۴۵۰ میلیارد مترمکعب تخمین میزنند که ۶۰٪ آن تبخیر و تعریق میشود، ۱۵٪ بزمین نفوذ میکند و ۲۵٪ در سطح زمین جاری میشود. حتی اگر از ۵۰٪ آبهای جاری و تحت الارضی برای مصارف کشاورزی استفاده شود (۱۰۰ میلیارد مترمکعب)، علاوه بر زمینهای قاریاب موجود، ده میلیون هکتار زمین جدید رانیز میتوان آبیاری کرد (عده ای معتقدند که حتی ۲۰ میلیون هکتار زمین جدید را میتوان آبیاری نمود). تنوع شرایط اقلیمی نیز که قبلاً بدان اشاره کردیم، برای رشد کشاورزی در ایران امکانات وسیع فراهم میآورد. بنابراین از لحاظ شرایط طبیعی ایران استعداد کافی برای رشد سریع کشاورزی دارد و فقط عوامل اجتماعی مانع این رشد است.

وضع د امپوری نیز که ۴۰ درصد ارزش افزوده ی کشاورزی را تولید میکند، بهتر از وضع زراعت نیست. طبق آمارهای موجود اکنون در حدود ۳۱ میلیون گوسفند، ۱۳ میلیون بز، ۶ میلیون گاوگاو میش، ۲ میلیون الاغ، ۶۰۰-۵۰۰ هزار اسب و قاطر، ۲۵۰ هزار شتر، ۶۰-۵۰ هزار خوک و ۲۵-۲۴ میلیون طیور خانگی در ایران وجود دارد. چنانکه می بینیم با آنکه هر ساله تعداد کثیری از دامهای ایران در اثر بیماری و سرما و خشکسالی تلف میشوند، هنوز هم برای رشد همه جانبه ی دامپوری تعداد کافی دام در ایران وجود دارد.

ارزش فرآورده های دامی در پایان برنامه ی سوم جمعاً ۶۱٫۵ میلیارد ریال بشخص زیر بود:

گوشت قرمز	۲۰۶	میلیارد ریال	گوشت مرغ و شکار	۲٫۵	میلیارد ریال	تخم مرغ	۱۶	میلیارد ریال
شیر	۱۵۳	"	عسل	۰٫۲	"	انواع پرورمو پشم و پوله	۴٫۹	"
کود حیوانی	۷۶	"	کار دام	۲٫۳	"	ازد یاد دام	۲٫۵	"

تعریف دامهای ایران بطور عمده در مراتع طبیعی انجام میگیرد. پنجاه درصد دامها تمام سال و ۵۰ درصد دیگر ۷ ماه از سال را در مراتع چرمانیکند. موافق ارقام ارائه شده از طرف مقامات رسمی ۸۰ درصد محصول گوشت و لبنیات کشور را عشاير تارمین میکنند. مساحت مراتع ایران را ۵۰-۴۰ میلیون هکتار قید کرده اند که از آن فقط ۱۰ میلیون هکتار مرتع مرغوب است و مابقی از مراتع جنگلی و یا مراتع دارای پوشش گیاهی ضعیف هستند. چون مراتع عمده ترین منبع تغذیه ی دامها هستند، فشار زیادی بانها وارد میاید. مطابق محاسبه ی بعضی از متخصصین، مراتع ایران قدرت تغذیه ی ۴۰ میلیون رأس واحد گوسفندی را دارند و حال آنکه اکنون در حدود ۷۰ میلیون واحد گوسفندی در آنها چرمانیکند. بنابراین سال بسال از قدرت و مرغوبیت مراتع ایران کاسته میشود. کشت طوفه های دامی باندازه ی کافی انجام نمیگیرد (چون کشت یونجه و سایر عطفه های دامی که گیاهان چند ساله هستند، ایجاد حق ریشه برای دهقانان میکند، مالکین از توسعه ی این کار جلوگیری میکردند).

مرگ و میر ناشی از بیماری و سرما و خشکسالی، فقدان راههای مناسب، نبودن سیلو و کشتارگاه و سردخانه ی مجهز، تسلط واسطه ها (امانت فروش و کاروانسرا دار و دلال و چویدار و غیره) از موانع رشته ی دامپروری در ایران هستند.

در ایران در حدود ۱۸ میلیون هکتار جنگل وجود دارد که انواع درختهای قیمتی مانند شمشاد، آزاد، گردو، بلوط ایرانی و درختهای کم ارزش تردیگر مانند افرا، اوجا، نمدار، توسکا، انجیلی، توت، سپیدار و غیره در آنها میروید. بسیاری از این جنگلها بعلت بهره برداری بیرحمانه (برش و زغالسوزی) و عدم مراقبت بوضع اسف آوری درآمد است. طبق محاسبه ی برخی از متخصصین فقط از جنگلهای شمال ایران باین بهره داری صحیح هم اکنون میتوان سالانه بیش از ۵ میلیارد ریال بهره برداری نمود (بارقم ۸۰۰ میلیارد کنونی مقایسه شود!).

اکنون اقداماتی برای حفظ منابع جنگلی ایران بعمل میاید. قرارداد هائی با رومانی و بلغارستان برای ایجاد صنایع مجتمع چوب در تکسای مازندران و صنایع شیبیائی چوب در جنگلهای اسالم گیلان منعقد شده است. قرارداد ی با شرکت مهندسان مشاور اتریشی بمنظور مطالعه در جنگلهای شمال که به ۳۴ میلیون هکتار بالغ میگردد (بیش از تمام جنگلهای اتریش) برای ایجاد صنایع جنگلی (کاغذ سازی و فیبر الوار و غیره) منعقد شده است.

از ماهی و سایر منابع دریائی ایران نیز بهره برداری لازم انجام نمیگیرد. در آبهای شور و شیرین ایران انواع ماهیهای خوراکی بعمل میاید. در آبهای جنوبی کشور علاوه بر این ماهی میگو نیز صید میشود. در صورت بهره برداری صحیح از این منابع درآمد هنگفتی عاید کشور خواهد شد. برای تکثیر ماهی در ایران، بانکهای فنی و مالی اتحاد شوروی حوضچه هائی در حوالی رشت در دست ساختمانست که سالانه ۷ میلیون تخم ماهی در آنها پرورش داده خواهد شد.

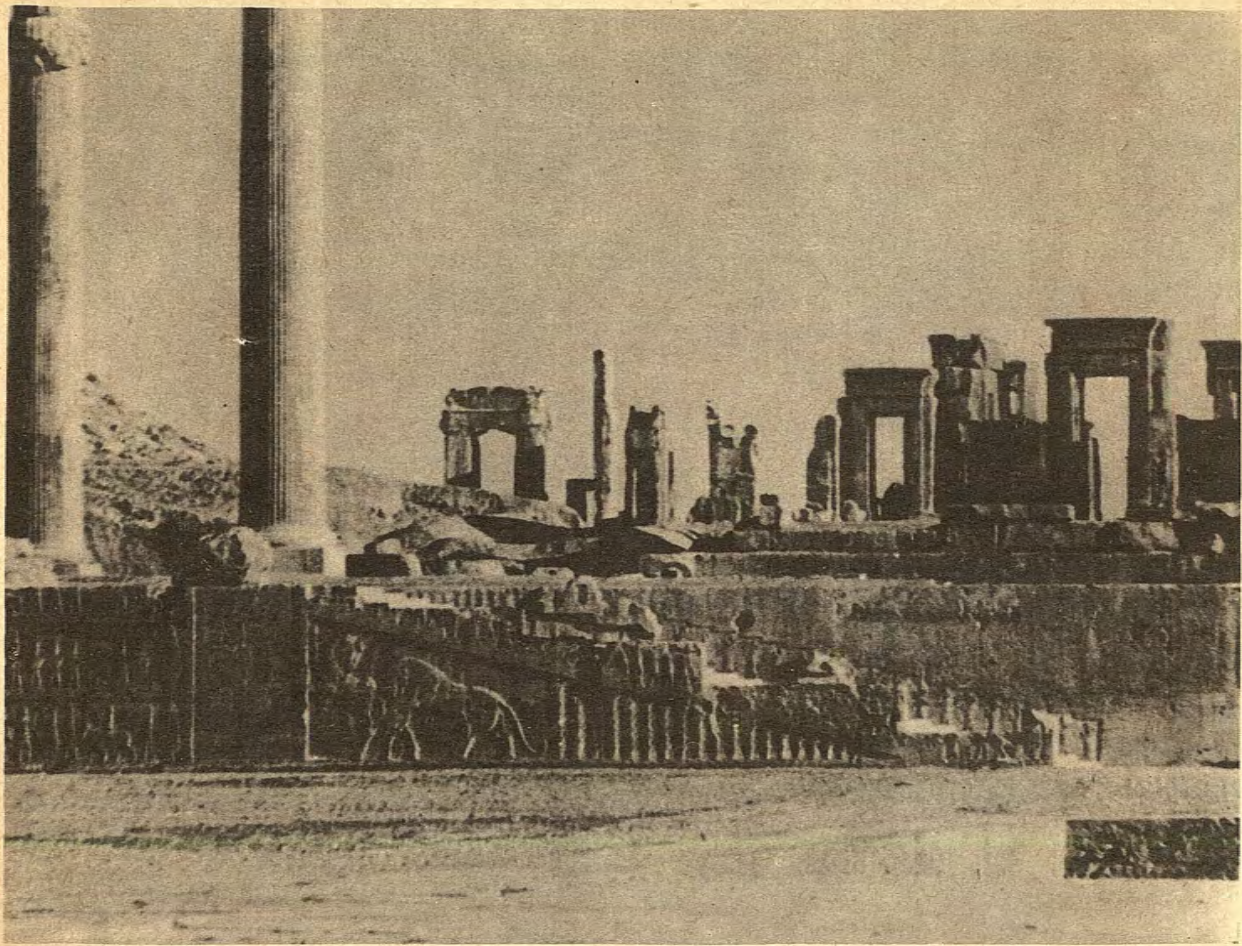
عقب ماندگی کشاورزی در ایران باعث شده است که برای وارد کردن گوشت و غله و دانه های روغنی و غیره سالانه مقادیر هنگفتی ارز از کشور خارج شود. طی پنج سال ۱۳۴۱-۱۳۴۲ در برابر ۲۶ میلیارد ریال صادرات کشاورزی که تقریباً ۲۲ میلیارد آن صادرات سنتی پنبه و خشکبار بود، در حدود ۱۸ میلیارد ریال واردات کشاورزی داشته ایم. و این وضع کشور است که اکثریت ساکنین آنرا روستانشینان تشکیل میدهد.

در رشته های صنعتی ایران کمتر از ۲۰ درصد شاغلین کشور فعالیت میکنند و سهم آن در تولید ناخالص ملی بسیار

۲۱ درصد بالغ میشود.

صنایع و معادن

در آغاز برنامه ی چهارم وضع صنایع از لحاظ ارزش افزوده بدینقرار بود:



(۲۵)

تخت جمشید

ارزش افزوده ی رشته های اساسی صنایع در سال ۱۳۴۶
(به قیمت جاری)

میلارد ریال	درصد	
۱۷	۰٫۹	معادن
۱۱۷٫۵	۶۱٫۴	نفت
۷۳٫۰	۳۸٫۱	از جمله سهم ایران
۷۲٫۲	۳۷٫۷	صنایع تبدیلی
۱۹۱٫۴	۱۰۰٫۰	جمع

ارقام این جدول نشان می‌دهد که در میان رشته های صنعتی ایران صنایع استخراجی وزن مسلط دارد و این امر نتیجه ی وجود صنایع نفت در کشور است. مطابق آمار رسمی از ۱۱۷٫۵ میلیارد ریال ارزش افزوده ی صنایع نفت در سال ۱۳۴۶ فقط ۷۳ میلیارد ریال سهم ایران بود و مابقی نصیب انحصارهای نفتی شده است.

ارزش افزوده ی صنایع تبدیلی فقط ۳۷٫۷ درصد مجموع ارزش افزوده رشته های صنعتی را تشکیل می‌دهد و این دلیل عقب ماندگی رشد صنایع در ایران است.

صنایع تبدیلی ایران شامل صد ها هزار کارگاه کوچک متکی به کار دستی کم بهره ایست که در سراسر کشور پراکنده است. جدول زیر تصویر روشنی از وضع صنایع ایران بدست می‌دهد:

تعداد کارگاهها و کارکنان صنایع تبدیلی (بایرک و گاز) و ارزش افزوده ی آنها در سال ۱۳۴۶

ارزش افزوده		تعداد ادکارکنان		تعداد ادکارگاهها		
%	میلارد ریال	%	هزار نفر	%	هزار واحد	
۹٫۲	۷٫۲	۴۸٫۹	۶۵۳٫۷	۷۱٫۰	۳۹۱٫۵*	صنایع دردهات
۹۰٫۸	۷۰٫۶	۵۱٫۱	۶۸۱٫۳	۲۹٫۰	۱۶۰٫۷	صنایع در شهرها از جمله :
۲۲٫۹	۲۵٫۶	۳۴٫۳	۴۵۸٫۹	۲۸٫۲	۱۵۶٫۲	- دارای کمتر از ۱۰ نفر کارکن
۲۰٫۴	۱۵٫۹	۴٫۸	۶۵٫۳	۰٫۷	۳٫۹	- دارای ۱۰ تا ۵۰ نفر کارکن
۳۷٫۴	۲۹٫۱	۱۲٫۰	۱۵۷٫۱	۰٫۱	۰٫۶	- دارای بیش از ۵۰ نفر کارکن
۱۰۰٫۰	۷۷٫۸	۱۰۰٫۰	۱۳۳۵٫۰	۱۰۰٫۰	۵۵۲٫۲	جمع

* سال ۱۳۴۵

در آمار ایران کارگاههای دارای بیش از ۱۰ نفر کارگر و کارمندان کارگاههای بزرگ نامیده میشوند. اغلب این کارگاهها در واقع کارگاههای کوچک و متوسط هستند. از ۴۵۰۰ کارگاه بزرگ فقط در حدود ۶۰۰ کارگاه بیش از ۵۰ نفر کارگر دارند. این کارگاهها با آنکه ۰٫۹ درصد مجموع کارگاههای صنعتی کشور را تشکیل میدهند ۱۲ درصد کارگران و کارمندان و بیش از ۳۷ درصد ارزش افزوده ی صنایع را در اختیار دارند. اگر همه کارگاههای غیراکه بیش از ۱۰ نفر کارگر و کارمند دارند بطورکاملا مشروط کارگاههای صنعتی واقعی فرض کنیم در اینصورت سهم صنایع واقعی کشور در تولید ملی از ۸ - ۷ درصد تجاوز نخواهد کرد.

وضع صنایع ایران از لحاظ ترکیب داخلی خود نیز کاملاً حاکی از عقب ماندگی این رشته ی حیاتی است. جدول زیر که ترکیب داخلی صنایع ایران را در سال ۱۳۴۶ نمایش می دهد، مؤید این امر است:

وضع رشته های مختلف صنایع در مناطق شهری در سال ۱۳۴۶

ارزش افزوده		تعداد ادکارکنان		تعداد ادکارها	
%	میلیارد ریال	%	هزار نفر		
۲۰٫۱	۱۴٫۲	۱۷٫۹	۱۲۲٫۲	۲۱۸۶۶	صنایع مواد غذایی
۰٫۹	۰٫۷	۰٫۴	۳٫۱	۵۸	صنایع آشامیدنیها
۷٫۷	۵٫۵	۰٫۵	۳٫۹	۳	صنایع دخانیات
۱۸٫۸	۱۳٫۳	۲۶٫۷	۱۸۲٫۴	۲۸۲۲۰	صنایع نساجی و گلیم و قالی
۹٫۸	۶٫۹	۱۵٫۷	۱۰۷٫۵	۴۳۰۳۶	صنایع پوشاک و لوازم پارچه ای
۳٫۱	۲٫۲	۶٫۹	۴۱٫۵	۱۵۵۳۸	صنایع چوب و مبل
۰٫۹	۰٫۷	۰٫۴	۲٫۸	۲۸۱	صنایع کاغذ و مقوا
۱٫۱	۰٫۸	۰٫۹	۶٫۵	۱۲۲۰	صنایع چاپ و صحافی
۰٫۴	۰٫۳	۰٫۸	۵٫۸	۱۳۴۴	صنایع چرم و پوست
۲٫۱	۱٫۵	۱٫۲	۸٫۳	۱۰۶۱	صنایع لاستیک و کائوچو
۴٫۲	۳٫۰	۱٫۴	۹٫۸	۸۶۵	صنایع شیمیائی
۰٫۴	۰٫۳	۰٫۱	۰٫۶	۷	صنایع نفت و زغال سنگ
۸٫۳	۵٫۹	۵٫۷	۳۸٫۹	۴۴۷۲	صنایع محصولات معدنی غیر فلزی
۲٫۰	۱٫۴	۰٫۸	۶٫۴	۱۵۴۸	صنایع فلزات اساسی
۵٫۵	۳٫۹	۸٫۶	۵۸٫۶	۱۹۳۷۸	صنایع محصولات فلزی
۰٫۵	۰٫۴	۱٫۱	۷٫۹	۱۸۲۸	صنایع ماشین آلات غیر الکتریکی
۳٫۶	۲٫۶	۲٫۳	۱۶٫۲	۳۸۵۳	صنایع ماشین آلات و وسایل الکتریکی
۵٫۶	۴٫۰	۵٫۰	۳۴٫۳	۱۰۰۰۴	صنایع وسائط نقلیه
۱٫۱	۰٫۸	۲٫۴	۱۶٫۵	۵۶۸۳	صنایع متفرقه
۲٫۹	۲٫۱	۱٫۲	۸٫۱	۴۵۸	صنایع تولید برق و گاز
۱۰۰٫۰	۷۰٫۶	۱۰۰٫۰	۶۸۱٫۳	۱۶۰۷۲۳	کل کارگاهها از جمله:
۳۶٫۳	۲۵٫۶	۲۷٫۴	۴۵۸٫۹	۱۵۶۲۲۳	- کارگاههایی که تا ۱۰ نفر شاغل بکار دارند
۲۲٫۵	۱۵٫۹	۹٫۶	۶۵٫۳	۳۹۱۴	- کارگاههایی که بین ۱۰ تا ۵۰ نفر شاغل بکار دارند
۴۱٫۲	۲۹٫۱	۲۳٫۰	۱۵۷٫۱	۵۸۶	- کارگاههایی که بیش از ۵۰ نفر شاغل بکار دارند

بررسی این جدول نشان میدهد که صنایع ایران بطور عمده از صنایع تولید کننده وسائل مصرفی تشکیل یافته است. بیش از ۱۰ درصد کارکنان صنایع مناطق شهری در تولید مواد غذایی و آشامیدنیها و دخانیات و نساجی و قالی بافی و پوشاک متمرکز شده است و سهم این رشته ها در ارزش افزودن صنایع نیز بیش از ۵۷ درصد است.

گروه صنایع محصولات فلزی، ماشین آلات و وسائل الکتریکی و غیر الکتریکی و وسائل نقلیه نه فقط سهم ناچیزی در مجموع صنایع کشور دارند (مجموعاً ۱۷ درصد کارگران و کارمندان و ۱۵ درصد ارزش افزودن صنایع شهری)، بلکه این صنایع نیز اولاً بطور عمده تولید کنندگان و وسائل مصرف هستند و ثانیاً اکثر متاثرکننده ی قطعات وارداتی.

صنایعی که از آنها تحت عنوان ظاهر فریب "صنایع محصولات فلزی" یاد میشود و شامل تقریباً نیمی از کارکنان و ۴۰ درصد ارزش افزودن صنایع این گروه میباشد، مرکب از بیش از ۱۹ هزار کارگاه است که هر کدام بطور متوسط ۳-۴ نفر کارگر دارند. یعنی در واقع اکثر کارگاه های کوچک آهنگری و حلبی سازی هستند. حتی کارگاه های بزرگ این رشته نیز کارشان بطور عمده ساختن در و پنجره و میز و صندلی فلزی و انواع ظروف و سماور و بخاری و آبگرمکن و چراغ و از این قبیل اشیا است.

فقط در سالهای اخیر برای تأسیس برخی رشته های صنایع سنگین اقدام بعمل آمده که مهمترین آنها صنایع ذوب آهن اصفهان، ماشین سازی اراک، تراکتورسازی و ماشین سازی تبریز است که بکلیت اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی احداث میگرددند (کارخانه تراکتورسازی بکار پرداخته است).

از سال ۱۳۴۶ کارخانه ی نورد ایران که بمرمایدی سرمایه داران خصوصی ایران و امریکا و آلمان قدرال تأسیس شده در شهر اهواز بکار پرداخته است. این کارخانه انواع پروبیل های سبک ساختمانی تولید میکند (۱۵۰ هزار تن در سال). همچنین به مشارکت سرمایه های خصوصی کشورهای امریالیستی رشته های پتروشیمی در آبادان و شاهپور و خارک و آلومینیوم در اراک بوجود میآید.

برای اینکه تصویری روشنتر از وضع صنایع ایران داشته باشیم، فهرستی از نوع و میزان تولید بعضی از صنایع بزرگ ایران را مینویسیم:

(رجوع به صفحه بعد)

ازسند اصلی جلسه مشاوره احزاب برادر

همبستگی با احزاب کمونیستی و کارگری که زیر فشار قرار دارند

جنبش کمونیستی - بخش لاینفک جامعهی معاصرو فعالترین نیروی آنست. ازینرو غیرقانونی کردن احزاب کمونیست و کارگری سوئصدی است به حقوق دموکراتیک و مصالح حیاتی خلقها. شرکت کنندگان در کنفرانس بدون استثنا از تمام احزاب کمونیست جهان که در راه شرکت غنی در زندگی سیاسی کشورخویش مبارزه میکنند، پشتیبانی مینمایند. ما باخشم و نفرت، تضییقات خونین و ترویی را که هزاران و هزاران کمونیست، دموکرات و دیگر انقلابیون در اندونزی، اسپانیا، پرتغال، یونان، بولیوی، برزیل، کلمبیا، مکزیک، ونزوئلا، پاراگوئه، گواتمالا، افریقای جنوبی، تایلند، هائیتی، مالانیا، ایران، فیلیپین و برخی دیگر کشورهای قریب آن شده اند محکوم میکنیم. ما همبستگی خود را با همزمانان که در سیاه چالهای رژیمهای فاشیستی و دیکتاتوری در دست اندگان کشورهای سرمایه داری بزنجیر کشیده شده اند، اعلام میداریم و در راه آزادی آنها مبارزه میکنیم.

میزان تولید بعضی از صنایع بزرگ ایران

د درصد افزایش	۱۳۴۶	۱۳۴۵	واحد	
۵۶٫۶	۵۴۲	۳۴۶	هزارتن	قند و شکر
۱۸٫۱	۱۲۴	۱۰۰	هزارتن	روغن نباتی
۱۵٫۲	۱۱۲۷۶	۹۷۹۰	هزار بطر	مشروبات الکلی (با استثنای آبجو)
۱۹٫۰	۲۶	۲۱	میلیون بطر	آبجو
۷٫۸	۱۸۰	۱۶۷	میلیون بطر	مشروبات غیرالکلی
-۱۷٫۲	۱۳۱۵۴	۱۵۸۹۴	تن	چای
۸٫۲	۳۵۷	۳۳۰	میلیون متر	منسوجات پنبه ای و الیاف مصنوعی
-۳٫۵	۵۰	۵۷	میلیون متر	منسوجات پشمی
۰٫۹	۱۱۳	۱۱۲	هزارتن	پنبه ی تصفیه شده
۴۶٫۵	۸۱۳	۵۵۵	تن	دستمال کاغذی
۱۷۸٫۱	۱۰۴۲۳*	۳۷۴۸	دستگاه	اتوموبیل سواری
۷۱٫۰	۱۲۰۵۷۶	۷۰۵۲۸	دستگاه	یخچال
۱٫۸	۲۹۲۴۲	۲۸۷۰۷	دستگاه	آبگرمکن
۶۵٫۸	۳۳۴۵۶	۲۰۱۶۵	دستگاه	اجاق گاز
۷٫۶	۷۵۶۴۴	۷۰۳۰۰	عدد	بخاری میله
۵۵٫۱	۱۷۹۰۷۹	۱۱۵۴۴۵	عدد	بخاری دستی
۱۸٫۶	۴۹۶	۴۱۸	هزار حلقه	انواع لاستیک
۱۳٫۲	۱۵۴۸	۱۳۶۷	هزارتن	سیمان
۳٫۰	۲۶۸۵	۲۶۰۶	میلیون عدد	آجر
-۰٫۶	۱۰۰۹۲	۱۰۱۵۰	میلیون عدد	سیگار
۲۹٫۸	۱۸۱۶	۱۴۰۷	میلیون کیلووات ساعت	برق
۱۵٫۹	۱۱۵٫۹	۱۰۰	%	شاخص کل

* تولید اتوموبیل‌های سواری در سال ۴۷ به ۲۲ هزار دستگاه رسید و در سال ۴۸ پیش‌بینی میشد در حدود ۳۵-۳۲ هزار دستگاه ساخته شود. در پایان برنامه ی چهارم (۱۳۵۱) در ایران باید ۴۹۷۰۰ دستگاه اتوموبیل سواری، در حدود پنج هزار دستگاه اتوبوس و پنج هزار کامیون و بیش از ده هزار سایر وسایل نقلیه یعنی جمعاً ۷۰ هزار دستگاه اتوموبیل ساخته شود.

با افزایش تولید برخی کالاها مانند قند و شکر و لاستیک و وسائط نقلیه و منسوجات و روغن نباتی و رادیو و تلویزیون و غیره سال به سال از میزان واردات آنها کاسته میشود.

توزیع جغرافیائی صنایع ایران کاملاً ناموزون انجام گرفته است. جدول زیر ناموزونی فوق العاده ی توزیع جغرافیائی صنایع ایران و وضع اسف آور نواحی عقب مانده ی کشور را بخوبی نمایش میدهد:

توزیع جغرافیائی صنایع بزرگ ایران در سال ۱۳۴۵ (بدون نفت و گاز)

	جمعیت (هزار نفر)	تعداد کارگاهها	تعداد کارکنان	ارزش افزوده (میلیون ریال)	تولید سرانه ی ارزش افزوده		
					برایال	چند برابر استان سیستان و بلوچستان	
۱	۴۹۷۹	۱۴۱۶	۱۱۰۱۶۳	۳۱۹۸۹	۶۴۲۴	۱۴۰	استان مرکزی
۲	۱۷۰۴	۳۱۵	۳۰۴۱۸	۳۴۶۱	۲۰۳۱	۴۴	استان اصفهان و یزد
۳	۲۰۴۹	۱۵۸	۱۳۶۵۷	۱۷۲۸	۸۴۳	۱۸	استان مازندران و گرگان
۴	۶۲۰	۱۴	۴۴۸	۳۲۰	۵۱۶	۱۱	استان کردستان
۵	۱۱۰۸	۷۰	۴۶۹۳	۵۶۵	۵۰۰	۱۱	استان کرمان
۶	۲۷۲۳	۱۸۵	۶۹۸۱	۱۲۸۰	۴۷۰	۱۰	استان خوزستان و لرستان
۷	۱۷۵۳	۱۸۹	۶۷۶۶	۸۱۷	۴۶۶	۱۰	استان گیلان
۸	۲۴۹۸	۲۶۹	۱۱۵۷۷	۱۱۵۶	۴۶۲	۱۰	استان خراسان
۹	۱۶۹۲	۱۲۳	۴۷۷۹	۶۵۵	۳۸۷	۸	استان فارس و بوند
۱۰	۲۵۹۶	۷۰۴	۱۹۵۳۰	۸۸۵	۳۴۴	۷٫۵	استان آذربایجان شرقی
۱۱	۱۰۸۷	۶۳	۱۸۲۷	۲۰۱	۱۸۴	۴	استان آذربایجان غربی
۱۲	۱۸۱۵	۱۳۷	۳۲۸۸	۲۰۸	۱۱۴	۲٫۵	استان کرمانشاهان
۱۳	۴۵۵	۱۸	۱۸۰	۲۱	۴۶	۱	استان سیستان و بلوچستان
	۲۵۰۷۹	۳۶۶۱	۲۱۴۳۰۷	۴۳۳۸۷	۱۷۲۶	۳۷٫۵	جمع کل

نگاهی اجمالی به ستون آخر این جدول وضع اسف آور ایران را از لحاظ توزیع جغرافیائی صنایع نشان میدهد. تولید سرانه ی صنایع بزرگ در استان مرکزی ۱۴۰ برابر عقب مانده ترین استانها (سیستان و بلوچستان) و بیش از ۳ برابر استان اصفهان است که از لحاظ سطح رشد صنعتی مقام دوم را در کشور اشغال میکند. بدیهی است توزیع جغرافیائی صنایع و بطور کلی تمام رشته های تولیدی هرگز نمیتواند در سراسر یک کشور کاملاً موزون باشد. شرایط طبیعی و تاریخی و غیره در توزیع جغرافیائی رشته های تولیدی تأثیر دارند. ولی آنچه که ما در ایران می بینیم، فقط و

فقط زائیده‌ی نظام اجتماعی ایران از یکسوسیاست اقتصاد و اجتماعی رژیمهای حاکم بر ایرانست که خود عاملی برای اجرای سیاست‌های دول امپریالیستی در ایران بود و هستند.

با آنکه مقامات اقتصادی ایران مدتهاست میگویند که با ایجاد قطب‌های صنعتی در برخی از نواحی کشور (اصفهان، اهواز، تبریز، شیراز، کرمان، قزوین، رشت، مشهد، اراک) می‌خواهند تعدیلی در وضع کنونی فراهم آورند، ولی هنوز اصلاحی در وضع موجود نشده است. چنانکه از ۴ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری صنعتی در کارگاه‌هایی که در سال ۱۳۴۶ پروانه‌ی بهره‌برداری اخذ کرده‌اند ۱٫۶ میلیارد ریال بایش از ۳۶ درصد مربوط به استان تهران بود و در سال ۱۳۴۷ سهم تهران باز افزایش یافته و تقریباً به ۵۰ درصد بالغ گردید.

بهره‌برداری از معادن ایران، جز در مورد نفت، در سطح بسیار ناچیزی قرار دارد و سهم آن در تولید ملی فقط ۰٫۳ درصد است.

اکنون غیر از معادن سنگهای ساختمانی (مرمر و تراورتن و سنگ کچ و کوارتزیت و شن و ماسه و غیره) که در سراسر کشور پراکنده است، از معادن آهن (استانهای مرکزی و کرمان)، زغال سنگ (در نواحی جبال البرز و کرمان)، روی (در نواحی مرکزی)، زرنیک (آذربایجان و خراسان)، سرب (در استان مرکزی و اصفهان)، سرب و روی (اصفهان و خراسان)، کائولن (استانهای مرکزی و آذربایجان و خراسان)، کرومیت (خراسان و جنوب)، گل سفید (استانهای خراسان و اصفهان)، گوگرد (سنان)، مس (آذربایجان و خراسان و اصفهان و استان مرکزی)، منگنز (استانهای مرکزی و خراسان و اصفهان و کرمان) منگ (در تمام کشور) مزاج و ماریتین (استانهای مرکزی و مهنه‌سود هم) بطل (گلپایگان) و غیره نیز بهره‌برداری میشود.

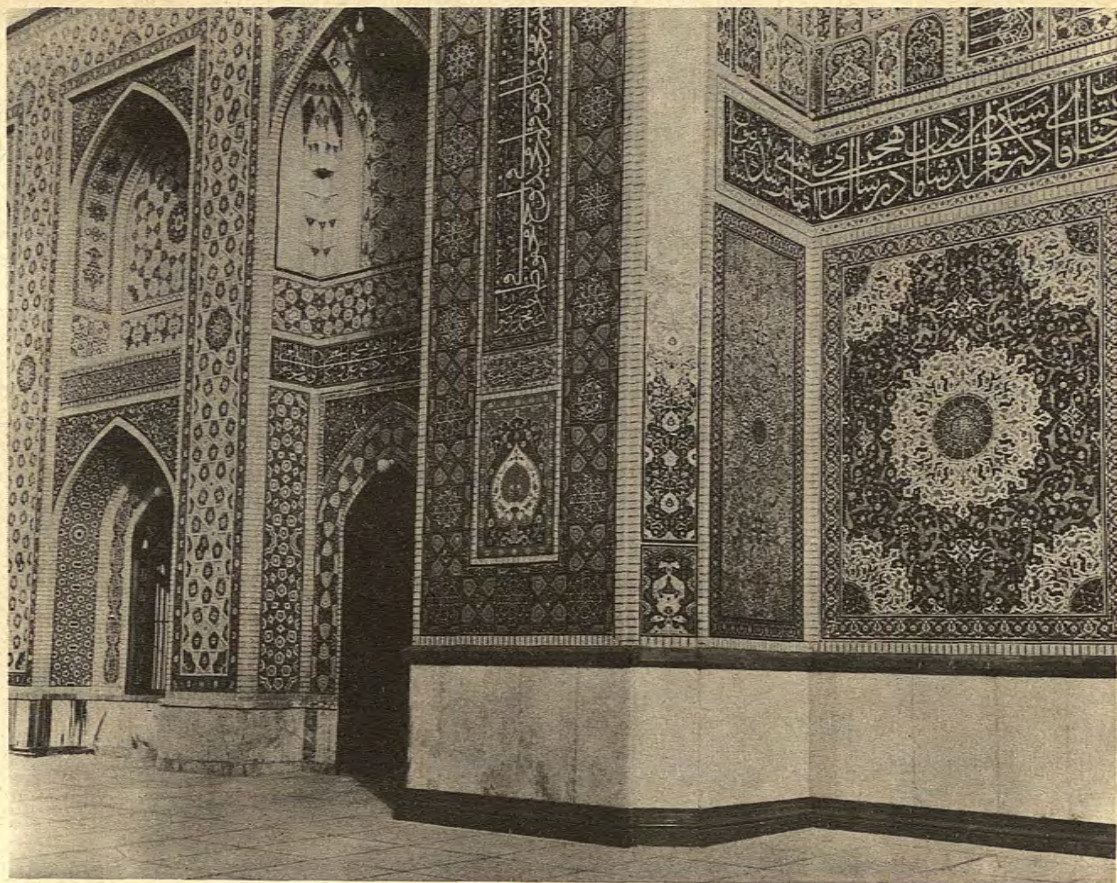
بخش بزرگی از فرآورده‌های معدنی ایران (سنگ‌روی و آهن و کرومیت و منگنز و سرب و روی) یا بهمان صورت اولیه و یا پس از تصفیه و تغلیظ مقدّماتی بخارج صادر میشود.

منابع معدنی ایران بطور کلی مورد بررسی و اکتشاف قرار نگرفته است. فقط در سالهای اخیر با شرکت متخصصین خارجی برای کاوش و ارزیابی ذخایر معدنی ایران اقدامات نسبتاً قابل توجهی بعمل آمده است. کشف معادن بزرگ سنگ آهن و زغال سنگ مناسب برای کک کردن و ذخایر عظیم معادن مس در سرچشمه‌ی کرمان (۳۰۰ میلیون تن قطعی و یک میلیارد تن احتمالی) و در ناحیه چهارگنجه‌ی کرمان (بوسیله‌ی کارشناسان یوگسلاوی) از نتایج اولیه‌ی این اقداماتست. کشورهای سوسیالیستی در این کار کفهای بزرگی انجام داده و میدهند. برای مطالعه ۲۷۰ هزار کیلومتر مربع نواحی شرقی ایران (از خراسان تا سواحل عمان) با ۷ مؤسسه‌ی مشاور خارجی قرارداد منعقد شده است.

با آنکه منابع معدنی ایران ملی اعلام شده است بهره‌برداری از تمام معادن طبقه‌ی اول (سنگهای ساختمانی) و طبقه‌ی دوم (فلزات و شبه فلزات) به بخش خصوصی واگذار میشود و فقط معادن طبقه‌ی سوم (نفت و مواد رادیواکتیو) بوسیله‌ی دولت بهره‌برداری میشود (آنهم بدست خارجی!) کشف معادن جدید در ایران نظر آزمندان امپریالیستی را بسوی خود جلب کرده است. انحصارات آمریکا و انگلستان و آلمان غربی و فرانسه هم اکنون دست خود را روی معادن مکشوفه‌ی مس‌گذارد اند و گفته میشود از طرف این انحصارات کنسرسیومی برای بهره‌برداری از این معادن تشکیل شده است. دولت در نظر دارد بهره‌برداری از این معادن را به بخش خصوصی داخلی و سرمایه‌های خارجی محول کند.

در رشته‌ی حمل و نقل بیش از ۳ درصد شاغلین فعالیت میکنند و سهم آن در تولید ناخالص ملی در حدود پنج درصد است.

حمل و نقل در ایران در حدود ۳۰ هزار کیلومتر راه شوسه‌ی درجه‌ی ۱ و ۲ و ۶ هزار کیلومتر راه آسفالت و بیش از ۳۵۰۰ کیلومتر راه آهن ایجاد شده است. ظرفیت بنادر ایران به ۳٫۸ میلیون تن در سال رسیده و در بسیاری از شهرها فرودگاه تأسیس شده است. در ایران بیش از ۳۸۰۰ کیلومتر لوله‌کشی نفت انجام گرفته و کار احداث خط اصلی شاه لوله‌ی گاز بطول ۱۱۰۶ کیلومتر میان بیدبلند و آستارا برای انتقال گاز آغاز جاری و مارون به شوروی و برخی شهرهای کشور در شرف پایان است. برای ایجاد



کاشی کاری های زیبای مسجد شاه اصفهان

لوله ی نفت اهواز - اسکندرون بطول ۱۷۰۰ کیلومتر برای تغذیه ی پالایشگاه امزیر و تحویل نفت به کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی اقدام میشود. ساختمان راه آهن اصفهان - کرمان برای اتصال منابع سنگ آهن و زغال سنگ به کارخانه ی ذوب آهن و نیز کاراتصال راه آهن ایران از طریق تبریز - شرفخانه - قطور به راه آهن اروپا در دست انجام است.

در سال ۱۳۴۱ در ایران بیش از ۱۱۵ هزار اتوموبیل سواری، ۳۷ هزار بارکش و ۱۱ هزار دستگاه اتوبوس مشغول کار وجود داشت. هواپیمائی ملی ایران که در سال ۱۳۴۱ تأسیس شد، اکنون دارای ۴ فروند جت ۷۲۷، دو فروند جت ۷۰۷ و ده فروند هواپیمای عادی است. هواپیماهای ایران میان ۱۵ نقطه ی کشور و ۱۴ نقطه ی خارج کشور در پروازند. هواپیمائی ملی از بدو تأسیس خود تا پایان سال ۱۳۴۸ جمعا ۲۳۱۱ میلیون کیلومتر نفر و ۲۵۳ میلیون تن کیلومتر بار و پست حمل کرده است.

شرکت ملی نفتکش ایران که در سال ۱۳۳۴ با سرمایه ی شرکت ملی نفت ایران و بنیاد پهلوی تشکیل گردید (به نسبت ۵۰ - ۵۰) دارای چهار کشتی نفتکش اقیانوس پمجا جمعا بطرفیت ۱۸۰ هزار تن است. این شرکت همچنین ۳ کشتی کوچک جمعا بطرفیت ۳۱۰۰ تن برای تأمین نفت سواحل ایران در اختیار دارد.

در سال ۱۳۴۱ شرکت سهامی کشتیرانی ایران "آریا" با سرمایه ی خصوصی و بکمک دولت تأسیس شد. این شرکت اکنون صاحب پنج کشتی اقیانوس پمجا بطرفیت بیش از ۶۰ هزار تن است که میان آبهای ساحلی ایران و اروپا در حرکتند. چندی پیش میان ایران و ایالات متحده ی آمریکا نیز خط سیر جدیدی دایر شد. این شرکت ۶ کشتی بطرفیت هر یک ۱۶ هزار تن به بلژیک سفارش داد. بود که یک فروند آنرا تحویل گرفته است. علاوه بر اینها شرکت سهامی کشتیرانی ایران صاحب ۳ کشتی کوچک برای آبهای خلیج فارس است و ۱۲ کشتی نیز بصورت اجاره در دست (چارتر) در اختیار دارد. شرکت سهامی کشتیرانی ایران تا اوایل سال ۱۹۶۹ نمیتوانست کالاهای وارداتی ایران را از اروپا بکشور حمل کند، زیرا حمل و نقل دریائی خلیج فارس در انحصار "کنفرانس خطوط کشتیرانی اروپا و مدیترانه" است. ایران فقط ضمن قرارداد ای که در سال ۱۳۴۷ با این "کنفرانس" منعقد نمود، این حق را بدست آورد که از ژانویه ی سال ۱۹۶۹ درحد و

مطابق آمار وزارت اقتصاد میزان کارکرد انواع وسائط نقلیه ی ایران در سال ۱۳۴۴ بشرح زیر بود:

میزان کارکرد (میلیارد ریال)	%
۲۳۰	۵۰٫۰
۸۳	۱۸٫۰
۶۸	۱۴٫۷
۳۹	۸٫۴
۱۳	۲٫۸
۱۲	۲٫۸
۰٫۴	۰٫۹
۱	۲٫۴
۴۵۹	۱۰۰٫۰

آهنگ متوسط رشد سالانه ی فعالیت حمل و نقل
در سالهای ۱۳۴۶-۱۳۴۰

رشته های حمل و نقل	آهنگ متوسط رشد (درصد)
کامیون داری	+ ۳۰
راه آهن	- ۰۱
هواپیمائی	+ ۲۱۴
اتوبوسهای شهرستانی	+ ۵۶
اتوبوسهای تهران و حومه	+ ۱۰۹
تاکسیرانی	+ ۵۲
بناد روکشتریانی	+ ۷۰
سایر رشته های حمل و نقل	- ۰۷
تمام رشته ها	+ ۳۸

میزان حمل نفت با انواع وسایل نقلیه (میلیون تن کیلومتر)

سال ۱۹۶۸ نسبت سال ۱۹۶۱ (به درصد)	۱۹۶۸	۱۹۶۱	
۳۱۴	۵۲۰۰	۱۶۵۵	خطوط لوله
۸۷	۸۸۲	۱۰۰۴	راه آهن
۲۳۲	۹۶۲	۴۱۴	نفت کشتیهای پیمانی
۱۱۸	۱۶۴	۱۳۸	نفت کشتیهای شرکت ملی نفت ایران
۲۵۰	۶۵	۲۶	وسایل دریائی
۲۲۴	۷۲۷۳	۳۲۳۷	جمع

بطوریکه ارقام جدول نشان میدهد در ظرف ۷ سال میزان حمل نفت با خطوط لوله بیش از سه برابر و با نفت کشتیهای پیمانی بیش از ۲۳ برابر شده و در مقابل از میزان حمل نفت بوسیله ی راه آهن ۱۳٪ کم شده است.

علاوه بر اینکه رقابت رشته های اتوبوسرانی و هواپیمائی باراه آهن باعث جلب بیشتر مردم به مسافرت با اتوبوس و هواپیمایر شده ، احداث خطوط لوله ی نفت و رقابت اتوموبیلهای نفت کش خصوصاً نیز در تقلیل کارکرد راه آهن ایران تا ۳۰ درصد داشته است.

در بانکداری و بیمه گری ۵۰ درصد شاغلین کشور فعالیت دارند و ۳ درصد تولید ملی در این در رشته تولید میشود. شریانهای پولی کشور در اختیار ۲۶ بانک دولتی و خصوصی است . یک سوم این بانکها دولتی است و یک سوم بک سرمایه های خصوصی داخلی و یک سوم دیگر با سرمایه های خصوصی داخلی و خارجی (مختلط) تشکیل شده است. شریانک مرکزی ایران بانک بانکهاست . این بانک مجری سیاست پولی و اعتباری کشور، حافظ ارزش پول ایران و بانک ملی کشور است . ذخایر رسمی طلا و ارز کشور در این بانک نگاهداری میشود . بانک مرکزی در عین حال محل تمرکز حسابها

بانکداری و بیمه گری

دولتی است یعنی تمام دریافتها و پرداختها در دولت بوسیله ی این بانک انجام میگردد . بانک مرکزی به دولت اعتبار و وام میدهد و سپرده های بانکی سایر بانکها را نگاهداری میکند .

برخی از بانکهای ایران فقط به امور تخصصی میپردازند (بانک اعتبارات صنعتی ، بانک تعاون کشاورزی و غیره) ، عده ای از بانکها نیز

صورت بانک واقعی نداشته و علاوه بر امور صرافتی و نسیب خوار میبرد از بند. اکنون صحبت از ادغام این بانکها در میانست.
 بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران که در سال ۱۳۳۸ با سرمایه ی اولیه ی ۴۰۰ میلیون ریال تشکیل شد و اکنون سرمایه ی خود را به ۹۶۰ میلیون ریال افزایش داده است، بصورت بانک سرمایه گذاری عظیمی درآمده است که از طریق واگذاری وامها و اعتبارات صنعتی دراز مدت و میانه مدت و یا شرکت مستقیم در سرمایه گذاری بیش از پیش عنان صنایع کشور را بدست میگیرد و در واقع مظهر سرمایه ی مالی (در آمیختگی سرمایه ی بانکی با سرمایه ی صنعتی) در ایرانست.
 سیستم بانکی ایران در سالهای اخیر رشد سریع داشته. جدول زیر افزایش قدرت مالی بانکهای ایران را در نه سال اخیر نشان میدهد.

(ارقام به میلیارد ریال)

میزان افزایش به درصد	آذرماه ۱۳۴۸	۱۳۳۹	
۱۷۸	۳۱٫۶	۱۷٫۸	سرمایه ی پرداخت شده
۳۴۰	۴۲۸٫۲	۱۲۶٫۱	دارائیهها
۴۲۸	۵۴٫۱	۱۲٫۶	سپرده های مدت دار
۱۳۳	۶۱٫۵	۴٫۶	سپرده های دیداری
۷۵۴	۵۵٫۱	۷٫۳	پس انداز
۴۲۸	۱۸۰٫۴	۴۲٫۱	اعتبارات اعطائی به بخش خصوصی
۳۳۲	۷۷٫۴	۲۳٫۳	اعتبارات اعطائی به بخش دولتی و اوراقها

بطوریکه دیده میشود میزان سرمایه های پرداخت شده ی بانکها در این مدت در حدود ۸۰ درصد افزایش یافته است. ولی قدرت عمل این بانکها با سرعت به مراتب بیشتری بالا رفته است. چنانکه در دارائیههای بانکها تقریباً ۳٫۵ برابر و میزان اعتبارات پرداختی به بخش خصوصی بیش از ۴ برابر و به بخش دولتی ۳٫۳ برابر شده است. همچنین میزان پولی که بانکها بصورت مختلف (سپرده های دیداری و مدت دار و پس-انداز) در دست خود متمرکز کرده اند از ۶۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۹ به بیش از ۱۷۰ میلیارد ریال پائین از ۲٫۵ برابر افزایش یافته است.

با آنکه بانکهای دولتی از لحاظ میزان سرمایه ی پرداخت شده به مراتب نیرومندتر از بانکهای خصوصی (اعم از داخلی و مختلط) هستند،

ولی دامنه ی عمل و میزان کارکرد بانکهای اخیر به مراتب بیشتر از سهم آنها در سرمایه گذاری است.

جدول زیر چگونگی فعالیت این بانکها را نمایش میدهد :

سهم بانکهای دولتی و خصوصی و مختلط در فعالیت های بانکی در سال ۱۳۴۶ (به درصد)

شبکه بانکی	پس انداز	سپرده های مدت دار	سپرده های دیداری	اعتبارات بخش خصوصی	دارائیهها	سرمایه پرداخت شده	
۷۱٫۳	۴۷٫۸	۴۱٫۳	۴۰٫۹	۳۲٫۶	۳۷٫۰	۱۶٫۵	(۱) بانکهای خصوصی جمعا
۶۸٫۳	۴۴٫۰	۱۹٫۱	۳۴٫۰	۲۲٫۲	۲۵٫۷	۹٫۲	- با سرمایه ی داخلی
۳٫۰	۳٫۸	۲۲٫۲	۶٫۹	۱۰٫۴	۱۱٫۳	۷٫۳	- با سرمایه ی مختلط
۲۸٫۷	۵۲٫۴	۵۸٫۳	۵۸٫۹	۶۶٫۷	۶۱٫۶	۸۲٫۳	(۲) بانکهای دولتی جمعا
۲۸٫۳	۵۲٫۰	۵۶٫۸	۵۷٫۷	۶۵٫۴	۶۰٫۷	۸۱٫۲	- با سرمایه ی داخلی
۰٫۴	۰٫۲	۱٫۵	۱٫۲	۱٫۳	۰٫۹	۱٫۱	- با سرمایه ی مختلط
-	-	۰٫۴	۰٫۲	۰٫۷	۱٫۴	۱٫۲	(۳) بانکهای خارجی *
۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	جمع

* بانک ایران و روس تنها بانک خارجی در ایرانست که بطور عمده بامور مربوط به بازرگانی میان ایران و شوروی میبندازد.

بطوریکه دیده میشود بانکهای خصوصی فقط ۱۶٫۵ درصد سرمایه ی پرداخت شده ی بانکها را تأمین کرده اند، ولی ۳۷ درصد دارائیه ها، در حدود ۳۳ درصد اعتبارات بخش خصوصی، ۴۱ درصد سپرده های دیداری، بیش از ۴۱ درصد سپرده های مدت دار، در حدود ۴۸ درصد پس انداز و بیش از ۷۱ درصد شبکه ی بانکی را بخود تخصیص داده اند.

بانکهای دولتی وضع کاملاً معکوس دارند. با آنکه بیش از ۸۲ درصد سرمایه های بانکی متعلق به آنهاست، فقط ۶۰-۵۰ درصد فعالیت های بانکی بوسیله ی آنها انجام میگردد.

بانکها از فعالیت های خود منافعه سرشار بدست میآورند. سود ویژه ی بانکهای ایران از ۱٫۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۱ به ۳٫۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۶ افزایش یافت، یعنی بیش از ۳ برابر شد. جالب آنکه میزان سود نسبی بانکهای خصوصی بهر تریب بیش از سود بانکهای دولتی است. برای نمونه وضع چند بانک دولتی و خصوصی و مختلط را از لحاظ میزان سود در اینجا ذکر میکنیم :

سود ویژه و نسبت آن بسرمایه ی پرداخت شده ی برخی از بانکها
در سال ۱۳۴۷ (به میلیون ریال)

نسبت سود ویژه به سرمایه ی پرداخت شده	سود ویژه	سرمایه ی پرداخت شده	
			بانکهای دولتی:
۲٫۲	۲۱۷٫۸	۹۵۳۴	- بانک کشاورزی
۸٫۴	۱۵۱٫۷	۱۷۹۸	- بانک اعتبارات صنعتی
۷٫۰	۲۸٫۲	۴۰۰	- بانک بیمه ی ایران
			بانکهای خصوصی:
۱۹٫۷	۱۷٫۸	۹۰	- بانک ایرانیان
۱۲٫۰	۱۲۰	۱۰۰۰	- بانک صادرات ایران
			بانکهای مختلط:
۲۳٫۸	۴۷٫۷	۲۰۰	- بانک اعتبارات ایران
۱۴٫۲	۲۸٫۴	۲۰۰	- بانک ایران و هلند

در میان بانکهای خصوصی، بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران از موقعیت ممتازی برخوردار است. همگان ۰ سهام هزارریالی این بانک تا ۱۳۴۰ ریال در بورس تهران خرید و فروش میشود. امور بیمه گری ایران در دست ۱۱ مؤسسه ی بیمه متمرکز شده است: یک مؤسسه ی دولتی (شرکت سهامی بیمه ی ایران)، ۸ شرکت بیمه ی خصوصی داخلی و دو نمایندگی بیمه ی خارجی. شرکتهای خارجی، برخلاف رشته های بانکی، در امور بیمه گری ایران به سرمایه - گذارهای وسیع و مستقیم نپرداخته اند. این امر ناشی از محدودیتهای است که بموجب تصوینامه ی هیئت وزیران (سال ۱۳۳۱) در زمان نخست وزیری دکتر مصدق (برای فعالیت شرکتهای بیمه ی خارجی در ایران) بوجود آمد. ولی این محدودیت ها باعث شده که شرکت های بیمه ی خارجی از طریق بیمه های اتکائی یعنی بطور غیرمستقیم در بازار بیمه ی ایران نفوذ کنند.

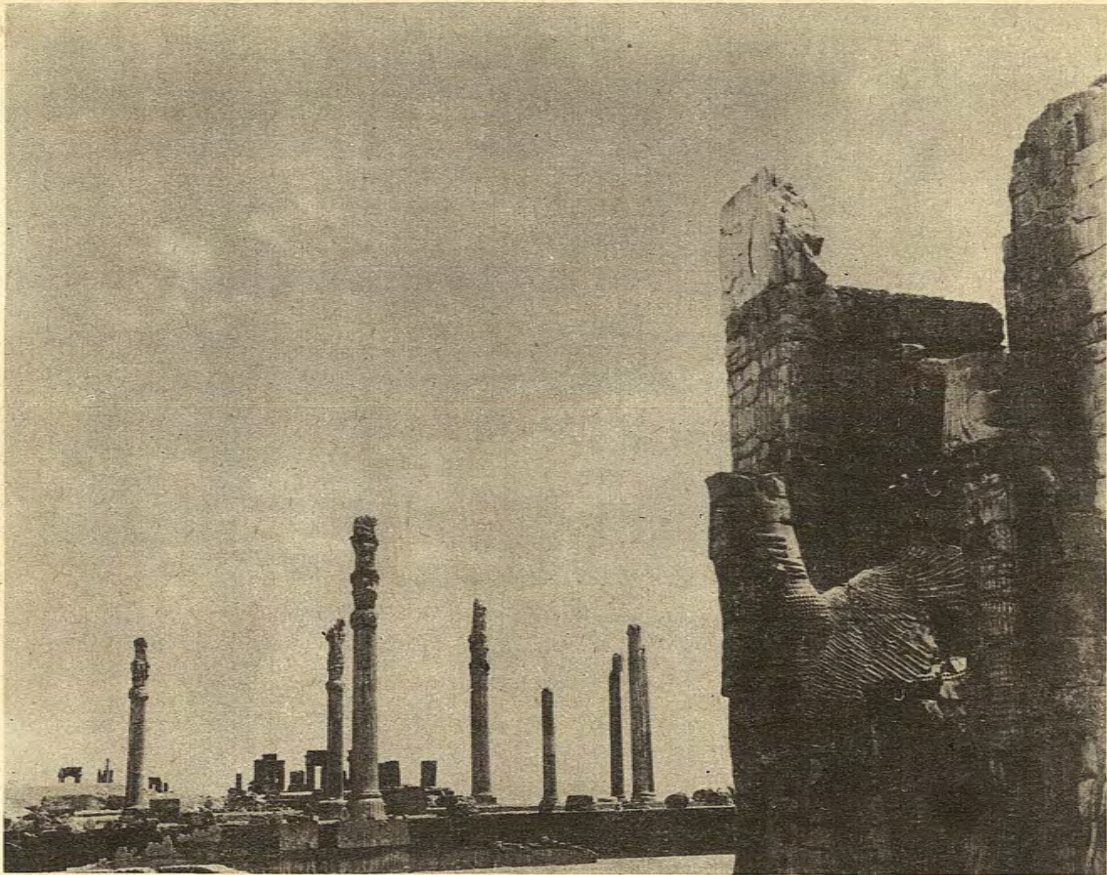
کار بیمه گری در ایران بعلمت محدود بود. بیمه های اجتماعی دامنه ی وسیع نداشته و بیشتر بیمه های از قبیل بیمه ی پاربری و آتش سوزی

(ارقام به میلیون ریال)

شرکت سرمایه بیمه ایران	شرکتهای بیمه ی خصوصی	جمع	%
۲۴۸٫۰	۳۲۰٫۰	۵۶۸٫۰	۴۸٫۴
۱۹۳٫۸	۱۲۸٫۹	۳۲۲٫۷	۲۷٫۵
۷۰٫۳	۱۰۹٫۱	۱۷۹٫۴	۱۵٫۲
۴۰٫۱	۱۲٫۵	۵۲٫۶	۴٫۵
۵۱٫۸	-	۵۱٫۸	۴٫۴
۶۰۴٫۰	۵۷۰٫۵	۱۱۷۴٫۵	۱۰۰٫۰
جمع			

و بیمه ی اتوموبیل راد برمیگردد. بیمه ی عمر که یکی از منابع عمده ی درآمد شرکتهای بیمه ی کشورهای سرمایه دار است (۵۰ - ۴۰ درصد کل حق بیمه ی وصولی این شرکتهار تشکیل میدهد) در ایران توسعه نیافته است. میزان حق بیمه ی دریافتی شرکت های بیمه ی ایران در سال ۱۳۴۴ این واقعیت را نشان میدهد.

بیمه های دریافتی در کشورهای پیشرفته ی صنعتی به ۸ - ۶ درصد درآمد ملی آنان بالغ میشود و حتی در کشوری نظیر هند وستان بیش از یک درصد درآمد ملی است. ولی در ایران از ۴ - ۳ درصد درآمد ملی تجاوز نمیکند.



منظره ای از تخت جمشید

در سالهای اخیر با بیمه کردن گروهی سپاهیان دانش، کارمندان و کارگران شرکت ملی نفت، سازمان آب و برق خوزستان، کارمندان بانک مرکزی و بانک ملی و بانک رهنی و کارمندان برخی دیگر از موسسات دولتی، بایرقراری بیمه ای اجباری شخص ثالث (در مورد وسایل نقلیه ای موتوری زمینی)، بیمه مسافرن هواپیماهای مسافربری داخلی، بیمه ای اجتماعی روستائیان در برابر حوادث و همچنین در اثراتخاذا برخی تدابیر دیگر اقدامات معینی در جهت توسعه ای بیمه گری در ایران بعمل آمده است. از سال ۱۳۴۳ بمنظور ایجاد بیمه ای انکائی در چارچوب پیمان عمران منطقه ای سه صندوق بیمه در ایران و پاکستان و ترکیه (بترتیب صندوق بیمه حوادث اتومبیل، بیمه باربری و بیمه آتش سوزی) بوجود آمده است. بیمه گزاران ایران را بطور عمده بازرگانان و صاحبان صنایع و مستغلات تشکیل میدهند. کار بیمه گزاری هنوز میان توده ای مردم بسط نیافته است و علت اصلی آن فقر عمومی زحمتکشان ایرانیست.

با آنکه بیمه گری در ایران دامنه ای وسیع ندارد، ولی منافع سرشاری از این راه نصیب شرکتهای بیمه میگردد. سود ویژه ای شرکتهای بیمه ای ایران از ۲۱ میلیون ریال در سال ۱۳۴۱ به ۱۴۰ میلیون ریال در سال ۱۳۴۶ رسید، یعنی تقریباً ۷ برابر افزایش یافت. در سال ۱۳۴۴ حق بیمه ای دریافتی بیمه گران ایران به ۱۱۷۴۵ میلیون ریال بالغ شده بود که از آن ۴۱۹ میلیارد ریال بابت جبران خسارت به بیمه گزاران پرداخت گردید. چون شرکتهای بیمه ای ایران بطور کلی ضعیف هستند، برای بیمه کردن خود درقبال پرداخت های هنگفت به بیمه گزاران خسارت دیده، بخش بزرگی از حق بیمه ای دریافتی خود را بعنوان سهمیه ای انکائی به کمپانیهای بزرگ بیمه ای خارجی میپردازند. شرکتهای بیمه ای خارجی که بعلمت بعضی محدودیتهای قانونی نمیتوانند مستقیماً در ایران فعالیت کنند، شرکتهای بیمه ای ایران را عملاً به کارگزاران خود مبدل میکنند و از این راه سالانه مبالغ هنگفتی ارز از کشور خارج میشود.

سرمایه هایی که بنام "ذخائر فنی" در اختیار شرکتهای بیمه ای ایران قرار دارد و از طریق وصول حق بیمه بوجود آمده بجای آنکه در امور تولیدی بکار رود، در راه تأسیس بانک، خرید زمین و احداث مستغلات مصرف میشود و یا ازان برای کارهای صرافتی و واگذاری وامهای رهنی و غیره استفاده میشود.

برای انتظام امور بیمه گری در ایران قرار است سازمانی بنام سازمان بیمه ای مرکزی تأسیس شود که وظیفه ای آن نظارت حقوقی، فنی، مالی و حسابداری بر شرکتهای بیمه ای کشور است.

بازرگانی خارجی یکی از مهمترین عرصه های فعالیت اقتصادی کشور است. حجم بازرگانی خارجی ایران در سال ۱۳۴۶ برابر ۱۸٫۷ درصد تولید ملی کشور بود و اگر سهم ایران از نفت را نیز بران بیفزاییم به بیش از ۳۲ درصد تولید ملی بالغ خواهد شد.

بازرگانی
خارجی

در ترکیب صادرات ایران هنوز تغییر محسوسی حاصل نشده است. با آنکه کالاهای تازه ای مانند کفش و پارچه و کشفاف و پودر لباسشویی و صابون و یخچال و اتوموبیل و غیره وارد فهرست کالاهای صادراتی ایران شده (کشورهای سوسیالیستی نیز از واردکنندگان این کالاها از ایران هستند)، هنوز هم فرش و پنبه و میوه و خشکبار و پوست و چرم جزو کالاهای صادراتی سنتی ایران بوده و مجموعاً بیش از ۶۶ درصد صادرات بس و نفت ایران را تشکیل میدهند.

جدول زیر ترکیب صادرات ایران را نمایش میدهد:

ترکیب صادرات ایران در سال ۱۳۴۶

کالاها	میلیون دلار	درصد
فرش پشمی دستباف	۴۹٫۶	۲۷٫۳
پنبه	۳۷٫۹	۲۰٫۸
میوه های تازه و خشکبار	۲۱٫۴	۱۱٫۸
پوست و چرم و مصنوعات آن	۱۱٫۹	۶٫۵
کلوخه های کانی فلزی	۷٫-	۳٫۹
خاویار	۴٫۱	۲٫۳
کتیرا	۳٫۵	۱٫۹
پشم و کرب و مو	۳٫۲	۱٫۸
زیره ی سیاه و زیره ی سبز	۳٫۰	۱٫۶
روده	۲٫۰	۱٫۱
انواع تقاله	۱٫۷	۰٫۹
دانه ی گیاههای دارویی و صنعتی	۱٫۴	۰٫۸
سیمان	۰٫۸	۰٫۴
سایر کالاهای	۳۴٫۳	۱۸٫۹
جمع	۱۸۱٫۸	۱۰۰٫۰

درآینده ی نزدیک گاز یکی از بزرگترین اقلام صادراتی ایران را تشکیل خواهد داد و میزان آن به ۶۶ میلیون دلار در سال بالغ خواهد شد.

در توزیع جغرافیایی صادرات ایران تغییرات معینی پدید آمده است. علاوه بر اتحاد شوروی که مقام اول را در صادرات ایران دارد کشورهای دیگری از ارد و گاه سوسیالیستی نیز مقام قابل ملاحظه ای در صادرات ایران بدست آورده اند. در جدول زیر فهرست ده کشوری که در سال ۱۳۴۶ بترتیب مقام اول تا دهم را در صادرات ایران داشتند، آورده میشود.

توزیع جغرافیایی صادرات ایران در سال ۱۳۴۶

کشورها	میلیون دلار	%
۱ اتحاد شوروی	۳۰٫۰	۱۶٫۶
۲ آلمان فدرال	۲۷٫۴	۱۵٫۱
۳ ایالات متحده ی امریکا	۲۰٫۶	۱۱٫۴
۴ انگلستان	۹٫۷	۵٫۳
۵ چکوسلوواکی	۷٫۳	۴٫۰
۶ لهستان	۵٫۵	۳٫۰
۷ رومانی	۴٫۴	۲٫۴
۸ فرانسه	۴٫۲	۲٫۳
۹ ژاپن	۳٫۶	۱٫۹
۱۰ ایتالیا	۳٫۴	۱٫۸
۱۱ سایر کشورها	۶۵٫۷	۳۶٫۲
جمع	۱۸۱٫۸	۱۰۰٫۰

در سال ۱۳۴۶ - ۲۷٫۹ درصد صادرات ایران به کشورهای سوسیالیستی انجام گرفت، ۲۲ درصد به کشورهای عضو بازار مشترک و ۱۱ درصد به ایالات متحده ی امریکا.

در ترکیب کالاهای وارداتی ایران تغییرات محسوسی بوجود آمده است. در اثر تحرکی که در اقتصاد پیروزه در رشد صنایع کشور پدید آمده از سهم کالاهای مصرفی کاسته میشود و به سهم کالاهای واسطه و کالاهای سرمایه ای افزوده میگردد. چنانکه در سال ۱۳۴۶ کالاهای مصرفی ۱۲٫۶ درصد کل واردات ایران را تشکیل میدادند و سهم کالاهای واسطه و کالاهای سرمایه ای بترتیب ۵۹٫۷ و ۲۷٫۷ درصد بود. این گرایش در آینده نیز حفظ خواهد شد. باید خاطر نشان ساخت که قسمت اعظم کالاهای

واسطه و کالاهای سرمایه ای برای تولید وسایل مصرف است و بسیاری از کالاهای مصرفی مانند اتومبیل سواری، یخچال و رادیو و تلویزیون و غیره که در گذشته بصورت ساخته و آماده وارد کشور میشد، اکنون بصورت قطعات منفصله تحت عنوان کالاهای واسطه و کالاهای سرمایه ای وارد کشور میگردد.

در توزیع جغرافیایی واردات ایران تغییر محسوسی حاصل نشده است. واردات ایران از کشورهای مختلف در سال ۱۳۴۶ گواه بر اینست.

توزیع جغرافیایی واردات ایران در سال ۱۳۴۶

کشورها	میلیون دلار	%
۱ آلمان فدرال	۲۷۵٫۳	۲۳٫۲
۲ ایالات متحده ی آمریکا	۲۱۲٫۴	۱۷٫۹
۳ انگلستان	۱۳۹٫۴	۱۱٫۷
۴ ژاپن	۹۱٫۷	۷٫۷
۵ فرانسه	۶۵٫۰	۵٫۴
۶ ایتالیا	۶۰٫۱	۵٫۱
۷ هلند	۴۸٫۳	۴٫۰
۸ شوروی	۳۳٫۳	۲٫۸
۹ هندوستان	۲۲٫۶	۱٫۸
۱۰ بلژیک	۱۹٫۸	۱٫۶
۱۱ سایر کشورها	۲۲۲٫۴	۱۸٫۸
جمع	۱۱۹۰٫۳	۱۰۰٫۰

بطوریکه از ارقام جدول برمیآید عده ترین کشورهای امپریالیستی بیش از ۷۰ درصد بازار وارداتی ایران را در دست دارند. کشورهای عضو بازار مشترک ۳۹٫۵ درصد، ایالات متحده ی آمریکا ۱۷٫۹ درصد، انگلستان ۱۱٫۷ درصد واردات ایران را بخود تخصیص داده اند. سهم کشورهای سوسیالیستی در واردات ایران فقط ۶٫۳ درصد است که حتی کمتر از سهم ژاپن بنشنهائی است (۷٫۷ درصد). بازرگانی خارجی مستقیم ایران (بدون نفت) متعادل نیست. در سال ۱۳۴۶ واردات ایران ۶٫۵ برابر صادرات آن بود. واردات ایران از کشورهای بازار مشترک تقریباً ۱۲ برابر صادراتش باین کشورها بود، آمریکا ۵ بار بیش از واردات خود از ایران، باین کشور که لایحه صادر میکند (با آنکه صد و نفت ایران باین کشور بسیار جزئی است و از این لحاظ بهانه ای مثلاً مانند ژاپن در دست ندارد)، صادرات انگلستان بایران ۱۴ برابر و ژاپن تقریباً ۳۰ برابر واردات این کشورها از ایران است.

ایران صادرکننده ی مواد خام کشاورزی و نفت است و واردکننده محصولات صنعتی. تغییر قیمت این کالاها در بازار جهانی بزیان کالا-های صادراتی ایران هر ساله زیان فراوانی به اقتصاد کشور وارد میسازد فقط در سالهای اخیر در نتیجه ی توسعه ی روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با کشورهای سوسیالیستی امکانات معینی برای صدور محصولات صنعتی ایران بوجود آمده است که در صورت توسعه ی این روابط امکانات بازرهم بیشتری برای کشور ما فراهم خواهد آمد. دولت ایران بزرگترین واردکننده ی کالا در کشور است و در سالهای اخیر وزن واردات آن بشدت افزایش یافته است. در سال ۱۳۳۹ از ۵۰۴٫۷ میلیون دلار ارزی که برای وارد کردن کالا و خدمات ب فروش رسیده بود، ۸۶ میلیون دلار یاد رحدود ۱۷ درصد آن سهم دولت بود. در سال ۱۳۴۶ سهم دولت از این بابت به ۴۰ درصد افزایش یافت و سهم بخش خصوصی متقابلاً از ۸۲ درصد به ۶۰ درصد پائین آمد. سازمان برنامه بزرگترین مؤسسه ی واردکننده ی کالا و خدمات دولتی از خارج است. ولی در نتیجه ی تغییراتی که قرار است در وظایف این سازمان داده شود و کارهای اجرائی برنامه ها بسازمانهای دولتی محمول گردد، سازمان برنامه این نقش خود را از دست خواهد داد.

بودجه دولتی

بودجه ی دولت شامل بخش عظیمی از تولید ملی ایرانست و سال بسال بوزن ان افزوده میشود. چنانکه بودجه ی عمومی و عمرانی کشور در سال ۱۳۴۲ برابر ۱۸٫۲ درصد تولید ناخالص ملی بود و در سال ۱۳۴۶ به ۲۵٫۲ درصد آن رسید و در سالهای بعد افزایش بازهم بیشتری یافته است .
درآمد بودجه ی کشور (همه جا بودجه ی عمرانی و عمومی مورد نظر است) از منابع مختلف تأمین میشود . این منابع در جدول زیر منعکس شده است .

ترکیب درآمدهای بودجه ی عمومی و عمرانی کشور

۱۳۴۹		۱۳۴۶*		۱۳۴۲*		
%	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	
۹٫۸	۲۵٫۳	۷٫۷	۱۰٫۷	۸٫۸	۵٫۹	مالیاتهای مستقیم
۱۹٫۱	۴۹٫۱	۲۱٫۳	۲۹٫۶	۲۳٫۲	۱۵٫۵	مالیاتهای غیرمستقیم
۳۶٫۸	۹۴٫۷	۳۸٫۹	۵۴٫۰	۴۱٫۴	۲۷٫۷	نفت
۱۵٫۵	۳۹٫۷	۱۵٫۱	۲۱٫۰	۷٫۶	۵٫۱	وامهای داخلی
۱۲٫۸	۳۳٫۴	۷٫۳	۱۰٫۱	۱٫۶	۱٫۱	وامهای خارجی
۶٫۰	۱۵٫۵	۹٫۷	۱۳٫۴	۱۷٫۴	۱۱٫۶	سایر منابع
۱۰۰٫۰	۲۵۷٫۷	۱۰۰٫۰	۱۳۸٫۸	۱۰۰٫۰	۶۶٫۹	جمع

* برده عمل شده .

نفت عمده ترین منبع درآمد دولت است و در سال ۱۳۴۹ تقریباً ۳۷ درصد درآمد بودجه ی کشور را تشکیل خواهد داد . از ارقام جد ول فوق چنین برمیآید که سهم نفت در تأمین درآمد دولت نسبت بسال ۱۳۴۲ کاهش یافته است (در سال ۱۳۴۲ برابر ۴۸٫۴ درصد و در سال ۱۳۴۹ ۳۶٫۸ درصد) ولی این فقط ظاهر مسئله است ، زیرا کاهش نسبی سهم نفت معلول افزایش فوق العاده ی وامهای دولتی و بیپرده وامهای خارجی دولت است . بطوریکه ارقام جدول نشان میدهد ، وامهای خارجی در سال ۱۳۴۲ فقط ۱٫۶ درصد درآمد های دولت را تأمین میکردند و این رقم در سال ۱۳۴۶ به ۷٫۳ درصد و در سال ۱۳۴۹ به ۱۲٫۸ درصد افزایش یافت . اگر در سال ۱۳۴۲ نفت و وامهای خارجی - د و عامل وابستگی اقتصاد دولت به انحصارهای خارجی - ۴۳ درصد درآمد های دولت را تأمین میکردند ، در سال ۱۳۴۶ یعنی در پایان برنامه ی سوم ۴۶٫۲ درصد و در سال ۱۳۴۹ در حدود ۵۰ درصد درآمد های دولت از این دو منبع تأمین میشود .

مالیاتهای غیرمستقیم دومین منبع عمده ی تأمین درآمد های دولت است و کاهش نسبی آن نیز مانند کاهش وزن مخصوص درآمد نفت ، معلول افزایش سهم وامهای خارجی و داخلی در درآمد دولت است . مالیاتهای غیرمستقیم نه تنها با سرچشی بیش از مجموعه ی درآمد های دولت ،

بلکه با سرعتی بیش از تولید ملی افزایش یافته است. آهنگ افزایش سالانه ی مالیاتهای غیرمستقیم، درآمد های دولت و تولید ناخالص ملی طی برنامه ی سوم بترتیب از این قرار بود (بقیمت های جاری): ۱۸٫۶، ۱۴٫۱ و ۹٫۱ درصد. افزایش مالیاتهای غیرمستقیم تقریباً دو بار سریعتر از تولید ملی است! و این بمعنای فشار روزافزون بودجه ی دولتی بردوش زحمتکشانست. اگرچه تا حدودی به سهم مالیاتهای مستقیم در بودجه دولت افزوده شده است، ولی هنوز هیچگونه تناسبی با مالیاتهای غیرمستقیم ندارد و میزان آن در سال ۱۳۴۹ تقریباً ۵۰٪ مالیاتهای غیرمستقیم پیش بینی شده است. علاوه بر اینها بیش از ۳۰ درصد مالیاتهای مستقیم از حقوق و دستمزد زحمتکشان دریافت میشود.

برخی اقلام عمده ی هزینه های بودجه ی عمومی و عمرانی کشور رجدول زیر منعکس است

۱۳۴۹		۱۳۴۶*		۱۳۴۲*		
%	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	
۱۰۰٫۰	۲۵۷٫۷	۱۰۰٫۰	۱۳۸٫۸	۱۰۰٫۰	۶۶٫۹	کل هزینه
۴۳٫۸	۱۱۳٫۰	۴۵٫۰	۶۲٫۵	۲۷٫۸	۱۸٫۶	از جمله: هزینه های عمرانی و عمرانی
۵۶٫۲	۱۴۴٫۷	۵۵٫۰	۷۶٫۳	۷۲٫۲	۴۸٫۳	هزینه های جاری
۲۶٫۷	۶۹٫۱	۲۶٫۷	۳۷٫۱	۲۵٫۱	۱۶٫۸	از جمله: وزارت جنگ، ژاندارمری و شهرستانی
۱۴٫۰	۳۶٫۲	۱۲٫۰	۱۶٫۷	۱۴٫۶	۹٫۸	فرهنگ و بهداشت

* بردهم، ۴۱ شده.

هزینه های عمرانی دولت سریعتر از هزینه های جاری آن افزایش می یابد. چنانکه وزن مخصوص این هزینه ها از ۲۷٫۸ درصد در سال ۱۳۴۲ به ۴۳٫۸ درصد در سال ۱۳۴۹ بالا رفت. این افزایش معلول صرفه جویی دولت در هزینه های زائد نیست، بلکه تماماً بحساب افزایش میزان وامهای داخلی و خارجی انجام گرفته است. وزن مخصوص این وامها در همین مدت از ۹٫۲ درصد به ۲۸٫۳ درصد افزایش یافته است. مقایسه ی بودجه های نظامی و دستگاههای فشار و اختناق نیز با بودجه ی فرهنگ و بهداشت شایان توجه است. در حالیکه وزن مخصوص بودجه های وزارت جنگ و ژاندارمری و شهرستانی از ۲۵٫۱ درصد هزینه ها در سال ۱۳۴۲ به ۲۶٫۷ درصد آن در سال ۱۳۴۹ بالا رفته است، سهم فرهنگ و بهداشت در همین مدت از ۱۴٫۶ درصد به ۱۴ درصد کاهش یافته است. با آنکه بودجه ی کشور در سالهای اخیر ظاهراً متعادل است، ولی این "تعادل" بحساب وامهای داخلی و خارجی تأمین میشود. طی برنامه ی سوم علاوه بر ۱۵ درصد هزینه های دولت از طریق وامهای داخلی و خارجی تأمین شد و در سال جاری بیش از ۲۸ درصد آن از همین راه تأمین خواهد شد.

بودجه ی دولت نه از لحاظ منابع درآمد و نه از لحاظ موارد مصرف به هیچوجه منعکس کننده ی منافع و مصالح مردم ایران نیست، بلکه وسیله ی امحاء آزادی، تشدید استثمار و یکی از وسایل تشدید وابستگی کشور به انحصارات خارجی است.

* * *

ایران سرزمینی است غنی که مردمی فقیر در آن زندگی میکنند. نظام اجتماعی حاکم در ایران، رژیم سیاسی مسلط بر آن، منافع اقتصادی انحصارات خارجی و مصالح سیاسی امپریالیسم جهانی مانع بهره برداری از این ثروت عظیم برای تأمین رفاه و بهروری مردم ایرانست. از نتایج تحریک نسبی سالهای اخیر دستگاههای اعمال قهر رژیم و قشر معدودی از ثروتمندان بهره میبرند و فقط سهم ناچیزی از آن به بهای کار طاقت فرسا و استثمار شدید و ازدست دادن آزادی نصیب زحمتکشان میگردد.

باید مالیاتهای غیرمستقیم را طی برنامه ی سوم از ۱۵۰ میلیارد ریال به ۲۹۰ میلیارد ریال بالا برد تا بتوان میزان هزینه های نظامی رژیم را از ۱۶۸ میلیارد ریال به ۳۷۰ میلیارد ریال افزایش داد.

میزان مصرف روستائینان را باید از ۳۱ درصد تولید ملی به ۲۷ درصد آن تنزل داد و برای بالا بردن سطح ناچیز مصرف مردم به آهنگ قلیل ۳٫۴ درصد در سال اکتفا نمود تا بتوان آهنگ سرمایه گذار بهار را به بیش از ۱۷ درصد در سال بالا برد. صنایع ایران سالانه ۱۱ درصد رشد می یابد ولی سرمایه داران بزرگ برای فروش کالاهای خود در داخل کشور بازار بیدست نمی آورند و در فکر بازاریابی در خارج از مرزهای کشور هستند. تولید برای کیست و برای چیست؟

وابستگی اقتصادی و مالی ناهنجاری تولید و اقتصاد کشور را بد نهال دارد و این ناهنجاری بشدت وابستگی میافزاید. زمانی امپریالیسم از صنعتی شدن و پیشرفت اقتصادی ایران جلوگیری کرد تا کشور ما را بازار فروش کالاهای خود و عرصه ی غارت نفت ما گرداند و اکنون رژیم حاکم بر ایران برای صنعتی کردن کشور و پیشرفت اقتصادی بد امن همان امپریالیسم می آویزد و برای تبدیل ایران بی بازار صدور سرمایه و غارت بیشتر نفت و حراج تمام منابع طبیعی ما خود بیچانه زدن میبرد.

مردم ایران تشنه ی پیشرفت مستقل، دموکراتیک و سریع بسود اکثریت مطلق زحمتکشان کشور خود هستند. و ایران برای چنیبن پیشرفتی از تمام امکانات طبیعی و انسانی و مالی بحد کافی برخوردار است. فقط رژیم کنونی و امپریالیسم جهانی سد راه تحقق آرمانهای واقعا ملی و دموکراتیک مردم ایران هستند.

مسعود

ما

را

چکار

سرهنگی

سرهنگ من چه گفتم ؟ ... فرموده اید تیمسار
 فردا هجوم آرند لشکر به حزب تو ده
 با انضباط کامل یا احتیاط بمسیر
 از چار سمت ببنند این عده را برگسار
 تا قلع و قمع گردد حمال و پرتقالی
 ثابت شود که ارتش داید مقام عالی
 سرهنگ ، يك مسلسل در بارگه مجلس
 با توپ و تانک ببنید این راه را مبادا
 زحمتکشان در آیند اندر پناه مجلس
 ما کرده ایم از اول این خانه را قباله
 آسان نمیتوان داد بر صاحبش احاله
 سرهنگ ، بله قربان ، مائیم نسل د ارا
 افتاده در خطر سخت هم کارخانه هم ده
 این خاک پاک ایران ارثیه است ما را
 باید بفتح اشراف خوا باند این صدا را
 تا از مدال گردد سرسینه ها مزین
 محفوظ ماند ایران یعنی منافع من
 با انقلاب اکتبر ما را چکار ، سرهنگ
 عاقل نشسته بر شاخ هرگز نمیسرد بن
 سم پاشی است اینکار در این دربار ، سرهنگ
 باید کشید از اینها محکم مهسار ، سرهنگ
 او باید ارگردد ما پای دار گردیم
 او استوار گردد ماتار و مار گردیم
 سرهنگ ، امر کردم سرباز با گروهبان
 آنهاکه غیر ما نیستند از استوار و افسسار
 این زادگان فعله این بچه های دهقان
 باتوده هرکه آمیخت فی الفور تیرباران
 فرماندهان قسمت باید نجیب زاده
 فرمانبران قسمت بایست بی اراده
 سرباز فعله زاده گردد اگر خبردار
 کز جان و مالیاتش ما را بود نگهدار
 شلیک کی نماید امثال خویشتمن را
 پیوند خود بجوید با یار خود شود یار
 فی الفور با عقب گرد ما اهدف نماید
 این گرگ زاده آخر با گرگ همزه آید
 ای حاکم نظامی ، سرهنگ نقش حمام
 کن سو استفاده از این مقام و این نام
 تابلو بدزد از حزب ، یال و دمی بجینان
 روز قیام توده دم فتد چو در دام
 چون احمدی بگوئی ما مومر بود و معذور
 جلاد هم بگوید معذور دار ما مومر

دهقان ایرانی

من که بینی بجویانی شده ام
موسسیدی کمرش خم گشته ،
هستم از بزرگران و طنت
عرصه ی جور د ماد م گشته

چاره ی جمله ی مردم از ماست
لیک خود خون جگر و بیچاره ،
کلبه از خاک ولیکن ویران
جامه کرباس ، ولیکن پاره



ماکیانها بسرا از من نیست
گوسفندان بچرا از من نیست
چارپایان بصحرارفته ،
بایاهیبوی دراز من نیست

مالک از خون دل گلرنگم
خانه را ساخت گلشن کرده ،
خرمنم را ببرد هرناکس
جز من دانه بخرمن کرده

میکشم بهرنشاط دگران
آنقدر رنج که مد هوش شوم ،
لیک چون نوبت پاداش رسد
من آزرده فراموش شوم*



اصلاحات ارضی رژیم

آمار مربوط به عملکرد قوانین و مقررات اصلاحات ارضی

۱- اراضی غیرمشمول

- دهاتی که دارای زراعت مکانیزه هستند
- دهاتی که باغستان تشخیص شده اند
- دهاتی که در محدوده شهرها قرار دارند
- دهاتی که بابت تشخیص داده شده اند
- مالکینی که شخصا زراعت میکنند

قریه ۶۷۴۲
نفر ۷۷۹۴۰

۲- اراضی مشمول مرحله ی اول (آغاز ۱۹۰۱۰۱۹۰۱۳۴)

۱۵۸۳۴ قریه و ۸۰۱ مزرعه	— دهات خریداری شده (مشمول، داوطلب، خالصه، بنیاد پهلوی
۷۳۵۷۰۹ خانوار خریدار	— تعداد خانوار زارع مشمول
۳۵۹۰۸۳۸ نفر	— تعداد عائله ی زارعین مشمول
۱۲۱۹۵۴۹۱۹۷۷۱ ریال	— بهای املاک خریداری شده که باید به مالکین پرداخت شود
۳۰۳۰۴۹ ریال	— پرداختی وزارت اصلاحات ارضی بابت قسط اول به مالکین
۱۲۷۶۵ هکتار	— خریداری شالیزارهای گیلان و مازندران مازاد بر حد نصاب سی هکتار

۳- اراضی مشمول مرحله ی دوم (آغاز ۱۲۳۱۲۴۳)

پایان یافته در ۵۴۲۷۹ قریه و ۱۹۴۹۱ مزرعه، در شرف اتمام در ۴۵۶ قریه و ۱۹۷ مزرعه.

شق اجاره:

۱۳۱۲۰۰ زارع مستاجر	۹۴۸۲ رقبه (حدود ۴ هزار تولیت) ۹۹ ساله به	— املاک موقوفه ی عام
۳۲۸۸۶ زارع مستاجر	۹۸۵ رقبه (حدود ۲ هزار تولیت) سی ساله به	— املاک موقوفه ی خاص
۱۱۵۱۰۷۱ زارع مستاجر	سی ساله به	— عده ی مالکینی که اجاره داده اند ۲۱۰۰۱۷ نفر

شق فروش:

۵۶۲۰۰ زارع خریدار	۳۴۷۹ نفر به	— مالکینی که بتراضی ملك خود را فروخته اند
۱۶۸۷۵ زارع فروشنده	۷۸۲۱ نفر از زارعینی که نسق خود را فرو	— مالکینی که حق ریشه ی زارع را خریدند

شق تقسیم:

— به نسبت بهره ی مالکانه بین ۱۷۲۱۸۲ مالك و ۱۵۴۳۹۵ زارع

واحد سهامی زراعی:

به نسبت عوامل سابق زراعی و بر اساس مزارعه تشکیل شده در ۵۶۱۰۳ قریه
تعداد سهامداران (زارع و مالك) ۱۷۴۶۲۳۹ نفر

توضیحات درباره‌ی آمار عملکرد اصلاحات ارضی

ارقام مستخرجه از گزارش وزارت اصلاحات ارضی بمناسبت هشتمین سال اصلاحات ارضی ۱۸ دی و ۲۱ دی ۱۳۴۸ - مصاحبه‌ی ولیا بارون‌نامه‌ی آبران نوین ، ۲۷ آذر ۱۳۴۸
 در این آمار ، ارقام مربوط به مقدار زمین مشمول هر شق یا میزان اراضی هر گروه دهقانی بطورمطلق یا نسبی و حتی عده‌ی دهات هر شق به‌هیچوجه معلوم نیست .

وسعت اراضی مالکینی که اراضی خود را امکانیزه معرفی کرده یا باغ قلم داده یا در محدوده‌ی شهر قلمداد کرده یا اسم بایر بر آن گذاشته یا زراعت شخصی نامیده اند و همچنین وسعت اراضی مالکینی که حق ریشه‌ی زارع را خریدند و دهقانان را بزمزد و وریدل کرده اند و وسعت اراضی که در شق تقسیم به نسبت بهره‌ی مالکانه سابق ، سهم مالک شده معلوم نیست . در حالیکه برای ارزیابی درست دامنه و عمق اقدامات رژیم ، حتی از همان جنبه‌ی تحدید مالکیت های بزرگ ، و نسبت اراضی دهقانان صاحب زمین شده این ارقام ناگزیر لازم است .
 درباره‌ی اراضی امکانیزه هاغ جداگانه توضیحاتی داده ایم . مقدار اراضی واقع در محدوده‌ی شهرها ، یعنی مرغیترین املاک از نظر قیمت محصول و بازار فروش معلوم نیست . اینگونه اراضی طبق ماده‌ی ۴۳ آئین نامه مصوب ۳ مرداد ۱۳۴۳ از شمول قانون معاف شده اند . اعلامیه* وزارت اصلاحات ارضی ۲۷ خرداد ۱۳۴۸ این معافیت را تأیید و تسجیل کرد .
 در رقم دهات خریداری شده در مرحله‌ی اول نه فقط وسعت اراضی معلوم نیست بلکه رقم داده شده اعم از ششده انگ و کمتر از ششده انگ است و گویای دامنه و اهمیت و نسبت دهات خریداری شده در مجموع دهات نیست .

فورین آفرز : * از آنجاکه اکثر دهات مشمول قانون ششده انگ نیست تعد ادکل دهاتی را که بد دهقانان فروخته شده میتوان تقریباً بالغیر پنجهزارده کامل و یا بعبارت دیگر ۱۰٪ تعد ادکل دهات ایران دانست . * (نقل از باختر امروز شماره ۱۳۴۵ رار ۱۳)

چند مثال تفکیکی بین دهات ششده انگ و کمتر از آن از چند منطقه برای نمونه و نسبت آنها :

نام منطقه	جمع قرا* خریداری شده مرحله‌ی اول	ششده انگ	کمتر از ششده انگ
شهرستان زنجان	۱۰۲۱ ر	۵۹۵	۴۲۶
استان تهران	۱۰۰۶ ر	۲۳۹	۷۱۷
استان آذربایجان شرقی	۱۲۹۲ ر	۴۴۹	۸۴۳

بجز راههای "قانونی" فرار از قانون که در این آمار منعکس است ، کلاههای شرعی و عرفی مالکان و همچنین نتایج تحول بعدی در (۴۹)

ایجاد ید می شود.

"نقل و انتقال املاک بفرزندان و خویشاوندان، ارائه وقف نامه های نوظهور، تظاهر به مکانیزه کردن اراضی و غیره کلا مانورهایست در جهت متوقف ساختن قانون".
"۰۰۰ در سالهای بعد تعدادی از دهقانان مواضع مادی خود را تسلیم رباخواران شهری و استثمارگران ده نمود و مجددا بصورت کارگر مهاجر درآمدند." (مجله ی ثروت ملل، اول آذر ۱۳۴۶)

در باره ی اراضی مکانیزه

— کلیه ی اراضی که در تاریخ تصویب قانون اصلاحی (دیماه ۱۳۴۰) از طریق زراعت مکانیزه بوسیله ی کارگر کشاورزی مورد بهره برداری واقع شده باشد از شمول قوانین مقررات اصلاحات ارضی خارج بود و در این زمینه علاوه برآنکه تکلیف تازه ای برای این قبیل مالکان ارضی تعیین نخواهد کرد، دولت نیز با استفاده از امکانات خود تسهیلات لازم را برای بهره برداری بیشتر این قبیل مالکان فراهم مینماید." (ولیان وزیر اصلاحات ارضی — اطلاعات ۲۸ آبان ۱۳۴۷)

— "دادن اطمینان خاطر بصاحبان باغات و اراضی مزروعی مکانیزه نسبت بآینده و حمایت هایی که از ایشان با شرط ادامه ی اسلوبهای فنی و زراعت بعمل خواهد آمد، از اقداماتی است که در راه تحقق هدفهای اصلاحات در حال اجراست و البته میباید درآینده هر چه بیشتر و بهتر عملی گردد." (شاه — پیام بمناسبت هفتمین سال اصلاحات ارضی)

— ماده ی ۲ از قطعنامه ی کنفرانس اطاقهای بازرگانی منعقد در تبریز: "بخش خصوصی آمادگی خود را برای سرمایه گذاری در رشته های کشاورزی مکانیزه در طول مدت برنامه ی چهارم اعلام میدارد." (تهران اکونومیست، ۱۸ شهریور ۱۳۴۶)

— از ۶ میلیون هکتار اراضی زیرکشت فقط یکصد هزار هکتار آن مکانیزه است. اما مساحت اراضی که در کشور باتراکتور شخم میشود بین ۲ تا ۳ میلیون هکتار است." (مجله ی تلاش، شماره ۱۳ آذر ۱۳۴۷)

— گزارش بنگاه دولتی ماشینهای کشاورزی ایران: "مقدار شخم سالیانه توسط ماشینهای کشاورزی در حدود ۲ میلیون هکتار، هر تراکتور بطور متوسط ۲۰۰ هکتار در سال ۰۰۰" (مجله ی فردوسی ۱۲ فروردین ۱۳۴۸)

— پروفیسور دنس انگلیسی در سمینار تحقیقات روستائی: "مالکین زیرک تشویق شده اند تا منابع خود را در مزارع مکانیزه بکارند." (آگهی دولتی، مجله ی سپید و سیاه، ۲۵ آذر ۱۳۴۸)

— سناتور جبرودی در جلسه ی سنا: یکی از راههای منطقی اقتصادی اصلاحات ارضی، مستثنی کردن واحدهای مکانیزه و باغات

بود. * (سحر، ۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۷)

— از موقعی که قانون اصلاحات ارضی و زراعت مکانیزه اعلام گردیده، بر میزان ماشین آلات افزوده گردیده. * (تهران اکونومیست، ۷ بهمن ماه ۱۳۴۷)

— پیشرفت کشاورزی ماشینی بویژه بعد از انقلاب شاه و مردم و ایجاد مزارع بزرگ و ماشینی شدن امور کشاورزی در گوشه و کنسار کشور. * (مجله کارگران، ۴ دیماه ۱۳۴۸)

— مالکان بزرگ پاسو* استفاده از ماده ی مربوط به معافیت اراضی مکانیزه توانستند با خرید یک تراکتور زمینهای پهناوری را از شمول قانون خارج کرده و برای خود نگاهدارند. * (ماهنامه ی مردم، اسفند ۱۳۴۷)

درباره ی باغات

— کلیه ی باغات میوه و باغات چای و قلمستانهاکه عرصه و اعیانی آنها کلاً متعلق به مالک باشد با حقایق معموله کماکان در ید مالکین مربوطه باقی خواهد ماند و نه تنهاتغییری در وضع آنان ایجاد نخواهد شد، بلکه در آینده ککهای نیز باین دسته میشود. * (ولیان، وزیر اصلاحات ارضی، اطلاعات ۲۸ آبان ۱۳۴۷)

— در کرانه های بحر خزر نهضت تازه ای در زمینه باغ سازی بوجود آمده است. * هم اکنون در سرتاسر شمال باغهای تازه ای ساخته میشود که صاحبان آنها اکثراً تهرانی میباشند و جالب است که اکثر کسانی که میخواهند بکار باغداری بپردازند از رجال قدیمی یا افسران بازتثسته هستند. * (سپید و سیاه، ۲۶ تیرماه ۱۳۴۷)

دو نمونه از اراضی باغ معرفی شده و خارج از شمول قانون که در اواسط اردیبهشت ۱۳۴۸ بفروش رفته :
— در شهریار مرزهای با مساحت یک هزار هکتار، درختان و باغ انگور و سه رشته قنات و ۱۵ سنگ آب و تراکتور و ۳۰۰ گوسفند — متر مربعی ۲۵ ریال ،
— در دهکده ی جلیل آباد ورامین باغ سه هزار متر مربع با حقایق از رودخانه — ۹۰۰ هزار ریال (تهران اکونومیست ۲۰ آذر ۱۳۴۸)

— در یکی دو سال گذشته که باغ پسته مشمول قانون اصلاحات ارضی نشد دور زمینها را دیوار کشیدند و درخت پسته کاشتند (در رفسنجان) . اینست که تعداد باغها مدام بیشتر میشود و تعداد درختان که حالا سربه چند ملیون میزند بالاتر میرود . * (کیهان ۲۰ خرداد ۱۳۴۸)

— در گزارش رسمی وزارت اصلاحات ارضی مهرماه ۱۳۴۴ هنگامیکه فقط مرحله ی دوم در ۳۶ هزارده اجرا شده بود تعداد دهاتی که کلا باغ تشخیص داده شده و از شمول قانون خارج گردیدند ۷۸۹ قریه ذکر گردیده است. در همین گزارش تعداد قسرا^۱ ششادنگی که در ارای زراعت مکانیزه تشخیص داده شده و معاف شدند ۱۳۸۳ ذکر شده است (نامهرماه ۱۳۴۴).

آیندگان : در رفسنجان خداوندان زمین حيله ای بکار برده اند و آن اینکه هنگام اجرای قانون اصلاحات ارضی تا آنجا که مقدور بوده زمینهای زراعی را به باغ پسته تبدیل کردند و از تقسیم زمین بین زارعین جلوگیری کردند. طبیعی است که فساد زارعین هم بجائی نرسید. (نقل از خواندنیها، ۲۶ مهرماه ۱۳۴۷)

— یکی از صاحبان باغ مرکبات، صد هکتار باغ پرتقال با آخرین اصول علمی دارد که هر سال فقط دهها هزار تومان خرج سم پاشی و کود آن میشود. (سپید و سیاه، اول دیماه ۱۳۴۶)

درباره ی قانون فروش و تقسیم اراضی استیجاری به زارعین مستأجر

مبارزه ی دهقانان و ندادن اجاره بها یکی از علل عمده ی تصویب این قانون بود که خود از هنگام تسلیم به مجلس (۲۴ مهر ۱۳۴۷) تا تصویب آن (۲۳ دی ۱۳۴۷) تغییرات زیادی بخواست مالکان و بسود اینان یافت. علاوه بر یک سلسله طولانی تسهیلات و مزایا و تضمین ها که برای مالکان در نظر گرفته شده است (اطلاعات، کیهان، پیغام امروز ۲۵ مهر ۱۳۴۷، مواد الحاقی — روزنامه های عصر ۷ آبان ۱۳۴۷، مواد الحاقی دیگر روزنامه های عصر ۱۵ آبان) . لایحه که اول بشکل اجبار فروش کلیه ی اراضی استیجاری بد هقانان مستأجر طبق نسق آنان بود، تغییر شکل ماهوی داد. این تغییر مهم و کیفی شکل مواد مربوط به تقسیم اراضی استیجاری بر اساس بهره ی مالکانه ی قبلی (نه واگذاری کلیسه ی زمینها بدون استثنا بد هقانان) طبق خواست و باختیار مالک است (روزنامه های عصر ۳۱ آبان، روزنامه های صبح ۳۰ آبان ۱۳۴۷). یعنی این اراضی بد لخواه مالک یا نسبت به بهره ی مالکانه تقسیم خواهد شد (مثل شق سوم مرحله ی اول) و یا به اقساط ۱۲ ساله فروخته میشود (مثل شق دوم).

از زمین مالکان اراضی استیجاری :

۲۳۳۸۸ مالک اظهارنامه برای فروش دادند در عمل اراضی اینها با اقساط ۱۲ ساله فروخته میشود.
۸۰۲۱ مالک از تقسیم اظهارنامه خود داری کردند
۱۸۲۰۸۴ مالک تقاضای تقسیم به نسبت بهره ی مالکانه کرده اند

(ندای ایران نوین، ۶ مرداد ماه ۱۳۴۸)

قانون تکلیف ۲۱۳ هزار مالک (اجاره دهند و یاد ارای واحد سهامی) را روشن میکند. (ولیان ۱۵ آبان ۱۳۴۷)

دهقانان شامل قانون عارتند از:

دهقان مستأجر ارباب	۱۰۷۱۰۱۰۱
دهقان در واحد سهامی ارباب	۱۲۱۶۹۸
دهقان در موقوفات خاص	۳۲۸۸۶

این امر که چه اندازه اراضی اربابی و بعد استیجاری همچنان در دست مالکان باقی خواهد ماند بستگی دارد به عده ی کسانی که راه تقسیم را برگزیده اند (یعنی ۱۸۲۰۸۴ مالک) و اینکه ملک هر یک چه اندازه وسیع بوده و بالاخره باینکه بهره ی مالکانه ی سابق بچه نسبتی باشد. بخصوص که در جریان اجرا طبق تبصره ی یک ماده ی اول قانون، زارعین مکلف به تبعیت از نظر مالک خواهند بود. یعنی مثل مرحله ی اول (فروش زیاد به بردن نصاب) مرغوبترین و حاصلخیزترین اراضی نزدیک جاده و دارای آب برای مالک میماند و قطعات در افتاده و سنگسلاخ ناهموار و بی آب برای دهقانان زحمتکش.

جمعیت عمومی از آمار عملکرد قوانین اصلاحات ارضی

دهقانانی که صاحب زمین شده یا خواهند شد (یا مساوی نسق سابق و یا کمتر از آن بر حسب بهره ی مالکانه ی سابق)

خانوار از مرحله ی اول	۷۳۵۷۰۹	(۱)
خانوار از شق فروش مرحله ی دوم	۵۶۲۰۰	(۲)
خانوار از شق تقسیم مرحله ی دوم	۱۵۴۳۹۵	(۳)
خانوار از قانون فروش و تقسیم اراضی استیجاری (اجاره مالکی - موقوفه خاص - واحد) سهامی	۱۳۰۵۶۵۵	(۴)

مساوی نسق قبلی میخورد. گروه نسبت بهره ی مالکانه تقسیم شده. ۲۸۵۹۹۳ مالک بودند تنها قبلی خواهند خرید. بقیه که در از نسق سابق و به نسبت بهره ی

• اراضی موقوفه ی عام

موقوفه ی عام در جنب شرکت های (۵۳)



تبصره: گروه اول و دوم هر زارع سوم زمین کمتر از نسق قبلی است چون به از گروه چهارم که اجاره داران در املاک دهقانان ۱۰۳۹۰۹ مالک، مطابق نسق اراضی ۱۸۲۰۸۴ مالک زراعت میکردند کمتر مالکانه ی گذشته.

ندند دهقانانی که اجاره دارایی میمانند: ۱۳۱۶۱۰۵ خانوار - مستأجر ۹۹ ساله ی

تبصره: در مواردی که اراضی

سهامی زراعی باشد احتمالاً شرکت طبق قانون میتواند آن قطعه را تبدیل به احسن کند.

د هقانی که بد و ن زمین هستند :

حد ود ۸۰۰۰۰۰ ر خاوار د هقانان بد و ن نسق ، خوش نشینهاکه هیچگونه نصیبی نبرده اند .
" د روضع د هقانی که بصورت مزد ورکار میکنند هیچگونه تغییری حاصل نمیشود " (ثروت ملل اول آذر ۱۳۴۶)

مالکینی که زمیند اریاقی مانده و در روستاها اراضی وسیعتری دارند :

- صاحبان اراضی مکانیزه
 - صاحبان باغات و قلمستانها
 - صاحبان اراضی نزدیک شهرها
 - مالکینی که حق ریشه زارع را خرید ه اند ۷۸۲۱ ر مالک (طبق شق فروش مرحله ی دوم)
 - مالکینی که به نسبت بهره ی مالکانه ،
 - ملك برای خود نگاه داشته اند ۱۷۲۱۸۲ مالک (طبق شق تقسیم مرحله ی دوم)
 - مالکینی که طبق قانون تقسیم اراضی
 - استیجاری برای خود ملك نگاه داشته اند ۸۴ ر ۱۸۲ مالک (راه تقسیم را در این قانون برگزیده اند)
 - زمیند اران جدید ، اغلب صاحب نفوذ و ثروت فراوان که کشاورزی و دامداری مدرن برشالوده ی سرمایه داری پراهمند اخته اند یا میاند ازند .
- (در آمار رسمی همچنین يك رقم ۷۸۷۹۴۰ خانوار که شخصاً زراعت میکنند و بعد دارد که در آن از د هقان کم زمین ، ریزه مالک ، خسرده مالک و دیگران یافت میشود . مطالعه ی دقیق تر و جزئی تر این رقم بزرگ نیز برای درک جای طبقاتی هر یک از آن ضرور است)

تاریخچه ای از اصلاحات ارضی رژیم

قانون اصلاحات ارضی و تحدید مالکیت های بزرگ خصوصی زمین در ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ تصویب شد .
حد نصاب مالکیت برای هر شخص ۴۰۰ هکتار زمین آبی و یا ۸۰۰ هکتار زمین دیم بود . هر مالک میتواندست ظرف دو سال از تاریخ تصویب قانون يك برابر و نیم این مقدار زمین را بپورت قانونی خویش منتقل کند . هر مالک حق داشت هر مقداری از اراضی خود را که میل داشت بد یگران انتقال داده و در مقابل مبلغی بعنوان عمران بد ولت بپرد ازند .

قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی در ۱۹ ر ۱۰ ر ۱۳۴۰ تصویب شد .
حد نصاب مالکیت برای هر شخص در تمام ایران يك ده شد انگ ، بقیه میبایستی از جانب دولت خریداری و با قسط به د هقانان صاحب نسق واگذار شود (مرحله ی اول اصلاحات ارضی) . ارزیابی بهای د هات اضافی بر مبنای مالیات پرداختی

بود يك ده برای خود نگاهد ارد. اما فشار سیاسی و فرزند ان مالکان رانیز مجاز بحفظ يك ده برای اجراى قانون محرز بود. باشد. اگر صورت شد يد ترمیید. (فورین آفرز - باختر امروز،



معین و اراهی معاف، میایست یکی از شقوق : انتخاب شود (مرحله ی دوم اصلاحات ارغی).

اربابی و وقف خاص) و واحد سهامی زراعی

ملخی میشود و باختمارمك، اراضی پایاقساط ۱۲ ساله - مساوی اجاره بهای سالیانه - بزارعین فروخته میشود و پایه نسبت بهره ی مالکانه ی سابق بین مالك و زارع تقسیم میشود.

برنامه ی آینه ی بامرحله ی سوم :

انقلاب کشاورزی از طریق ماشینی کردن و نوساختن سیستم کشاورزی (آیندگان، ۶ بهمن ۱۳۴۸) یعنی استقرار شیوه ی تولید سرمایه داری در کشاورزی بویژه از دوراه اساسی :

- شرکت های کشت و صنعت - شکل خاص بهره کشی سرمایه داری آمیخته با سرمایه های خارجی، وابسته به نو استعمار - شرکت های سهامی زراعی - راه تبدیل تد ریحی و طولانی اکثریت دهقانان عضویه افراد بد ون سهم و کارگر شرکت در خدمت اقلیتی صاحب سهم کافی و با بنیه ی قوی.

"از این پس شکل حقوقی کشاورزی ایران فقط بد و صورت شرکت های سهامی زراعی و شرکت های کشت و صنعت خود نمائی خواهد کرد و هرگونه زراعی با شکل دیگر آئین خواهد رفت." (منصور روحانی وزیر آب و برق در مراسم آغاز کار نخستین واحد کشت و صنعت) (آیندگان،

نقشه‌ی عده‌ی رژیم در مورد کشاورزی رسوخ، تقویت
 واستقرار مناسبات سرمایه‌داری در کشاورزی ایرانست

— روحانی وزیر آب و برق: "مسئله برای ماکه يك کشور در حال توسعه هستیم اولاً مربوط میشود به تبدیل سیستم از يك اقتصاد کشاورزی سنتی بیک اقتصاد کشاورزی پیشرفته‌ی تجارتی بر مبنای صنعت و مکانیزاسیون کامل و ثانیاً مربوط است بوجود يك سیستم اقتصادی بازار آزاد." (از سمپوزیوم بازاریابی وزارت تولیدات کشاورزی — آیندگان ۲۷ آبان ۱۳۴۷)

— هوید انخست وزیر: "دولت بواحد های کشاورزی مکانیزه در هر سطح و مساحتی که هستند مثل واحد های کشاورزی گرگان و دشت نهایت مساعدت و پشتیبانی را بعمل می‌آورد و خواهد آورد. از اقدامات ارزنده‌ی دولت در زمینه‌ی کشاورزی: اجرای برنامه‌ی احیای اراضی زیرسدها، توسعه‌ی مناطق کشت ماشینی گرگان، حمایت از کشاورزانی که کشت آنها مکانیزه است و تشکیل صندوق توسعه‌ی کشاورزی." (یعنی درست اقدامات در زمینه‌ی حمایت از سیستم سرمایه‌داری کشاورزی) • (همان سمپوزیوم — بامشاد ۲۸ آبان ۱۳۴۷)

— محمد رضاشاه پهلوی: "کشاورزی ایران باید مکانیزه شود. قطب‌های کشاورزی در جاهائیکه زمین خوب هست و آب هست ایجاد شود و بهمان نسبت بلکه بیشتر باید به تعداد کارگران مملکت افزوده شود و از افرادی که در امور کشاورزی سرگرمند کاسته شود." (اراده‌ی آذربایجان، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۸)

— دکتر زاهدی رئیس وقت بانک کشاورزی (وزیر فعلی کشور):
 "مسئله‌ی مهمی که در سالهای آینده برای کشور مطرح است تجدید شکل کشاورزی بصورت يك کشاورزی ماشینی و تجارتی است." (در کنفرانس اطاقهای بازرگانی در تبریز — تهران آکونومیست ۱۸ شهریور ۱۳۴۶)

— دکتر زاهدی وزیر وقت کشاورزی (وزیر فعلی کشور):
 "۰۰۰ ایمان صاحبان سرمایه و بخش خصوصی به نتیجه‌ی انقلاب سفید شاهنشاه آریامهر در اجرای برنامه‌ی اساسی کشاورزی و دامداری است." (آیندگان ۱۷ فروردین ۱۳۴۸)

— پیغام امروز، سرمقاله‌ی ۲ اردیبهشت ۱۳۴۳:
 "این تصویر که جامعه‌ی بی‌طبقات میتواند وجود داشته باشد خیال است و باطل. نزد یکتربین طبقه‌ای که مسالمت‌آمیز میتواند جای طبقه‌ی برکنار شده — عنصر مالک بزرگ — را بگیرد طبقه‌ایست که با سرمایه —

سرکار دارد *

— پیغام امروز، سرمقاله ی ۲۵ مرداد ۱۳۴۵ :

" در اقتصاد دگرگون شده ی کشاورزی کشور جای بزرگی خالی است که سرمایه های خصوصی در این میدان وسیع فرصت فعالیت دارند. بیش از هر طبقه در کشور ما سرمایه های خصوصی و صاحبان سرمایه هستند که باید از تحولی که پدید آمده استقبال کنند *"

— اطلاعات، سرمقاله ی ۲ مرداد ۱۳۴۷ :

" در رژیم نوین روستائی ایران که سیستم ارباب — رعیتی رامنسوخ کرده لاجرم بر روی اراضی زراعی و طبقه بیشتر باقی نمیمانند * * * و همکاری این دو طبقه صرفاً بر مبنای روابط کارگر و کارفرما امکان پذیر است و لا غیر"



چند نمونه از شرکتهای سهامی سرمایه داری که در سال ۱۳۴۸ برای سرمایه گذاری در امور کشاورزی و دامپروزی و مرغداری و مکانیزه کردن عملیات زراعی تشکیل شده است

نام شرکت	سرمایه بر ریال	تاریخ تشکیل	برخی ملاحظات
توداك	۵۰۰۰۰۰۰	فروردین	محل سرمایه گذاری در یکی از قطبهای همدان
سعادت تهران	۱۶۰۰۰۰۰۰	"	در مرکز توجه: دامداری
جیسا	۳۰۰۰۰۰۰۰	"	در مرکز توجه: باغ مرکبات و دانه های روغنی
پنیه ی کرمان	۱۰۰۰۰۰۰۰	"	
گلدشتان	۶۰۰۰۰۰۰۰	"	
تولید مرکبات	۱۵۰۰۰۰۰۰	"	
هورشت	۱۰۰۰۰۰۰۰	اردیبهشت	
تفتان	۲۰۰۰۵۰۰۰۰	خرداد	از این رقم ۲۰ میلیون ریال بهای دو قطعه ای اراضی شش دانگ در بلوچستان است و فقط ۵۰ هزار ریال نقد
خشک رود	۱۰۰۰۰۰۰۰	"	در مرکز توجه: دانه های روغنی
تخت رستم	۱۸۰۰۰۰۰۰۰	"	از سرمایه ۱۷۰۰۵۰۰۰۰ ریال جنسی و غیر منقول است یعنی املاک اربابان سابق فعال سرمایه گذار
تولیدات گرگان و دشت	۵۰۰۰۰۰۰۰۰	تیسر	گرگان و دشت عرصه ای اساسی جولان زمینداران صاحب سرمایه است
پهن دشت	۶۰۰۰۰۰	شهریور	
مرغداری ایران و آلمان	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	"	از سرمایه گذاران: کلائوس لوهمان و حبیب دادفر
زراعی تربیت جام	۳۰۰۰۰۰۰۰۰	"	
یونجه زار	۶۰۰۰۰۰۰۰۰	مهر	
دشت طوس	۲۱۰۰۰۰۰۰۰	آذر	
دهبان	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰	"	
سیمرغ	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰	"	
کی کار	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰	دی	مدیرعامل: "والاکهرشهرام پهلوی" (پسر اشرف) وی مانند برادران و سایر اقوام شاه شرکتهای متعدد سرمایه داری درست کرده و اراضی وسیع مکانیزه با کارگر کشاورزی برآورد اخته
غذائی روزانه	۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰	"	از کل سرمایه ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال نقد، ۶۰۰۰۰۰۰ ریال اموال منقول و ۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال شش دانگ ملک است در قلعه قره هنبه - گلشهر در ساوجبلاغ کرج
دشتستان	۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰	بهمن	
کشاورزی دامپروزی لارک	۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰	"	متعلق پسر لشکر بارتشسته حسن ارفع
حشم	۴۸۰۰۰۰۰۰	اسفند	دامداری، پرورش طیور

شکل خالص کشاورزی سرمایه داری، با کارگر کشاورزی و سرمایه ی کلان، آمیخته با سرمایه های خارجی یکی از دو شکل اصلی اجرای سیاست کشاورزی رژیم است.

از نظر فنی: ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی و صنایع وابسته بدان، در مرغوبترین و حاصلخیزترین اراضی وسیع، بویژه در اراضی زیرسردها دارای آب دائم و شبکه ی آبیاری و برق و جاده، بازار فروش تأمین شده، و وسائل مدرن کشت و برداشت و امکان تولید عمیق.

در آغاز تکنوکراتهای رژیم این قطب ها را بشکل مؤسسات دولتی با سرمایه ی اصولا دولتی در نظر می گرفتند:

— منصور روحانی وزیر آب و برق: تا آخر برنامه ی چهارم قریب سیصد هزار هکتار اراضی زراعی و بخصوص اراضی زیرسردها را تحت قطبهای منطقه ای کشاورزی در می آوریم با زراعت مدرن با سرمایه ی دولت و سیستم جدید کشت* (۲۴ مهر ۱۳۴۶)

— اطلاعات: بمنظور ایجاد قطبهای جدید کشاورزی، شرکتهای کشاورزی دولتی تأسیس میشود* (۱۶ مهر ۱۳۴۶)

ولی بتدریج صحبت از سرمایه ی افراد و بخش خصوصی ۰۰۰ داخلی و خارجی ۰۰۰ و بالاخره تنها خارجی.

— پیغام امروز:

۰۰۰ تشکیل شرکتهای کشت و صنعت با اصول بازرگانی با سرمایه ی دولت و با سرمایه دولت و افراد ۰۰۰ و دولت اجازه ی بهره برداری از منابع آب و زمین زیرسردها بشرکتهای داخلی و خارجی ۰۰۰* (۹ آذر ۱۳۴۶)

— همان آقای روحانی وزیر آب و برق:

برای ایجاد تأسیسات کشت و صنعت ۰۰۰ از سرمایه گذاری های خارجی و کارگران متخصص و کارشناسان خارجی استفاده خواهد شد* (تهران اکونومیست، ۹ آذر ۱۳۴۷)

ایرج وحیدی وزیر کشاورزی:

* واحدهای کشت و صنعت یعنی روش نوین کشاورزی عبارتست از سرمایه گذاری کافی در واحد سطح، استفاده از تجربیات کارشناسان، مدیریت و تکنولوژی جدید* (آیندگان ۱۲ مهر ۱۳۴۸)

— تهران اکونومیست:

* این واحدها به سرمایه های کلان و اطلاعات کافی احتیاج دارد که هر دو در آمریکا بوفور هست و امریکائیان میتوانند قیافه ی کشاورزی ایران را عوض کنند. تصور می رود که شرکتهای سرمایه داران امریکائی که چند سال است در این مورد مطالعه میکنند پس از مسافرت شاهنشاه مضموم گردند و اقدام نمایند* (۳ آبان ۱۳۴۸)

فرصت برای سرمایه گذاران ۰۰۰* (سرمقاله ی روزنامه ی اقتصاد ی بورس، ۲۶ فروردین ۱۳۴۸)

سودی حتی بالاتر از صنعت برای سرمایه داران ایرانی ۰۰۰* (سرمقاله ی مجله ی تهران اکونومیست، ۳ آبان ۱۳۴۸)

" با اجرای قانون کشت و صنعت ۰۰۰ سرمایه داران بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی بمقیاس بزرگ تشویق بسرمایه گذاری خواهند شد. (تهران اکنونیست، ۱۷ اسفند ۱۳۴۷)

" شاهنشاه مقرر فرموده اند که کشاورزی ایران در قطب های وسیعی که امکانات زراعت بحد وفور در آنها وجود دارد گسترش یابد. و این روشی است که توأم با تکنولوژی جدید، کشاورزی ایران را در مرحله ی نوینی از تحول قرار میدهد.
(آقای منصور روحانی وزیر آب و برق در مراسم آغاز کار نخستین واحد کشت و صنعت - آیندگان ۲۲ آذر ۱۳۴۸)

۱۳ دیماه ۱۳۴۶ لایحه ی تأسیس شرکتهای بهره برداری از اراضی زیرسدها یا شرکتهای کشت و صنعت تسلیم سنا شد.
برخی مواد:

کمترین وسعت اراضی هر شرکت	۵۰۰۰ هکتار	(ماده ی ۲)
اجاره به مؤسسات داخلی یا خارجی		(ماده ی ۳)
قیمت گذاری و خرید مزارع اشخاص که در زیرسده قرار دارد		(ماده ی ۴)

(پیغام امروز، ۶ دی ۱۳۴۶)

" وزارت آب و برق ایران، زمین، آب، برق، بازار داخلی، جاده، نیروی انسانی لازم را تأمین خواهد کرد. (اطلاعات ۲۳ دی ۴۶)
ممکن است سرمایه گذاری در این واحد های بزرگ در بید و امر بشرکتهای خارجی واگذار شود. (خوشه، اول دی ۱۳۴۷)
۱۶ نفر نمایندگان کمپانیهای معروف امریکائی براهنمائش آقای وارن رئیس اصل چهار سابق برای سرمایه گذاری در کشت و صنعت و آرد ایران میشوند. (اطلاعات ۲۳ دی ۱۳۴۶).
مذاکره برای تأسیس قطبهای کشاورزی و بررسی امکانات همکاری بخش خصوصی با سرمایه گذاران امریکائی در اطاق صنایع و معادن (اطلاعات، ۲۷ دی ۱۳۴۶)

- اولین واحد کشت و صنعت در آذرماه ۱۳۴۸ افتتاح شد. صاحب آن هاشم نراقی سرمایه دار امریکائی، صاحب بزرگترین بادام زار عالم در کالیفرنیا و دارنده ی ۳۵ هزار هکتار زمین در آنجا، میلیاردر در رأس یک گروه سرمایه گذار امریکائی بایران آمد.
- مرحله ی اول پنج هزار هکتار، توسعه در مرحله ی دوم در سه سال تا ۱۸ هزار هکتار.
- ۱۵ میلیون دلار سرمایه گذاری، ۲۵۰ دستگاه ماشین آلات مختلف در روز افتتاح، ۵۰۰ هکتار کشت مارچوبه، ۱۲ هزار نهال ...

مرد مبارز:

در هر هکتار از اراضی زیرسده سرمایه گذاری باید ۱۵ هزار تومان سرمایه گذاری کند، نیمی برای کشت نیمی برای فعالیتهای صنعتی

از هر هکتار زمین هفت هزار تومان سود عاید سرمایه گذار میشود* (نقل از خواندنیها، ۱۸ مرداد ۱۳۴۸).

روحانی در مراسم افتتاح نخستین شرکت :

* از هر هکتار میتوان سالانه در حدود ۸۰ هزار ریال محصول تولید کرد* (۲۱ آذر ۱۳۴۸)

آیندگان، ۲۷ آذرماه ۱۳۴۸) :

* واحد های بزرگ کشت و صنعت کشاورزی را برای نخستین بار بصورت يك بازرگانی (بیزنس) بزرگ در ایران در میآورد*.

هوید - نطق در مجلس بمناسبت تقدیم بودجهی سال ۱۳۴۹ :

* دولت در زیرساخت ها سرمایه گذاری را در مناطق وسیع کشاورزی تشویق میکند*.

بهار ایران - دکتر دینی استاد دانشگاه :

* هراقد امی در این قلمرو زیرساخت سود بخش است. زمین پاک رارفته و میخ طلا را کوفته میبینم
... طبیعی است که مورد استقبال هر سرمایه دار علاقمند است و لابد چنان سود آور و پسر
بازده که از انسوی کره ی زمین هم میتوان بداند ست زد* (نقل از خواندنیها ۱۸ آذر ۱۳۴۸)

شرکتهای سهامی زراعی

ارزیابی د ولتیان از شرکتهای سهامی زراعی

- شاه : این تجربه ی کاملاً جدیدیست و ما بآن امید زیادی داریم... ما خود را اسیر ایسم ها نمیکنیم* (مصاحبه با ایران
تریون - پیغام امروز، ۴ خرداد ماه ۱۳۴۷)

- اطلاعات : ... وسیله هدفهای مهم انقلاب از قبیل تغییر سیستم کشاورزی به مدرن ترین شکل آن. تشکیل این شرکتهای شکلی
نویه کشاورزی ایران خواهد بخشید* (سرمقاله ی ۷ آذر ۱۳۴۶).

- ولیان : بین مکتب سرمایه داری و کمونیسیم، بابتکار شاهنشاه، مکتب تازه ای که عمارت از انتقال حق زراعت زمینها به
شرکتهای سهامی زراعی است و در دنیا سابقه ندارد، بوجود آورده ایم* (سحر، ۱۷ دیماه ۱۳۴۶ - از سخنان
ولیان وزیر اصلاحات ارضی در سمینار کتاب انقلاب سفید)

- شاه در مراسم افتتاح مجلسین : تشکیل این شرکتهای مهمترین عامل ایجاد یک کشاورزی صنعتی مدرن برای حد اکثر بهره برداری

کشاورزان از زمینهای مزروعی است. این ابتکار است برای نخستین بار در کشور ما* (اطلاعات، ۱۴ مهرماه ۱۳۴۷)

نحوه ی کارشکنتها

از مواد قانون مربوطه (مصوب دی ۱۳۴۶):

- هدف : افزایش درآمد کشاورزان، بکار بردن ماشین آلات، اصول جدید کشاورزی، استفاده از نیروی اضافی انسانی، جلوگیری از خرد شدن زمینها (ماده ی اول).
- اعضای شرکت : زارعان زمین خرید یا مستأجر، بزرگران، خرد مالکان مشمول شق تقسیم مرحله ی دوم، کشاورزان و خرد مالکان غیر مشمول (ماده ی دوم).
- اگر ۱۵٪ این اشخاص در هر منطقه قبول کنند شرکت تشکیل میشود، بقیه اجباری (ماده ی ششم).
- صاحبان اراضی مکانیزه و سایر شرکتها و واحدهای کشاورزی يك منطقه میتوانند تقاضای شرکت سهامی زراعی بکنند (ماده ی چهارم).
- ژاندارمری مکلف با اجرای تصمیمات هیئتی از وزارت اصلاحات ارضی در مورد این شرکتها (ماده ۸۵^{ست}).
- اقساط بدهی زارعین (خریداران زمین) و اجاره بها (مستأجرین زمین) از حساب این سهامداران کسر و به مالک یا دولت پرداخت میشود (ماده ی دوازدهم).
- سهم مالکانه ی مالک یا مالکان اراضی که توسط بزرگران زراعت میشود بحساب بزرگران سهامدار کسر و به مالک پرداخت میشود (تبصره ی ماده ی دوازدهم).
- سهامداران حق استفاده ی مطلق و دائم از اراضی را بشرکت واگذار میکنند و متناسب با ارزش این حق و مقدار و موقعیت زمین و نیز متناسب با ارزش عوامل زراعی از قبیل گاو نرو و سیلیمی شخم و ماشین آلات کشاورزی تعدادی از سهام راد ریافت میدارند (تبصره ی ماده ی چهارم).
- سهامداران میتوانند سهام خود را بشرکت بدون هیچگونه محدودیتی و به سهامداران دیگر آن شرکت منتقل کنند. هدف این خواهد بود که سهام متعلق به هر يك از سهامداران از سهام مربوط به بیست هکتار زمین آبی یا چهل هکتار زمین دیم تحت کشت کمتر نباشد (ماده ی نهم).
- ندای ایران نوین ۲۳ دی ۱۳۴۷: در شرکت سهامی زراعی هر زارع صاحب سهم بدو نوع بهره مند میگردد: یکی سود

ویژه ای که در آخرسال زراعی بین صاحبان سهام تقسیم میگردد و دیگر مزی که در ازا کارخو
در زمینهای متعلق شرکت دریافت میکند.

— شاه در مصاحبه با مخبران بی سی :

" این شرکتها بین سه تا هشت هزار هکتار زمین خواهند داشت ۰۰۰ اعضا علاوه بر اسناد زمین
و میزان سهمیه در مقابل کاری که انجام داده اند بطور هفتگی ماهیانه و سالیانه دستمزدی
دریافت خواهند کرد." (اطلاعات ، ۵ اسفند ۱۳۴۸)

— اطلاعات ، ۷ آذر ۱۳۴۶ : " در هر شرکت کشاورزان و خرده مالکان در زمین حال صاحب سهم و کارگر شرکت محسوب
میشوند. ۰۰۰ با تشکیل این شرکتها راه برای شرکت مستقیم دولت با کشاورزان و سرمایه گذاری
دولتی در امور کشاورزی باز میشود."
(وزارت اصلاحات ارضی میتواند اراضی بایر، موات و دایر متعلق بدولت را در اختیار شرکتها گذاشته و بهمان نسبت در ای
سهم شود — ماده ی سوم قانون)

در باره ی اصل فروش سهام (ماده ی نهم قانون) — راه تبدیل عدی کمی بصاحبان سهام بیشتر و ایجاد اقلیت مرفه بحساب اکثریت محروم

— شاه :

" سهامداران میتوانند بدون هیچگونه محدودیتی سهام خود را بیکدیگر یا بشرکت منتقل کنند
از این راه بتدریج این امکان بوجود خواهد آمد که هر خانواده ی روستائی بتواند لااقل از
درآمد سالانه ی سهام مربوط به ۱۵ تا ۲۰ هکتار زمین آبی یا چهل هکتار زمین دیم استفاده
نماید." (از پیام شاه بمناسبت ۱۹ دی سالگرد اصلاحات ارضی — اطلاعات ۲۰ دی ۱۳۴۶)

— شاه :

" اگر کسی بخواهد از تعاون خارج شود میتواند آزادانه اینکار را بکند. باین وسیله افراد شرکت
میتوانند هر یک بیست تاسی هکتار زمین داشته باشند." (مصاحبه ی مدبران تریبون باشاه
پیغام امروز ، ۴ خرداد ۱۳۴۷)

— شاه :

" اگر کشاورزان عضو از کار خود خرسند نیاشند میتوانند سهم خود را بدیگر اعضای شرکت بفروشند و
از آن خارج شوند." (مصاحبه مخبران بی سی باشاه — اطلاعات ۱۵ اسفند ۱۳۴۸)

برخی ارزیابیهای دیگر

— تهران اکونومیست ۱۱ خرداد ۱۳۴۷ : " نباید فراموش کرد که این شرکتها باعث خواهد شد که بیکاری آشکار در روستاها
زیاد تر و دهقانان بیشتر اوقات خود را بایکاری بگذرانند."

— بامشاد، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۷: در این شرکت‌های سهامی ۰۰۰ طبیعتاً تعدادی از کشاورزان که بامور فلاحی اشتغال داشتند در این رهگذر بیکار خواهند ماند.

بجز وسیله مطمئن گرفتن قسط و اجاره بها و سهم مالکانه از دهقانان (ماده‌ی دوازدهم) و برخی مسائل فنی، شرکت‌های سهامی زراعی وسیله ایست برای ایجاد قشر کوچکی از دهقانان ثروتمند تر متشکل در یک شرکت، بحساب ورشکست شدن و ازدست دادن سهام، آواره شدن و یا تبدیل بیکارگر کشاورزی شدن اکثریت دهقانان منطقه‌ی شرکت.

در جدول زیر نتایج اجرای هدف دولت (ماده‌ی دوازدهم) نشان داده می‌شود. پایهی محاسبه حد متوسط ۳۰ هکتار زمین برای خانوار سهامدار (بجز مازندران و گیلان ۲۰ هکتار) و هر خانواده پنج نفر

شماره	محل	نام	مساحت به هکتار	وضع کنونی		عدد کافی برای هدف رژیم در صورت اجرای نقشه		عواقب اجرای نقشه دولت	
				تعداد سهامداران	جمعیت	سهامداران کافی	جمعیت کافی	سهامداران اضافی	جمعیت اضافی
۱	شمس آباد فارس	اریا	۱۲۰۰	۸۰	۹۵۰	۴۰	۲۰۰	۴۰	۷۵۰
۲	رزن - همدان	درگزین	۲۵۰۰	۴۱۵	۴۵۰۰	۸۳	۴۰۰	۳۳۲	۲۸۴۰
۳	گلپایگان	گلپایگان	۲۳۰۰	۱۳۶	۱۱۳۴	۷۷	۳۸۵	۶۰	۷۵۰
۴	دیزج - آذربایجان شرقی	دیزج	۱۴۴۰	۱۲۶	۷۹۵	۴۸	۲۴۰	۷۵	۵۵۰
۵	سنندج - کردستان	فرح	۴۰۰۰	۳۴۰	۲۵۷۰	۱۴۰	۷۰۰	۲۰۰	۱۸۰۰
۶	ذهاب کرمانشاهان	رضا پهلوی	۲۱۴۰	۳۷۲	۱۶۴۱	۷۰	۳۵۰	۳۰۰	۱۲۰۰
۷	شیروان - لرستان	شیروان	۷۸۰	۹۸	۵۸۴	۲۶	۱۳۰	۷۰	۴۵۰
۸	دیزباد سفلی - خراسان	فرحناز	۱۵۰۰	۹۶	۹۰۰	۵۰	۲۵۰	۴۵	۶۵۰
۹	گرمسار - تهران	گرمسار	۲۵۴۰	۳۹۷	۴۴۱۵	۱۱۸	۵۹۰	۲۸۰	۳۸۰۰
۱۰	باغین کرمان ختباری	کرمان (۴)	(۴)	۱۱۶	۵۳۲۹	۷۰	۳۵۰	۱۳۰	۴۶۰۰
۱۱	چالشر - چهارمحال	شهنواز	۲۱۰۰	۲۰۸	۵۰۰۰	۷۰	۳۵۰	۱۳۰	۴۶۰۰
۱۲	قائنات - خراسان	نیم بلوک بالا و پائین	۸۰۰۰	۱۰۵۹	۸۵۶۹	۲۸۰	۱۴۰۰	۷۰۰	۷۰۰۰
۱۴	فومن - گیلان		۶۲۵	۱۶۴	۱۳۹۵	۳۰	۱۵۰	۱۳۰	۱۲۰۰
۱۵	ساری - مازندران		۱۰۰۰	۳۲۱	۱۶۴۵	۵۰	۲۵۰	۲۷۰	۱۴۰۰

این جدول مربوط به ۱۵ شرکت سهامی است که در سال ۷ تشکیل شد و طبق گزارش وزارت اصلاحات ارضی ۳۷ هزار نفر در ۲ هزار هکتار متشکل گردید. در حالیکه این مقدار زمین طبق هدف رژیم برای ۱۴۰۰ سهامدار، یعنی با عاقله برای ۷۰۰۰ نفر کافیست و حد اکثر با در نظر گرفتن سایر عوامل

— مالکان زارعینی را که برطبق قانون صاحب ملک شده اند یکایک به خرید ورهای عدلیه میکشند و چون زارعان از هیچ و خم قانون سردزنی - آورند اغلب محکوم میشوند و بعضی نیز بزند ان میافتند و بدین ترتیب ربع و وحشتی در دل زارعان بوجود آورده اند و چه بسا سوءاستفاده که از این بابت کرده اند. * (بامشاد ، ۷ اسفند ۱۳۴۵) .

مهاجرت - پدیده ی جانکاه و روزافزون در روستاها :

— در جنوب شهرتهران دهاتیان تازه بشهرآمد و اصولاً غذای شب راند ارند بخورند تاچه رسد به جای خواب. * (خواندنیها ۲۶ دی ۱۳۴۶)

— در جنوب فارس و منطقه ی لارستان ۵۰۰ ازهرد و خانواد ه یک نفر در موطش نیست. * (تهران مصور ، ۴ اسفند ماه ۱۳۴۶) .

— مهاجرت روستائیان بهشهرها ۵۰۰ بایک کاری در سطح خیلی پائین خطر عمد ه بشمار میرود. * (تهران اکونومیست ، ۱۵ تیر ۱۳۴۷) .

— "گردش چرخ امور کشاورزی بکلی در قم مختل شده و بیش از ده هزار نفر از کشاورزان قم ناچار بشهرها کوچ کرده اند. * (اطلاعات ۲۸ - ۱ - ۴۷)

— "سیل مهاجرت روستائیان بطرف شهرها سرازیر میگردد ۵۰۰ شرایط نامساعد زندگی در دهات یکی از عوامل مؤثر در مهاجرت روستائیان بشمار میرود. * (آیندگان ، ۱۰ اسفند ۱۳۴۸) .

— "در دهات ایران ژاندارمها بجای اربابان سابق بجان زارعین افتاده و دهقانان دسته دسته از زمینهای خود رانده شده و بیسوی شهرها پناه میبرند. * (ضمیمه ی مردم - ارگان تشکیلات تهران حزب توده ی ایران - سرمقاله ، شماره دوم ، سال سوم) .

شروتمند ان براراضی چنگ میاند ازند :

— "اخیرا عدد هی زیادی از سرمایه داران و مالکان سابق روستاها در زمینه ی دامپروری شروع بشرمایه گذاری کلان کرده اند و با استفاد ه ا ر قانون واگذاری اراضی جنگلی شمال کشور و باتشکیل شرکتهای بزرگ با مشارکت سرمایه های خارجی دست بفعالیت بیسابقه ای زده اند (جوانمردان نقل از خواندنیها ، ۳۱ تیر ۱۳۴۶)

— "جالب اینکه اغلب رجال تقاضای خرید اراضی جنگلی کرده اند تا هنگام عزل یا بازنشستگی به کشاورزی مشغول شوند. * (سپید و سیاه ، ۱۱ دی ماه ۱۳۴۷)

— "آفتسی که هم اکنون مالکیت کشاورزان را تهدید میکند پدایش طبقه ی خاصی است که محصول یکساله ی زمین آنها را به ثمن بخرمی میخرند و سال دیگر باز این معامله را از سر میگیرند تا یک خروار زمین را بقیمت نازلی از چنگ دهقانان محتاج بدرمیآورند. * (خواندنیها ، ۱۱ آبان ۱۳۴۷)

— "عده ای نزول خوار از خدایی خبر بلای عظیمی برای دهقانان شده و مثل خوره بجان دهقانان افتاده اند و بیم آن میرود که دهقانان از همستی ساقط شوند. * (تهران مصور ، ۱۸ اسفند ۱۳۴۶)

— اعلامیه ی وزارت اصلاحات ارضی هفتم مرداد ماه ۱۳۴۷ :

"حد اقل واحد زراعتی راد راراضی آبی ۲۰ هکتار و دراراضی دیم ۴۰ هکتار تعیین واعلام میکند. هر يك از زارعین میتوانند با خرید نسق زراعتی زارعین متوفی درمحل سکونت خوشمقد ارنسق تحت کشت خویش رانا د و برابر مساحت حد اقل تعیین شده (۴۰ هکتار آبی و ۸۰ هکتار دیم) خرید اری کنند مشروط بر اینکه جمع اراضی مورد تملك از حد نصاب مقرر در رما د هی ۵۰ اعین نامه در هر منطقه تجاوز نکند." (آیندگان، ۸ مرداد ماه ۱۳۴۷) .

واقعیت :

ادعا :

"یکی از کشاورزان ایرانی به مخبر نشریه خارجی یونایتد استیمس نیوز اند ورلد ریپورت گفته است در اثر اجرای انقلاب سفید واصلاح ارضی زندگی ماعوض شده . تا چند سال پیش همیشه نسبت به تأمین غذای بخورونمیری برای خانواده ی خود نگران بودم ولی اکنون در فکر هستم کسه همسرم چه رنگ قالی میخواهد برای منزل لمان انتخاب کند." (سحر، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۸)



" هر سال سطح کشت پائین میآید ، اغلب مردم جلای وطن کرده اند ، دهات خالی ازسکنه است ، هفته و ماهی نیست که عد های مهاجرت نکنند . در غربت در ارفق و بسی دوائی پدر روماد ر جلوی اطفال و اطفال جلوی چشم پدر روماد رازگرسنگی جان د اد مومید هند (آقای پردلی نمایندۀ سیستان — تهران اکونومیست ، ۲۵ دیماه ۱۳۴۶) .

— از سند حزب توده ایران "تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظایف مبرم ما" :
این اصلاح ارضی " با اینکه مناسبات فئودالی زمینداری رامنززل میسازد ، بهیچ وجه در جهت بهبود شرایط زندگی توده های عظیم دهقانی و رهائی آنان از قید

استثمار مالکین و رباخواران سیرنمیکند . امتیازات واقدمات تشویقی دولت نسبت به مالکیت بزرگ سرمایه داری ، تشکیل شرکتهای سهامی زراعی ، ایجاد واحد های کشت و صنعت در اراضی وسیع یا شرکت سرمایه های خارجی و ۱۰۰۰ کاملاً هدف سیاست دولت راد ایجاد زمینداران بزرگ سرمایه دار و ورشکست ساختن اکثریت زارعین و ریزه مالکان بسود سرمایه داران ده و شهرنشان میدهد . (مجله دنیا شماره اول ، سال دهم ، بهار ۱۳۴۸ ، صفحه ی ۶) .

— در باره ی پیام شاه بمناسبت سالروز تصویب قانون :

"هیچ انقلابی در این زمینه ، در تاریخ انقلابات بزرگ سیاسی واجتماعی همتاندارد ، نه در انقلابات کبیرفرانسه و نه در جاهای دیگر ، چه در ربع اول قرن بیستم ، چه بعد از جنگ ، هیچ کجا اصلاحات ارضی بدین شکل در ماهیت اصیل خود همانند ندادند ."

(ندای ایران نوین ، ۲۳ دی ۱۳۴۷)

سرزنش

حیف از آن زحمت وان پول و مال
که خرج تحصیل توشد چند سال
حقوق دانی شده ای باکمال

حیف برایت که پسر تاجر ی
غصه ی يك مشت عمه میخوری

ای جونمرگی پسر خیره سر
ما یه ی دل ضعفه برای پدر
خیزبینی تو الهی پسر

شنیده ام حزب شدی جونمرگ
شعر بیروزنامه زدی جو نمرگ

حمایت از کارگران میکنی؟
رعایت از رنجبران میکنی؟
شکایت از مفتخوران میکنی؟

پسر حیاکن بتو چه بسی حیا
در توی بازار شدم رو سیا

حاجی فلان تاجر گردن کلفت
که میزند پشت سرم حرف مفت
روی به من کرد و به تاجر گفت

اجاق این حاجی ماکورهست
چون پسرش ناخلفاً نجورهست

تو پسر مثل چو من آدمی
نه غصه داری نه خیال و غمی
از خر شیطان بیا پائین کمی

کارگران راتو نکن انگولک
چون نکن برای ماها کلک

عیبه ، بده قاطعی فعله شدن
جوش برای عله هازد ن
نگاه کن به پنج انگشت من

خواست خدا هست عزیز و ذلیل
کار خدا نیست پشربسی دلیل

خواست خدا هست که من تا جرم
بیل و کوبن چرم و شکر میخرم
هر تومنی چند تو من میرم

خانه خریدم ده و باغ قشنگ
سفره ی پهناور من رنگ رنگ

خانه ی بیلا قم در کوهسار
دامنه ی تیه لب آبشار
با دور بین منظر شهر آشکار

سایه ی بید و لب استخر آب
صفا هکی دارد یک چرت خواب

خانه شهرم دیگه بهتر از آن
مطبخ و گلخانه و حمام وان
نوکر و کلفت شو فرو باغبان

شکر که در زندگیم نقص نیست
هست اگر زندگی ، این زندگیت

خواست خدا هست که از گشنگی
دور تر از مطبخ ما اندکی
کنار آن روزنه مرده یکی

کلفت ما گفت که ده ساعت است
خفته یکی چه بی غم و راحت است

کارگری رفته بزیر او ار
زیر بی ساختمان وقت کار
عائله اش درده چشم انتظار.

نه قاصدی رفته بده نه خبر
مراجعت نمیکند او دگر

آنکه شکسته شده اعضای او
پنجه ی او، بازوی او، پای او
نیست دگر هیچ کجا جای او

بما چه بدبختی بدبختها
بما چه سرسختی سرسختها

بکارگر رونده بیخود پسر
برای مافتخوران شر مخر
بیجهت ایجاد مکن درد سر

کارگر هرگه شود ایران مدار
برارد از مدعیانش دمار

وای ازان روز که این اتحاد
قوه بدست آرد و گردد زیاد
میروند آنروز چه سرها بیاد

کاخ نشین خاک نشین میشود
در همه ی روی زمین میشود

* * *

رنجبران زحمت و کار از تو است
مفتخوری میردت مزد دست
ساکت و آسوده نباید نشست

رنجبران همه جا اتحاد
تا که شود کار جهان بر مراد

به دلیران ویت نام

تو ای چشمان چون آهو که با حیرت نظر دوزی
براین دریای آتش، کز فراز کلبه ها خیزد
چه بانگی وحشت افزا از نهادت میکند پرواز؟
چه بارانی ز اشک از نوک مژگانانت فرو ریزد؟

تو ای کودک که نعش خواهرنوزاد در آغوش
از این مرد ایها باترس بنیان کن گذر کردی،
تو ای پیری که تنها مانده ای در روستای خویش
خموشانه به کنجی گونه را از اشک ترکردی،

تو ای بیمارکز باران بمب و شعله ی آتش
نداری قوتی اندر بدن تاخویش برهانی،
تو ای سرباز آزادی که در تاریکی شبها
به سنگر، ضد خصم خو نغشان، بی باک میمانی،

شما با قدرت روحی که آنرا نیست تسلیمی
عدوی غره ی کشور گشارا بینوا کردید
بدین مرد انگیهائی که اعجاز بست بی مانند
شماحق را و ناحق را به گیتی برملا کردید



نغمه زمستانی يك بيكار

زمستان می آید !
طلای خورشید در آسمان رنگپریده میشود
بر بنفش کوهها فرشته ی کبود برف می نشیند
و استاد چیره دست یخ بند آن
در شبی پلی از آبگینه برآبگیرهای بندد

زمستان می آید !
و این الهه ی غم انگیز
با دمسردی خویش
زمین را از نثار گرم آسمانی محروم می کند
اری گلهای رقصان برف زیباست !
ولی بام کلبه ی مراتاب پایکوبی آنها نیست
نسیم سرد البرز گونه های شاداب را نوازش میدهد
ولی در پیکر ناتوانم دشنه ایست زهرآگین
و منظر نهالهای عریان شاعرانه است
(پیوژه آندم که از خلال آنها افق غروب هویداست)
ولی دیدار آنها کودکان عریان مرا بیاد می آورد

زمستان می آید !
و برد شمنان داعی من دشمنی تازه افزوده میشود

سرنوشت ، هر سال مرا در زاغه ی محقرم
دوبار شکنجه میکند :
در مردادماه : در کوره ای از دوزخ
در دیماه : در دخمه ای از زمهریر



(۷۲)

در مرداد ماه : در عطش قطره ای آب
در دی ماه : در رخنه ی ویرانگران
خواه در دهکده ی گلین
خواه در برزنهای محقر شهر
خواه آنجا که سیلاب و زلزله ویرانش کرده
یا آنجا که بی سیلاب و زلزله ویرانست
من ،

مجسمه ی فقر و بیکاری
باشانه های استخوانی ، جامه ی ژنده ، گونه های کبود ، کز کرده ایستاده ام
زمزمه ی غبار برگهای خشک
در گوش من نغمه ی شومی میخوانند :

زمستان می آید !
جامعه بر بنیاد تناقضی وحشیانه بنا شده :
بین آنها که کاخهای غرق در نور دارند
و آنها که شعله ی هیزمی را آرزو می کنند
انها که در خز های معطر خزیده اند
و آنها که انگشتانشان بر آهن سرد منجمد میشود
انها که پاکرایسلر بر آبی میگذرند
و آنها که در نور خیره کننده اش دستهای گدائی یازیده اند
انها که هر برف تازه بهرشان جشنی است
و آنها که هر برف تازه بهرشان ماتمی
و در دیده ی من زمستان با آن ردای سپید
مانند کاهنی سالوس است
که با اخم تلخ از گویهای گدایان میگذرد
و بالبخند خایلوسی در قصور دولت مند ان گام میگذارد
و اینک این کاهن شوم
بازوزه ی یک باد وحشی
بر بام محقر کلبه ی من صیحه میکشد ،

زمستان می آید

جوانان در جوامع سرمایه داری

مبارزات جوانان انعکاسی است از بحران عمیق جامعه بورژوازی معاصر. جوانان زحمتکش و در درجه اول جوانان کارگر که در معرض استثمار افراطی قرار دارند و در نمانی برای خود در سرمایه داری نمی بینند همواره فعالتر به مبارزه ی طبقاتی می پیوندند، وارد اتحادیه ها، سازمانهای کمونیستی و دیگر سازمانهای دموکراتیک میشوند. توده ها که وسیع دانشجو یان نه فقط علیه نقائص سیستم عقب مانده ی آموزش، نه فقط بخاطر حقوق تشکیل سازمانهای خویش و شرکت موثر در رهبری مراکز آموزش، بلکه همچنین علیه سیاست طبقات حاکمه مبارزه میکنند. جوانان همواره بیشتر، ملهم از مبارزه ی خلق ویتنام و دیگر توده های مبارزات قهرمانانه ی ضد امپریالیستی، در نبرد های بزرگ خلق علیه امپریالیسم و بخاطر دموکراسی و صلح و سوسیالیسم شرکت میکنند. کمونیستها ارزش بزرگی برای اعتلاء جنبش جوانان قائلند و در آن فعالانه شرکت میکنند. در صفوف آن اندیشه های سوسیالیسم علمی را اشاعه میدهند، خطر انواع اندیشه های انقلابیگری کاذب را که میتوانند بر جوانان تأثیر کنند، توضیح میدهند، میکوشند به جوانان در یافتن راه صحیح مبارزه علیه امپریالیسم و در دفاع از جنبش آنان کمک کنند. تنها پیوند فشرده با جنبش کارگری و گردان پیشگام کمونیستی است که میتواند در برابر جوانان افق انقلابی واقعی بگشاید.

فقط سوسیالیسم

سیستم جهانی سوسیالیسم نیروی قاطع و اساسی در مبارزه ی ضد امپریالیستی است. هر نبرد آزاد یبخش از پشتیبانی بی بدل آن و در درجه اول اتحاد شوروی برخوردار است. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی، سرکوب فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن در جنگ جهانی دوم، پیروزی انقلاب در چین و در یک رشته از کشورهای اروپائی و آسیائی، تشکیل نخستین کشورهای سوسیالیستی در آمریکا - یعنی جمهوری کوبا، پدایش و رشد سیستم جهانی سوسیالیسم شامل ۱۱ کشور تا ۱۰ تیرالهام بخش سوسیالیسم بر تمام جهان شرایط مقدّماتی برای تسخیر ترقی تاریخی فراهم نمود، افقهای نوینی برای پیشرفت به جلو و پیروزی سوسیالیسم در سراسر جهان باز کرده است. سوسیالیسم افق رهایی از امپریالیسم را به همه نشان داده است. نظام اجتماعی نوین مبتنی بر مالکیت اجتماعی بروسائل تولید و حاکمیت زحمتکشان قادر است رشد برنامه ای و بی بحران اقتصادی را پسود خلق نماید، حقوق اجتماعی و سیاسی زحمتکشان را تضمین نماید، شرایط برای دموکراسی واقعی، شرکت واقعی توده های عظیم مردم را در اداره ی جامعه، برای تکامل همه جانبه ی شخصیت فرد، برای برابری حقوق ملل و دوستی فیما بین آنها را ایجاد نماید. در عمل اثبات شده است که فقط سوسیالیسم قادر به حل مسائل بنیادی است که در برابر بشریت قرار گرفته اند.



گودك

اندر

ديار

سرمایه

كودك اندر ديار سمر ما يه
بي خبر از نوازش مادر
استخوان سگان بود قوتش
سنگ ناسور كوچه ها بستر *

سوخته همچو شمع كافوري
در سيه چال معدني مرطوب
خم شده پشت دستگاه غنود
از سحرگاه تا اوان غروب

كودكان ديده ام كه در مرداد
بر سر تفته ريگ خفته بدر
چون گل منجمد فتاده بخاك
بهمن بي امان چو زدم سرد

شهر و ده پر بود از اين اطفال
نيمه عريان و جامه ها پاره
درميان زباله گمشده رزق
جسته همچون سگان آواره *



اطلاعاتی درباره نفوذ امپریالیسم در ایران

رسوخ اقتصادی و سیاسی امپریالیسم اشکال گوناگون دارد. اگر تا قبل از جنگ جهانی دوم انحصارهای خصوصی امپریالیستی صادر کنندگان عده‌ی سرمایه بودند، بعد از جنگ، بویژه در مرحله‌ی سوم بحران عمومی سرمایه داری، انحصارها نقش عده‌ی رابه عهدہ‌ی دول امپریالیستی گذاردند.

در حال حاضر در اجرای وظایف ستراتیژیک امپریالیسم در کشورهای رشد یابنده، شیوه‌ی دولتی انحصاری صد و سرمایه بشکل "کمک" مقامی مهم را اشغال میکند.

سرمایه‌ی انحصاری خصوصی با واگذاری مقام نخست به "کمک" از مجرای دولتی، در واقع زمینه را برای رسوخ بعدی آماده میسازد. کمک صرف سرمایه گذاری در رشته‌های کم سود انفراسترکچر میگردد که اهمیت بزرگ برای سرمایه‌ی خصوصی امپریالیستی دارد. سپس سرمایه‌ی خصوصی انحصاری به رشته‌های سود آور اقتصاد سرانزیر میشود. بدینسان نوعی تقسیم کار بین دو شکل صد و سرمایه بوجود میاید.

سرمایه‌ی دولتی انحصاری بشکل "کمک" شرایط کلی وابستگی کشور به امپریالیسم را ایجاد میکند و محیط مناسب برای صد و سرمایه‌ی خصوصی امپریالیستی از طریق تحکیم مناسبات سرمایه داری بوجود می‌آورد. سرمایه‌ی خصوصی امپریالیستی بنوبه‌ی خود تحکیم هرچه بیشتر این وابستگی را از راه استقرار نظارت به رشته‌های حساس اقتصاد و جلوگیری از ترقی همه جانبه‌ی اقتصادی کشور رشد یابنده، بعدد میگیرد. هر دو نوع صد و سرمایه حربه‌ی ایست در دست امپریالیسم برای صد و نظام سرمایه داری بکشورهای رشد یابنده و ایران یکی از این

کشورهاست.

نفوذ امپریالیسم در ایران از طرق مختلف "وام" و "کمک"، "سرمایه گذاری در صنایع نفت و صنایع تبدیلی و بانکداری و غیره" گسترش می یابد.

"وام" و "کمک" امپریالیستی

از سال ۱۳۳۰ تا اول سال ۱۳۴۸ دولت مبلغ ۱۹۹۰٫۹ میلیون دلار وامهای کوتاه و بلند مدت از خارج دریافت داشته است. طی همین مدت مبلغ ۲۵۸ میلیون دلار هم ب شکل "کمک بلاعوض" وارد خزانه ی دولت گردیده است.
مبلغ وام دریافتی سال بسال روبه افزایش است. مثلا اگر از سال ۱۳۳۰ تا اول سال ۱۳۴۲، یعنی طی ۱۲ سال جمعاً ۸۹۰ میلیون دلار وام از خارج دریافت شده بود، از سال ۱۳۴۲ تا اول سال ۱۳۴۸، یعنی طی شش سال مبلغ وام دریافتی به ۸۰۰ میلیون دلار بالغ گردیده است.

رقم استفاده از وامهای خارجی در شش سال (۱۳۴۱ - ۱۳۴۶) بقرار ذیل بود:

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۸
مبلغ	۱۰۸	۲۱	۰٫۸	۲۳	۴۷	۱۰۱

سهام وامهای خارجی در رقم درآمد کل بودجه، بموجب پیش بینی، در دو سال اخیر بشرح ذیل است (ارقام به میلیون ریال):

سال ۱۳۴۸	سال ۱۳۴۷	مبلغ وام خارجی
۲۵۳۰۰	۳۳۱۲۰	بازپرداخت اصل و بهره ی وامهای سابق
۱۲۰۰	۴۸۰۰	

شرایط وامهای امپریالیستی سنگین است. وام با بهره ۵ - ۷ درصد سالیانه پرداخت میشود. کشور وام دهنده باید طرحهای راکه وام صرف آن خواهد شد قبلاً مطالعه و تصویب کند. ایران بعنوان طرف گیرنده ی وام متعهد میگردد که کلیه و یا بخش اعظم وام را صرف خرید از کشور وام دهنده کند، کالاهای خریداری شده را در بانک بیمه متعلق به آن کشور بیمه نماید، از کمپانیهای کشتیرانی آن کشور برای حمل کالاهای خریداری شده استفاده کند و بالاخره اجرای طرح راکلا و یا قسماً بعهده ی کمپانیهای مقاطعه کار کشور وام دهنده واگذارند.
بدینسان نه تنها چگونگی انتخاب طرحهای عمرانی و صنعتی کشور، بلکه طرز اجرا و میزان سرمایه ی مصرفه هم عملاً در اختیار کشورهای سرمایه داری وام دهنده قرار میگیرد.

گرانی نرخ بهره موجب میگردد که پس از یک مدت کوتاه، همه ی مبلغی که از یک دست بعنوان وام از کشورهای امپریالیستی گرفته شده، از دست دیگر بعنوان اصل و بهره ی وامهای قبلی بکشور وام دهنده مسترد شود و خالص استفاده از آنها بمرور زمان برقم ناچیزی تنزل نماید. مثلا از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۲ دولت ایران در حدود ۴۷۵ میلیون دلار وام از خارج دریافت نموده است. در همان مدت دولت از بابت سررسید اقساط و بهره ی وامها مبلغ ۴۵۴ میلیون دلار به دول امپریالیستی پرداخته است. لذا در این دوره فقط ۲۱ میلیون دلار و یا سالیانه ۳ میلیون دلار صرف سرمایه گذاری گردیده است. از وامی که به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار طی ۶ سال (۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷) دریافت شده، مبلغ ۴۵۴ میلیون دلار از بابت اصل و ۱۲۲ میلیون دلار از بابت بهره ی وامهای گذشته، طی همان مدت پرداخت شده است. و باز در همان مدت تنهادهای موسسه ی دولتی (سازمان برنامه و شرکت ملی نفت) از بابت "خدمات" در حدود ۲۶۹ میلیون دلار صرف کرده اند.

بدینسان در مدت ۶ سال اخیر از مجموع وام دریافتی به مبلغ ۱۱۰۰ میلیون دلار، مبلغ ۸۴۳ میلیون دلار ب شکل اصل و بهره و وامهای سابق و "خدمات" از کشور خارج شده است.

"کمک فنی و اداری" یکی دیگر از اهرمهای رسوخ امپریالیسم است در اقتصاد کشور. از سال ۱۹۵۲ تا پایان سال ۱۹۶۵ دولت ایالات متحده ی آمریکا - ۸۷ میلیون و ۹۱۰ هزار دلار بعنوان "کمک فنی و اداری" بدولت ایران داده است. این نوع از "کمک" به امپریالیستها امکان آنرا میدهد که بدون سرمایه گذاری در موسسات صنعتی سود کلانی بدست آرند. مثلا از سال ۱۳۴۰ تا پایان ۱۳۴۵ مبلغ ۵۷۳ میلیون دلار از کشور برای "خدمات" خارج شده است.

خاطر نشان میسازد که طی همان مدت وام بلند مدت دریافتی ایران از خارج ۸۰۰ میلیون دلار، بدیگر سخن، ۱۴۴۳ میلیون دلار کمتر از مبلغ صدور ارب ب شکل "خدمات" بوده است.

از سال ۱۳۳۳، یعنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا اول سال ۱۳۴۸ فقط وامهای بلند مدت خارجی که رژیم دریافت داشته، بالغ بر ۱۶۹۴ میلیون دلار است. از این مبلغ ۷۶۴ میلیون دلار اصل و ۲۰۶ میلیون دلار بهره ی وامها به دول امپریالیستی باز پرداخت شده و هنوز هم ۷۲۴ میلیون دلار از بابت اصل وام باقی مانده است.

بدینطبق قوانین اقتصادی جهان سرمایه داری بطرز خودکار و بیرحمانه علیه ایران در فعالیت است و امکان آنرا نمیدهد که کشور از وابستگی اقتصادی و بالنتیجه سیاسی امپریالیسم شانه خالی کند.

امپریالیسم و بازرگانی خارجی ایران

بازرگانی خارجی یکی دیگر از اهرمهای تحکیم سیادت امپریالیسم است در ایران. در گذشته اساس بازرگانی خارجی ایران بر مبنای قانون انحصار تجارت خارجی تیرماه ۱۳۱۱ استوار بود. بموجب این قانون بازرگانی خارجی در انحصار دولت بود و اومیتوانست این حق را با شرایطی بسه موسسات خصوصی واگذار کند.

در آن ایام در بازرگانی خارجی ایران اصول تعادل پرداختهای خارجی و تهاوت و اصل استفاده از ارز خارجی برای کالاهای ضروری برقرار بود. ولی هم انحصار دولتی بازرگانی خارجی و هم اصول مذکور، پس از گسترش نفوذ امپریالیسم در ایران علاوه بر این شد. در تمام سالهای بین ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۶ هیچ نوع سیاست مشخص بازرگانی در کشور وجود نداشت. از سال ۱۳۳۶ تحت فشار امپریالیسم جهانی، هیئت

حاکمهی ایران سیاست د روزه های باز را در پیش گرفت . این سیاست با اندک تغییر و تبدیلی امروز نیز ادامه دارد . در نتیجه ورطه ی بیسن صادرات و واردات هر سال بیشتر و وابستگی ایران بیبازارجهان سرمایه داری عمیقتر شده است .

ارقام مربوط ببازرگانی خارجی ایران نشان مید هدکه طی سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۴۷ در حالیکه صادرات کشور از ۱۰۲ میلیون لار به ۲۱۶۹ میلیون دلار افزایش یافته ، ارزش کالاهای وارده به کشور از ۶۵۰ میلیون دلار به ۱۳۸۹۲ میلیون دلار بالغ گردیده است . یعنی کسرموازته ی بازرگانی خارجی ایران از ۴۸۴ میلیون دلار در سال ۱۳۳۸ به ۱۱۷۲۳ میلیون دلار در سال ۱۳۴۷ و یادرحدود سه برابر افزایش یافته است .

بازرگانی خارجی ایران بادول امپریالیستی نابرابر ، غیرعادلانه و کلا بسود انحصارهای امپریالیستی است . از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۸ قیمت کالاهای وارداتی بکشور بالغ بز - ر ۵۵۹۴ میلیون دلار بوده است . در مقابل مبلغ ارزی که از طریق صادرات کالا از ایران بدست آمده ، در همان مدت فقط ۸۱۷۱ میلیون دلار گردیده است . یعنی واردات ایران از خارج در حدود ۷ برابر صادرات ما بخارج بوده است .

کشورهای سرمایه داری غرب نقش عمده در واردات کالا با ایران دارند . روابط بازرگانی خارجی ایران با این کشورها در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ در جدول زیر آمده است :

(ارقام به میلیون دلار)

صادرات		واردات		
۱۳۴۷	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۶	
۴۲٫۵	۴۰٫۱	۵۴۴٫۱	۴۷۰٫۴	کشورهای عضو بازار مشترک
۲۲٫۳	۲۰٫۶	۲۲۳٫۹	۲۱۲٫۴	ایالات متحده ی امریکا
۸٫۱	۹٫۷	۱۸۱٫۳	۱۳۹٫۴	انگلستان
۵٫۶	۳٫۶	۱۳۳٫۴	۹۱٫۷	ژاپن

کسرو ازنه ی بازرگانی خارجی ایران با کشورهای نامبرده (به میلیون دلار)

سال ۱۳۴۷	سال ۱۳۴۶	
۵۰۱٫۶	۴۳۰٫۳	کشورهای عضو بازار مشترک
۲۰۱٫۶	۱۹۱٫۸	ایالات متحده ی امریکا
۱۷۳٫۲	۱۲۹٫۷	انگلستان
۱۲۷٫۸	۸۸٫۱	ژاپن
۱۰۰۴٫۲	۸۴۰٫۱	جمع کل

مقام اول راد بازرگانی خارجی ایران آلمان غربی داراست. در سال ۱۳۴۷ سهم آلمان غربی در کل واردات ایران ۲۳٪ بود. واردات ایران از آلمان غربی ظرف ۸ سال اخیر ۱۵۰ درصد افزایش یافته و از ۱۲۴ میلیون دلار به ۳۱۱ میلیون دلار رسیده است، حال آنکه در صادرات ایران به آلمان غربی تغییر چند ان محسوسه ی عمل نیامده است. کسرو ازنه ی بازرگانی ایران با آلمان غربی در سال ۱۳۴۷ به ۲۰۷ میلیون دلار بسود آلمان غربی بوده است. یعنی فقط طی یکسال انحصارهای آلمان غربی ۲۰۷ ملیون دلار به ارز از ایران خارج کرده اند. در همان سال ایالات متحده ی امریکا ۲۰۱٫۶، انگلستان ۱۷۳٫۲ و ژاپن ۸٫۱۲۷ میلیون دلار از طریق تحمیل مبادله ی نابرابر بازرگانی از ایران بیرون برده اند.

در سال ۱۳۴۶ از مجموع واردات ایران به ارزش ۱۱۹۰٫۳ میلیون دلار ۹۱۳٫۹ میلیون و در سال ۱۳۴۷ از ۱۳۸۹٫۲ میلیون دلار، مبلغ ۱۰۸۲٫۷ میلیون دلار بکشورهای عضو بازار مشترک، ایالات متحده ی امریکا، انگلستان و ژاپن تعلق داشته است. تنها طی دو سال (۱۳۴۶ و ۱۳۴۷) کشورهای نامبرده در برابر فروش ۱۹۹۵٫۶ میلیون دلار کالا به ایران، فقط ۱۵۲٫۵ میلیون دلار کالا از ایران خریداری کرده اند. لذا طی دو سال ۱۸۴۳٫۱ میلیون دلار از درآمد ارزی ایران به گاو صندوقهای انحصارهای جهان سرمایه داری غرب منتقل شده است.

امپریالیسم و صنایع نفت ایران

یکی از مهمترین رشته های صنعتی کشور که سرمایه های انحصاری امپریالیستی بر آن سیادت مطلق دارند، صنایع نفت ایران است. ذخیره ی نفت ایران که در سال ۱۹۵۴ به ۱۲ میلیارد بشکه تخمین زده شده بود، بد نبال عملیات اکتشافی و حفاری، در سال ۱۹۶۶ به بیش از ۴۰ میلیارد بشکه بالغ گردیده است. میزان تقریبی ذخیره ی گاز ایران، طبق سرآورد رسمی، در حدود ۷۰ هزار میلیارد فوت مکعب تخمین زده میشود. این مقدار گاز معادل

۱۰ میلیارد و ۸۵۰ میلیون بشکه نفت ارزش حرارتی دارد.
 معادن نفت ایران یکی از پرمحصولترین معادن جهان بشمار میرود. قدرت طبقات نفت در گچساران به ۴۱۰ متر میرسد. در جنوب کشور منابع نفتی ایران در مساحتی بطول ۷۰۰ کیلومتر و عرض ۴۵ کیلومتر جای گرفته است.
 میزان ذخایر نفت جهان سرمایه داری در سال ۱۹۶۸ بالغ بر ۲۰۲ میلیارد بشکه برآورد شده است. از این مقدار ۳۹۳ میلیارد بشکه در ۷۱ میدان نفتی جهان قرار دارد که در بین آنها نیز ۱۵ میدان بزرگ نفتی از لحاظ اهمیت ذخایر شهرت جهانی دارد. و در بین این ۱۵ میدان چهار معدن بزرگ نفت ایران بترتیب زیر قرار دارد.

میدان	تاریخ کشف	میزان ذخیره (به بلیون بشکه)
آغا جاری	۱۹۳۸	۹٫۵
گچساران	۱۹۲۸	۸٫۰
مارون	۱۹۶۴	۶٫۰
اهواز	۱۹۵۹	۶٫۰

از لحاظ تولید نفت ایران مقام اول را در خاور میانه و نزدیک بدست آورده است

تولید نفت در برخی از کشورهای خاور میانه و نزدیک و مقایسه آن با ایران
 (به هزار تن)

سال ۱۹۶۸	سال ۱۹۶۷	
۵۵۹ ۳۵۰	۴۹۸ ۸۵۴	خاور میانه و نزدیک از آنجمله :
۱۴۱ ۸۰۰	۱۲۹ ۲۹۸	ایران
۱۴۰ ۰۰۰	۱۲۹ ۳۰۵	عربستان سعودی
۱۲۰ ۰۰۰	۱۱۵ ۱۶۹	کویت
۷۴ ۰۰۰	۶۰ ۱۶۵	عراق

میانگین تولید روزانه ی نفت در ایران از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۸ (واحد بهزار بشکه)

سال	تولید روزانه
۱۹۶۱	۱۲۰۲٫۲
۱۹۶۲	۱۳۳۴٫۵
۱۹۶۳	۱۴۹۱٫۳
۱۹۶۴	۱۷۱۰٫۷
۱۹۶۵	۱۹۰۸٫۳
۱۹۶۶	۲۱۳۱٫۸
۱۹۶۷	۲۶۰۳٫۲
۱۹۶۸	۲۸۳۲٫۵

میانگین کل تولید روزانه ی ایران در سال ۱۹۶۸ در حدود ۲۸۳۲٫۵ هزار بشکه بوده که از آن - ۲۷۰۴ هزار بشکه در حوزه ی قرارداد کنسرسیوم بین المللی نفت و مابقی یعنی فقط ۱۲۸٫۵ هزار بشکه از نفت شاه ، سیرپ ، ایپاک و لاکوبدست آمده است .

درآمد نفت ایران از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۸ (به میلیون دلار)

سال	مبلغ
۱۹۵۷	۲۱۳
۱۹۵۸	۲۴۷
۱۹۵۹	۲۶۳
۱۹۶۰	۲۸۵
۱۹۶۱	۳۰۱
۱۹۶۲	۳۳۴
۱۹۶۳	۳۹۸
۱۹۶۴	۴۷۵
۱۹۶۵	۵۳۴
۱۹۶۶	۶۰۷
۱۹۶۷	۷۴۶
۱۹۶۸	۸۳۶

میزان درآمد نفت ایران ازهرشکته نفت خام و مقایسه ی آن با برخی ازکشورهای عده ی نفت خیز (سنت در هر بشکته)

سال	عراق	ایران	عربستان سعودی	ونزوئلا
۱۹۵۷	۹۳٫۱	۸۶٫۸	۸۸٫۲	۱۰۳٫۰
۱۹۶۰	۷۸٫۶	۸۰٫۱	۷۵٫۰	۸۹٫۲
۱۹۶۱	۷۶٫۵	۷۵٫۸	۷۵٫۵	۹۲٫۹
۱۹۶۲	۷۶٫۷	۷۴٫۵	۷۶٫۵	۹۷٫۲
۱۹۶۳	۸۰٫۷	۷۹٫۸	۷۸٫۷	۹۸٫۶
۱۹۶۷	۸۵٫۴	۸۳٫۵	۸۴٫۲	۹۸٫۳
۱۹۶۸	۹۰٫۷	۸۶٫۳	۸۸٫۱	۱۰۴٫۷

درحال حاضر درحدود ۷۴٪ ازکل درآمد ارزی ایران فقط از يك منبع، یعنی نفت تحصیل میشود. و کلیه ی منابع اقتصادی دیگر کشور از قبیل صادرات غیرنفتی و درآمدهای ارزی شرکت ملی نفت و درآمد جلب سیاحان و غیره فقط درحدود ۲۶٪ ازکل درآمد ارزی را تشکیل میدهند.

صنعت نفت درتأسیس رشد تولید ناخالص ملی سهم عده را دارد. سهم فعالیتهای اقتصادی از تولید ناخالص ملی (بقیمت ثابت)، بموجب آمار رسمی دولتی بقرار ذیل است.

(درصد)

	۱۳۴۱	۱۳۴۵	۱۳۴۶
کشاورزی	۲۹٫۱	۲۵٫۵	۲۴٫۷
صنعت و معادن	۹٫۸	۱۱٫۰	۱۱٫۲
نفت	۱۳٫۰	۱۵٫۹	۱۷٫۰

سهم نفت در تولید ناخالص ملی از ۱۴٪ در سال ۱۳۴۱ به ۱۷٪ در سال ۱۳۴۶ افزایش یافته است و هنوز هم بعد از کشاورزی مقام دوم را حائز است.

از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۵۱، در دوران سنده ی شرکت سابق نفت انگلیس و ایران درآمد نفت در حدود $\frac{1}{6}$ بخش درآمد بود چه ی ایران
 را تشکیل میداد. این وابستگی در حال حاضر بیش از پیش تشدید یافته است. درآمد نفت به سه شکل زیر در بودجه ی کل کشور در سال ۱۴۳۸
 در نظر گرفته شده است.

- (۱) درآمد از کنسرسيوم بين المللی نفت ،
 (۲) درآمد از دیگر کمپانیهای نفتی و بطور مشخص :

شرکت لاوان	۴۳۵	میلیون ریال
شرکت ایپاک	۳۲۵	" "
شرکت سیرپ	۴۰	" "

(۳) درآمد شرکت ملی نفت از طریق فروش مستقیم نفت در خارج ب مبلغ ۲۱۰ میلیون ریال .
 از ۱۲۴ میلیارد ریال درآمد بودجه ی عادی کشور در سال ۱۳۴۸ در حدود ۲۸ میلیارد ریال از محل درآمد نفت تأمین میشود که
 ۲۰٪ درآمد کل بودجه ی عادی است.

سهم سازمان برنامه از درآمد نفت در بودجه ی سال ۱۳۴۸ به ۵۱٫۵ میلیارد ریال بالغ میشود .
 در حدود ۳۶٪ از کل درآمد بودجه ی کل ایران که ۲۲۱ میلیارد ریال است از محل درآمد نفت تأمین میشود . میزان استفاده بودجه
 های عادی و عمومی ایران از درآمد نفت در سالهای اخیر بشرح زیر بوده است (ارقام به میلیارد ریال) :

سال	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶
مبلغ	۲۷٫۷	۳۶٫۴	۳۹٫۵	۴۷	۵۴

درآمد ناشی از نفت بطور متوسط معادل ۸٫۸ درصد از کل درآمد ملی کشور بوده که این نیز بزرگترین درصد رقم درآمد ملی را در مقایسه با
 نسبت سایر منابع درآمد دولت تشکیل میدهد (مراجعه شود به جدول زیر) :

درصد منابع عمده ی درآمد بودجه (به درآمد ملی کشور)
 در سال ۱۳۴۶

نفت	۸٫۸ درصد
مالیات غیرمستقیم	۴٫۸
گمرک	۳٫۰
وامهای خارجی	۲٫۴
مالیات مستقیم	۱٫۷

وابستگی اقتصادی ایران به نفت در سالهای آینده بیشتر خواهد شد. طبق برآورد برنامه ی پنجساله ی چهارم عمرانی درآمد نفت وابستگی در فاصله ی سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ از ۸۶۳ میلیون دلار به ۱۵۵۸ میلیون دلار شرح زیر افزایش یابد:

سال	درآمد نفت به میلیون دلار
۱۳۴۸	۱۰۰۴
۱۳۴۹	۱۱۶۱
۱۳۵۰	۱۳۵۰
۱۳۵۱	۱۵۵۸

وابستگی اقتصادی کشور به نفت، یعنی وابستگی به انحصارهای امپریالیستی جهان سرمایه داری، زیرا هم اکنون در آنها انحصار نفتی خارجی متعلق به اکثر کشورهای رشد یافته ی صنعتی جهان سرمایه داری حاکم مطلق بر صنایع و منابع نفت ایران اند.

کمپانیهای خارجی حاکم بر منابع نفت ایران

ایالات متحده ی امریکا

- | | |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱- ستاند ارد اوپل کمپانی اف نیوجرسی | ۲- ستاند ارد اوپل کمپانی اف کالیفرنیا |
| ۳- تکزاس اوپل کمپانی اینکورپوریشن | ۴- سوکونی مهیل اوپل |
| ۵- گالف اوپل کورپوریشن | ۶- ریچفیلد اوپل کورپوریشن |
| ۷- ستاند ارد اوپل کمپانی اف اوهایو | ۸- گنتی اوپل کمپانی |
| ۹- سیگنال اوپل کمپانی | ۱۰- اتلانتیک ریفاایننگ کمپانی |
| ۱۱- هتکوک اوپل کمپانی | ۱۲- تاید واتراوپل کورپوریشن |
| ۱۳- سان پترولیوم کورپوریشن | ۱۴- پان امریکن پترولیوم کورپوریشن |
| ۱۵- شل اوپل کمپانی | ۱۶- سوپرور اوپل کمپانی |
| ۱۷- سانری اوپل کمپانی | ۱۸- سکلی اوپل کمپانی |
| ۱۹- سیتیز سرویس کمپانی | ۲۰- ماری کورپوریشن |
| ۲۱- اونیون اوپل کمپانی اف کالیفرنیا | ۲۲- فیلیپس پترولیوم کمپانی |
| ۲۳- کنتیننتال اوپل کمپانی | |

انگلستان

۲۴- بریتیش پترولیوم

هند

۲۵- رایال داچ شل

ایتالیا

۲۶- آجیب مینراری

فرانسه

۲۷- کمپانی فرانمز د و پترول

۲۸- اراپ

۲۹- پتروپار

۳۰- رژی اتونوم د و پترول

۳۱- سوسیه ته ناسیونال د و پترول

آلمان غربی

۳۲- دویچه ارد اول آ.گ

۳۳- دویچه شاختباو اوند تیف باوگزلشافت

۳۴- گورکشافت الیرات

۳۵- وینترز هال آ.گ

۳۶- پریساک آ.گ

۳۷- گلزن کیوشنوبوک ورگی آ.گ

۳۸- شولفن شمی آ.گ

اسپانیا

۳۹- هیسپاین اوپل

اطریش

۴۰- امی

بلژیک

۴۱- پتروفینا

جمعا ۴۱ کمپانی بزرگ و کوچک، دولتی و خصوصی و مختلط از ۹ کشور رشد یافته ی صنعتی جهان سرمایه داری بزرگ و کوچک هم اکنون مسلط بر منابع و ذخائر نفتی ایران هستند. مساحت کل اراضی که بموجب قرارداد های مختلف در اختیار انحصارها و کمپانیهای نفتی مذکور گذارده شده است بالغ بر ۴۱۰ هزار کیلومتر مربع است. بدیگر سخن مساحت اراضی تحت تسلط کمپانیهای نفتی کشورهای امپریالیستی بتنهائسی بیش از مجموع مساحت ایتالیا و یونان و یابیش از مجموع مساحت آلمان و اطریش است.

در بین کمپانیهای نامبرده کنسرسیوم بین المللی نفت نقش حاکم را در ایران ایفا میکند. خلاصه ی عملیات کنسرسیوم بین المللی نفت از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۸ در جدول زیر آمده است:

تولید ناویژه ی نفت خام			
به میلیون تن سنگین	به میلیون بشکه	به میلیون متر مکعب	
سال ۱۹۶۸	۱۳۳	۱۰۸	
از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۸	۹۳۶	۶۹۸۵	۱۱۱۱

پرداختی به دولت ایران			
به میلیون ریال	به میلیون دلار	به میلیون لیره	
۶۰۲۹۵	۸۰۴	۳۳۶	سال ۱۹۶۸
۴۰۲۶۹۵	۵۳۷۰	۱۹۷۹	از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۸

سرمایه گذاری بوسیله کنسرسیوم بین المللی نفت			
به میلیون ریال	به میلیون دلار	به میلیون لیره	
۵۰۲۵	۶۷	۲۸	سال ۱۹۶۸
۵۲۲۲۵	۶۹۷	۲۵۴	از ۱۹۶۸ تا ۱۹۵۴

حتی اگر سود انحصارهای اعضا* کنسرسیوم بین المللی نفت را برابر با سهم پرداختی به ایران فرض کنیم، کنسرسیوم نفت از سال ۱۹۵۴ تا سال ۱۹۶۸ در مقابل فقط ۶۹۷ میلیون دلار سرمایه گذاری سودی برابر ۵۳۷۰ میلیون دلار بدست آورده است. سود انحصارهای نفتی نسبت به هزینه ی تولید در ایران ۷۹٪، در عربستان سعودی ۶۶٪ و در کویت ۵۸٪ است.

در سال ۱۹۶۸ از ۸ ر ۱۴۱ میلیون تن نفت تولید شده در ایران ۱۳۳ میلیون تن و از مجموع ۱۱۲ میلیون تن نفت صادراتی ۱۱۰ میلیون تن آن توسط کنسرسیوم بین المللی نفت تولید و صادر شده است. و از اینجانبین وابستگی ایران به انحصارهای بزرگ نفتی اعضا* کارتل بین-المللی نفت که سهام کنسرسیوم را بدست دارند، بطرز بارزی نمود ارمیگرده.

وابستگی اقتصادی ایران به نفت و انحصارهای امپریالیستی خارجی، یعنی وابستگی به نوسانات بازار جهانی سرمایه داری، یعنی وابستگی به میزان تولید نفت در داخل کشور و قیمت اعلان شده ی آن. از آنجائیکه از لحاظ تاریخی بازار فروش نفت ایران همیشه در کشورهای رشد یافته ی صنعتی سرمایه داری بوده، لذا نظارت انحصارهای نفتی بر صنایع نفت ایران، وابستگی مجموع اقتصاد کشور را به امپریالیسم د چند انمیساز امپریالیسم و صنایع تبدیلی ایران

در آذرماه ۱۳۳۴ دولت ایران برای تشویق سرمایه گذاران خارجی قانون جلب و حمایت سرمایه گذاری خارجی را تصویب و بموقع اجرا (۸۹)

گذارد. قانون مزبور به سرمایه های انحصاری خارجی حقوقی برابر با سرمایه های داخلی قائل گردید و امتیازاتی از آنجمله اجازه ی خارج ساختن اصل سرمایه و سود حاصله به سرمایه گذاران داده شد. در ماده ی سوم این قانون گفته میشود سرمایه هایی که بموجب این قانون وارد ایران خواهد شد و همچنین سود یکده در نتیجه ی سرمایه گذاری بدست خواهد آمد از حمایت قانونی دولت بهره مند خواهد بود. کلیه ی حقوق و مزایایی که بسرمایه ی خصوصی داخلی داده شده ، شامل سرمایه ها و موسسات خارجی نیز خواهد بود.

در مهرماه ۱۳۳۵ دولت آئین نامه ی اجرائی این قانون را تصویب رساند که طبق آن در صورت مصادره سرمایه ی خارجی دولت متعهد میگردد ارزش عادلانه ی سرمایه گذاری را مسترد دارد. علاوه بر این دولت متعهد میشود ارزش لازم برای صدور سرمایه و سود از ایران را در اختیار سرمایه گذار خارجی قرار دهد.

در سال ۱۳۴۱ برخی تغییرات بسود سرمایه گذاران خارجی در مواد قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی بعمل آمد و مسئولیت جلب سرمایه های خارجی بعهده ی بانک مرکزی گذارده شد. در این بانک سازمانی بنام مرکز جلب سرمایه های خارجی بوجود آمد. در بهمن ماه ۱۳۴۲ دوباره بنابه پیشنهاد این مرکز تجدید نظری در قانون جلب و حمایت از سرمایه های خارجی بعمل آمد. در آذرماه ۱۳۴۶ دولت حتی مقررات اجازه ی تملك محدود بسرمایه گذاران خارجی را تصویب رساند.

رسوخ سرمایه های خصوصی انحصارهای امپریالیستی در صنایع تبدیلی ایران بویژه بعد از جنگ جهانی دوم بسرعت روبه گسترش است. از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ شش شرکت بازرگانی، دو شرکت حمل و نقل، یعنی جمعا ۸ شرکت خارجی در ایران به ثبت رسیدند. از سال ۱۳۳۰ تعداد شرکتها و تنوع رشته های سرمایه گذاری بسرعت روبه افزایش گذارد. از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ مجموع شرکتهای خارجی به ثبت رسید به شرح زیر بود:

در این دوره برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم يك شرکت صنایع کارخانه ای خارجی در ایران بوجود آمد.

رشته	تعداد شرکت
استخراج معادن و حفاری	۱
صنایع کارخانه ای	۱
برق و گاز و آب	۱
خدمات	۶
ساختمان	۸
حمل و نقل و ارتباط	۸
بازرگانی	۲۲

از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۲۹ تعداد شرکتهای ثبت شده در ایران به ۱۳۵ رسید :

۳	کشاورزی
۱۱	استخراج معادن
۵	صنایع کارخانه ای
۲۷	ساختمان
۴	برق و گاز و آب و خدمات بهداشتی
۲۸	بازرگانی
۱۳	حمل و نقل و ارتباط
۴۴	خدمات
<hr/>	
۱۳۵	جمع

شرکتهای خارجی که از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ در ایران به ثبت رسیدند عبارت بودند از :

۱	کشاورزی و جنگلبانی
۴	استخراج معادن و حفاری
۱	صنایع کارخانه ای
۱۳	ساختمان
۲	برق و آب و خدمات بهداشتی
۴	بازرگانی
۲	حمل و نقل و انبارداری و ارتباط
۱۸	خدمات

یش

از سال ۱۳۴۲ بعد نیز تعداد زیادی شرکتهای خارجی در ایران به ثبت رسیده است. آنچه در این میان جلب نظر میکند سرعت افزای تعداد شرکتهای صنعتی مختلط است در ده سال اخیر و اکثر اینگونه شرکتهای در آنها سرمایه ی خصوصی امپریالیستی با سرمایه های محلی بهم آمیخته صنایع تبدیلی و مونتاژ ایران را هم اکنون اداره میکنند. در حال حاضر سرمایه های امپریالیستی خارجی خصوصی در صنایع زیر بکاراند اختسه شده است :

- | | |
|-------------------------|----------------------|
| ۱- صنایع لاستیک و باطری | ۶- صنایع مونتاژ |
| ۲- صنایع شیمیائی | ۷- صنایع الکتریکی |
| ۳- صنایع پترو شیمی | ۸- صنایع آلومینیم |
| ۴- صنایع ساختمانی | ۹- صنایع غذایی |
| ۵- صنایع فلزی | ۱۰- تصفیه روغن موتور |
| | ۱۱- فعالیتهای معدنی |

تقریباً کلیه ی کشورهای رشد یافته ی صنعتی سرمایه داری در رشته های فوق سرمایه گذاری نموده اند. از آن جمله اند: ایالات متحد هی امریکا، جمهوری آلمان فدرال، انگلستان، فرانسه، هلند، بلژیک، سوئیس، ایتالیا، دانمارک، سوئد و ژاپن و غیره. برای ترسیم وسعت رسوخ سرمایه های امپریالیستی در صنایع و معادن ایران ما عدّه ترین رشته های راکه سرمایه های خصوصی خارجی بد آنها راه یافته اند بر حسب کشور سرمایه گذار ذکر میکنیم:

ایالات متحده ی امریکا

- ۱) کمپانی کارخانه "ویلینز" در "شرکت سهامی جیب ایران"
- ۲) کمپانی آمریکن موتورس در شرکت ایران ناسیونال
- ۳) کارخانه ی کامیونسازی "ماک" در شرکت سهامی اتوموبیل سازی کاوه
- ۴) کمپانی "المیا" در کارخانه ی مونتاژ دستگاههای گیرنده تلویزیون، رادیو و بلندگو و غیره
- ۵) کمپانی انترنشنال پ.ف.گودریچ در کارخانه ی لاستیک سازی ایران
- ۶) کمپانی جنرال تایر آمریکن در شرکت تایر اند رابر - ایران
- ۷) کمپانی "آمریکن دن پاکستر" در کارخانه ی داروسازی "تام"
- ۸) کمپانی "اولین ماتینون کمیکال" در کارخانه ی داروسازی
- ۹) کمپانی "کلگیت پالم اولیو" در کارخانه ی صابون، خمیر دندان و لوازم آرایش
- ۱۰) کمپانی "آمریکن سیانامید" در کارخانه ی آنتی بیوتیک
- ۱۱) کمپانی "پروکتراوند دامبل" در کارخانه ی گرد پاک کن
- ۱۲) کمپانی "فایزر کورپوریشن" در کارخانه ی مواد شیمیائی و کشاورزی
- ۱۳) کمپانی "فیلیپس برادرز" در کارخانجات نورد آهن
- ۱۴) کمپانی "پیرس" در کارخانه ی تلعبه سازی
- ۱۵) کمپانی "الکترونیک استورج باطری" در کارخانه ی باطری سازی
- ۱۶) کمپانی "دولنتی کورپوریشن" در کارخانه ی تولید مصالح ساختمانی
- ۱۷) کمپانی "فیلیپ برادرز" در کارخانه ی تولید مفتول آهنی
- ۱۸) کمپانی "فیرهرست تکنیکال سرویس انترنشنال" در صنایع چوب
- ۱۹) کمپانی "الیانس ایندوستریال کورپوریشن" در صنایع شیشه سازی
- ۲۰) کمپانی "انیدنکو" در کارخانه ی شیر
- ۲۱) کمپانی "کلاریت" در کارخانه ی چرخ گاز
- ۲۲) کمپانی "نورکو" در بهره برداری از زغال ی تهران
- ۲۳) کمپانی "فیلیپ برادرز" در معادن شهریار و شاهین شیراز
- ۲۴) کمپانی "متالز کالیکس" در معادن سرب و قلع شاهکوه زنجان

- ۲۵) کمپانی "سیلیکات ورلینیق" در معادن
 ۲۶) کمپانی "آلاید کمیکال" در کارخانه ی پتروشیمی شاهپور
 ۲۷) کمپانی "امکو" در کارخانه ی پتروشیمی خارك
 ۲۸) کمپانی "رینولدز" در کارخانه ی المونیوم ایران
 ۲۹) کمپانی "امریکن متالز کلاپماکس" در معادن سرب و روی مهدی آباد
 ۳۰) کمپانیهای "ایران نجتل کورپوریشن"، "بتلم سیتی کورپوریشن"، "اف . ام . ک . انترنشنال کورپوریشن" در کنسرسیوم
 عمران بند رعباس .

جمهوری فدرال آلمان

- ۱) کمپانی "زیمنس" در مونتاژ ترانسفورماتورو تابلوهای تقسیم و انشعاب فشارقوی
 ۲) کمپانی "دایملر بنز" در کارخانه ی مونتاژ اتومبیل
 ۳) کمپانی "ستاند ارد الکتریک لورنز" در کارخانه ی مونتاژ رادیو و تلویزیون
 ۴) کمپانی "زالتسگیتز ایند وستریال" در کارخانه ی قند اصفهان
 ۵) کمپانی "زالتسگیتز ماشینن"، "ا . س - زالتسگیتز - یاد" در کارخانه ی قند کرمانشاه
 ۶) کمپانی "ماشینن فابریک لیمیتد" در کارخانه ی تصفیه ی شکر اهواز
 ۷) کمپانی "گرام الاک" در کارخانه ی مونتاژ گرام
 ۸) کمپانی "گنرال پلاستیک لیمیتد" در کارخانه ی تولید مواد پلاستیک
 ۹) کمپانی "فارین فابریکن بائوئر" در کارخانه ی تولید دارو و مواد شیمیائی
 ۱۰) کمپانی "ولا اگمین گزلفاشافت" در کارخانه ی مواد شیمیائی و لوازم کوسمه تیک
 ۱۱) کمپانی "بیایریشه کابل ورکه" در کارخانه ی کابل سازی
 ۱۲) کمپانی "دامک کروپ" در کارخانجات نورد آهن
 ۱۳) کمپانی "بود و او انفرید رشتیک اند ویرکوارن فابریک" در کارخانه ی محصولات پشمی
 ۱۴) کمپانی "هوشمت" در کارخانه ی پلی استر
 ۱۵) کمپانیهای "جیپن لیمیتد" و "گبرودرکناوف" در کارخانه ی گیپس
 ۱۶) کمپانی "دایملر بنز" در کارخانه ی موتور دیزل
 ۱۷) کمپانی "زیمنس" در کارخانه ی تلفن سازی
 ۱۸) کمپانی "متال گزلفاشافت" در معادن مس

انگلستان

- ۱) کمپانی "الین اند من برن" در کارخانه ی داروسازی

- ۲) کمپانی ۰۱ ف ۰ کرگ اند کمپانی" درکارخانه ی قند آبکوه
- ۳) گروه "روست" درصنایع مونتاز
- ۴) بانك "كلاینورت بنس" درکارخانه ی تهیه ی سولفور
- ۵) کمپانی "انگلیش الکتریک" درکارخانه ی موتور دیزل
- ۶) کمپانی "روتز موتورز اد رسی" درکارخانه ی مونتاز اتومبیل
- ۷) کمپانی "سلچن گراف" درمعدن مس کرمان
- ۸) کمپانی "ریو - تینتو زینو کورپوریشن" درمعدن سرب و روی
- ۹) کمپانی "کینگسوود" درکارخانه ی تولید کفش

از دیگر کشورهای سرمایه داری که در ایران سرمایه گذاری کرده اند، سرمایه های خصوصی امپریالیستی فرانسه از طریق کمپانی "سوسیته فرانسز دو راد یو - تلویزیون" درکارخانه ی مونتاز راد یو و تلویزیون، کمپانی "سیتروئن" در مونتاز اتومبیل، "کمیساریای انرژی فرانسه" درمعدن اورانیوم، شرکت ایرانیت درصنایع مصالح ساختمانی بکار انداخته شده است. علاوه بر این کمپانیها و موسسات فرانسوی س ۰ ۱ ۰ ۱ ۰ م ۰ موسسات الکتریکی و مکانیکی، کمپانی مرکزی آب برای خارجه، کمپانی ژنرال ژئوفیزیک، گروه شنایدر، انتروپوز، فیربال، فراکومیر، کیسم، کلیبرلو مپ، سیرمات، سوگره، سومیرک، پارویا، سورفو، استیپ و غیره نیز یامستقیما و یابامشارکت شرکتهای ایرانی در رشته های مختلف صنعتی و معدنی و غیره سرمایه گذاری نموده اند.

کمپانیهای هلندی "ورکسپور سرویسز اند کنتراکشن ن ۰ وی" درکارخانه ی داروسازی، "پروویمی" درصنایع غذایی، "پیتر شوئن اند زون" درکارخانه ی رنگسازی، سرمایه بکار انداخته اند. کمپانیهای سوئدی "بولیندرمکتل" و "فایزر" درصنایع دارویی و همچنین در ترکیب "شرکت سهامی ایران - سوئد زامبار" در مونتاز تراکتور سرمایه گذاری کرده اند.

کمپانیهای "کوزانگار" و "دانده فاروی - اگ لاک فابریک" از دانمارک بترتیب درکارخانه ی اجاق گاز و صنایع رنگ، "گراویل" و "سوسیته ژنرال دینیره" از بلژیک درکارخانه ی شیشه سازی و معدن فلزات غیر آهنی، "قیات" و "له دوگا میلاند" در مونتاز اتومبیل و داروسازی، عمران بلوچستان، "سیب آورا"، "توسسیا" و غیره از ژاپن در مونتاز راد یو و تلویزیون و تولید گاز مایع سرمایه گذاری کرده اند. شش کمپانی ژاپنی در اراضی زیر سد دز در مساحت ۱۰ هزار هکتار و کمپانی "نی هون کوسی" در ۸۰۰ هکتار مزرعه ی یرنج گیلان فعالیت دارند.

امپریالیسم و بانکداری در ایران

هجوم سرمایه های خارجی امپریالیستی برای تشکیل بانک در ایران، خیلی قبل از سرمایه گذاری وسیع در صنایع تبدیلی آغاز شد. قانون بانکداری مصوب مورخ پنجم خرداد ۰۳۳۴ زمینه ی مناسبی برای این یورش سرمایه های بانکی امپریالیستی بوجود آورد.

بانکهای مختلط در ایران			
نام	تاریخ تاسیس	ملیت سهامدار خارجی	درصد سهام خارجی
بانک تهران	۱۳۳۴	فرانسوی	۴۰
بانک اعتبارات ایران	۱۳۳۷	فرانسوی	۴۹
بانک بین‌المللی ایران و ژاپن	۱۳۳۷	ژاپنی	۳۵
بانک ایران و انگلیس	۱۳۳۷	انگلیسی	۴۹
بانک ایران و خاورمیانه	۱۳۳۷	انگلیسی	۴۹
بانک تجارتی ایران و هلند	۱۳۳۷	هلندی	۲۳
بانک ایران و سوئیس	۱۳۳۷	سوئیس	۴۰
بانک تجارت خارجی ایران	۱۳۳۷	امریکائی، آلمانی، غربی، ایتالیائی	۴۹
بانک ایرانیان		امریکائی	۳۵
بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران	۱۳۳۸	۱۹ بانک خارجی	۲۰

هم اکنون سرمایه‌ی بانکی و موسسات صنعتی تمام کشورهای کوچک و بزرگ رشد یافته‌ی صنعتی سرمایه‌داری در بانکهای فوق، بفعالیّت وسیع در رشته‌های مختلف اقتصاد ایران دست زده‌اند.

بانکها و موسسات صنعتی امپریالیستی سرمایه‌گذار در بانکهای ایران

امریکائی

1. Bank of America (International)
 2. Lazare Brother and company
 3. Chase International Investing Company
 4. International Basic Economy Corp.
- (۹۵)

5. Boston Corporation

فرانسوی

6. Banque de Paris
7. Ottoman de Paris
8. Banque de Beirut
9. Crédit Lyonnais
10. Banque d'Indochine
11. Banque National Petrolcors
12. Banque Comptoire Nationale
13. Lazare Frère and Company
14. Banque de Paris et de Hollande

انگلیسی

15. The Chartred Bank Group
16. Eastern Bank
17. British Bank of Middle East
18. Lazare Brother Company Ltd.
19. Loyal Bank Ltd.
20. Midland Bank Ltd.
21. England Electric Company Ltd.
22. Simon Carooze Ltd.

ایتالیائی

23. Banca Commerciale Italiana
24. Banali Credito Finanze Mario
25. Montecatini
26. Fiat

آلمان غربی

27. Deutsche Bank A. G.
28. Saal, Oppenheim und Companie

هلندی

29. Nederlandsche Handel Maatschappij
30. Holland Bank Unie

بلژیکی

31. Sofina Bank

ژاپنی

32. Bank of Tokyo

علاوه بر آنچه شمرديم گروهی از سرمایه داران ژاپنی و سوئیسی نیز در بانکهای ایران سرمایه گذاری کرده اند. سرمایه ی بانکی امپریالیستی با اختلاط با سرمایه های محلی در رشته های صرافى، بازرگانى، بازرگانى داخلى و خارجى، هتل دارى، صنایع و معادن ایران نفوذ کرده است. مثلاً ۱۹ بانک و مؤسسات صنعتى خارجى از ۳۲ بانک فوق در "بانک توسعه ی صنعتى و معدنى ایران" سرمایه گذاری کرده اند. هدف پیمان این بانکها توانسته اند نظارت خود را بر عده ترین رشته های صنعتى ایران که توسط بانک توسعه ی صنعتى و معدنى ایران بوجود آمده گسترش دهند.

دولت ایران به بانک توسعه ی صنعتى و معدنى ایران حق آنرا داده که شرکتهاى صنعتى و عمرانى تشکیل داده، سهام آنها را منتشر ساخته و قسمتى از آنها را نیز برای خود نگاهدارد و همچنین در مؤسسات و شرکتهاى صنعتى موجود نیز سهم گیرد. باید دانست که طبق قانون پنجم خرداد ۱۳۳۴ سایر بانکهای ایران از چنین حقی که تا مین کنند ه ی تسلط آنها بر اقتصاد کشور است محروم گردیده اند و چنین حقی استثنائاً به بانک توسعه ی صنعتى و معدنى ایران داده شده است. و با استفاده از این حقوق "بانک توسعه ی صنعتى و معدنى" در حال حاضر به بزرگترین سرمایه گذار در اقتصاد ایران و به عده ترین حربه ی نواستعمارى مید ل گردید ماست عده ترین شرکتهاى صنعتى و غیرصنعتى تحت نظارت "بانک توسعه ی صنعتى و معدنى ایران" عبارتند از:

- (۱) شرکت سهامى پیرلس ایران - کارخانه ی پمپ و لوازم آبیاری
- (۲) شرکت سهامى پشم بافی ایران - کارخانه ی پارچه های پشمى و کارخانه های لباس دوزى
- (۳) شرکت سهامى الیاف - کارخانه ی ساخت محصولات نایلونى

- ۴) شرکت سهامی شهد - کارخانه ی قند و شکر
- ۵) شرکت سهامی تدبیر صنعت - عملیات مهندسی مشاور
- ۶) شرکت سهامی کاغذ پارس - کارخانه ی کاغذ سازی
- ۷) شرکت سهامی درمن دیزل ایران - کارخانه ی موتور دیزل
- ۸) شرکت ترانس پیک - کارخانجات تولیدی
- ۹) شرکت سهامی قند نیشابور - کارخانجات قند
- ۱۰) شرکت سهامی شیشه ی قزوین - کارخانه ی شیشه ی جام
- ۱۱) شرکت سهامی جنرال تایر واربر ایران - کارخانه ی لاستیک توئی و روئی
- ۱۲) شرکت سهامی خاص موتورهای دیزل ایران - کارخانه ی مونتاژ موتورهای دیزل
- ۱۳) شرکت سهامی صنعتی توشیبا - انحصار کارخانه های اتومبیل
- ۱۴) شرکت سهامی کشتیرانی آریا - حمل و نقل دریایی
- ۱۵) شرکت دوچرخه و موتورسیکلت ایران - کارخانه ی دوچرخه و موتورسیکلت
- ۱۶) شرکت سهامی خاص پلبرینگ - کارخانه ی تولید یاتاقان ساچمه ای

در صحنه ی اجتماعی و اقتصادی لبه ی تیز یورش امپریالیسم در ایران متوجه گسترش دامنه ی استثمار خلیقهای ایران بوسیله ی " کمک " و امهای اسارت آور، بازرگانی نامتعادل و تبادل نابرابر، صد و سرمایه و غیره است. هدف نهایی عبارتست از تحکیم وابستگی مالی، فنی و اقتصاد دی ایران به کشورهای عمده ی رشد یافته ی صنعتی جهان سرمایه داری.

نفوذ سیاسی و نظامی امپریالیسم در ایران

نخستین میسون نظامی امریکا در پاییز سال ۱۹۲۲ متعاقب ورود سی هزار نفر از نیروهای مسلح امریکادرد سامبرسال ۱۹۴۱ وارد ایران شد. این میسون که مرکب از گروهی از افسران امریکابریاست نورمان شوارتسکف بود برای بااصطلاح تجدید سازمان ژاندارمری ایران بکشورما آمد. گروه نظامی شوارتسکف بدون تبادل کوچکترین سند رسمی در ایران بکاراغاز نمود. یکسال بعد - ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ - موافقتنامه ی مربوط به " هیئت مستشاری برای تجدید سازمان ژاندارمری ایران " بین نخست وزیر وقت محمد ساعد و لوئیس دریفوس سفیر کبیر امریکاد ر ایران امضاء شد. در سپتامبر ۱۹۴۵ ماموریت میسون شوارتسکف در ایران پایان یافت، ولی دولت ایران مدت اقامت میسون را برای یکسال تمدید کرد و پس از خاتمه ی یکسال برای بار دوم خدمت افسران امریکائی بعدت دو سال دیگر تمدید شد. در سال ۱۹۴۸ شوارتسکف از ایران رفت و در تابستان همانسال سرهنگ امریکائی د. ر. پیرس بسمت رئیس جدید هیئت مستشاران نظامی ژاندارمری امریکاوارد ایران شد. با ورود وی برای سومین بار قرارداد تمدید گردید. قرارداد مربوط به میسون نظامی امریکا که در حال حاضر نیز اداره ی ارتش ایران را عملاً بدست دارد، ۲۴ اکتبر ۱۹۴۳ بموجب ماده

واحد ه ای بتصویب رسید.

ریاست نخستین هیئت مستشاران نظامی امریکارا ژنرال ک . ردلی بمعهد ه داشت . وظایف محوله ی مستشاران عبارت بود از تجدید سازمان ارتش ایران . ۶ اکتبر ۱۹۴۷ دولت امریکا قرارداد جدیدی با دولت قوام السلطنه منعقد ساخت که بموجب آن میسیون نظامی امریکا مأمور همکاری با وزارت جنگ ایران گردید . قرارداد مذکور حاوی ۴ فصل و ۲۵ ماده بود . برخی از مواد این قرارداد ادکه ماهیت استعماری آنرا نشان میدهد در ذیل آمده است :

ماده ۵ (فصل سوم) - اعضای هیئت مستشاران باید رجه ای که در ارتش ایالات متحده ی امریکا دارند انجام خدمت خواهند کرد . ولی افسران امریکائی مافوق کلیه ی افسران ایرانی که دارای درجه ی مشابه هستند محسوب خواهند شد .
اعضا هیئت حق استفاده از همه ی مزایای در نظر گرفته شده برای افسران ایرانی همرد یفشان را دارند .
آنها اونیفورم افسران امریکائی را دربر خواهند داشت ، ولی حامل علامت ویژه ای که سمت آنان را در ارتش ایران معین میکند خواهند بود

ماده ۱۲ (فصل سوم) - رئیس هیئت مستشاران و اعضا آن حق دارند برای انجام وظایف مندرجه در مواد هفتم و هشتم کلیه ی واحد های ارتش را بازرسی نمایند . افسران ایرانی که در راس این ادارات قرار دارند مکلفند این بازرسی را تسهیل نمایند و مدارک و اسناد و نامه های ضروری را در اختیار بازرسان قرار دهند

ماده ۱۳ (فصل چهارم) - اعضای هیئت حقوق سالیانه ی خود را بپول رایج در ایالات متحده ی امریکا بصورت برات یا چک از دولت ایران دریافت میدارند . مبلغ حقوق و مزایای هر یک از اعضا هیئت یا توافق دولتهای ایران و ایالات متحده امریکا معین خواهد گردید حقوقها از هرگونه مالیاتی در حال و آینده معاف خواهد بود و در صورتیکه در دوره ی اعتبار قرارداد مزبور مالیات جدیدی بر حقوق و مزایای اعضا هیئت تعیین شود ، آن مالیات را دولت ایران باید بپردازد . از حقوق اعضا هیئت دیناری کسر نخواهد شد .

ماده ۱۹ (فصل چهارم) - برای تکمیل وسائط نقلیه ی در اختیار هیئت ، دولت ایران در صورت ضرورت وسائل لازم از قبیل اتوموبیل و هوا پیم در اختیار آنان خواهد گذارد تعد اد و نوع اتوموبیلها توسط وزارت جنگ امریکا معین خواهد شد . علاوه بر این یک هوا پیمای امریکائی و سرنشینان آن حق ورود با ایران و خروج از آنرا خواهد داشت

ماده ۲۴ (فصل چهارم) - در کلیه ی مدت اعتبار این قرارداد و یادوره ی تمدید آن دولت ایران نمیتواند هیچ خارجی غیر امریکائی را برای خدمت در سازمانها و اداراتی که با ارتش زابطه دارند استخدام نماید ، مگر اینکه بین دولتین ایالات متحده ی امریکا و ایران در این مورد موافقت بعمل آید .

مواد مذکور که ناقض حق حاکمیت و استقلال ایرانست و در عین حال افسران امریکائی را بطور کامل بر ارتش ایران مسلط ساخته ، امروز نیز بقوت خود باقیست . علاوه بر این در آبانماه سال ۱۳۴۳ دولت حسنعلی منصور لایحه ای را بتصویب مجلسین رساند که بموجب آن مصونیت سیاسی به مستشاران نظامی امریکا در ایران اعضا گردید .

در زمانه سال ۱۹۵۵ دولت ورود ایران را به پیمان بغداد (سنتو فعلی) که توسط امپریلیستهای انگلیس و امریکا سرهم بندی شده بود و علاوه بر انگلستان ، ترکیه و عراق نیز عضو آن بودند ، اعلام داشت .

پس از انقلاب عراق در سال ۱۹۵۸ و خروج آن کشور از پیمان ، دولت ایران مذاکره با مقامات امریکائی را برای انعقاد قرارداد دو جانبه نظامی آغاز کرد. در پنجم مارس ۱۹۵۹ سفیر کبیر ایبران در آنکارا سرلشکر ارفع و سفیر کبیر امریکا ف. اوین " قرارداد دو جانبه ی نظامی ایران - امریکارا امضاء نمودند . در مقدمه ی قرارداد گفته میشود :

" باتذکار اینکه در اعلامیه ی مذکور در فوق (منظور اعلامیه ی مشترک اعضا^۱ پیمان سنتو منتشره در لندن ن ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸ میباشد که بموجب آن دولت امریکار سما همکاری و شرکت خود را در کمیسیونهای مختلف این پیمان اعلام نمود) اعضای پیمان همکاری متقابل (بغداد) تصمیم خود را در باره ی امنیت دسته جمعی خویش و مقاومت در برابر تجاوز مستقیم و غیر مستقیم تأیید نمودند . د ولتین ایران و ایالات متحده ی امریکا در باره ی مطالب زیر موافقت کردند "

دولت ایران " مصمم است در مقابل تجاوز مقاومت نماید " در صورت تجاوز علیه ایران دولت ایالات متحده ی امریکا " طبق قانون اساسی خود هرگونه تدابیر لازم حتی یکا بردن نیروهای مسلح را ، که با موافقت مشترک لازم تشخیص داده شده باشد ، بر حسب روح اعلامیه ی مشترک اتخاذ خواهد کرد (نقل از ماده ی اول قرارداد) .

در ماده ی سوم دولت ایران متعهد میشود که کمک نظامی و اقتصادی دولت امریکارا برای اجرای هدفهای معین در اعلامیه ی ۲۸ ژوئیه ی ۱۹۵۸ ، یعنی برای " تأمین امنیت دسته جمعی " و مقاومت در مقابل " تجاوز مستقیم و غیر مستقیم " صرف نماید .
بموجب ماده ی چهارم هردو دولت متعهد میشوند که " با سایر دول امضاء کنند ه ی اعلامیه ی مشترک لندن (۲۸ ژوئیه ی ۱۹۵۸) بخاطر تبادل تسلیحات دفاعی که متقابلاً ضرور تشخیص داده میشود " همکاری نمایند .

با تحمیل این قرارداد امپریالیستهای امریکا وسیله ی دیگری برای دخالت آزاد و آشکار در امور داخلی ایران پدید آوردند . علاوه بر هیئت مستشاران امریکائی هم اکنون کارشناسان فنی نظامی آلمان غربی که با موافقت دولت امریکا با ایران آمده اند ، در حال حاضر اداره ی کارخانه های نظامی ایران را بدست دارند .

دولتهای ایالات متحده ی امریکا ، انگلستان ، فرانسه و آلمان غربی بزرگترین فروشندگان سلاحهای تعرضی بدولت ایران بشمار میروند . و افسران ارتش و پلیس و ژاندارمری ایران تحصیلات تخصصی خود را در کشورهای نامبرده تکمیل میکنند .

امپریالیسم برای توسعه ی رسوخ ایدئولوژیک و سیاسی در ایران از انواع مؤسساتی که بوجود آورده استفاده میکند .
" باشگاه لاینز ایران " که ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ توسط عمال امپریالیسم امریکارا در ایران تأسیس شد یکی از این مؤسسات است که رابطه ی نزدیک با سازمان جاسوسی مرکزی امریکا دارد . ایران در فهرست لاینز منطقه ی ۳۵۴ نامگذاری شده است . نام و نام فامیل اکثر اعضای " باشگاه لاینز ایران " مخفی نگاه داشته میشود . در ایران ۳۵۴ شعبه ی باشگاه لاینز دایر است . این شعبات از طریق سه سازمان منطقه ای لاینز در ایران میگردد که هر یک دارای رئیس جداگانه است . لاینز نشریه ی ارگان ویژه ای بنام " شیرنامه " منتشر میسازد . سازمانهای منطقه ای لاینز در ایران دارای کمیته های ویژه ی بهداشت ، عمران ، استخدام ، کشاورزی و مالی است . بدیگر سخن " لاینز ایران " دولتی است در داخل دولت ایران که اکثر کارمندان عالیرتبه ی دولت عضو آنند .

مؤسسه ی " انجمن تسلیح اخلاق " که در سال ۱۹۴۸ در تهران افتتاح گردید یکی دیگر از مراکز است که امپریالیستهای امریکاد ر ایران پایه گذارده اند و محل تجمع عمال سیاسی محلی امپریالیسم است . این مؤسسه نیز مخفی است و اوایل مجله " امید " و سپس مجله ی " رنسانس " (۱۰۰)

رابطه و پخش میکرد.

"رئوتاری کلوب ایران" از عده ترین اهرمهایی است که تحت نظارت سازمان جاسوسی مرکزی امریکا به علیات خرابکارانه در ایران ادامه میدهد. شعبه ی مرکزی این سازمان امریکائی در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد، یعنی در سال ۱۳۳۵ افتتاح یافت. شعبات ایمن سازمان در تهران، تبریز، اصفهان، خرمشهر و شیراز نیز دایر است.

هم "سازمان برادری جهانی" که در سال ۱۳۳۷ در تهران بنیان گذارده شد و مرکز شعبات مشابه در کشورهای خاورمیانه و نزدیک بشمار میرود و هم "دوستان امریکائی خاورمیانه" که از ۲۶ فوریه ی ۱۹۴۴ در ایران شروع بکار کرده، هر دو مانند دیگر سازمانهای مذکور، هدفشان رسوخ ایدئولوژیک و ایجاد زمینه برای گسترش نفوذ امپریالیسم در شعئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران بوده و هست.

علاوه بر آنچه گفته شد مؤسسات بسیار دیگر سازمان داده شده از طرف امپریالیستهای امریکا، آلمان غربی، انگلستان و فرانسه و غیره نیز تحت عناوین و تابلوهای گوناگون در ایران به فعالیت خرابکارانه مشغولند. از آن جمله اند:

بنگاه فرانکلن

انستیتوی گونه

کانون ایران و آلمان فدرال

انجمن ایران و امریکا

لژهای فراماسونری متعلق به انگلستان، فرانسه، آلمان غربی

سپاهی صلح

داوطلبان آلمانی و غیره و غیره.

تعداد افراد سپاهی صلح امریکا در ایران به ۳۵۰ نفر بالغ است. این افراد در استانهای خراسان، آذربایجان، بلوچستان، کرمانشاهان، لرستان، کرمان و همچنین شهرهای همدان و بو شهر مستقرند. اداره ی مرکزی "سازمان سپاهی صلح" در تهران قرار دارد و اخیراً "گلن فیشبک" بریاست آن منصوب گردیده است.

در حال حاضر ۴۱ نفر از "سازمان داوطلبان آلمان فدرال" نیز که بتقلید "سپاهی صلح" امریکا بوجود آمده، در شهرهای ایران بفعالیت خرابکارانه مشغولند.

هر دو ی این سازمانها تحت نظارت سازمانهای جاسوسی امریکا و آلمان فدرال قرار دارند.

حمید صفری

طیش نورانی

می‌طپد در دل من باطپشی نورانی
آن امیدی که نباشد نه هوس نی پندار •
در سرم غرش طوفان دگر می زنبد
غرضی کیش نتوان یافت بظوفان بهار •

نه زید عهدی یاران نه ز کج طبعی بخت
نه ز بیداد ستکاره بی‌لایه امید
گرچه هامون در و صحرا گذرست این طوفان
همچو يك صخره ی پرهیمنه می پاید امید •

همه نور است دل خلق وطن ، شب گوید :
ره در این ساحت ایمن نتوانم کردن •
حجتی هست بفرده که عیان خواهد شد
گرچه امروز مبرهن نتوانم کردن •

ای نهان گشته پس داغ ، سرود دل من !
ای فرزند امید که بجان نوردی !
ای بتاریکی این دوره ی پر زنج و ملال
خفته رازی که بیای طلبم زور دهی !

هزل ، که برخیزم و افتاده ظم برگیرم
طبل میکوبد و جیش ابدی پیش رود •
کاروانی است کز آماج نخواهد رو تافت
بار بر بندد و از نوبه ره خویش رود •

ازسند تحلیلی حزب :

حزب ماود یگر احزاب ملی و دموکراتیک

حزب توده ایران تنها برای آزادی فعالیت خود مبارزه نمیکند. حزب توده ایران هوادار آزادی کلیه ی احزاب ، سازمانها و مطبوعات است زیرا از طرفی اعتماد کامل بقضات صحیح توده های مردم دارد و بهمین سبب از امید ان رقابت سیاسی احزاب روگردان نیست و از سوی دیگر به همکاری و اتحاد با سایر احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک جدا معتقد است و چنین اتحادی را برای پیشرفت بطرف هدف مشترک مردم ایران ضرور میسرود و نیز عقیده ی راسخ دارد که استقرار و بسط دموکراسی تنها با مبارزه ی یک حزب یا یک سازمان تأمین نمیشود بلکه پیروزی در این زمینه مستلزم اتحاد واقعی کلیه ی احزاب و سازمانهای میهن پرست و ترقیخواه بر مبنای برنامه ی مشترک و واحد است. ما معتقدیم که همکاری حزب توده ی ایران با سایر سازمانها و احزاب ملی و دموکراتیک نسه تنها در این دوره ، نه تنها در این مرحله ی انقلاب ضرور است بلکه حتی برای استقرار سوسیالیسم نیز امکان پذیر خواهد بود.

ضرورت مبارزه در همه شرایط

مسلم است که سرکوب و تارومار وحشیانه ی سازمان های دموکراتیک ، ممنوعیت غیرقانونی احزاب و سازمانها و مطبوعات ملی و آزاد یخواه، از بین بردن استقلال قضات ، تجاوز سازمان امنیت و محاکم نظامی استثنائی علیه حقوق و آزادیهای اجتماعی و سیاسی ، سلب آزادی اجتماعات و برخورد خشونت آمیز نسبت به هرگونه جریان مخالف با رژیم ، شرایط بسیار دشواری برای فعالیت سیاسی بوجود آورده است ولی این دشواریها هر قدر سخت، خشن و محدود کننده باشد باز نمیتواند تمام طرق مبارزه را سد کند.

مترسك

بدشت اندر یکی طوفان بنیان کن بود غرآن
مترسك باقبائی زنده در طوفان همی جنبید.
گهی دم می فشاند، گاه دست و گاه سر، لیکن
نیاشد پایش از خارا، نیاشد جسمش از آهن
ندارد جوشن روئین، ندارد جز تن چو بین
همی لغزان، همی لرزان، بطوفان در همی جنبید
بلند دست سخت با خود گاه و گاهی سخت می لافد
چه هذیانها که نزد خویش این خود گامه می یافد
همی گوید: «بتاریکی چه وحشتناک و جبارم!
بچشم عابر این دشت چون غولی پدید ارم»
گمان دارد که طوفان میهراسد از لقای او
زمین و آسمان نبود سزای اعتنای او
گمان دارد که هست از سایه اش هر چیز ترسند
نمیدانند که جز گجشك های کم دل صحرا
ندارد هیچکس بیعی از آن زنده قبای او
کنون طوفان بنیان کن که ازین می کند کوهی
بصد خواری برفاکنندش، فرماید در خاکش
فرو پاشید از هم پیکرنا چیز ناپاکش
مترسك رفت از میدان، نمیدانست آن نادان
که طوفان زمان چون در و زود از این مترسکها
هزاران میدهد بر باد، بی دشواری چندان
پوز ای پرطنین طوفان جنبش! تا مترسکها
فرو افتند بر خاک سیه، از هم فرو پاشند.

تویی تنها خدای قادر تاریخ، در چنگت
هزاران مرغ اعجاز است، بی بیم از مترسکها
بپروار آور اندر آسمان مرغان معجز را!

برشکن هرسد

- ۱ -

برشکن هرسد اگرخواهی آزادی
برفکن از پی نظام استبدادی
از تلاش ما ظفر باید داد
عرصه ی ایران رهد از بیداد

برگردان: حزب ماتوده را سازد پیروز
میرسد فردائی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته از بند
از رزم است هر خلقی قد رتند

- ۲ -

اختر رزم ارانی تانابنده است
شیوه ی روزبه سزای هر رزمند ه است
مهرآزادی رسم و راه ماست
یاری مردم جان پناه ماست

برگردان: حزب ماتوده را سازد پیروز
میرسد فردائی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته از بند
از رزم است هر خلقی قد رتند

- ۳ -

کارودانش را به تخت زر بنشانیم
دیو استعمار زخانه بیرون رانیم
توده ی زحمت بهره ور نکوست
صاحب خاک پاک میهن اوست

برگردان: حزب ماتوده را سازد پیروز
میرسد فردائی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته از بند
از رزم است هر خلقی قد رتند

تاریخ که بر باد رود رنج و سرورش

نازد بسزاوار به گردان غمورش
همپایه بمیدان به هزارو به کورورش
پرفخر شد آن خلق که خسرو شد ه پورش
باشنید غریب و سخن پر شروشورش
بی جلوه شد آن طنطنه اش پیشرغورش
دشمن بوجل ماند ه همه باروستورش
زد خند ه بخصم وطن و بسا طن کورش
امروز جهان گل بنهد بر سر گورش

تاریخ که بر باد بر رنج و سرورش
یک گرد که در معبد تاریخ فناگشت
جاوید شد آن گرد که جان به وطن باخت
لرزید دل خصم چو از چوبه اعدام
بیمایه شد آن عریه اش نزد نهیش
او باره ی همت ز سرا بر بجهانید
او راه فنا رفت به چشمان گشاده
د پروز عد و سینه ی او خست به پولاد

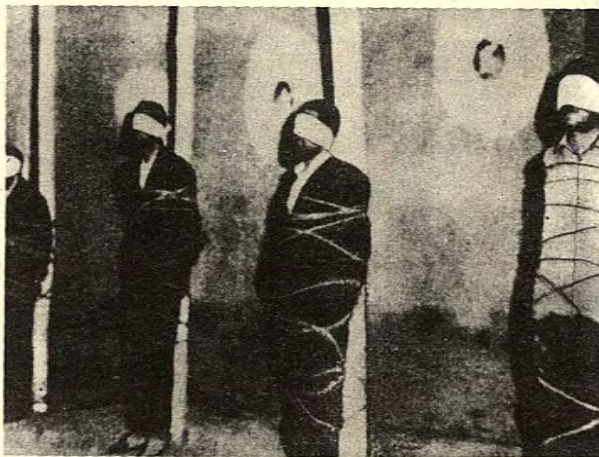
در شهر شهیدان بود او خسرو جاوید
تابنده بر اطراف وطن منبع نورش



به افسران شهید

باشکوه و احتشام بی نیل ازان خفته اید
سینه ها غریبا! از سب گد اران خفته اید

ای زیان شیران که از تیغ گرازان خفته اید
کنده ناخن، سوخته مزگان، درید چنجره



دست رازی قیمی تاریخ یازان خفته اید
آنچنان کان هست مرد انرا بر ازان خفته اید
جان خود از بهر عشق خویش یازان خفته اید
جامه ای از فخر بر میهن طرازان خفته اید
بانوای جانفزای خوشنوازان خفته اید
گر شما بشکسته پر چون شاهبازان خفته اید

پای را بر مغز خود خواهی فرو کهمید ه اید
در نبرد خویشتن یا خصم نامرد پلید
قلب خود در راه عشق خلق سوزان، رفته اید
لکه ای از ننگ بر ظالم فشان، بگذشته اید
فارغ از بانگ دلازار غررا ب ارتجاع
خلق آخر بشکند منقار شوم جغد جلم

زمزمه زندانی

زیر این سقف بی امید و سپاس
میروید عمر، کُند پوی ، ملول .
از کرید و ر صد ای چکمه ی پاس
روز و شب میرسد بیگوش و کتون
نگه ی او ز روزن سلول
سرد و بیرحم ، میخزد به درون

قفل بر در ،
ز پشت میله ، چراغ
سایه افکنده روی هرد یوار ،
(بزتن لاغری علامت داغ)
و مرا چشم زندگی بیدار
گیرم از یاد های رفته سراغ

آه ، ده سال میشود ، اینجا
عمر می پوسد و جوانی من ،
سایه ای خامش و کدر گردد
تابش چشم آسمانی من .

آخرین بار باز پرسم گفت :
" تو لجویی
وگر طیب منم
خوب دانم که چیست درمانش :
آنکه درکنج محبس تار یک ،

ماند و پوسید و خسته شد جانش
خورد گردد سرای ایمانش .*

بی سبب نیست ، گاه افسر پامن
باتیسم به من نظر دوزان ،
گویدم : « با همه گرفتاری
باز هم حرفهای کهنه ؟ »

و من
(سختم همچو شعله ای سوزان)
پاسخ دادم بود : « آری ! »

اوجه پنداشت ؟

نیستم عاشق ؟
عاشق دشت و آسمان بلند ؟
عاشق شهر و خانه و مادر ؟
عاشق یار و کودک دلیند ؟
لیک عشقی دگر ، معظم تر
اند رین مجسم کشید ه به بند .

درد گرم به زندانیان مبارز

درد به رفیق صفر قهرمانی، زندانی دلاوری که از سال ۱۳۲۶ در چنگ دژ خیمان اسیر است!

درد به رفقای زندانی سروان تقی کی منش، سروان عباس حجری، ستوان یک علی عومسی، ستوان دوم رضا شلتوکی، سروان محمد اسمعیل ذوالقدر و ستوان دوم ابوتراب باقرزاده، اعضای سازمان افسری حزب توده ایران که با اراده آهنین خود پرچم خونین افسران شهید را در اهتزاز نگه داشته اند!

درد به رفقا بد رالدین مدنی و حمید قاسم نریمان که ۱۶ سال در پشت دیوارهای زندان همچنان شکست ناپذیر از آرمانهای خود دفاع میکنند!

درد به رفقای شجاع، عزیز یوسفی، غنی مومنیان، محمد علی پید، حمید کریمی، گایک اوآنسیه، جلیل گورانی، دکتر بنی طرّفه و مجید امین موید که سالهایتمادی است در زندانهای مختلف ایران شعله مبارزه را فروزان نگه داشته اند!

درد به رفقا پرویز حکمت جو، علی خاوری، و تقی معتمدیان که در دادگاههای نظامی سال ۱۳۴۵ از حقانیت حزب توده ایران - حزب شهدای ایران دفاع کردند!

درد به رفقا صابر محمدزاده و آصف رزم دیده، کارکنان چاپخانه مخفی حزب توده ایران در تهران که از سال ۱۳۴۶ در زندانهای رژیم رنج میبرند!

درد به همه زندانیان توده ای، صدقی، روحانیون مترقی و دموکراتها و آزادخواهان که زندانها را به دژ مبارزان تبدیل کرده اند!

گوشه ای از جنبش ملی شدن نفت ایران



جنیش ملی شدن نفت ایران دنباله ی منطقی و وارث مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مردم ایرانست که از نیمه ی دوم قرن نوزدهم آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد . اما اولین سنگ بنای جنیش ملی شدن نفت بمعنای محدود و مشخص آن بعد از جنگ دوم جهانی گذاشته شد .

۳۰ مه‌رمه ۱۳۲۶

در مجلس شورای ملی قانونی تصویب شده که میتوان آنرا آغازی برای جنیش دانست . آن ماده ی قانونی که با جنیش ملی شدن نفت مربوط میشود چنین است :

" دولت مکلف است در کلیه ی مواردی که حقوق ملت ایران نسبت به منابع ثروت کشور اعم از منابع زیر زمینی و غیر آن مورد تضییع واقع شده است ، بخصوص راجع به نفت جنوب ، بمنظور استیفای حقوق مذاکرات و اقدامات لازم رابعمل آورده و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد ."^(۱)

" استیفای حقوق ملت ایران از نفت " که در قانون مزبور آمده مفهوم بسیار کش داری است . حد اقلی معنای آن اینست که شرکت نفست انگلیس درآمد بیشتری به ایران بدهد و حد اکثر معنای آن ملی کردن صنایع نفت و طرد شرکت سابق . آنروزها هیئت حاکمه ی ایران هو اد ار کمپ درآمد بیشتری از نفت بود و نیروهای ملی ایران ، که هنوز به شعار ملی کردن نفت دست نیافته بودند ، برای لغو امتیاز ۱۹۳۳ و طرد کمپانی نفت انگلیس مبارزه میکردند .

خرد اد ماه ۱۳۲۷

اولین تماسها بین دولت ایران و شرکت سابق بمنظور آغاز مذاکرات برای اجرای قانون مزبور برقرار شد و در آخـر شهریور ماه ۱۳۲۷ گس - معاون رئیس شرکت نفت انگلیس - به تهران آمد و بی نتیجه برگشت . در این زمان در عرصه ی سیاست ایران و پشت پرده ی آن دو جریان ، که بطور ارگانیک بهم مربوط بود ، ادامه داشت : یکی مذاکرات با شرکت نفت انگلیس (واظرف مردم مبارزه برای طرد آن) و دیگری تحکیم دیکتاتوری در بار (و از طرف مردم مبارز مطیما)

(۱) - اسناد نفت ، صفحه ی ۲۶

راد یولندن خیرداد: «وزیر خارجه ی ایران که بطور غیر رسمی وارد لندن شده بامستر بوین (وزیر خارجه انگلیس) ملاقات کرده و از جمله راجعه تغییر قانون اساسی و مسائل مربوط به برنامه هفتساله ی اقتصادی ای — سران صحبت نمود.» (۲)

در تهران کمیسیونی بریاست تقی زاده برای بررسی تغییر قانون اساسی و تدارک تشکیل مجلس مؤسسان تشکیل شد و در مورد نفت نیز قرار شد مذاکرات نهائی بامعرفی نمایندگان نام الاختیار آغاز شود. گلشائیان از طرف ایران و گس از جانب شرکت سابق باین عنوان معرفی شدند. در مورد هدف مذاکرات نخست وزیر — ساعد — گفت:

«دولت من ۰۰۰ نسبت با اجرای پاره ای از مواد امتیاز نامه ی ۱۹۳۳ پافشاری خواهد کرد.» (۳)

مردم ایران با این نظر موافق نبودند و مبارزه بر ضد شرکت سابق نفت و دیکتاتوری در بار بمرعت اوج میگرفت. جنبه ی واحدی وجود نداشت، اما وحدت عمل نیروهای ملی و دموکراتیک، بمعنای وسیع کلمه، بنحوی تا مین میشد. حزب توده ی ایران در صوف مقدم مبارزه بود.

۳۰ دیماه ۱۳۲۷

عباس اسکندری دولت ساعد را بمناسبت اظهار نظر فوق استیضاح کرد. این استیضاح بیش از یک هفته طول کشید. آنروزها اقلیت مجلس از جمله آقایان مهندس احمد رضوی، حسین مکی، اسکندری و دیگران خواستار لغو قرارداد ۱۹۳۳ بودند و پیشنهاد میکردند که قانونی در این باره تصویب شود. اسکندری میگفت:

«این قرارداد تحمیلی است، باطل است و باید لغو و کان لم یکن بحساب آید.» (۴)

دهم بهمن ماه ۱۳۲۷

حزب توده ی ایران و حزب ایران متفقا دموستراسیونی زیر شعار «لغو قرارداد ۱۹۳۳ و طرد شرکت سابق» در خیابانهای تهران براه انداختند که بابرگزاری میتیگی در جلو مجلس پایان یافت. در اعلامیه ی سازمان دانش-جو یان حزب ایران که بمناسبت برگزاری این تظاهرات منتشر شده چنین میخوانیم:

(۲) روزنامه ی اطلاعات ۱۵ آبان ماه ۱۳۲۷

(۳) روزنامه ی اطلاعات ۲۱ دیماه ۱۳۲۷

(۴) از سخنرانی عباس اسکندری در موقع استیضاح و نقل از کتاب «عباس اسکندری در خدمت مجلس پانزدهم» عباس اسکندری به نمونه برمه که نفت خود را ملی کرده بود اشاره کرد، اما شعار ملی کردن نفت حتی از جانب خود وی بد رستی درک نشد و گسترش نیافت.

" همه ی مادر مبارزه با این هیئت حاکمه ی نوکرسفت و فاسد ایران هم عقیده ایم . همه ی ما در برقراری دموکراسی واقعی و کوتاه کردن دست دولت های نالایق و بی شخصیت هماهنگی داریم . . . اکنون که موضوع نفت مطرح است همه ی ما در گرفتن این حق بزرگ ملی وحدت فکری داریم . " (۵)

فشار افکار عمومی بحدی شدید بود که تقی زاده عاقد قرارداد ۱۹۳۳ مجبور شد از پشت تریبون مجلس بگوید :

" بنده در این کار اصلا و ابدا دخالتی نداشته ام (منظور عقد قرارداد ۱۹۳۳ است) ، جز اینکه امضای من پسای آن ورقه است . . . اگر قصوری در این کار و یا اشتباهی بوده تقصیرالت فعل نبوده ، بلکه تقصیر فاعل است . " (۶)

تقی زاده رضاشاه رافاعل و مقصر اصلی در انعقاد قرارداد و تمدید مدت امتیاز معرفی کرد .

۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۷

به شاه سوء قصد شد و در چنان روزهای حساس دستاویزی شد برای اجرای توطئه هاییکه از مدت ها قبل تدارک دید میشد و ارتباطی به آن حادثه نداشت : حزب توده ی ایران غیر قانونی اعلام شد ، مطبوعات مترقی تعطیل گردید ، چند تن از وکلای اقلیت مجلس از ایران بیرون رفتند ، هنر نو مخالفان با دیکتاتوری در بار و تسلط شرکت سابق جرم شناخته شد .

۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۷

چهار روز پس از سوء قصد پشاه ، مذاکرات نهائی میان نمایندگان تام الاختیار ایران و شرکت نفت - گلشائیان وگس - در تهران آغاز شد .

این مذاکرات دو مرحله داشت : در مرحله ی اول نمایندگان ایران تاحدودی مقاومت کرده و خواستار کسب درآمد بیشتری بودند که به نتیجه ای نرسید و مرحله ی دوم بیشتر جنبه ی فعالیت پشت پرده ی سیاسی داشت که با دخالت شاه انجام میگرفت . در این مرحله ایران از تمام ادعاهای خود دست کشید و تسلیم شد .

گلشائیان در گزارش رسمی خود به دولت مرحله ی اول را چنین تشریح میکند :

" مذاکرات را با نمایندگان شرکت آغاز نمودم و در جلسه ی اول مذاکرات به استحضار آقایان رساندم که علاوه بر کلیه نکاتی که در دولت سابق با نمایندگان مذاکره شده است اصولا نظر من بطور کلی تجسید نظر در قرارداد است . . . نمایندگان شرکت آماده برای شنیدن این اظهار شده و حتی تهدید به

(۵) - نشریه ی شماره ی ۸ حزب ایران ، صفحه ی ۱۵

(۶) - روزنامه ی اطلاعات ، نقل از مذاکرات مجلس ، ۱۱ بهمن ماه ۱۳۲۷

قطع مذاکره کردند ۰۰۰ ولی بالاخره مذاکرات از سر گرفته شد و نمایندگان شرکت توضیح دادند که منظور از تجدید نظر در فرمولها تا مین درآمد بیشتری است و ماحاضریم با فرمول فعلی درآمد بیشتری را برای دولت تا مین کنیم ۰۰۰ شرکت پیشنهادات خود را داد ۰۰۰ که حتی برای تا مین حقوق ایران طبق امتیازنامه فعلی هم کافی نبود چه رسد به اینکه نسبت به امتیازنامه فعلی حقوق بیشتری را برای ایران تا مین بنماید* (۷) (تکیه ازماست)

پس از قطع مذاکرات در مرحله اول درد ستگاه د ولتی ایران تمایلی به مراجعه به حکمیت وجود داشت که کارشناسان امریکائی از جمله تورنبرگ معروف نیز آنرا تا میند میکردند. اما شرکت سابق بشدت مخالف حکمیت بود.

۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

کابینه ی وزیران که در کاخ مرمر در حضور شاه جلسه ای تشکیل داده بود تصمیم گرفت به حکمیت مراجعه نشود و موضوع در مذاکرات مستقیم حل شود.

این دیگر مذاکرات مستقیم میان شرکت سابق و ایران نبود، بلکه بین دولت انگلیس و ایران در کانالهای سیاسی جریان داشت.
به اسناد زیر توجه کنید:
تلگراف ساعد نخست وزیر به سفیر ایران در لندن:

* چون احتمال قوی می رود که با احساساتی که در مجلس شورا و در افکار عامه است تصمیمات شدیدی از طرف مجلس اتخاذ شود لذا با وزیر خارجه ی انگلیس هر چه زودتر تماس گرفته و جریان امر را توضیح دهید و خاطر نشان نمائید که ممکن است لجاجت نمایندگان (منظور نمایندگان شرکت سابق نفت است) وضعی پیش آورده عواقب آن برای شرکت و روابط دوستانه ی د ولتین غیر مطلوبه باشد* (۸)

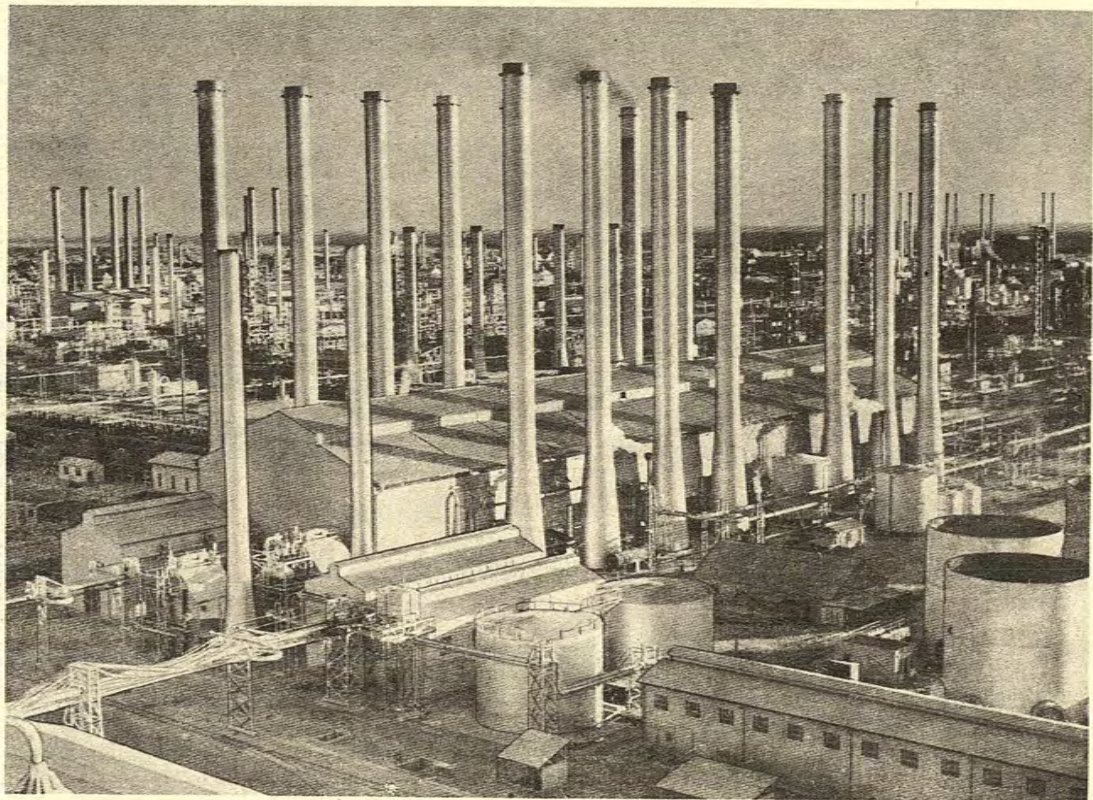
صورت جلسات هیئت وزیران حاکی است:

جلسه ی فوق العاده ی ۲۱ تیرماه ۱۳۲۸:

* وزیر خارجه اظهار داشتند که آقای سفیر انگلیس ایشان را ملاقات نموده و اظهار داشته اند که تردید در امضا طرح عمومی تا مینیر در رحمن روابط بین د ولتین خواهد داشت ۰۰۰ قرار شد جلسه ای تشکیل شود با حضور سفیر انگلیس و مستر گس در خدمت نخست وزیر و با مشارکت وزیر دارائی و خارجه و آقای عدل و یکمرتبه ی دیگر

(۷) - کتاب سیاه، بخشی از پرونده ی محرمانه ی نفت، صفحات ۲۷۰ - ۲۶۸

(۸) - کتاب سیاه، صفحه ۵۳۳



نیز مذاکره شود *

جلسه ی چهارشنبه ی ۲۲ تیرماه ۱۳۲۸ :

* آقای وزیرد ارای گزارش این کمیسیون راد اد و گفت از مذاکرات نتیجه ای بدست نیامد باز سفیرانگلیس مطالب گذشته راتجدید کرده اگر این طرح امضا نشود تا " نیرسوئی در مناسبات د ولتین خواهد داشت هر تقاضائی شد رد کردند قرار شد آقای وزیر خارجه بازهم با آقای سفیر ملاقات کند " (۹) (تکیه ازماست)

این نوع تماسهای پشت پرده و غیرقانونی چند روز دیگر نیز ادامه یافت و از جمله فریزر به ملاقات شاه رفت و بالاخره روز ۲۸ تیرماه ۱۳۲۸ (یعنی فقط ۶ روز پس از آنکه وزیرد ارای به هیئت دولت گزارش داد که شرکت سابق و سفیرانگلیس هر تقاضائی از طرف ایران شد رد کردند) دولت ساعد قرارداد مفصلی در یازده ماده بنام قرارداد الحاقی طی ماده ی واحده و بقید فوریت به مجلس شورا تسلیم کرد . این همان طرح عمومی بود که سفیر انگلیس قبول بی قید و شرط آنرا طلب میکرد . در آن نه فقط تمایلات مردم ایران ، بلکه حتی تمایلات خود ساعد و گلشائیان هم منعکس نشده بود . با اینحال دولت دفاع آنرا در مجلس بعهده گرفت . گلشائیان در موقع تقدیم لایحه گفت :

" جز " بجز " این قرارداد مطالعه شده و محصول زحمت هشت ماهه ی دولت است . "

او ادعا کرد که منافع ایران تأمین شده است .

برای تصویب رساندن قرارداد الحاقی تلاش زیادی شد و از جمله هژیر وزیر دربار وکلای مجلس رادسته دسته جمع میکرد و آنانرا به تصویب قرارداد ترغیب مینمود (۱۰) .

اما قرارداد تصویب نشد . سخنرانی حسین مکی ، که از جانب حزب ایران تنظیم شده بود ، تا پایان دوره ی پانزدهم طول کشید . و کار نفت به مجلس شانزدهم موقوف شد .

در مورد احساساتی که در مجلس و در خارج از مجلس وجود داشت و ساعد بدان اشاره میکند باید به فعالیت سازمانهای مخفی حزب توده ایران که یکی از جدیترین عوامل شکست حکومت دیکتاتوری پس از ۱۵ بهمن بود همدادگاه دسته ای از اعضا کمیته ی مرکزی حزب در بهار سال ۱۳۲۸ اشاره کرد . نیروهای ملی و دموکراتیک ایران از ترمیم این دادگاه برای مبارزه با ارتجاع و دیکتاتوری بخوبی استفاده کردند و شخصیتها نظیر دکتر شایگان در جلسات دادگاه از حزب توده ی ایران دفاع نمودند .

استیضاح اقلیت مجلس پانزدهم اردولت در فروردین ماه ۱۳۲۸ نیز که مستقیما مربوط به تسلط دیکتاتوری در کشور بود قابل ذکر است . انتخابات مجلس شانزدهم از مرداد ۱۳۲۸ تا اردیبهشت ۱۳۲۹ ، مدت هشت ماه جریان داشت . انتخابات شهرستانها در همان تابستان بسود ارتجاع و شرکت سابق پایان یافت . اما انتخابات تهران به نقطه ی گریه تغاد های آنروز جامعه ی ایران تبدیل گشت .

۲۲ مهر ماه ۱۳۲۸

مصدق با گروهی از مخالفین دولت بمنظور اعتراض به جریان انتخابات برای تحصن بدربار رفتند و بعلت رفتار

(۱۰) عبدالحسین بهنیا " پرده های سیاست "

(۹) کتاب سپاه ، صفحه ی ۵۵۰

بسیارخشن و توهین آمیزی که شاه و وزیر در بارش هژیر با آنها کردند دست باعصاب غذا زدند و روز ۲۷ مه‌رمه
اجبارا از تحصن بیرون آمدند. اینجاسته ی جبهه ی ملی ایران گذاشته شد.

۱۳۲۸ آبانماه

هژیر بدست سید احمد امامی یقتل رسید و یک هفته بعد انتخابات تهران ابطال شد.
بجاست یادآوری کنیم که د پیلماسی امریکا دردوران تنظیم لایحه ی الحاقی و انتخابات مجلس شانزدهم بسیارفعال بود. علاوه بر
فعالیت جاری سفارت امریکا و اقدامات پشت پرده ی مستشاران امریکائی سازمان برنامه و ارتش در ۱۲ تیرماه ۱۳۲۸ درآستانه ی تقدیم لایحه
الحاقی به مجلس پانزدهم ویلیام دوگلاس قاضی معروف امریکائی برای "کوه نوردی" به تهران وارد شد و مدتهدار ایران بود. روز ۱۳ آبان ماه
— روز مرگ هژیر — مکی معاون وزیرخارجه ی امریکا و ازخادمین بنام کمپانیهای نفتی امریکا بتهران آمد و باشاه و مقامات مسئول ملاقات
نمود. پس از چندروز مسافرت طولانی شاه به امریکا آغاز شد که تا دوازدهم دیماه ۱۳۲۸ ادامه یافت.

دی ماه ۱۳۲۸

انتخابات جدید تهران آغاز شد و در فروردین ماه ۱۳۲۹ بسود مردم پایان یافت. آقای دکتر مصدق، آقای دکتر
شایگان و جمعی دیگر از کاندیداهای ضد شرکت سابق پارامی مردم به مجلس شانزده راه یافتند و نقش بسیار
فعال و مؤثری در تصویب قانون ملی شدن نفت ایفا نمودند.

۲۵ اسفندماه ۱۳۲۸

متحصنین دربارتشکیل "جبهه ی ملی ایران" را اعلام نمودند که برنامه ایشان عبارت از سه ماده بود:

۱- تجدید نظر در قانون انتخابات،

۲- تجدید نظر در قانون مطبوعات،

۳- تجدید نظر در اصول حکومت نظامی.

مسئله ی نفت در برنامه ی جبهه ی ملی ایران نبود، ولی رهبران اصیل آن مبارزه برای طرد شرکت سابق را در نظر داشتند و آزادید
د مکرسی را برای آن میخواستند که بتوانند علیه شرکت نفت و امپریالیسم و ارتجاع مبارزه کنند.
دردوران فترت میان مجلس ۱۵ و مجلس ۱۶ دولت ساعد همچنان پسرکار بود و به تماسهای خود با شرکت سابق ادامه میدهد.
اتفاقا در همان زمان قیمت لیره تقلیل یافته و درآمد ایران از نفت بازهم کمتر شده بود. کوشش دربار و دولت این بود که شاید درآمد بیشتری تأمین
شود و ترتیبی اتخاذ گردد که بتوان قرارداد الحاقی را پس از تجدید نظر از مجلس گذراند.
از آنجاکه هم اکنون نیز بین مقامات دولتی ایران و نمایندگان کنسرسیوم بین المللی نفت مذاکرات مداومی برای افزایش تولید نفت و در
ایران از نفت انجام میگردد چند مسئله ی زیر را منتشر میکنیم تا نمونه هایی از کم و کیف این نوع مذاکرات بدست داده باشیم:

(۱۱۸)

" بحسب الامر اعلی حضرت همایونی قرار شد جناب آقای ساعد شخصا به اروپا بروند و در انگلستان با وزیر خارجه و وزیر دارائی انگلیس ملاقات کنند." (۱۱) (رسماً اعلام شده بود که وی برای معالجه سفر کرده است)
ساعد از لندن گزارش کار خود ارائه به مردم و نه حتی به هیئت دولت ، بلکه مستقیماً و محرمانه به شخص شاه میداد . در یکی از این گزارشها چنین میخوانیم :

" با وزیر خارجه ی انگلیس دوستانه مذاکره نمودم وضع عمومی کشور ، خشکسالی و را تشریح کردم گفتم امید این بود که از عواید نفت تدریجاً وضع را اصلاح نمایم . ترتیباتی با شرکت دادیم ولی تنزل نرخ لیره از قیمت واقعی آن کاست (همین جمله ی " قیمت واقعی " ، قرارداد الحاقی را بهتر از هر استدلالی افشا میکند - جوانشیر) در جواب بالحن دوستانه ای اهمیت ایران را در سیاست انگلیس اظهار کرده و وعده نمود در قیام موضوع را مطالعه کند وزیر دارائی را ملاقات کردم بسیار دوستانه و گرم بود . تمام مسائل را آزادانه حالی کردم گفتم این موضوع وضعیست دولت را در مقابل مجلس شورامشکل و حملات مخالفین راشد پدید خواهد کرد . جواب داد خیلــــــــــــی متأسفم (!!) ، ولی موضوع از قوه ی شرکت خارج است" (۱۲)

نمایند ه ی شرکت سابق در تهران در تلگرافی که بنابتوصیه ی وزیر دارائی ایران به لندن مخابره کرده است چنین مینویسد :

" از لحاظ تسهیل تصویب این لایحه در مجلس اینطور صلاح میدانم (بلی ، وزیر دارائی صلاح میدانند) که محرمانه با شرکت مذاکراتی در لندن پیشود و یک امتیازات بیشتری بدوین اینکه معلوم باشد از چه قبیل است داده شود که تصویب لایحه آسانتر شود . . ." (۱۳)

جواب شرکت برای ابلاغ بدولت ایران چنین است :

" شرکت حد اکثر گذشت را کرده و دیگر موجدی برای گذشت بیشتر نمی بیند . . ." (۱۴)

پس از افتتاح مجلس شانزده طرح لایحه ی الحاقی در آن مقدم و بنظر نمی رسید ، لذا مجلس در ۳۰ خرداد ماه ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت مرکب از ۱۸ نفر تشکیل داد که پنج نفر آن از اعضا^۱ جبهه ی ملی بودند . در اولین جلسه ی کمیسیون نفت مصدق بریاسست آن انتخاب شد (دوم تیرماه ۱۳۲۹) .

(۱۱) کتاب سیاه ، بخشی از پرونده ی محرمانه ی نفت ، صفحه ی ۵۴۷

(۱۲) کتاب سیاه ، بخشی از پرونده ی محرمانه ی نفت ، صفحه ی ۵۴۳

(۱۳) همان کتاب ، صفحه ی ۵۴۷

(۱۴) همان کتاب ، صفحه ی ۵۴۸

شاه پیدون کسب راهی تمایل مجلس رزم آرا را به نخست وزیری منصوب نمود. این نوعی کودتای نظامی نبود. رزم آرا که ارتباط نزدیکی با انگلستان داشت نظر موافق امریکا را هم جلب کرده بود. وزرای کابینه ی رزم آرا بانظر سفارت امریکا انتخاب شده بودند. مورخ الدوله سپهر که روابط بسیار نزدیک با رزم آرا داشت و فسرده مطلعی است مینویسد:

"رزم آرا بانگه الطاف ملوکانه و باطمینان معاضدت د پیلماسی امریکاد اوظلمی خویش را برای نخست وزیری اعلام نمود. در باب تشکیل کابینه من میدانستم که مسترد و هر (Doohr) لیستی از جوانان (؟!) به او داده است." (۱۵)

این "جوانان" که کابینه ی رزم آرا را تشکیل دادند در واقع مشتق عناصر بی شخصیت و جاسوس صفت بودند که امثال آنانرا بیشتر در کابینه های پس از ۲۸ مرداد میتوان دید.

دوم خرداد ماه ۱۳۲۹

کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران علیه رزم آرا، که هنوز نخست وزیر نشده بود ولی صدای چکه هایش بگوش میرسید، اعلامیه ای صادر کرد که در آن از جمله چنین میخوانیم:

"... سفارت انگلیس، شرکت نفت جنوب، انتلیجنت سرویس انگلیس در وجود رزم آرا عضو حساس مورد نظر خود را یافته اند. ... رزم آرا اکنون مشیر و مشاور شاه، مطلع از بسیاری از اسرار وی، حاکم بر قشون بوسیله ی شبکه ی مخصوص خود، عضو انتلیجنت سرویس، ... کاندید دیکتاتوری آیند است. ... ماتمام ملت را پرستاخیز عمومی علیه دیکتاتوری سفارت انگلیس - رزم آرا دعوت میکنیم. ... دکتربقائی در مجلس و خارج از مجلس خیلی به حزب توده ی ایران دشنام داده است. باشد، اینها بجای خود، ولی ما وظیفه داریم که حقایق را بازگو کنیم و دعوت میکنیم که تمام مردم علیه دیکتاتوری متحد شوند." (۱۱)

مبارزه ی حزب توده ی ایران در تمام دوران زمامداری رزم آرا بشدت ادامه داشت و یکی از صفحات درخشان تاریخ حزب ما و نهضت ملی شدن نفت است.

(۱۵) - خاطرات مورخ الدوله سپهر، نقل از خواندنیها، شماره ۲ سوم مهرماه ۱۳۴۱

(۱۱) - فوق العاده ی روزنامه ی مردم، ۱۵ خرداد ماه ۱۳۲۹

رزم آراکه برای حل مسئله نفت روی کارآمده بود مدت چهارماه سکوت کرد تا شاید امریکا و انگلیس با هم بتوافق برسند و درآمد بیشتری بایران بدهند. امام موفق نشد. و در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۲۹ موافقت خود را با لایحه الحاقی اعلام کرد و به امر شاه تصمیم گرفت بدعوت مجلس مختلط بسرای واگذاری حق و توشاه اقدام کند. در اینزمان همهی نیروهای ملی هنوز زیر شعار لغو قرارداد مبارزه میکردند.

۱۵ آبان ۱۳۲۹ - طرح ملی کردن نفت پشیر زبرد رشورای عالی جبهه ملی ایران تصویب شد :

"بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک بتأمین صلح جهانی امضا کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود. یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرارگیرد." (۷) (این طرح راشاد روان حسین فاطمی رشورای عالی برده و بتصویب رسانیده بود)

ارتقا جبهه ملی از شعار - آن بشعار ملی شدن صنایع نفت یکی از ایرانست. حزب مانتوانست این جهش حزب طبقه کارگر که ملی کردن صنایع است.

از آن پس چندین ماه شعای اختلاف پیدا کرد و همین بهانه ای داد اندازی در نهضت رامیدیدند و بالاخره اعضا رشورای عالی جبهه ملی که در ۱۵ آبان مرداد ماه ۱۳۲۹ فقط ۷ نفر بآن وفادار مصدق "تامرق" بخون مبارزان ملی ۱۹ آذرماه ۱۳۲۹

کمیسیون لایحه الحاقی را برای تأمین حقوق ایران تنظیم کند. هنوز تعداد کلای مجلس باندازه ای نبود که لایحه ای آن قابل هیئت حاکمه ایران رد آغاز مذاکرات جدید باشرکت متفق

های "طرد شرکت"، "لغو امتیاز" و امثال موفقیتهای بزرگ این سازمان و همه ملت را بموقع انجام دهد. و این بویژه برای بطور کلی شعارانست باعث نهایت تا مسف

حزب مادر نفت باشعار جبهه ملی ایران بدست کسانی که از مدت های پیش تدارک نظر هم به صف دشمنان پیوستند. (از ۱۹ نفر ۱۳۲۹ شعار ملی شدن را پذیرفتند در ماندند و دست عدای از آنان بقبول آغشته شد.)

مخصوص نفت به مجلس گزارش داد که کافی نمیداند و مهلتخواست که پیشنهاد که حاضر بقبول شعار ملی شدن بودند طرح در مجلس باشد.

لایحه الحاقی را زمینه ای بسرای میدانست و نیروهای ملی ایران بسرای



دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه کابینه دکتر مصدق

ملی کردن (حزب توده ی ایران برای اعلان بطلان امتیاز شرکت نفت و ملی کردن آن) مبارزه میکردند. دایره ی مبارزه در زمستان ۱۳۲۹ بحدی اوج گرفت که کنترل آن برای دولت و دربار که خود دچار بحران بودند، مقدور نشد.

۱۹ اسفند ۱۳۲۹

کمیسیون مخصوص نفت که دیگر اعضای آن نمیتوانستند رسماً با اصل ملی شدن مخالفت کنند يك سو کمیسیون پنج نفری را برای فرموله کردن این اصل و تهیه ی گزارش برای مجلس شورا مامور نمود.

۱۷ اسفند ۱۳۲۹

کمیسیون مخصوص نفت به اتفاق آراء تصمیم زیر را گرفت :

"مجلس شورای ملی ! نظر باینکه ضمن پیشنهادات واصله به کمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجائی که دقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای اصل باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید مینماید." (۸)

این گزارش در ۲۲ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس تقدیم شد و ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورا و ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس سنا بتصویب رسید و جنبه ی قانونی گرفت.

امروز که این سطور را مینویسم قانون ملی شدن نفت نقض شده و تسلط کارتل بین المللی نفت بر منابع و صنایع نفت ایران برقرار شده است ولی این امر هرگز از اهمیت ضربه ای که در اسفند ۱۳۲۹ بر پیکر امپریالیسم وارد آمد نمیکاهد. این زخم التیام ناپذیر است. قانون ملی شدن نفت امروز نیز، گرچه اجرای آن موقتاً تعطیل شده است، به قوت خود باقی است.

۲۰ اسفند ۱۳۲۹

شاه وزیر دربار خود حسین علاء را به نخست وزیری گماشت (رزم آرا در ۱۶ اسفند بدست خلیل طهماسبی بقتل رسید) علاء مخالف اصل ملی شدن و هوادار نوعی افزایش درآمد ایران بود. حزب توده ی ایران شعار سقوط علاء و روی کار آمدن حکومت ملی را میداد و بدون آن اصل ملی شدن را غیر قابل اجرا میدانست. جنبه ی ملی از علاء حمایت نمیکرد، اما از سقوط آن میترسید و امید ی به روی کار آمدن حکومت ملی نداشت.

۳۰ اسفند ۱۳۲۹

اعتصاب عمومی کارگران نفت جنوب آغاز شد. اعتصاب مدت بیش از یکماه (تمام دوران حکومت علاء) ادامه داشت.

کارگران از خود انضباط ، هوشیاری و شعور طبقاتی و ملی بسیار عالی نشان دادند . این اعتصاب ضربت سنگینی پشیرکت نفت و زمامداری علاء زده و بروی کارآمدن مصدق کله کرد .

۱۴ فروردین ماه ۱۳۳۰

اولین تماس میان نمایندگان انگلیس و امریکا در واشنگتن برای رسیدگی به مسئله ی نفت ایران برقرار شد . این تماس آغاز همکاری د شوارپست که میان امپریالیست انگلیسی و امریکائی ، برای سرکوب نهضت ملی ایران و نقض اصل ملی شدن ، بوجود آمد . در اولین تماس برسر تقسیم نفت ایران ، که نظر امریکابود ، توافق حاصل نشد . اما برسر تعطیل صنایع نفت ایران و تأمین احتیاجات شرکت سابق از منابع دیگر توافق بعمل آمد . (۱۸)

در سراسر ماه فروردین مقامات رسمی دولت انگلیس علنا ایران را تهدید به تجاوز میکردند و مقامات رسمی امریکاطی اعلامیه ها و اوراقانالهای سیاسی ایران را به "اعتدال" و "ضبط نکردن" اموال شرکت دعوت میکردند . درمذاکرات پارلمان انگلستان و در یادداشت‌های که دولت انگلیس به ایران میداد از امکان اعزام قوا برای "حفظ جان اتباع انگلیس" سخن بمیان میامد و چندین کشتی جنگی از پایگاه بحرین بسوی آبادان و از جزیره ی مالٹ بسوی خلیج فارس حرکت کرده بودند . اما در همسایگی شوروی ، و در شرایط وجود تناقض میان امپریالیستها و اوج نفست ایران ، پیاده کردن قوا مقدر نبود .

۲۷ فروردین ۱۳۳۰

کمیسیون مخصوص نفت يك قانون نه ماده ای بمنظور ترتیب اجرای اصل ملی شدن به مجلس شوراپیشنهاد کرد . مواد اصلی قانون بشرح زیر است :

" ماده ۲- دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط (هیئتی از نمایندگان مجلسین و ماثورین دولت) بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند

ماده ۴- چون از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ که ملی شدن نفت به تصویب مجلس سنانیز رسیده کلیه ی درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایرانست دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط بحساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله در امور بهره برداری دقیقانظارت نماید .

ماده ۵- هیئت مختلط باید هرچه زودتر اساسنامه ی شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارت مختلطی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب به مجلس پیشنهاد کند . (۲۰)

(۱۸) الول ساتن ، نفت ایران ، صفحه ی ۲۶۷
(۲۰) اسناد نفت ، صفحه ۵۲

در سایر مواد قانون طرق رسیدگی به ادعاهای شرکت و دعاوی حقه‌ی ایران، طرق تبدیل تدریجی کارشناسان خارجی به کارشناسان ایرانی، حق تقدم مشتریان سابق شرکت در خرید نفت ایران قید میشود. این قانون که هفتم اردی بهشت ۱۳۳۰ بتصویب مجلسین رسید، تعبیر کاملاً درستی از اصل ملی شدن بود.

هفتم اردی بهشت ۱۳۳۰

مجلس شورای امیل خود را به نخست وزیری مصدق رسماً نخست وزیر شد و اولین دولت و ضد ارتجاعی داشت بوجود آورد. ایسن

دهم اردی بهشت ۱۳۳۰

شاه قانون ملی شدن مصوب مجلسین را میگذشت و قانون نه ماده ای اجرائی توشیح کرد. این تا خیر در توشیح

۲۲ اردی بهشت ۱۳۳۰

مصدق اعلام کرد که شاه و دکتر مظفر بقاشی در مجلس گفت:

"اعلیحضرت فرمودند دکتر
دولت اینطور گفته بود که فدائیان اسلام در صد قتل دکتر مصدق هستند. دیهیمی هم این مطلب را به ستاد ارتش اطلاع داد. از ستاد ارتش هم بمن گزارش دادند و من دیشب به شهربانی دستور دادم که شمارا حفاظت کنند." (۲۱)
از آنجاکه عده‌ی زیادی از افراد کابینه‌ی مصدق را دربار تعیین میکرد (سرلشکر زاهدی وزیر کشور مصدق بود) و ارتش و شهربانی کاملاً در اختیار دربار بودند مصدق چاره را برای حفظ جان خود در تحصن مجلس دید. و روز ۲۲ اردی بهشت در مجلس متحصن شد. بعلاوه مصدق از تعلل مجلس در اجرای اصل ملی شدن نگران بود. مجلس حاضر نمیشد کمیسیون مختلط خلع ید را انتخاب کند.
اتحاد جناح راست و ضد کمونیست جبهه‌ی ملی که از مدتها پیش آغاز شده بود روز بروز تحکیم یافت تا به کودتای ۲۸ مرداد رسید.



دکتر محمد مصدق - نخست وزیر

دکتر محمد مصدق اعلام کرد و نهم اسفند
ایران را که آشکارا رنگ ضد امپریالیستی
موفقیت بزرگ ملت ایران بود.

(پس از یکماه و نیم که از تصویب آن
انرا بنا بدخواست دکتر مصدق یکجا
تصادفی نبود.)

اورا به مرگ تهدید کرده اند. مصدق

بقاشی به دیهیمی نام در سازمان

از ستاد ارتش اطلاع داد. از ستاد ارتش

مختلط خلع ید را انتخاب کند.

اتحاد جناح راست و ضد کمونیست جبهه‌ی ملی که از مدتها پیش آغاز شده بود روز بروز تحکیم یافت تا به کودتای ۲۸ مرداد رسید.

۴ خرداد ماه ۱۳۳۰

دکتر گریدی سفیر آمریکا در تهران بدنبال اقدامات مکرری که از جانب امیرالیهستهای امریکائی علیه ملی شدن نفت ایران انجام شده بود تذکاريه ای به وزیر خارجه ی ایران تسلیم کرد و در آن دولت ایران را از هرنوع " لغویکجانبیهی روابط قراردادی و اقداماتی که جنبه ی ضیبط و توقیف اموال داشته باشد " برحذر داشت و مخالفت صریح دولت امریکارا با اینگونه اقدامات به اطلاع رسانید.

۱۵ خرداد ماه ۱۳۳۰

پیام ترومن به مصدق تسلیم شد که در زدن به اقدامات قطعی برحذر میباشد.

۲۰ خرداد ماه ۱۳۳۰

اولین اعلامیه ی هیئت مدیره ی خوزستان منتشر شد که در آن گفته ما همورا اجرای قانون ملی شدن نفت ۲۰ خرداد ماه در دفتر خود واقع در خم شهر مستقر و مشغول بکار

۲۸ خرداد ماه ۱۳۳۰

ساعت ۸ بعد از ظهر آخرین مهلتی که شده بود پایان یافت. پیشنهاد اتسی مغایرت داشت.

۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰

جلسه ی مشترك هیئت دولت و کمیسیون مختلط نفت تصمیم به خلع ید از شرکت سابق گرفت بشرح زیر :
۱- تصمیمات و دستورات هیئت مدیره و یامدیر عامل شرکت سابق نفت از این بیبعد قابل اجرانیست

(۲۲) اسناد نفت ، صفحه ی ۱۲۲ و ۱۴۳

آن نیز دولت ایران را از دست



موقت شرکت ملی نفت ایران در میشد : هیئت مدیره ی موقت در ساعت ۱۲ و نیم روز دوشنبه ی در عمارت مرکزی شرکت سابق نفت گردید. (۲۲)

به نمایندگان شرکت سابق داده از شرکت رسیده که با اصل ملی شدن

- مگر اینکه این تصمیمات و دستورات به امضا هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران رسیده باشد.
- ۲- ما مورینی برای خلع ید در قسمت نفت شاه و تصفیه خانه ی غرب در کرمانشاه تعیین شدند.
 - ۴- دستور داده شد اداره ی اطلاعات شرکت سابق نفت منحل شود.
 - ۵- دستور داده شد در همه جا نام شرکت سابق نفت بنام شرکت ملی نفت ایران تبدیل گردد.
 - ۶- عواید نفت از این بیعد در همه جا باید فقط به شعبات بانک ملی ایران و بحساب شرکت ملی نفت ایران گذاشته شود، در صورت نبودن شعبه ی بانک بصندوق دارائی محل تحویل گردد.

در پایان جلسه ی هیئت دولت، این تلگراف از طرف نخست وزیر به هیئت اعزامی خوزستان مخابره شد:

" هیئت مدیره ی موقت نفت ملی ایران بر طبق ماده ی دوم مقررات مصوبه ی هیئت مختلط هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی ایران دارای کلیه ی اختیارات لازم برای اداره ی امور شرکت است. از اکتشاف، استخراج، توزیع، فروش و بهره برداری خواهد بود و موسسات تابعه ی شرکت سابق باید کلیه ی دستورات هیئت مدیره ی موقت را اجرا نمایند. نخست وزیر - دکتر محمد مصدق (۲۴)

۳۰ خرداد ماه ۱۳۳۰

اعلامیه ی هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران که در پیر به خلع ید بود صادر شد. در آن از جمله گفته میشد:

- ۱- بموجب امر دولت بکلیه ی کارمندان ایرانی و خارجی شرکت سابق ابلاغ میشود که مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته میشوند. اشخاصی که نمیخواهند بخد مت خود ادامه دهند باید کتبا بشرکت ملی نفت اطلاع دهند تا در ظرف یکماه ترتیب خاتمه ی خدمت آنها داده شود.
- ۲- هیئت مدیره تصمیم گرفت هر کسی که از دادن قبض بطور مطلق خودداری کند حق حرکت ندارد (منظور از قبض رسید قبضه ی بود که شرکت ملی در مقابل تحویل نفت دریافت میکرد تا بعد پهای آن محاسبه و دریافت شود).
- ۳- نظر باینکه اداره ی اطلاعات شرکت سابق طبق دستور دولت منحل شده است اداره انتشارات آبادان که ناشر روزنامه های محلی میباشد و سابقا تابع اداره ی نامبرده بوده است زیر نظر هیئت مدیره ی موقت اداره خواهد شد. (۲۵)

۴ تیر ماه ۱۳۳۰

وزیر خارجه ی انگلیس مورسون در باره ی اقدامات هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران به مجلس عوام

(۲۴) بسوی آینده، ۳۰ خرداد ماه ۱۳۳۰

(۲۵) اسناد نفت، صفحه ۱۲۲ و ۱۴۳

(۱۲۱)

انگلیس گزارش اد و گفت :



من
باید به نمایندگان اطلاع دهم که پیشات
های اخیر ر قرضیهی نفت ایران خلیس
جدی و ناگوار است ۰۰۰ اگر دولت ایران
د رروش خود پافشاری کند شرکت علاجی
نخواهد داشت مگر اینکه در عرض چند روز
به عملیات خود در آبادان پایان دهد.
بی شك ممكن است وضع
و خیمی در جنوب ایران پیش آید که
مسئولیت آن بر عهد هی دولت ایران
خواهد بود (!!) نخست وزیر ایران بود
وی باید بداند که بر طبق قوانین بین-
المللی مسئول حفظ جان و مال اتباع
انگلیس در ایران میباشند و اگر نتوانند
این وظیفه را انجام دهند دولت
اطمحضرت پادشاه انگلستان خود آنها
بعهد خواهد گرفت و برای انجام این
منظور وسایل لازم را بکار خواهد برد. مجلس
میتواند مطمئن باشد که ماتهی ی این کار
رادیه ایم و میتوانیم سریعاً اقدام کنیم.

۰۰۰ من میتوانم به نمایندگان اطلاع دهم که به رزمنامو ریسوس فرمان داده شده است که فوراً به حومهی آبادان حرکت کند ۰۰۰ پرسی
جای تا سف است که دولت ایران دست به اقداماتی بزند که نتیجهی مصیبت باری برای سعادت آیند هی کشور ایران ببار آورد (۱۴) * (۲۶)
در پیام وزیر خارجه ی انگلیس به وزیر خارجه ی ایران مورخه ی ۸ تیرماه ۱۳۳۰ چنین میخوانیم :

* دولت اطمحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند باور نماید که دولت ایران در این لحظات آخر تشخیصی
ندهد که ناسازگاری آن دولت روش خردمندانه ای نیست * (۲۷) (تکیه ازماست)

این تهدیدهای غنی که در تمام دوران ملی شدن نفت ادامه داشت، تو خالی نبود و امپریالیسم انگلیس اگر کمترین فرصتی مییافت دست به تجاوز میزد. اما این فرصت بدست نیامد

۲۲ تیرماه ۱۳۳۰

هرمین فرستاده ی مخصوص رئیس جمهور امریکا برای میانجیگری میان ایران و انگلستان وارد تهران شد. اولین توطئه ی کودتای مصدق نیز در همین روز بشکل خاص و غیرمستقیم انجام گرفت. موضوع اینکه پس از آغاز اجرای قانون ملی شدن نیروهای ملی ایران روز بروز بهم نزد یکتر میشدند. فاصله ای که در چند ماه گذشته میان حزب توده و ایران و جبهه ی ملی بوجود آمده بود از میان میرفت. این فاصله پس از خلع ید در ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰ بسیار کم شد و حزب توده ی ایران حمایت از دولت مصدق را مطرح ساخت. روزنامه ی بسوی آینده اعلام داشت که حمایت مشروط از مصدق تأمین شده است.

اتحاد نیروهای ملی خطر عظیمی برای امپریالیسم و ارتجاع بوجود میآورد و آنها تصمیم گرفتند ضربه ی دو جانبه ای وارد کنند، که هم مصدق را از اعتبار اندازد و هم پلی را که میان حزب توده ی ایران و جناح مترقی (مصدقی) جبهه ی ملی ساخته میشد، بشکنند. این توطئه در ۲۳ تیرماه ۱۳۳۰ بموقع اجرا گذاشته شد. در آنروز جناح کاشانی و دکتر بقائی در اتحاد پادربار و سرلشگرزاهدی (که وزیر کشور کابینه ی مصدق بود) به تظاهرات خیابانی وسیعی که در تهران تشکیل شده بود حمله کردند. دمنستراسیون تهران از طرف "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" بمناسبت بزرگداشت خاطره ی اعتصاب کارگران شرکت نفت و تیرباران آنها در ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ تشکیل شده بود. بدستور سرلشگرزاهدی (وزیر کشور) و سرلشگر بقائی (رئیس شهربانی) به تظاهرات تیراندازی شد و عده ی زیادی کشته شدند. این تیراندازی خلاف دستور و بدون اطلاع مصدق بود.

در این حادثه ی بزرگ مصدق سقوط نکرد، ولی بهر صورت ضربه ی سنگینی به نیروهای ملی وارد آمد. رابطه ی حزب توده ی ایران با مصدق برای مدت طولانی گسسته شد. مصدق سرلشگرزاهدی و سرلشگر بقائی را از کار برداشت، و اعلام کرد که در باره دولت، در مجلس و خلاصه در همه جا نفوذ دارد. وی بطور تلویحی اشاره کرد که جنایت ۲۳ تیرماه محصول این نفوذ است. در این توطئه سازمان جاسوسی امریکانقش موثری ایفا کرد. هدف این بود که حکومت مصدق آنقدر ضعیف شود که مجبور به سازش گردد. اما این نتیجه حاصل نشد. هرمین با وجود اقامت طولانی در تهران و تلاش فراوان نتوانست پیشنهادات خود را به مصدق بقبولاند. آنوقت هائوز میان انگلستان و امریکا بر سر تقسیم نفت ایران توافق بعمل نیامد بود.

۱۱ مرداد ماه ۱۳۳۰

سفارت کبرای انگلیس در تهران طی یادداشتی بدولت ایران اطلاع داد که:
"دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصل ملی شدن صنعت نفت را در

ایران قبول مینماید* (۲۸)

این سند محصول مذاکرات طولانی ایران و انگلیس بود و امپریالیست های انگلیس امید داشتند که از این طریق راهی برای از میان بردن اصل ملی شدن و استقرار تسلط کارتل بین المللی نفت بدست آید. اما امروز امپریالیست ها موفقیتی بدست نیاوردند و سند فوق بعنوان يك سند قانونی و بین المللی در تائید ملی شدن باقی خواهد ماند.

۳۱ شهریورماه ۱۳۳۰

دولت ایران به کارمندان خارجی شرکت سابق نفت ابلاغ کرده اگر نمی خواهند مستخدم دولت ایران باشند در مدت يك هفته خاک ایران را ترك کنند. این کارمندان از آمدن آنها قبل طبع دستور شرکت سابق از همکاری با شرکت ملی نفت ایران خودداری میکردند و در تعطیل صنایع نفت ایران میکوشیدند.

۱۱ مهرماه ۱۳۳۰

آخرین فرد انگلیسی آبادان را ترك گرفت. و ملت ایران بطور کامل تا سیمات نفتی خویش را بدست گرفت.

* * *

آنچه در چند صفحه بالا آوردیم نه تاریخ ملی شدن نفت است و نه حتی کرومولوژی حوادث مهم آن. این کار فرصت بیشتری میخواهد. ما را اینجا از توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی علیه ملی شدن نفت، از اختلافات میان نیروهای ملی ایران و کم و کیف آن، از رقابت و اتحاد انحصارات بزرگ نفتی، از مداخلات امپریالیسم آمریکا در مورد اخلی ایران، مذاکرات مفصلی میان ایران و انگلیس بامیانجیگری آمریکا و بطور کلی از فعالیت همه جانبه ی حکومت ملی مصدق و تلاش امپریالیسم و ارتجاع برای برانداختن آن و کوشش نیروهای ملی برای حفظ آن و بسیجاری مطالب مهم دیگر سخن نگفتیم.

ما فقط خواستیم جریان تدوین و تصویب قانون ملی شدن نفت ایران و خلع ید از شرکت سابق نفت را باختصار قید کرده و تذکر دهیم که اصل ملی شدن نفت ایران و قانون طرز اجرای آن بطریق کامل قانونی در مراجع مقننه ی ایران بتصویب رسیده و مورد حمایت کامل ملت ایران قرار گرفت.

اصل ملی شدن از جانب دولت انگلیس و شرکت سابق نفت نیز بر رسمیت شناخته شد.

در سالهای حکومت ملی مصدق مراجع بین المللی نظیر شورای امنیت (مهرماه ۱۳۳۰)، دادگاه بین المللی لاهه (تیرماه ۱۳۳۰) و دادگاه محلی ایتالیا و ژاپن بسود ایران راجع دادند و قانون ملی شدن نفت ایران را بازم بیشتر تسجیل و تثبیت کردند. ایران بفروش نفت ملی خود آغاز کرد. و اگر حکومت ملی مصدق بر سرکار میماند امروز شرکت ملی نفت ایران بازار بزرگی در دست داشت.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این موفقیت‌های بزرگ را بیاد داد و فاجعه ای در تاریخ ملت ماست.

سلطه ی کنسرسیوم بین المللی نفت بر منابع و صنایع نفت ایران و قراردادی که با آن بسته شد بنابراین قانون ملی شدن نفت ایران بود. و در شرایط غیرعادی به ایران تحویل شده و غیرقانونی است. این قرارداد منابع نفت ایران را تا سال ۱۹۹۴، یعنی تا آخر قرن بیستم، در اختیار کارتل بین المللی نفت قرار داده است.

بدون تردید ملت ایران برای احیای قانون ملی شدن نفت تا آخر قرن بیستم به انتظار خواهد نشست.

جوانشیر

ازسند تحلیلی حزب :

لزوم خروج دولت از پیمانهای نظامی

با اینکه پیمان تجار و کارخانه و استعماری سنتو در چار بحران جدی است معذک دولت با عتاد ولجاج کورکورانه ای در درون این پیمان باقی مانده و حتی بصورت یگانه مدافع سرسخت بقا آن تظاهر میکند. با اینکه خود شاه و سایر زمامداران دولت بارها اعتراف کرده اند که این پیمان دیگر "بامقتضیات دوران و روح زمان" وفق نمیدهد و نیز مکرراً علت وجودی آنرا که ظاهراً عبارت از پیشگیری در برابر اصطلاح "خطر تجاوز از شمال" بوده است، در نتیجهی بهبود مناسبات ایران با اتحاد جماهیر شوروی نفی نموده معذک حفظ این پیمان امپریالیستی و بقا شرکت دولت ایران را در آن توأم با قرارداد و وجانبه ی نظامی با امریکایی از ارکان سیاست خارجی می شمارند.

بطور کلی پیمان سنتو و قرارداد و جانبیه ی نظامی یکی از اهرمهای اساسی تحکیم مواضع امپریالیسم در ایران و در سراسر خاورمیانه و نزدیک و تکیه گاه موثری است برای تأمین منافع انحصارهای نفتی در خاورمیانه و نزدیک و بی سبب نیست که سخنگویان رژیم پس از آنکه مجبور به اذعان این حقیقت شدند که خطری از سوی شمال کشور ما را تهدید نمیکند اکنون برای توجیه شرکت دولت در این پیمان به "خطری که گویا از ناحیه کشورهای عربی ایران و خلیج فارس را تهدید میکند استناد میجویند."

رژیم کنونی بجای آنکه از اوضاع بین المللی مساعدی که در سالهای اخیر بوجود آمده است بمنظور تحکیم رشته های مودت با کشورهای عربی استفاده نماید و امکاناتی بوجود آورد که کشور و مردم ایران بتوانند نقش مهم و شایسته خود را در منطقه خاورمیانه ایفا نمایند بعکس با اتخاذ روشهای نادرست نسبت بکشورهای منور و جانبداری از نظریات امپریالیستی در مورد آنها، با تیره کردن روابط ایران و کشورهای عربی، با برانگیختن احساس کین و تعصب ملی میکوشد در رجا کشور ما را مانند اسرائیل بیکی از دشمنان ملت‌های عربی و یکی از پادوهای کارتل امپریالیستی نفت در خاورمیانه میدل سازد.

شغال محکوم

دیدی افتاد دمت لای تله
کارنا کرده چه میخواستی مزد؟
میکنی خربزه ها را قاچاق ؟
که تو را کرده عزیز جالیز ؟
دزد دزدانه بری مرغ و خروس ؟
چه زنی هروله دور لانه ؟
شیخی از با بت دین میطلبی ؟
که تناول بنماید آخوند
بتو تقدیم نمایم ، بد ذات ؟
یا شفا یافته ی آقائے ؟
سر خرمن طلبی حصه ی خویش

از در عدل مطلق رنگریم
آدم نیت ، سچل یا نوغان ؟
آمدی یسا بهوای مازاد ؟
ببیری خد متشان مرغ مرا ؟
سر دیوار پریده حیوان ؟
شهر دار هستی یا استاندار ؟
ناخنک گفته بخرم بزنی ؟
یا که دستور شفا هستی ز امیر ؟

ای شغال تنه گنده خپله
خوب ، بد جنس جد اندر جد دزد
بپی شرافت ، بکدام استحقاق
اخترای بی هنر و بی همه چیز
نیمه شب بهر چه ائی پابوس ؟
بی گذرنامه و بی پروانه
مالکی باج زمین میطلبی ؟
مرغ بی وقت مگر چیزی خواند
سیدی ، عامی ، تاخمس و زکوة
متولی دهات مائی ؟
یا که هستی گل و مولاد رویش

باری از شرع مطهر گذریم
چوپ دارستی یا جنگلبان ؟
بهر اجباری از رکن و ستاد ؟
پست امنیه فرستاده تو را
سو پیشینه مگر دارد آن
بخشدار هستی یا فرماندار ؟
ملك الموت ملا بر مدنی
خط مگر داری از آقای وزیر ؟

بلا تشبیه رئیس الوزرا
مگر از دفتر مخصوص کسی
مرگ من، حضرت آقای شغال
خود ایشان بشما خط دادند؟
بسیاست سروکار تو کجاست؟
از سر شخم زدن تا خرمن
هیچ در مدت عمرت یکبار
هیچ شدیخ کنی از سرمائی؟
این همه پیشکشت ای نامرد

توصیه کرده به جالیزتورا؟
بتو داده است سمت بازرسی؟
کی گرفتی ز شهنشاهه مدال؟
یا که از جائی رخصت دادند؟
انگلستان است یا امریکاست؟
شده یک دفعه کنی یاری من؟
دستت از پیل شده آبله دار؟
هیچ شد غش کنی از گرمائی؟
شد بگوئی نکند دستت در د؟

حال گرتو به وصیت داری
پوستت را کنم و گناه کنم
تنه لش، جا یگزین سرخر
رقص مطبوع کنی بر سردار
سخن پرزگر اینجاکه رسید
گفت افسوس که بسی تدبیری

احمدی وار بگو، مختاری
سر جالیزتو بدارت بزنم
عبرت الناس شغالان دگر
مثل بعضی وزرا، بلغار
از ته قلب شغال آه کشید
شیر موش هستی و موش شیری

دزد یک جوچه خروش حلق آهوز
دزد یک خریزه اندر سردار
زالوی خون هزاران دهقان
داشتی گر هنر و عقل و کمال

دزد ده دهکده آقا و عزیز؟
دزد صد قریه جناب سردار
حضرت اشرف و خان و اعیان
همه بودند بعرف تو شغال

انوشه

ناوی از موج نمیترسد :

او، شیفته ی طوفان است

ناوی از ساحت پرنور آفاق می آید

شفقش در جان است

برکشد چونکه شرع

فارغ از بود و نبود

عرصه اش :

عرصه ی پهناور دریای کبود !

ناخدائی است که با بیم و یلا خو کرده

ای چه پس بر سر او ابر هیاهو کرده

وین زمان :

روی این ساحل اندوه زده

در کنار هم رزم ، پیش روی درخیم ،

در تگرگی همه از سرب مذاب

همچو يك صخره بیاست

دشمن شوم کجاست ؟

تا ببیند بد و چشم

ناوی از مرگ نمیترسد :

آو زنده دل از ایمان است

ناوی از ساحت پرنور آفاق می آید

شفقش در جان است .



ناوی وظیفه هوشنگ انوشه ، مهنای دوم خیری ، ناوی وظیفه گهربار در شهر بورما سال ۱۳۳۲
یعنی بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد با اتهام آتش زدن ناویر یازده است و پنج روز بعد
در میدان تیر امیر آباد خرمشهر تیر باران شدند . از آن جهت که دستگاه انتظامی شاه از ناویان
میترسید جوخه اعدام راکه مرکب از ۱۵ نفر سرباز بود از لشکر خرم آباد آوردند . بطوریکه در
دیدن میشود انوشه با چشمان باز با استقبال مرگ رفت و شهامت و از خود گذشتگی او یحیی بود
که حتی در لحظه اعدام هم خنده لبان او را ترک ننگت .

میرا زیاد فراموش مکن !

گورخونین شهیدان بتو آواز دهد :
" شعله ای راکه فرزندان شده خاموش مکن !
ما به امید وفای تو گذشتیم ز جان
دوستان را میرا زیاد ، فراموش مکن ! "

تا بود گردش اوضاع وطن بر این دور :
دشمن مردم پر بهره و مردم بی برگ
میرا زیاد ارانی را در محبس جور !
میرا زیاد سیاحت را بر چوبه ی مرگ !

ای چراغی که کنون روشن و نور افشانی
نام شمعی که فرو مرده ، ز خاطر مَرَدَا !
با همه هستی خود توده ای صادق باش
سخن روز به گرد ز خاطر مَرَدَا !

تا ز تیره شب میهن ندمد پرتوی فَجْر
منه از جاده ی پیکار دمی پای برون
میرا زیاد ، فراموش مکن آنهمه زَجْر !
میرا زیاد ، فراموش مکن آنهمه خون !

مادر و همسر و فرزند عزاداری سی است
گروفا داری از این لشکر ماتم یاد آر !
زان رفیقان که نشستند به زندان بلا
دم شادی ، دم اندوه ، بهر دم یاد آر !



شمه ای در باره
جنبش های اجتماعی
و انقلابی در ایران

خروشید و زد دست بر سر ز شاه
که : «شاهها ، منم کاوه دادخواه»
ستم را میان و کرانه بود
همیدون ستم را بهانه بود
بهانه چه داری تو بر من ، بیار ،
که بر من سکالی بد روزگار ؟

قیام کاوه ی آهنگر علیه ضحاک ستمگر گرچه افسانه ای تاریخی است ولی این حقیقت را که مردم ایران زمین در برابر جور و ستم زبرد ریشی که نمود ارزنج و محرومیت تودهی زحمتکش است گرد می آیند و ببارزه میپردازند، مجسم میکند. این حقیقت در سراسر تاریخ ایران بچشم میخورد و مادر این گاهنامه فهرستی از مظاهرها ترا بدست میدهم تا پراخگر نبرد ی که زیر خاکستر شکست ها و ناکامیهای گذرا پنهان است نسیمی بدیم و گرمی جرقه ای را که بحکم تاریخ به شعله ای تبدیل و از سوزش آن کاخهای ستم و ستمگران نابود خواهد شد، تندتر کنیم. تاریخ نویسان ایرانی و بیگانه با تحریف و تغلیط، بیشتر جنبشها و قیامها را زبردستی جانبداری سیاسی و مذهبی خود پنهان کرده، به آنها زمانی رنگ الحاد و زندق و گاهی خیانت و فتنه-گری زده اند. کوشش میکنیم تا آنجا که در این گاهنامه میگذرد و درک نویسند ه اجازه میدهد حلقه های از زنجیر سرخ رنگ پایان ناپذیر مبارزات اجتماعی و انقلابی میهن خود را در سه قسمت پیش از اسلام، بعد از آن تا آغاز قرن بیستم و سرانجام قرن معاصر، از زیر خاکستر قرون و اعصار بیرون کشیم و رنگ زمان و پلیدی-های تاریخ سازان را از آنها بزدائیم. کوشش ما اینست که پیشتر آنگونه جنبشهایی را که در تاریخهای تاریخ پنهان شده، ولو باختصار، از زوایای آن بیرون کشید و یاد آنها را زنده کنیم و در مورد انقلابات بزرگ که در باره ی آنها بتفصیل مدارک و اسناد منتشر شده باختصار قناعت کردیم.

پیش از اسلام

در ۵۲۹ ق.م کورش پایه گذار دولت هخامنشی در جنگ های شمال شرقی ایران با ساکاهها، کشته شد. کیوجیه جانشین او که شاهی ستمگر و تاحد جنون خونخوار بود، ستم بر توده های مردم و اقوام تابع را که برزور کورش محکوم نظم تحمیلی او شده بودند، تشدید کرد. لشکر کشی او به مصر آخرین رمق کشاورزان و مردم مغلوب را کشید و زمینه را برای شورش همگانی فراهم کرد (۱۳۷)



یک سریال از "جاویدان" از دوران هخامنشی

کرد . داریوش در کتیبه ی بیستون میگوید :

"بعد از رفتن او (کیوجیه) به مصر مردم از او برگشتند . . ."

شورشها آغاز شد و برد یاکه بقول قابل تردید داریوش مغانی شورش بود، در غیبت کیوجیه به تخت نشست و برای آرام کردن مردم مالیاتها را بخشید و از سر بارگیری چشم پوشید . داریوش و نجیبای بزرگ همدست شدند و باتوطئه او را کشتند و داریوش با مکر و فریب به تخت نشست . شورشها بزرگ شد و حتی پارس زادگاه شاهان هخامنشی را نیز در بر گرفت . داریوش در کتیبه ی بیستون شمه ای از این قیامها را در بند دوم چنین نقل میکند :

"زمانی که من در بابل بودم این ایالات از من برگشتند : پارس ، خوزستان ، ماد ، آسور ، مصر ، پارت (خراسان) ، مرو ، گوش (افغانستان) ، سکائیه ."

داریوش از ۹ مهرماه ۵۲۲ تا ۱۹ اسفند ۵۲۰ ق . م بسر کوبی این جنبشها مشغول بود .

سپتامان (۳۲۷-۳۱۹ ق . م)

اسکندر رسلمله ی هخامنشیان را که از درون پوسیده بود ، نابود کرد ، دارا را کشت ولی در حرکت خود بشرق همه جا به مقاومت های سخت برخورد از جمله سغد و باختر (BAKTERIA) یکی از سرداران جنگی سپتامان در راهش جنبش همگانی مردم بیش از دو سال طبعه مهاجم خارجی مبارزه ی دلاورانه کرد . در این ناحیه مکرر مردم طبعه ساتراپهای اسکندر قیام کردند . گرچه سرانجام نیروهای مجهز و ورزیده ی اسکندر این جنبشها را سرکوب کردند ولی از این تاریخ اسکندر رتاجاروش خشونت آمیز خود را به نرمش و ملاطفت بدل کرد .

جنبش مانوی (۲۷۱-۲۱۶ م)

"این جامعه راترک کن ، تو از جانب اران آن نیستی ، تو باید عادات و رسوم را منظم کنی و لذا ائذ را تحت تسلط درآوری ."

این ندائی است که طبق آثار مانوی از جانب "شاه نور بهشت" که نام عالیترین "نیکی" است در سن ۱۲ سالگی به مانی رسیده . مانی در سال ۲۱۷ / ۲۱۶ م . در خانواده ای مذهبی از "ادریون مغتسله" بدنیامد و در بابل پرورش یافت . بطور کلی جامعه ی آن روزی به بندگان و کشاورزان (آزاد) در برابر شاه و شاهزادگان ، مهان (بزرگان) ، نجیبای کوچک و دهگانان (نجیبای ده) و پیشوایان مذهبی زردشت تقسیم میشد . کشاورزان آزاد و یا بطور کلی زحمتکشان (آزاد) همواره در خطر بنده شدن بودند . هزاران دهه قادر به پرداخت مالیات نبودند و یادرتنگ اسیر میگردد و فوراً به بنده تبدیل میشد و چون جنگها از دوران اشکانیان تا ساسانیان و قحط و غلامدوم بود ، سبلی از آزادان بطرف بندگان روان بود . بندگان مانند کالا بفروش میرسیدند . اختلافات مذهبی بین زردشتیان ، عیسویان ، یهودان نیز باین وضع آشفته میافزود . این جامعه دارای دو قطب حاکم و محکوم که تضاد اصلی آنرا تشکیل میدادند ، بود . تضاد های دیگر از جمله تضاد بین شاه و نجیبان و اشراف و دستگاه مذهبی ، تضاد بادولت روم در غرب و با هیاطله در شرق ، تضاد بین شهر و دهه که نتیجه ی سیر تکامل جامعه بود بحران پایان حکومت اشکانی را تشدید میکرد . استخراج معادن ، توسعه ی محصولات دستی و کارهای ساختمانی در شهرها و کارهای آبیاری و راه داری و نظائر آن یا وضع عقب مانده ی دهات و وابستگی انسانهای دهه در تضاد بود . واکنش چنین وضعی درد ران مانی ندائی است که به مانی

میگوید : "این جامعه راترک کن ، تو از جانب اران آن نیستی"

(۱۳۸)

در مقابل جامعه ای چنین پرتضاد یاباید بامبارزه ی مثبت بتغییران پرداخت و یا آنکه از آن دوری جست و در هر حال بسا آن ساخت و راه مبارزه ی منفی را پیش گرفت. مانی راه دوم را برگزید. مانی پس از مسافرت به هند و آشنائی با مذهب بودائی سیستم جهانی مذهب بودائی خود را که التقاطی از مذاهب زردشتی، بودائی و عیسوی و میتولوژی بود با دقت تنظیم کرد و در کتاب "شاهپوران" اصول آنها را بیان و هنگام تاجگذاری شاهپور اول به شاه هدیه کرد. مانی اصول اخلاقی خود را بر پایه ی فلسفی ثنویت: روشنائی و تاریکی که ازلی و ابدی هستند، استوار نمود. در واقع این اصول (امتناع از قتل نفس حتی در مورد حیوانات، نخوردن شراب، دوری از زن و جمع نکردن مال) و اکثری در مقابل زندگی پرتجمل و پراز لذت طبقات حاکم و عکس العمل منفی در برابر بحران اجتماعی پایان حکومت اشکانی و آغاز حکومت ساسانی است. شاهپور و هرمزد، نشر چنین مذهب را تجویز کردند، زیرا با وجود مخالفت آن با شهوت پرستی و غارتگری و سودجویی طبقات حاکم، از جانب مردم را براه "معنویت" و "پاسیفیسم" سوق میداد و از جانب دیگر از قدرت پیشوایان مذهب زردشت میکاست. جنبش معنوی مانی بسرعت در جهان آنروز گسترش یافت و تبدیل به نیروئی شد که با وجود جنبه ی منفی آن با هدفهای شاهان و نجبا و پیشرفت جامعه ی آنروزی و فوق نعیاد. پیشوایان زردشتی و عیسوی که با هم دائماً در نبرد بودند، متحد شدند و در دوران شاهی بهرام اول که شاهی تن آسان و شهوت پرست بود در جریان محاکمه ای مسخره او را محکوم و مقتول نمودند (۲۷۶ میلادی). از آن پس مانی کشتی آغاز شد و مغان مردم بسیاری را بنام زندک (زندیق) کشتند. مانویان در دو جانب شرق و غرب، در آسیای میانه تا سرحد چین و در غرب تا روم پراکنده شدند. در غرب گروه های مذهب مسیحی تحت نام "شیرمانویت" مانند البیروا و کاتار پدید آمدند که آنها هم بعلت ناسازگاری با وضع اجتماعی موجود و با منافع کلیسا قتل عام شدند. عناصری از افکار مانوی در ایران و بین النهرین تا زمان خلیفگان عباسی باقی ماند. بسیاری از ایرانیان روشنفکر مانند ابن المقفع با اتهام مانیگری کشته شدند و چون مانویت حربه ای برای مبارزه علیه خلفا زبرعنوان مذهب تلقی میشد، منصور خلیفه ی عباسی سازمانی برای نابود کردن مانویان بوجود آورد که در رأس آن "صاحب الزنادقه" قرار داشت. آثار فرهنگی مانویان از قبیل اصلاح خط، بسط و ترویج موسیقی مذهب، نقاشی و مینیاتور و کتابهای متعدد بیادگار ماند و اکنون نیز تکه های از آثار فرهنگی آنان در دست است.

مزدک

در پایان قرن پنجم و آغاز قرن ششم میلادی جنبش بزرگی جامعه ی ایران را تکان داد که بصورت قیامی واقعی سی سال (۵۲۴ - ۴۹۴ م) دوام آورد و تا "نیر شگرفی در تکامل جامعه ی آنروزی ایران بخشید. در قرن پنجم میلادی بحرانی که در آغاز قرن سوم - اواخر حکومت اشکانیان - آغاز شده بود تشدید گردید. کوشش مؤسسان سلسله ی ساسانی نتوانست مسئله ی بحران را بطور قطعی حل کند، فقط - بروز يك قیام اجتماعی را که نتیجه ی منطقی وضع آنروز بود - خیر انداخت. در آغاز حکومت ساسانی تغییرات ذیل در جامعه ی ایران پدید آمد:

- ۱- شهرسازی بسرعت رو با افزایش رفت،
- ۲- روابط فتوئد الی بمقیاس زیادی فزونی گرفت،
- ۳- قدرت در دربار متمرکز شد.

این سه جریان در راه تکامل خود بموانعی جدی برخورد کرد که از خصلت جامعه ی آنروز ناشی میشد. کمبود زمین مانع رشد شهرها میشد، زیرا بیشتر زمینها را اشراف و نجبا و دستگاه مذهبی در اختیار داشتند، دهاتی که کشاورزان در آنها مشترکاً کار و زندگی میکردند (میسها)



يك شاه ساسانی هنگام شكار

تضعیف شده و فتود الهها برای تصاحب آنها با کشاورزان در نبرد بودند، کوشش شاهان برای تمرکز قدرت و بالا بردن مالیاتها برای اداره امور کشور و امور جنگی با مقاومت شدید نجیبا و دستگاه مذهبی روبرو گردیده بود. در دوران سلطنت پیروز (۴۸۴-۴۵۹ م) قحطی بزرگی آمد و وضع را بدتر کرد. شاه ناچار شد مالیاتهای تازه ای وضع و حتی انبارهای غله را بین مردم تقسیم کند.

در سال ۴۸۴ م. پیروز در جنگ با هیاطله شکست خورد و ایران مجبور بقبول خراج سالانه ی سنگینی شد. در دوران بلاش (۴۸۸-۴۸۴ م) رومی ها از پرداخت خراج به ایران سرباز زدند و کار خرابی او ضاع بالا گرفت. بناچار بلاش مالیاتهای سنگینی بر املاک (نجیبا، اشراف، فتود الهها و دستگاه مذهبی) بست. آنها هم متحد علیه او قیام کردند و عزل و کوروش کردند. باین ترتیب بحرمان به او چ خود رسید. در چنین اوضاعی مزدک پسر یامدادان به تبلیغ مذهب خود که گویند مو، سسش زردشت خورک یا بوندس بوده، پرداخت.

عقاید مزدک برد و گانگی مانوی استوار است :

روشنائی دانا و تاریکی نادان، بعبارت دیگر نیکی با عقل و بدی جاهل. این دو نیر و باهم در نبردند و چون روشنائی دانا ست سرانجام پیروز خواهد شد. وظیفه ی انسان مبارزه با بدی و کمک به روشنائی در نبرد او با تاریکی است. اهمیت مزدک در تبلیغ این فلسفه نیست، بلکه درخشش و فروغ او در بکار بستن این فلسفه در زندگی روزانه و اجتماعی مردم است که به آن روح و زندگی میبخشد. اساس تعلیمات اجتماعی مزدک دو چیز است :

یکی برابری و دیگری دادگری.

این دو شعار منعکس کنند، ی تمایلات توده های مردم انزمانست که باعث پیشرفت مزدکیت شد • مزدک میگوید :

" آنچه مخالف روشنائی و موافق تاریکی است عبارتست از خشم و نفاق و چون ثروت و زن دو عامل اصلی ایجساد اختلاف بین انسانهاست ، لذا لازم است که زنان آزاد و ثروت اجتماعی گردد •"

مزدک میگوید :

" اگر کسی با این نظامات موافقت نکند ، او پیرو اهریمن است و باید با قهر آنچه را که باید بدهد از او گرفت •"

(نقل از دیستان المذاهب)

مزدک میگوید اهورمزد انعمات زیادی را بطور مساوی در دسترس انسانها گذاشت و نابرابری از آنجا بوجود آمد که کسانی با قهر اموال دیگران را تصاحب کردند • مزدک مرد پرهیزکاری بود که مردم را بتقوی میخواند • اینکه او را متهم با شتران و زنان و هر چه و مرج در جنسیت میکنند نادرست است • در انزمان شاهان و اشراف و فئودالها هزاران زن زیبا را در حرملهای خود مدفون کرده بودند ، در حالیکه توده های مردم غالباً از داشتن يك زن محروم بودند • اشتراك در زن در مذهب مزدک ازادی زنان و بازگشت بزندگی اشتراکی (مس) هاست • گیرشمن باستان شناس برجسته ی فرانسوی میگوید :

" برنامه ی مزدک که بحق آنرا کمونیسم ایرانی باید نامید ، يك انقلاب واقعی بود • بسیاری از دانشمندان این جنبش را واکنش پندگان و نیم پندگان (کشاورزان وابسته بزمین) و همچنین عکس العمل ساکنان شهرها و حومه ی آنها که سابقاً آزاد بودند ، علیه فئودالیسم و دستگاه بنده ساز آن میدانند که بصورت مبارزه ی طبقاتی درآمد و علیه حرمسراهای اغنیا که در آنها زنان متعدد محبوس بودند ، اعتراض کرد •"

مردم بسیاری سرعت پیرو مذهب مزدک شدند و انبارهای غله و ذخائر اشراف و فئودالها حتی خانواده ی سلطنتی ، زمینها و حرمسراها را از چنگ استعمارگران بیرون کشیدند • قباد پادشاه ساسانی که سلطنتش در برابر بحران اقتصادی و اجتماعی جامعه متزلزل بود ، برای مدتی به مزدک و مزدکیان باده ی اغماض و تاحدی جانبداری نگریست ، به جبهه ی متحد اشرافی - فئودالی روی خوشی نشان داد و مالیاتهای سنگینی بزبان آنان وضع کرد • این دو نیروی ارتجاعی با هم متحد شده قباد را بزندان انداختند و بجای او برادرش (زاسا سپ) را برگزیدند • قباد از زندان فرار کرد و با کمک هیاطله که با او خویش بودند باردیگر بسلطنت رسید (۴۹۹ م) و پشددت از نجبا و اشراف انتقام گرفت • جنبش مزدکی در این مدت پیش میرفت • اما همینکه پایه ی سلطنت قباد محکم شد و نجبا و اشراف بقدر کافی ضعیف گردیدند و به قباد تسلیم شدند ، بهانه ای بدست آورد و در محاکمه ی مسخره ای حکم محکومیت مزدک و مزدکیان را صادر نمود • روحانیان زردشتی و مسیحی مانند دوران مانی بهم پیوستند و حکم قتل او را شاه گرفتند • جنبش مزدکی با قتل او و پیروانش بطرز وحشیانه ای سرکوب شد ، اما افکار او اثر خود را حتی در قیامها و جنبش های مردم ایران در دوران اسلام ، باقی گذاشت •

نیم قرن بعد از مزدک افکار او الهام بخش جنبشی پرهیزی پسر خاقان ترك گردید که واحه بخارا را تصرف کرد ، اشراف و نجبا را براند و اموال آنها را مصادره و تقسیم کرد و سپس سرکوب و رهبران اعدام شد •

در آغاز قرن هشتم میلادی خورزاد برادر شاه خوارزم در راه جنبش مزدکی قرار گرفت • دارائی ثروتمندان و اشراف را بین فقرا و محرومان تقسیم کرد • این جنبش را شاه خوارزم بكمك "قتیبه" فرمانده عرب در سال ۷۱۲ م سرکوب کرد •

شکست مزدکیت ، اصلاحات قباد و انوشیروان برای مدت کوتاهی بحران جامعه را تخفیف داد ، اما چندی نگذشت که بار دیگر بسا شدت بیشتری بروز کرد و زمینه را برای شکست در جنگ با اعراب فراهم نمود .

جنبشهای اجتماعی بعد از اسلام

اسلام به توده های برابری و برادری عرضه میکرد ، سید قرشی و سیاه حبشی را برابر میگذاشت ، پرهیز کاری را تنها وسیله ی فضیلت میشمرد . این افکار در مقابل جامعه ای تبارگه بادقت ریاضی مردم را طبقات ممتاز و محروم تقسیم میکرد ، میتوانست باسانی پیروز گردد . از نظر نظامی نیز قدرت جوانی که در مرگ و زندگی سعادت و نیکبختی میدید و مسخوری غنائمی میشد که شکوه و جلال در بار و طبقات ممتاز ایران در چشم انداز او مینهاد ، میتوانست بر سازمان نظامی دولتی که سر تا پا غرق در فساد و بیعدالتی ، نفاق و شهوترانی بود ، پیروز گردد . چنین هم شد . مذهب زردشت در مقابل اسلام شکست خورد و شاهنشاهی ساسانی در برابر اعراب بیابانگرد از پای درآمد . یزدگرد آخرین شاه ساسانی در کشور خود تنهاماند و بدست یکی از اتباع خویش نابود گردید .

دیری نپائید که خلفا و فرماندهان عرب اصول صد را بر اسلام راز برپانهادند و امید توده های محروم را به یأس بدل کردند . قشرتازهای از فتود الهی جانشین فتود الهی گذشته شد و خراج و جزیه و انواع تحمیلات از طرف اربابان خارجی که ممالک مفتوح را غارت و ساکنان آنها را بند و برده میکردند ، برقرار گردید . امویان توهین و تحقیر نژادی را نیز بر این همه افزودند و بار دیگر زمینه برای انواع مقاومتها و جنبشها آماده گردید . باید گفت که تادوران انقلاب مشروطیت تقریباً تمام جنبش هارنگ مذهبیه دارد و حاملین اصلی آنها بترتیب بندگان و کشاورزان هستند که در مواردی د هقانان و نجای کهن پیاد دورانهای گذشته بد آنها میپیوندند و مبارزه ی آنها در دوران حکومت اعراب و ترکان جنبه ی ضد سلطه ی خارجی نیز دارد . اینک شمه ای از این جنبشها :

ابو لؤلؤ

ابو لؤلؤ اولین اسیر ایرانی بود که نتوانست رفتارنا پسند و غیر انسانی اعراب را پاکو بدکان و اسرای ایرانی تحمل کند و او که از جور مولای خود مغیره به عمر شکایت برد و داد نستانده بود ، عمر را با کاردی دو دو ماه از پای د آورد . ایرانیان از او شیعه ای ساختند و او را بسه شخصیتی تاریخی تبدیل کردند ، اما در واقع او همچنان به مذهب اجداد خود باقی بود .

ایرانیان و مختار (۶۹۲ - ۶۸۳ م)

ایرانیان از آغاز بروز اختلاف در امر خلافت برای تضعیف حکومت عرب استفاده کردند ، به عباسیان علیه حکومت اموی کمک نمودند و سپس به آل علی در برابر عباسیان پیوستند و با شکل گوناگون دستگاه حکومتی عرب را متزلزل کردند تا آنکه قدرت آنها را بکلی برانداختند . از جمله هنگامیکه مختار بن ابوعبیده ی ثقفی بخونخواهی حسین بن علی برخاست موالی یعنی ایرانیان مسلمان بد و پیوستند و ضربت سختی بخلافت اموی وارد کردند . از هشت هزارتن سپاهیان مختار کمتر از عشار آنها عرب و بقیه موالی (ایرانی) بودند . قیام مختار بدست مصعب بن زبیر (۱۴۲)

سرکوب شد.

ایرانیان و ابن اشعث (۸۴-۸۱ هـ . ق)

ابن اشعث یکی از سرداران عرب بود که بکمک مردم کرمان و ری برحجاج فرمانده خونخوار عرب بشورید ، بصره و کوفه را تصرف کرد و کار او بکمک موالی بالا گرفت چنانکه حجاج از عهده ی او برنیامد و بسین او و ابن اشعث هشتاد جنگ اتفاق افتاد . سرانجام سپاه تازه ای از شام به مدد حجاج آمد و ابن اشعث شکست خورد . در این جنگ حجاج بدرجه ای درکشتار و بیرحمی افراط کرد که حتی خلیفه ی اموی او را سرزنش نمود .

ایرانیان و خوارج

جنبش ضد عرب در ایران موجب شده که ایران پناهگاه مخالفان اموی گردد . خوارج در امر خلافت نظری دموکراتیک داشتند و بدسته های چندی تقسیم میشدند . مردمانی دلیر و بی باک ، در امر مذهب سختگیر و با ایرانیان که بیشتر طرفدار مذهب تشیع بودند اختلاف نظر داشتند . ولی همینکه در جزیره کار بر آنها ساخت شد گروهی بایران آمدند و بکمک مردم طایفه خلفا قیام کردند و با سرسختی با آنها جنگیدند . فقط صفاریان که ایرانی و طرفدار استقلال ایران بودند توانستند خارجیان را در جنوب ایران سرکوب کنند . از سرکردگان معروف خارجیان در سیستان حمزه و عمار خارجی هستند .

جنبش در خراسان و ماوراء النهر

اسلام گرچه در غرب ایران بسرعت پیش رفت ، اما در شرق با مقاومت سخت روبرو گردید . این منطقه بعلت دوری از مرکز قدرت اسلامی ، ابتدا مورد هجوم اعراب قرار نگرفت . مردم این سامان از آزادی نسبی برخوردار بودند . زردشتیان ، مانویان و بودائیان در کنار هم زندگی میکردند . مدتی طول کشید تا فرماندهان عرب خراسان و ماوراء النهر را بتصرف در آوردند . پس از تسلط اعراب نیز خراسان ضعیف ترین نقطه ی کشور پهنای اسلام بود . بسیاری از نو مسلمانان فقط مسلمان ظاهری بودند و از هر موقعیتی برای بازگشت بدین خود و رهائی از حکومت عرب استفاده میکردند . خاندان علی بن ابیطالب و اعیان عباس عوی پیغمبر که داعیه ی خلافت داشتند ، چون این منطقه را برای گردآوری نیروهای ضد اموی مساعد میدیدند ، مبلغان خود را پنهانی بدانجام فرستادند . بدین ترتیب جبهه ای از ایرانیان و عناصر عرب ضد خلفا تشکیل گردید . قیامهای خراسان همه رنگ مذهبی داشت ، ولسی آنها تیکه بنام اسلام برپا شد امکان پیروزی بیشتری یافتند ، زیرا در طول زمان مذهب اسلام در ایران ریشه میدوانید و بعلاوه گروهی از مسلمانان عرب را نیز با خود همراه میکرد . اینک پاره ای از این جنبش ها :

قیام به افرید

به افرید پسر ماه فرزین از مردم زوزن از محال نیشابور خراسان بود که در عهد ابو مسلم قیام کرد . او تغییراتی در مذهب زردشت

(۱۴۳)

داد و بنام دین نوئی آنرا تبلیغ میکرد. میگفت ثروت هیچکس نباید از چهارصد درهم تجاوز کند، معتقد به رجعت و برای اعداد خاصی قائل بود. مردم بسیاری به او گرویدند و کارش بالا گرفت. آنها به آبادی راهها و پلها پرداختند و يك هفتم دارائی خود را در این راه صرف میکردند. پیشوایان زردشتی به ابو مسلم شکایت بردند و چون او بهمراهی زردشتیان نیازمند بود، جنبش به آفرید را سرکوب کرد.

قیام ابو مسلم (۹ ژوئن ۷۴۷ - ۷۵۵ م)

" اگر توانستی عرب زبان در خراسان نگذاری چنین کن و هرکودکی که قدش به پنج وجب رسید و در باره ی او شك داشتی خوش بریز ..."

این دستور ابراهیم امام به ابو مسلم از پناهگاهش در عراق است. یادداشتن چنین دستوری ابو مسلم در خراسان قیام کرد. درباره نسب او اختلاف است. از نظر ما این امر اهمیت زیادی ندارد. آنچه ابو مسلم را در نظر مردم ایران بزرگ کرد و تا حد خدائی رساند، رهبری او از جنبش ضد عرب بود. باتدبیر بین اعراب ساکن خراسان تفرقه انداخت و گروهی را بطرف خود جلب کرد. سپس بكمك توده ی مردم بنام عباسیان اعراب را سرکوب نمود. قیام او عامل مهم سقوط اموریان گردید. عباسیان بخلافت رسیدند ولی ابو مسلم در سرهوائی استقلال داشت و نقطه ی اتکاء او نیروهای لشگری و مردم خراسان بودند. عباسیان این معناراد ریافتند و ناجوانمردانه او را کشتند. قتل ابو مسلم خود جنبش های دیگری را که در ذیل بیعضی از آنها اشاره میشود در پی داشت:

سیناد مجوس (مرگ در سال ۷۵۶ - ۷۵۵ م)

بخونخواهی ابو مسلم از دهات اطراف نیشابور قیام کرد، شهر "کومش" را اشغال نمود و به خزائن ابو مسلم دست یافت و قصد خود را مبنی بر تصرف حجاز و برانداختن حکومت عرب اعلام کرد. مردم زیادی بر او گرد آمدند. مزدکیان و شیعیان بد و پیوستند. اتباع او بصد هزارتن رسید. پس از پیروزیهایی که نصیب او شد جمهور بن مرار سردار منصور او را شکست داد و مقتول کرد. این قیام ۷۰ روز طول کشید و طبق نوشته ی "الفخری" شصت هزارتن از طرفداری او کشته شدند (۷۵۶ - ۷۵۵ م).

اسحاق ترك

اسحاق یکی از افراد عامی بود که پس از مرگ ابو مسلم در ماوراء النهر قیام کرد و مدعی شد که ابو مسلم نمرده بلکه غیب کرده و ظهور خواهد نمود. لقب ترك را به اسحاق از آنرو دادند که در ترکستان به تبلیغات خود دست زد. گروهی از جانبداران ابو مسلم بد و پیوستند، ولی سرانجام قیام او با شکست مواجه شد.

(۱۴۴)

هنوز منصور خلیفه ی عباسی از قتل ابومسلم فارغ نشده بود که راوندیان پدید آمدند. این فرقه ی مذهبی بدست ایرانیان تأسیس شد. عقاید آنان ترکیبی از مذاهب گوناگون بود. از جمله به تناسخ، مظهریت و پاره ای از افکار مزدک معتقد بودند. جنبش آنها بدانجا رسید که قصر خلیفه را محاصره کردند و جان او را در خطر انداختند. اگر معن بن زاهد، که یکی از سرداران شجاع عرب و مغضوب خلیفه بود، از آنها نگاه خو بیرون نتافته و به راوندیان نناخته بود، کار خلیفه را ساخته بودند. راوندیان بشدت سرکوب شدند ولی تا مدت های افکار آنها طرفدارانی داشت. قیام ابومسلم و طرفدارانش بقدرت مطلقه ی عرب پایان داد و گرچه باستقلال کامل ایران منتهی نشد، ولی از آن تاریخ بیعد ایرانیان باشکال گوناگون در حکومت عباسیان شرکت کردند و نفوذ اعراب در ایران متزلزل شد.

استاد سیس (۷۱۸ - ۷۶۶ م)

استاد سیس یکی از متنفذین محلی در سیستان و هرات بود. بگفته ی "الیعقوبی" از شناسائی مهدی بولایت عهد منصور سر پیچید. طبری و ابن اثیر مینویسند که سیصد هزار کس بر او گرد آمدند. برخراسان و مرو روز استیلا یافت. خود را موعود زردشت یعنی "هوشیدر" خواند. چند بار بر سرداران خلیفه پیروزی یافت. سرانجام محاصره و سرکوب گردید. (بطوریکه از جریان جنبشهای فوق معلوم میگردد سنن مذهبی و قومی ایرانیان پابرجا مانده و در این جنبشها اثر خود راهمواره نمایان میگردد است).

سپید جامگان - المقنع

در سال ۱۵۹ هجری قمری هاشم ابن حکیم (نقاید ارخراسان) در خراسان و ماوراء النهر علیه اشغالگران عرب قیام کرد. عقاید او از راوندیه سرچشمه میگرفت. توده های کثیری از کشاورزان بد و بیپوستند و مسلحانه علیه حکام عرب قیام کردند. مدت ها طول کشید تا خلفا توانستند در سال ۱۶۹ ه. ق. این جنبش را سرکوب کنند. آنها درفش و لباس سفید را در مقابل علم سیاه که علامت عباسیان بود بکار میبردند. پیروان المقنع روزگاری دراز در دو ولایت کش و نخشب باقی ماندند. این قیام که بتمام معنی قومی و ضد عربی بود سرآغاز پایان حکومت عرب در ایسمن منطقه و مایه ی رشد قیامهای دیگری در ایرانست.

یوسف البرم

در سالهای ۷۷۸ - ۷۷۷ م. شخصی بنام یوسف البرم در خراسان قیام کرد. قیام او کمتر معروف و احتیاج بتحقیق بیشتری دارد. (طبری، جلد سوم - الیعقوبی، جلد دوم)

طوی در طبرستان علیه خلفا خروج کرد. عداله بد و پیوست و باتفاق طبرستان را از وجود اتباع خلفا مصفی کردند و تا قتل مازیار بن قارن این منطقه مستقل ماند. پس از قتل مازیار و تسلط مجدد خلفا بارد یگر حسن بن زید از اقبال امام حسن به طبرستان که از مراکز مقاومت ضد عرب بود آمد و پس از او در سال ۲۷۰ ه. ق. ۰ محمد بن زید تمام طبرستان و مازندران را با کمک مردم از عمال خلفا پاک کرد. امیر اسماعیل سامانی بنام خلفا محمد بن زید را مغلوب کرد، ولی بارد یگر ناصر کبیر در گیلان قیام نمود و حکام سامانی را که بنام خلفا در طبرستان بودند براند. وفات او در سال ۳۰۴ هجری قمری است. حکومت علویان از بهترین حکومت‌های کوچک و مستقل ایرانی است که در بهبود وضع کشاورزان و حفظ کمون‌های آنها در برابر فئودال‌ها کوشیده است.

ملوک باوند یا جبال

آل باوند از خانواده‌های قدیم ایرانی از سال ۴۵ تا سال ۷۵۰ ه. ق. در سه مرحله در جبال مازندران و یاد تمام آن حکومت کردند و مأموران خلفا را عاجز نمودند و مکرر امرای عرب را از طبرستان اخراج کردند. در سال ۴۹۶ ه. ق. ۰ علیه سلجوقیان قیام کردند و پیروز شدند. این سلسله تادوران حکومت چنگیزیان نیز پایرجاماند.

آل زیار و آل بویه (دیلیمان)

در غرب و مرکز ایران در سلسله بنام آل زیار که مؤسس آن مرد اویج زیاری است (۳۱۹ ه. ق. ۰) و آل بویه که هردو از مناطقی شمال برخاسته اند نواحی مرکزی و غربی ایران و فارس را از تصرف خلفا آزاد کردند. مخصوصاً دیلمیان سخت نیرو گرفتند و مدت ۱۲۸ سال حکومت راندند و چون خلفا در برابر آنها چاره‌ای جز تسلیم ندیدند حکومت بغداد را با آنها واگذاشتند و خود بعنوان خلیفگی و احترامات ظاهری قناعت کردند. این سلسله در سال ۴۸۷ ه. ق. ۰ بدست سلجوقیان و در نتیجه‌ی اختلاف داعی که با آل زیار و سایر امرای محلی ایرانی داشتند، منقرض شد.

جنبش قرامطه

قرامطه دسته‌ای از اسماعیلیانند که ظاهراً معتقد به امامت محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق بودند. در سال ۲۸۶ ه. ق. ۰ ابوسعید حسین بن بهرام جنبی قرامطی در بحرین ضد خلفای عرب قیام کرد و مدتی دراز خود و خانواده‌اش که ایرانی بودند، عباسیان را بخود مشغول داشتند و با جنگ و گریز مکرر سرداران عباسی را شکست دادند. ابوسعید دامنه‌ی متصرفات خود را وسعت داد و در سال ۳۰۲ ه. ق. ۰ کشته شد. پس از او ابوطاهر سلیمان بریاست رسید و چنان میدان را بر عباسیان تنگ کرد که در بغداد و بصره و شام خواب راحت نداشتند. در ذی الحجه سال ۳۱۷ به مکه حمله کرد و سنگ سیاه که عیبه را به احساس مرکز قرامطه برد. قرامطیان بظواهر اسلام عقیده نداشتند و ظواهر اعمال را نادانستند تا اواخر قرن پنجم هجری مردم را ضد عباسیان شوراندند. اصول عقاید اجتماعی قرامطیان تساوی حقوق مردمان، از بین بردن طبقات ممتاز و برداشتن قیود مذہبی بود. مبلغان آنها سر تا سرایران را پیمودند و طیرغم زجر و شکنجه‌ی حکام بدعت و تبلیغ بین توده‌ی مردم و

دانشمندان پزداختند. بیشتر علمای ایران که در آن زمان بتحقیق و تنبیح میپرداختند یا قرمطی بودند و باید ان متهم میشدند، زیرا قرمطیان به تعصبات مذهبی معتقد نبودند و راه تفکر و تعقل را که باعث پیشرفت دانش است باز میگذاردند. قرمطیان بحرین تا سال ۳۱۷ در سواحل خلیج فارس و منطقه ی بحرین قدرت داشتند. بسیاری از شخصیت های علمی و ادبی باتهام قرمطی بودن مخصوصا در دوران غزنویان که خود را طرفدار متعصب خلفای عباسی مینمودند، کشته شدند.

اسماعیلیان ایران — حسن صباح

مؤسس اسماعیلیه ی ایران — حسن صباح بقولی از اهالی ری بود که باند بیرو کوششی فراوان بکمک توده ی مردم شهری و کشاورزان پایه ی قدرت اسماعیلیان ایران را، باتصرف قلاعی مستحکم گذاشت. جنبش اسماعیلیان در ایران از طرفی علیه حکومت ترکان و از طرف دیگر ضد خلفای عباسی بود. حسن صباح و پیروان او چنان سازمان محکم و متینی بوجود آوردند که مدتی نزدیک به دو قرن در سرزمین ایران بخصوص در رودبار الموت (تصرف الموت در سال ۴۸۳ هـ. ق ۰) و قهستان پایدار کرد و حکومتهای وقت را بوحشت انداخت. اسماعیلیان کلمه ی رفیق را برای اولین بار بین خود رواج دادند و رفتار آنها نسبت بیکدیگر رفیقانه بود. در آغاز نقطه ی اتکاء حسن و یارانش کشاورزان و کسبه و پیشوای شهری بودند ولی بتدریج از توده ی مردم دور و تبدیل بنوعی از فئودالها شدند که در اطراف قلاع خود کشاورزان را استثمار میکردند. اسماعیلیان نیروی ضربتی ورزیده و مشهوری بوجود آوردند که در رازداری و فدکاری بی نظیر بود. طرز فعالیت و سازمان دادن پنهانی آنان در شرایط ترور و اختناق نمونه ای از دقت و تدبیر و سرمشقی برای کارهای مخفی است. قلاع اسماعیلیه بخصوص قلعه ی الموت در رودبار از مرکز تتبع و تحقیقات علمی در دوران خود بود، زیرا اسماعیلیان معتقد بتفسیر و توجیه و تفکر و تعقل در احکام مذهبی بودند و پایبند ظواهر اعمال مذهبی نمیشدند. حتی یکی از جانشینان حسن بنام حسن بن محمد بن بزرگ امید با اعلام رسیدن قیامت کلیه ی وظائف شرعی را ملغی کرد. در سال ۵۱۸ هـ. ق ۰ حسن صباح مرد و تا سال ۶۵۳ هـ. ق ۰ که هلاکو خان مغول قلاع اسماعیلیه را درهم کوبید، جانشینان حسن در استحکامات متعدد خود صاحب قدرت بودند و شاهان سلجوقی و خوارزمی از آنها حساب میبردند.

سلطان جلال الدین

جلال الدین پسر سلطان محمد خوارزمشاه که سرداری لایق ولی سیاستمداری نالایق بود، بمقاومت علیه مغولان برخاست و از سال ۶۱۷ تا ۶۲۸ هـ. ق ۰ دلیرانه با اشغالگران مغول جنگید و مکرر قوای چنگیز خان را شکست داد. چنگیز شخصا بچنگ او شتافت و در کنار سند او را مغلوب کرد. جلال الدین با اسب از آب سند گذشت و پس از چندی بار دیگر بایران باز آمد و منطقه ی بزرگی را آزاد کرد. اما عیاشی، بسی تدبیری و عدم توجه به توده های مردم سرانجام موجب شکست و نابودیش شد.

جنبش درویشان — سربداران

باآنکه تصوف در ایران مدتها بصورت مقاومت منفی باوضع اجتماعی موجود داشت و بهمین دلیل پس از مدتی حق حیات در جنبش مشرعه

یافت ، با اینحال پس از هجوم مغول و تاخت و تاز تیموریان و هنگامیکه فقر و فاقه توده های مردم را در جامعه ی قرون وسطائی قرون هفتم و هشتم هجری از پای در می آورد ، در اویش در سبزووار و مازندران و آذربایجان جنبشی را که از یکطرف علیه حکام مغول و از طرف دیگر ضد فئودالها و اشراف و روحانیان بود ، رهبری کردند . در سال ۷۳۸ هـ . ق . سریداران سبزووار را بتصرف در آوردند و علیه مغولان مکرر جنگیدند و دامنه ی حکومت خود را تا مازندران و گرگان توسعه دادند . سریداران دعوی داشتند که میخواهند کاریکنند که حتی يك تاتار تا قیامت قیامت خیمه در خاک ایران نزند . بقول مؤلف روضات الجنات این گروه را از جهت سریداران گویند که گفتند :

" اگر توفیق یابیم دفع ظلم ظالمان کرده باشیم و لاسر خود را برداریم بینیم که دیگر تحمل تعدی و ظلم ندارند ."

سریداران مدت پنجاه سال در سبزووار و نواحی مجاور آن حکومت کردند .

حروفیه

حروفیه (صوفیانی که برای حروف خواص معینی قائل بودند) بصورت فرقه ای مذهبی که مؤسس آن فضل اله استرآبادی بود ، علیه مغولان بفعالیّت پرداختند و در زمان شاهرخ تیموری متهم بسمو^۱ قصد علیه او شدند و بشدت تحت پیگرد قرار گرفتند و بقایای آن در آنها به مملکت عثمانی پناه بردند و فرقه ی بکتاشیه را که بر مبنای عقاید آنها تأسیس شد ، بوجود آوردند .

مرعشیه

مؤسس این سلسله از درویش قوام الدین مرعشی است که در سال ۷۶۰ هـ . ق . در راهس جنبشی توده ای قرار گرفت و حکام دست نشانده ی تاتار و خوانین محلی را از مازندران براند و حکومت مرعشی را در مازندران برقرار کرد . مرعشیها هنگام حمله ی تیمور بایران مقابله و مقاومت ای کردند و پس از شکست ، تیمور آنها را به ماوراءالنهر کوچ داد . در زمان شاهرخ به مازندران بازگشتند . مردم شمس الدین غوری حاکم آن سامان را کشتند و مرعشیهاد و باره ب حکومت مازندران رسیدند . نکته ی قابل توجه در تمام این جنبشها اینست که در آغاز جنبه ی توده ای داشتند ولی پس از آنکه رهبران ب قدرت میرسند از طرفی مردم را فراموش میکنند و از طرف دیگر بین جانشینان آنها بر سر قدرت جنگ و جدال داخلی در میگیرند .

صفویه

آخرین جنبش مسلح و متعرض در اویش جنبش صوفیان پیرو شیخ صفی الدین اردبیلی است که از درون ان سلسله ی صفویه بیرون آمد . در زمان صفویه نیز شورشها و قیامهائی بوقوع پیوسته که بعلت تراکم مطالب از ذکر آنها در این وجیزه خود داری و فقط بذکر مختصری در باره جنبش نقطویه قناعت میشود .

نقطه یسه

گروهی بود ندکه ازد رون حروفیه بیرون آمدند* بقول اسکندر برك منشی د رکتاب عالم ارای عباسی این طایفه بمذ هب حکما عالم را قدیم شمرده اند و اصلا اعتقاد به حشر و نشر اجساد و قیامت ند ارند و مکافات حسن و قبح اعمال راد رعاقبت و مذلت د نیا قرار داد ه و بهشت و دوزخ راهمان می شمارند* بد ستور شاه عباس اول د رویش خسرو قزوینی یکی از پیشوایان این طایفه و گروهی از یاران اورا کشتند و سپس د ستور کشتار آنها د رکشور داد ه شد* اسکندر برك مینویسد :

" القمه از سیاست این جماعت ، اگر کسی از این طبقه بود از این د یار بیرون رفت یاد رگوشه ی خمول خزیده خود را بی نام و نشان ساخت*"

یکی از اکابر این طایفه به هند وستان رفت و نزد پاد شاه هند تقرب یافت*

جنبش با بیه

جنبشی است که د ر زمان سیطره ی سلسله ی قاجار بد ست سید محمد علی باب شیرازی (تولد ۱۲۲۵ ، وفات ۱۲۶۶ هـ . ق . ۰) د درحد و سال ۱۲۶۰ بوجود آمد* باب و طرفداران او با توجه بوضع اجتماعی دهقانان که بیرحمانه استثمار میشدند و همچنین پیشه وران و کسبه ی کوچک زندگی رقت باری داشتند با افکارو عقایدی نظیر د وران راوند یان و قرمطیان و شعبه های شیعه با اعلام ظهور مهدی موعود به تبلیغ بین انسان پرد اختند* سید محمد علی که د راغاز خود را باب میخواند د راواخر ادعای مهد و یت کرد و لقب باب را به ملاحسین بشرویه ای داد که به باب - الباب خوانده شد* سید از مقام امامت نیز پافراتر نهاد و کتاب خود " بیان " راناسخ قرآن دانست و برای خود مقام پیامبری قائل گردید* گروه زیادی از کشاورزان و کسبه ی شهری و نجار و حتی عده ای از روحانیان به بابیان پیوستند* بابیگری از شیخیگری که نمایندگان برجسته ی آن شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی هستند سرچشمه میگردد* باب د ر تبریز بقتوای علما تیر باران شد (ماه شعبان ۱۲۶۶) * پس از او میرزا حسینعلی نوری بهاء الله ادعای مهد و یت (نقطه ی اولی) کرد و بعنوان " من بظهرالله " بیشتر پیروان باب به او گرویدند* صبح ازل نیز که از بابیان برجسته و مورد توجه باب بود ادعای نقطه بودن نمود و گروهی نیز بد و پیوستند* جنبش بابی و بهائی گری آخرین واکنش علیه استبداد و تعصب روحانیون قشری بصورت مذ هبی د ر ایرانست و چون با شرایط زمان وفق نمیداد ، سلاح کهنه ای د ر مقابل استبداد قاجار و روحانیان بود که طبرغم فد اکاری جانبداران خود و نفوذی که بخصوص د ر دهستانهای یافت ، از کار افتاد* بعد ها این فرقه خصلت خود را ازد ست داد و تبدیل به گروهی کوچک شد که امروز اتباع خود را از د خالت د رامور سیاسی و اجتماعی باز میدارد*

جنبشها و قیامها د ر قرن بیستم

انقلاب مشروطیت - پوسیدگی جامعه ی فئودال ایران که صد ها سال از عمران میگذشت ، رشد نسبی بورژوازی تجاری و خرده بورژوازی د ر ایران ، اشنائی گروهی از روشنفکران بافکار و زندگی مردم اروپای غربی ، بیداد و غارتگری امپریالیستهای انگلیسی روسیه تزار ، مقدمات يك جنبش ضد فئودالی و ضد امپریالیستی راد را وائل قرن بیستم د ر ایران فراهم میکرد* شکست روسیه ی تزاری د ر جنگ باژاپن ، انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و (۱۵۱)

آشنائی عده ای از زحمتکشان ایران سوسیال د مکراسی، فشارد وگانه ی تبلیغات ترقیخواهانه از طرف شب نامه ها و جرائدی که در رخارج در سال ۱۹۰۶ آتش انقلاب بورژوا دامنه ی ان تا سال ۱۹۲۲ کشیده . سرآغاز جنبشهای ملی در آسیاست . حزب سوسیال د مکرآت روسیه با ازدایره ی تنگ بورژوائی بیرون میکشد شمال ایران بران مهزند . انقلاب و روس، در مقابل استبداد شاهان قسمت از روحانیان که برانقلاب ایستاد و مکرر پیروز شد و گرچه به بهرحال منشا تحولات بزرگی در تمام انقلاب مشروطیت نشان داد که مردم روحیه ی فداکاری و از خودگذشتگی و



د راین تصویر ستار خان (در وسط) با ارتشیکید زه (در سمت راست) دیده میشود

که برای کار به قفقاز میروند به افکار د ریافاسد قاجار و روحانیان و توسعه گروههای تجد د طلب بوسیله ی طبع و د رایران د ست بدست میگشت د مکرآتیک ایران را برافروخت که شد . انقلاب مشروطیت ایران لنین بزرگ این انقلاب رامیستاید، تمام قوا بد ان یاری میرساند و آنرا و مهر جنبش توده ای را در ستار خان ایران در برابر امپریالیسم انگلیس قاجار و درباریان و رو در رویان اجتماعی رنگ الحاد و کفر میزند ، هدفهای نهائی خود نرسید ، اما شئون زندگی مردم ایران گرد یسد . ایران دارای ظرفیت بزرگ انقلابی ، شایستگی فهم و درک مقتضیات

زمان هستند و می توانند از میان خود مجاهدان بزرگی مانند ستارخان قهرمان جنبش مشروطیت ایران پرورش دهند . انقلاب مشروطیت پایان د دوران بروز جنبش ها برنگ مذهبی و آغاز ظهور آنها زبرد رفش احزاب سیاسی باهدفهای مشخص و معلوم اجتماعی و طبقاتی است . مرحله ی اول این انقلاب که بنام مشروطیت خوانده میشود از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ طول کشید و مراحل دیگر آن باشکال گوناگون در جریان جنگ جهانی اول و پس از آن تا سال ۱۹۲۲ د وام یافت . انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ نیرو و خصلت و جهت تازه ای به جنبشهای انقلابی ایران داد . از درون این جنبشها نهضت کارگری ایران بیرون آمد و پیشاهنگ طبقه ی جوان کارگركشورما ، حزب کمونیست ایران ، پا بعرصه ی وجود و فعالیت گذاشت . ماباکمال اختصار بقیام ها و جنبشهای بعد از انقلاب " مشروطیت " ذیلا اشاره میکنیم :

قیام جنگل و انقلاب گیلان

در جریان جنگ جهانی اول که قوای متخاصم بیطرفی ایران رانقض و کشور ما را اشغال کردند جنبش وسیعی ضد نیروهای اشغالگر پدید آمد . لبه ی نیز این جنبش متوجه قوای انگلیس و روسیه ی تزاری - د و دشمن دیرین ایران و انقلاب مشروطیت بود . میرزا کوچک خان، یکی از مبارزان د دوران مشروطیت د ر رایش گروهی از آزاد یخواهان د ر گیلان علیه قوای تزاری بر پا خاست و سپس موازی با شرایط مساعد و یانامساعد روز بر حسب خصلت بورژوائی خود گاه بصورت انقلابی ای دواتشه و زمانی بحال تسلیم و عقب نشینی د ر جنگل و اطراف رشت مستقر گردید . هنگامیکه انگلیسها مجبور به عقب نشینی از قفقاز شدند و ارتش سرخ صحنه ی قفقاز را از قوای خارجی و نیروهای ارتجاعی د اخلی مصفی کرد ، میرزا کوچک خان

با کمک کمونیست‌ها و توده‌های مردم که از پیروزی‌های انقلاب اکتبر جنبش آمده بودند، به رشت وارد شد. در این حکومت، کمونیست‌ها، جنگلی‌ها، احسان اله خان و خالو قربان که نمایندگانی از قشرهای گوناگون اجتماعی بودند، شرکت داشتند. در ۲۲ ژوئن همین سال اولین کنگره‌ی حزب کمونیست ایران در بندر انزلی (پهلوی) تشکیل و برنامه‌ی حزب را مبنی بر اخراج انگلیس‌ها از ایران، واژگون کردن رژیم سلطنتی و فساد السی و مصادره و تقسیم بلا عوض املاک مالکان بزرگ، تصویب و کمیته‌ی مرکزی خود را انتخاب کرد. حزب کمونیست ایران وارث سنن انقلابی حزب عدالت و گروه‌های سوسیال دموکرات و کمونیست ایران بوده که با برنامه‌ی روشن بعد از مبارزه قدم گذاشت. دیری نپایید که هم در رهبری حزب و هم بین حزب و کوچک‌خان که هدف‌هایش در چهارچوب تنگ بورژوازی و داعیه‌ی شخصی محدود بود، اختلاف بروز کرد. میرزا کوچک‌خان، حکومت انقلابی را ترک کرد و به جنگل عقب نشست و حکومت جدید برپاست احسان اله خان تشکیل گردید. این ائتلاف و اختلاف ضرورت سختی بجنبش

دولتی با کمک نیروهای نظامی انگلیس انقلابی که تا نزد یک قزوین پیش آمده تا بندر انزلی (پهلوی) عقب کمونیست و کمک انقلابی بیان قفقاز توانست بار دیگر بدست انقلابی بیان افتاد. حیدر سامانی دهد. اما اختلاف ریشه‌دار از انگلیس‌ها از طرف دیگر کار را با نجات کمونیست را برای مذاکره به جنگل دعوت این ترتیب زمینه‌ی پیروزی قوای دولتی از پای درآمد و دیری نپایید که نیروی او هنگام فرار نابود گردید (نوامبر ۱۹۲۱ م) پراکنده کرد. تنها حزب کمونیست ایران فعالیت خود ادامه داد.



حیدر عموغلی (افشار)

قهرمان انقلاب مشروطه و یکی از بنیادگذاران حزب کمونیست ایران

مستقیم حکومت تزاری یا اعزام نیرو به تبریز قطعی سرکوب نمود. آنچه باقی ماند

قانون اساسی و فرم حکومتی مشروطه بود، ولی نیروهای آگاه انقلاب سعی کردند از این تغییرات صوری استفاده کرده به مبارزه‌ی خود ادامه دهند. بدین منظور در سال ۱۹۰۹ حزب دموکرات ایران را تشکیل دادند که برنامه‌ی مرفقی داشت (تقسیم املاک بین دهقانان، ایجاد بانک کشاورزی، ایجاد ارتش ملی، تفکیک سیاست از مذهب، برقراری تعلیمات اجباری ۰۰۰). این حزب توانست ۲۸ نفر نمایندگانه به دوره‌ی دوم مجلس شورای یقوستد و از تریبون مجلس خواستهای مردم را اعلام و علیه دخالت‌های استعمارگرانه‌ی امپریالیست‌های انگلیس و روس مبارزه کند. در دوران قدرت بین دوره‌ی دوم و سوم مجلس که بمنظور سرکوب این حزب و سایر نیروهای انقلابی بوجود آورده بودند، موفق سرکوب این حزب نشدند. (۱۵۳)

انقلابی گیلان زد. در این موقع قوای حمله‌ی بزرگی علیه نیروهای مسلح آمده بودند، آغاز کردند و آنها را نشاندهند. دلیری و شهامت مبارزان مهاجمان را به عقب راند. شهر رشت عموغلی بدانسانمان شتافت تا یکبار یکطرف و تحریکات حکومت قسوام و رساننده کوچک‌عده‌ای از سران نامد و آنها را اغافلگیر کرد، به قتل رساند و به فراهم گردید. حکومت انقلابی گیلان میرزا کوچک‌خان به تحلیل رفت و خود شکست انقلاب گیلان نیروهای ملی را بود که تحت شرایط نامساعد نوین به

جنبش انقلابی از مجلس دوم تا انقلاب اکتبر

بطوریکه معلوم است دخالت انقلاب مشروطیت را در آستانه‌ی پیروزی

مجلس سوم دموکراتها ۳۱ کرسی بدست آوردند و توانستند عده ی دیگری از کلا را با خود هم آواز کنند. تحمل چنین مجلسی برای امپریالیستها که علا ایران را در اشغال داشتند ممکن نبود. مجلس را تعطیل کردند. جنگ بین المللی و ورود قوای متخاصم بایران تکان تازه ای به مردم داد و در هرگوشه ای از کشور مخصوصا در شمال و بین ایلات جنوب مقاومت های مسلحانه آغاز گردید. حزب دموکرات ابتدا حکومتی موقت در قم و پس از شکست در کرمانشاه تشکیل داد و سپس اعضا و طرفداران آن مجبور به "مهاجرت" شدند. طلیعه ی انقلاب کبیر اکتبر که در ایران بصورت تشکیل شوراهای سر بازان روس در شمال ایران پدیدار گردید تکان تازه ای به نیروهای انقلابی داد و حزب دموکرات بخصوص در تبریز نیروی تازه ای گرفت. در استانهای وقایع ژوئیه ی ۱۹۱۷ در روسیه، همکاری دموکراتها با شوراهای سر بازان روس پد انجا رسید که سر بازان روس با آزاد یخواهان تبریز و دموکراتها میتینگ مشترکی بر گزار شد ای راه آزادی تشکیل دادند و نطق های آتشینی ایراد کردند. از جمله ی ناطقان یکی شیخ محمد خیابانی بود که بنام حزب دموکرات سخن راند. شمال ایران با انقلاب کبیر اکتبر یکباره از زیر فشار امپریالیسم آزاد شد و شعله های انقلاب اکتبر سرتاسر این منطقه را جنبش تازه ای که در سطح عالیتری از جنبش مشروطیت قرار داشت، در آورد. در جنوب انگلیسها باتمام قوا کوشش کردند که از تاءثیر انقلاب اکتبر در مردم بکاهند و نفوذ خود را مستحکم کنند و سپس آتش انقلاب را در شمال خاموش نمایند، اما در سرتاسر ایران مقاومت با سر سختی تمام علیه انگلیسها هدف آنها اخراج انگلیسها و تسلیم قرارداد های تحمیلی بود، تشکیل گردید.

قیام خیابانی

فراخواندن ارتش روس از که قصد تجزیه و الحاق این منطقه را به دموکراتهای آذربایجان و آزاد یخواهان سران جنبش را توثیق و تبعید کردند. قوای انگلیس از پاکو و فشار دولت جوان ایران منجر به بیرون رفتن نیروی عثمانی مساعدی برای جنبش در آذربایجان (۲۰ مارس ۱۹۲۰) میتینگ عظیمی با گردید که با شعار "مرد به باد انگلیس" بودند. پادگان انگلیسی تبریز شهر را معمول رهبران جنبش را تحت فشار قرار رهبری حزب دموکرات آذربایجان که آن در مناطق دیگر ایران، بنام "فرقه ی بوقوع پیوست" قیام در هفتم آوریل ۱۹۲۰ (۱۵۴)



شیخ محمد خیابانی

ایران و اشغال آذربایجان از طرف عثمانیها ترکیه داشتند شرایط نامساعد تازه ای برای بوجود آورد. عثمانیها خیابانی و عده ای از پیشرفت ارتش سرخ در قفقاز، عقب نشینی شوروی به عثمانیها برای تخلیه ی خاک آذربایجان گردید و بار دیگر شرایط فراهم آورد. در شب عید نوروز سال ۱۲۹۹ شرکت بیش از ۲۰ هزار نفر در تبریز تشکیل خواهان تخلیه ی ایران از نیروهای انگلیسی تخلیه و عقب نشینی کرد، ولی شهر یانی مانند داد. نتیجه ی فشار شهر یانی قیام تحت بعثت در ماندن از مرکز حزب و تابسانانی دموکرات آذربایجان نامیده شده بود. میلادی آغاز شد و طی دو روز همه ی ادارا

از جمله شهرداری بدست قیامیون افتاد. ابتدا اهیتی بنام "هیئت اجتماعی" کارقیام را اداره میکرد، اما در ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰ این هیئت منحل و حکومت ملی بایرنامه ی ذیل تشکیل گردید: برانداختن سلطنت، برقراری جمهوری، نجات کشور از قید اسارت خارجی، خودمختاری در آذربایجان، برقراری روابط سیاسی و بازرگانی با کشورهای شوروی. حکومت ملی بلافاصله دست بیک سلسله اصلاحات در زمینه ی امور بهداشتی و فرهنگی و تأسیس ارتش ملی و نظامیان زد و خیابانی هرروز برای روشن کردن افکار عمومی به نطقهای آتشین پرداخت که تا شیربزرگی از لحاظ فکری در مردم داشت.

پیشرفتهای حکومت ملی نمیتوانست حکومت مرکزی را تلاش نیاند از دست کابینه ی وثوق الدوله عاقد قرارداد تحت الحمايگی ۱۹۱۹ با کمک انگلیسها به انواع حیل متشبث شد تا این حکومت را براندازد، ولی توفیق نیافت و خودش در نتیجه ی نفرت عمومی مردم ساقط گردید. مشیرالدوله که تاحدی خوش نام بود سرکار آمد و مخبر السلطنه را که از مکرتهای سابق بود به استناد آری آذربایجان فرستاد. خیابانی به او اعتماد کرد و آزادانه وارد تبریز شد. مخبر السلطنه با استفاد ه از نیروی خلع سلاح شده ی قزاق و خیانت فرمانده ژاندارمری خیابانی را اغافلگرد و این انقلاب پرشور در ۲۲ شهریورماه ۱۲۹۹ بدست قزاقان شهید شد. جنبش و قیام معروف به خیابانی در آذربایجان یکی از صفحات درخشان تاریخ حرکت انقلابی در ایران و بخصوص در آذربایجان است.

قیام خد اوردی

پس از انقلاب اکتبر جنبشهای وسیع دهقانی شمال و شرق خراسان را دربرگرفت. دهقانان کرد ساکن شمال خراسان برهبری خد اوردی نام که قبلاً چوپان یکی از خوانین زغرانلوه بود، قیام کردند. این جنبش در نواحی دیگر خراسان نیز تاشیر کرد. قیام از شهر شروان که مرکز آن بود تجا و زکرد و نواحی قوچان صاحبگیران را دربرگرفت. قوام السلطنه استناد از خراسان با عده ای از سران ایلات کرد صلوح این جنبش را سرکوب کردند (اوت ۱۹۲۰ م.).

قیام کلنل

کلنل محمد تقی خان پسیان عضو حزب دمکرات، افسر برجسته ژاندارمری بود که از لحاظ ایدئولوژی دارای افکار انقلابی خرد بود و رؤیای سیاسی خارجی مخالف نفوذ انگلیسها بود. کودتای سرد ارسبه که ظاهراً قرارداد ۱۹۱۹ را لغو و اشراف و کلنل را امیدوار کرد، اما با سرکار آمدن قوام السلطنه که رابقیام واداشت کلنل با قوای مسلح خود و یاباری اقتدار حکومت مرکزی رهاند، کمیته ای از نمایندگان طبقه اصلاحات ارضی پیوستارفت، ولی بدست باقدا امات محلی روابط دوستانه داشت، آنها را علیه کلنل تحریک د لبر و بی پروا بود و زرد و خوردی با اکراد شخصدار دولتی که مدت ها منتظر فرصت بودند به مشهد وارد



کلنل محمد تقی خان پسیان عضو حزب دمکرات، افسر برجسته ژاندارمری بود که از لحاظ ایدئولوژی دارای افکار انقلابی خرد بود و رؤیای سیاسی خارجی مخالف نفوذ انگلیسها بود. کودتای سرد ارسبه که ظاهراً قرارداد ۱۹۱۹ را لغو و اشراف و کلنل را امیدوار کرد، اما با سرکار آمدن قوام السلطنه که رابقیام واداشت کلنل با قوای مسلح خود و یاباری اقتدار حکومت مرکزی رهاند، کمیته ای از نمایندگان طبقه اصلاحات ارضی پیوستارفت، ولی بدست باقدا امات محلی روابط دوستانه داشت، آنها را علیه کلنل تحریک د لبر و بی پروا بود و زرد و خوردی با اکراد شخصدار دولتی که مدت ها منتظر فرصت بودند به مشهد وارد

مخالف حکومت اشراف، طرفدار حکومت دمکراتیک و در حوت ۱۲۹۹ سید ضیاالدین و پیدایش رضاخان اعیان و عده های از نفوذ الپهار زدانی کردند، ابتدا کلنل اورا بجهی میشناخت، این امید بیجا شد و او عده ای از آزادخواهان، منطقه خراسان را از حیطه مختلف بنام "کمیته ملی" تشکیل داد. این کمیته با شعار اساسی نزد قوام السلطنه که با سران عشایر نفوذ الپه کرد و آتش فتنه را از هر طرف برافروخت. کلنل که مردی نبردی نابرابر شرکت کرد و کشته شد. سپس قسوی شدند و باین طریق قیام سرکوب گردید.

پس از انقلاب اکتبر جانبدار جدی حکومت بسیار دوستانه ای از خود بود در (۱۰۵)

کلنل که زمانی به کمک المانها امیدوار بود جوان شوروی گردید و احساسات

نطق هایش نسبت به این حکومت نشان داد.

قیام لہاک خان باوند

د رسال ۱۹۲۶ پادگان بجنورد تحت فرماندہی ستوان لہاک باوند (سالار جنگ) مسلحانہ قیام نمود. پشتیبان این قیام تودہ ہای د حقانی بودند کہ خاطرہ ی جنبش د حقانی خراسان و مبارزہ ی خد آوردی کرد را بیاد داشتند. مهمترین شعار این قیام مصادرہ و تقسیم بلاعوض املاک بین د حقانان بود. شعارہای دیگر تغییر مالیاتہا برفع پیشہ وران و کسبہ ی شہرہا، برقراری مالیات برعایدات، استقرار حکومت جمہوری و قطع نفوذ انگلیسہا بود. این قیام از طرف دولت باکمک انگلیسہا کہ ہواپیماہای خود را بکارانداختند، د ۱۸ ژوئہ ۱۹۲۶ فرونشاندہ شد و لہاک خان بہ اتحاد شوروی پناہ برد.

قیام لاهوتی



ابوالقاسم لاهوتی
نخستین شاعر پرولترایران

د مکرراتہای با سابقہ ای بود کہ د درد ورہ جنگ و خاتمہ ی جنبش خیابانی بازگشت د رچہ ی سرگردی پذیرفتہ شد. د رایسن انحلال ژاند ارمی والحق آن بہ نیروی برآمد. این اقدام را بیشتر افسران برای قبضہ کردن ارتش ایران میدانستند. وزیر جنگ راد مقابل مجلس بود و لت ناقض از افسران ژاند ارمی و از جملہی انہا قیامی را بدست افراد ژاند ارمی کہ مدتہا افسران ابتدا با افراد فرقہ ی د مکرراتکہ تماس گرفتہ موافقت انہا را جلب و د ریک تبریز را تسخیر کرد و بتمام شہرستانہا را از نیات ضد استبدادی و ضد استعمار و خود مطلع نمودند. اردوی د ولتی د رخارج شہر و بعضی از محلات مقاومت میکرد و بہ حملہ نمیرد اخت. سرانجام جنگ سختی بین طرفین در گرفت و بعلت عدم آمادگی افراد ژاند ارم نیروی د ولتی پیروز شد و لاهوتی بہ اتحاد شوروی پناہندہ و قیام سرکوب گردید.

قیام پادگان سلماس

د رسال ۱۹۲۶ میلادی سربازانی کہ مدتہا حقوقشان پرداخت نشدہ بود د شہر سلماس (شاهپورکونی) قیام کردند، عدہ ای را از زمین خود برہبری انتخاب و شہر خوی را تصرف کردند. قسمتی از پادگان خوی بد انہا پیوست و هدف قیام از تقاضای حقوق تجاوز کرد و شعارہای

د هقانی موضوع اصلی قرار گرفت . دولت پس از اعزام نیروی بزرگی از تبریز و پادگانهای اطراف این قیام راسرکوب و رهبران آنرا اعدام کرد .

بدین ترتیب دفتر قیامهای مسلح و جنبشهای وسیع خلقی بسته شد و حکومت د یکتاتوری رضاشاه مستقر گردید . تنها جنبشی که بفعالیت خود ابتدا بطور نیمه علنی و سپس مخفی ادامه داد پشاهنگ طبقه ی کارگر یعنی حزب کمونیست ایران بود . حزب کمونیست پس از شکست انقلاب گیلان مرکز خود را به تهران منتقل کرد و بتاسیس شعب خود در ولایات دست زد و تا استقرار سلطنت پهلوی از مختصر آزادی استفاده کرد به تبلیغ کارگری و مخفی پرداخت ، اتحادیه های صنفی و کارگری بوجود آورد و در درون حزب اجتماعيون دست به فعالیت سیاسی زد . روزنامه هائی وابسته به حزب و اتحادیه ها برهبری حزب منتشر گردید که نقش تبلیغاتی مؤثری ایفا کردند . حزب کمونیست ایران از همان آغاز عضو انترناسیونال سوم (کمینترن) گردید و از کمکهای این سازمان بهره مند شد ، ولی در این بین سردار سپه که مدتی تا حدی بدیده ی اغراض یجنشهای د مکراتییک مینگریست و هنوز آن نیرو را ندانست که در تمام جبهه های جنگد ، پس از پیروزی در سایر جبهه ها و رسیدن به مقام سلطنت حمله ی خود را علیه نهضت کارگری ایران آغاز کرد . در جنوب ، در اصفهان ، تبریز و مشهد به اتحادیه های کارگری هجوم بردند و آنها را متلاشی کردند . عده ای از سران حزب کمونیست و اتحادیه ها توقیف گردیدند و «سپس قانون» گذاشتند . ۱۳۱۰ از مجلس دستوری رضاشاه علیه جنبش کارگری بتمویب رسید .

پنجاه و سه نفر

حکومت د یکتاتوری رضاشاه با بعنوان مذهبی جلوگیری نمود و هر جنبش را سرکوب کرد . شرایط فعالیت برای حزب نیروهای فعال حزب در زندانها از کار افتاد . کار لازم بود . در این موقع است که دکتر ارانی و همکاران چند نفر از اعضای با سابقه ی حزب ترتیب فعالیت تبلیغاتی و تربیت کادرهای دانشسرای عالی جنبش دانشجوئی که چند حزب کمونیست ، بوجود آمد . جنبش کارگری بعضی اشتباهات سازمانی در سال ۱۳۱۶ ارانی و یاران او و عده ای از کسانی که با آنها گردیدند . دکتر ارانی که بحق از رهبران بدست پلیس در زندان آزادی درآمد و بقیه ی رضاشاه در زندانهای مناطق بد آب و هوای عده ای از آنها در جریان تشکیل حزب توده ای ایفا کردند .



دکتر تقی ارانی رهبر زحمتمکشان ایران

سیستم پلیسی خود از هرگونه اجتماع ولو ولوهرقد رکوچک بود بازندان واعضد ام کمونیست بسیار دشوار شد . قسمت مهمی از قوای تازه و متد های نوی برای ادامه ی چند نفر دیگر از یاران او با ایران آمدند و با کمونیست دست به فعالیت زدند . بدین جوان آغاز گردید . درد انشکده ها و بار دست با عصب زد برهبری کانون جدید میرفت رونق تازه ای بگیرد که در نتیجه ی پلیس این سازمان نو بنیاد را کشف کرد . ارتباط و آشنائی داشتند توقیف و محکوم برجسته ی نهضت کارگری ایران است یاران او تا ورود ارتش سرخ با ایران و فرار جنوب و قصر قاجار در رجس ماندند و ایران در سال ۱۳۲۰ نقش قابل توجهی (۱۵۷)

ازتصویر ناقص و بسیار فشرده ای که از خنیشها و قیامهای مردم ایران در جریان تاریخ دوهزار و پانصد ساله آن داده شد، میتوان بخوبی دریافت که مردم سرزمین ما ایران هیچگاه از نبرد علیه استعمار و استبداد و غارتگران و ستمگران خارجی و داخلی از پای ننشسته اند. نیروی واقعی در تمام نبردها قطع نظر از اینکه چه طبقه و یا شخصی بقدرت رسیده، همواره توده های مردم بوده اند. توده ها نقش اساسی را در زندگی سیاسی بازی میکنند و بدون فعالیت آنها تحول جامعه و قبل از هر چیز انقلابات اجتماعی غیر قابل تصور است. قدرت اصلی محرکه ی انقلاب همیشه توده ها بوده و خواهند بود. هر حزب سیاسی که از توده های مردم برید و رابطه ی خود را با آنها از دست داد تبدیل به فرقه ی محدود و دستهای میشود که وجود و عدمش یکی است. تجربه ی تاریخ بطور واضح نشان میدهد که تنها راه پیروزی انقلاب راه روشن کردن، مشکل کردن و به نبرد کشیدن توده هاست. چنین راهی هم اکنون در برابر حزب توده ی ایران قرار دارد. این راهی است پیمودنی ولی بسیار دشوار و پر پیچ و خم. این راه را باید پیمود و از تجربه ی تاریخ درس گرفت.

ازسند تحلیلی حزب

مهمترین نقطه ی ضعف رژیم

عدم رعایت اصول مصحح در قانون اساسی ایران و اعلامیه ی جهانی حقوق بشر که دولت ایران خود از امضا کنندگان آنست مهمترین نقطه ی ضعف حکومت مطلقه است. به همین سبب رژیم کنونی مجبور است دائما چنین جلوه دهد که گویا حکومت ایران طبق اصول مشروطیت و قانون اساسی اداره میشود و از نبردها هیچگاه جبرئست نکرده است. خلاف آنرا تصریح نماید. رژیم کنونی چه از لحاظ افکار عمومی ایران و چه از نظر جلب حیثیت و اعتبار در خارجه مجبور است چنین موضعی اختیار کند تا بتواند بسیاست ضد ملی خود لباس قانونی بپوشاند. بپهوده نیست که شاه گاه از "دموکراسی ارشادی"، گاه از "تدارک تدریجی زمینه" و زمانی از "آزادی انتخابات و اجتماعات" و یا از "انتخابات و دولت حزبی" دم میزند و گاه نیز میکوشد ایران را نمونه ی یک کشور دموکراتیک و پارلمانی جلوه گرزاند که گویا در آن "همه نوع آزادی هست جز آزادی خیانت". در واقع آزادی غارتگری پسرای سرمایه های امپریالیستی و داخلی و آزادی زورگویی و پامال حقوق حقه ی مردم برای هیئت حاکمه وجود دارد و بجز این آزادی خیانت از آزادیهای دیگر خبری نیست. شعار مبارزه در راه تأمین آزادیهای دموکراتیک و استقرار اصول قانون اساسی شعاری است که مشروعیت آن نمیتواند نه در ایران و نه در افکار عمومی جهان مورد تردید قرار گیرد. علاوه بر این شعار منور چون مربوط بزندگی عموم مردم است جنبه ی عام دارد و برای همه ی طبقات و قشرهای جامعه ی ایران محسوس و قابل درک است و بنابراین شعاریست که میتواند توده های وسیع مردم را بسیج کند و به مبارزه برای پندست آوردن حقوق سیاسی قانونی خود جلب نماید.

چه اشباحی است در گردش بر این کهسار آبی رنگ

چه اشباحی است در گردش بر این کهسار آبی رنگ ؟
گمانم از زمانی دیر می پویند و می جویند
چه می جویند ؟ از بهر چه می پویند این اشباح ؟
گمانم سایه هائی از نیاکانند در این دشت :
از این وادی سپاه مازیار رزمجو بگذشت ،
وزان ره سندباد آمد ، وزین ره رفت مرد آوریج
هم اینجا گور مزدک بود و انجامکنن بابک
دمی خاموش ! اینک بانگهائی میرسد ای در
سرودی گرم می خوانند یارانی که با حیدر
سوی پیکار پو یانند ، بشنو در ضمیر خود
نوای جاودانی ایرانی را که میگوید :
"براه زندگی ، از زندگی بایست بگذشتن ."

بر این خاکی که ایرانست نامش ، بانگ انسانی
دمی پیش نهیب شوم اهریمن نشد خامش
در این کشور اگر جبارها بودند مرد مکش
از آنها بیشتر گرد ان انساندوست جنیدند
بناخن خارهی بیداد را ببیاک سنبیدند
فروزان مشعل اندر دست ، آوای طالب بر لب
به دژهای یورش بردند کشر بنیان بد و زخ بود
بموج خون فرورفتند ، لیکن فوج بی باکان
نترسید از بد زشتان ، نیچید از راه پاکان

ارانی بذ رزمین بر فرار کشوری افشاند
ارانی مرد ، بذ رش کشتزاری کشت پر حاصل
به زندان روح پر جولان و طیارش نشد مدفون
بزر سنگ سرد گور افکارش نشد مدفون
ارانی در سرود و در سخن بگشود راه خود
کنون در ره سوئی پرچم گشاید با سپاه خود
بمرد از یک شقایق زیر پای و خش نامیمون
شقایقزار شد ایران برغم ترسها ، شکها
در آمد عصر رستاخیز مردم ، قهرمان خیزد
از این خاک کهن ، بنگاه مزدکها و بابکها

مُقَنع گُفت : « گرا کنون مرا پیکر شود نابود
روان من نیمیرد ، به پیکرها شود پیدا
ز دالان "خلول" ایم به جسم مردم شیدا
برانگیزم یکی آتش بجان خلق آینده
مقنح شد بگور ، اما ، مقنح ها شود زنده

ستمگر بس عث پنداشت "کشتن" هست در مانش
ولی تاریخ ، فدائی فرو گیرد گریبانش
بخواری از فراز تخت بیدادش فرود آرد
(سخن دران نمی رانم که این دم دیر و زود آرد
ولی شك نیست کاخر نیست جز این را می و فرمانش)
سپاه پیش رفتند و تکامل این جوانمردان
سپاهی این چنین ، از وادی حرمان گذرد آرد
بسوی معبد خورشید پیمون خنار آرد
ولی هر کس از این ره رفت ، بخشی شد ز نور او
هم او گشت با فر و شکوه او ، غرور او

مجو ای هموطن از ایزد تقدیر بخت خود
طلب کن بخت را از جنبش بازوی سخت خود !
جهان میدان پیکار است : بیرحمند بد خواهان
طریق رزم ناهموار و غدارند همراهان
نه آید زاسمانها هدیه ای، نی قدرتی غیبی
برایت سفره ای گسترده اندر خانه درچیند
به خوابست آنکه راه و رسم هستی رانعی بیند
کلید گنج عالم رنج انسانی است ، آگه شو !
دوره در پیش : یا تسلیم یا پیکار جانفرسا
ازان راه خطا برگردد و با همت بر این ره شو !

هرآن خلقی که او از کار و از پیکار روتابد
شگفتی نیست گرنالان به بندید نهاد ان است
اسیر و بی نصیب و در بدر بیمار و نادان است .
براه رشد و آزادیست هر سو سد و باروئی
ز استعمار و از دربار و از زندان و از اعدام
تو گوئی هفتخوانی از بلا گسترده جادوئی
ولی بارخس همت برجه از این هفتخوان ، گر خود
نمیخواهی کز این دنیای رنگین بگذری ناکام

ارانی گفت : « در شطی که ان جنبه تاریخ است
مشو زان قطره ها ، کاند رلجن ها برکران مانند
بشوز امواج جوشانی که دائم در میان مانند . »

قهرمانان خاموش

قهرمانان همگی نام ندارند و نشان
قهرمانی همه جا جلوه ندارند روشن
قهرمانی چه بسا در شب تاریک محن
زهرگین تیر غذایی است که از جان گذرد
راه پیکار حقیقت که گذرگاه بلاست
راه صعبی است ، میندار که آسان گذرد
گاه تحقیر ، گهی خدعه و گاهی دشنام
گاه پیمان شکنی ، گاه ملالت ، گه دام
نه همه رزم بزرگ است و هموار بدنام
نه همه مایه ی فخر است و همه جاده ی فتح
قهرمانی است که در این ره پر پیچ و تلاش
پای بفشاری و در کوشش جانانه ی خویش
یکدم از راه به بیراهه ی دشمن نیروی
از بی قدرت و القاب مطمئن نیروی
پای بفشاری و افتاده و خاموش و متین
خار این جاده برویی و از این خاره ی سخت
راه بگشایی و گامی به جلو برداری
گه ره رفته بده بار دیگر بسپاری
آن طپشها که در این جهد بجان می کوبد
قهرمانی است ، شگرف است ، ولی بی نام است
وانکه این جاده ی پر خار به مژگان روبد
قهرمان است ، بزرگ است ولی گننام است

ای شما زمره ی گننام که بی یانگ و نهیب

نشده برده ی افسون شده ی جور و فریب
نه زبیداد ، نه از بیم ، نه از آز ، نه رنج
از ره خویش نلغزیده در این عمر سپنج
در همان راه که بودید بجان بی سپرد
ز شما بی خبرانند و شما با خبرید
بر شما لشکر انبوه ز ما باد درود !
قهرمانان خموشید ، نباشد عجبی
کس ندانست کیانید ، چه کردید ، چه اید
ز چه در بستر آرام نخفتید شبی
چیست این سایه ی آژنگ به پیشانیان
اندران دم که غمینید ز آسیب و شکست
یا بتابید از آن سفله که پیمان بشکست
بشما منتظران سحر عده گشای
در شب تیره ی اندوه ز ما باد درود !

کارگاهی است جهان کش همه ی جلوه گری
در نهانگاه تکامل بخموشی زاید
وانچه در خانه ی اسرار جهان میگردد
بامداد دگری پرده ز رخ بگشاید
رخنه در باروی بیداد و ستم کارشماست
چشم تاریخ رصد بسته و بیدار شماست .

ناهید

سجراگه از فر از چرخ جاوید
تنش لزند در مُشكِ شیبانه
بخود میگفت: « نوری ناتوانم
کجا از رخنه ی این تیره جوشن
هراسانم ، که تا آگاه گردم
همی گفتم این سخنهای دلا زار
نمیدانست آن رخشنده ناهید
طلایه دار روز نور بخش است
بسش این فر و این فرهنگ باشد

درون تیرگی می تافت ناهید
چو مرغی گمشده از آشیانه
چسان زنجیر شب را بر د رانم؟
به رهرو، ره توانم کرد روشن؟
دلاین شب، خویش هم گمراه گردم
همی برد هر می پاشید انوار
که از د نبال د ارد نور خورشید
ز گنج راز یزدانی درخشا است
که بهر روز پیشاهنگ باشد

اطلاعات فشرده ای از رفتار رژیم ضد ملی
و ضد دموکراتیک ایران با مخالفین سیاسی
وضع زندان و زندانیان

دستگاه سرکوب مخالفین رژیم

" سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) یک سازمان بزرگ و مجهز جاسوسی، آدم زدنی و آدم کشی است که مخالفین رژیم و مبارزان ترقیخواه را سرکوب میکند. این سازمان اداره ی وسیعی است دارای ۱۰ هزار کارمند اعمی و عده ی زیادی کارمندان و جاسوسان غیردائمی، صدها مرکز کار، صدها جیب و کامیون و اتومبیل سواری، وسائل مخابرات، عکس برداری سری، ضبط صوت استتار شده، انگشت نگاری و غیره. این سازمان از نظر اداری به شعب و دوائری تقسیم شده و هر شعبه و دایره دارای وظایف خاصی است: نظیر کنترل سفارتخانه ها، کنترل اتباع خارجی، کنترل امکنه ی عمومی، وزارتخانه ها، بانکها و مؤسسات و نیز تحت نظر گرفتن تمام سازمانها، سندیکاها، احزاب و در عین حال زیر نظر گرفتن تمام افرادی که با اصطلاح مشکوک اند.

بودجه ی سالانهای این سازمان سری است ولی موافق آنچه که اعلام میشود (که قطعا رقم بمراتب کمتری از بودجه ی واقعی است) بالغ بر ۲۵۰ میلیون ریال است، در حالیکه تنها بودجه ی شبکه ی سازمان امنیت ایران در آلمان غربی بالغ بر پنج میلیون دلار است.

سازمان امنیت در هر بخشی از تهران و شهرهای بزرگ مراکز جاسوسی دارد و برای جاسوسی از سه نوع مأمورین: ۱- مأمورین اطلاعات که فقط گوش میدهند و خیر جمع میکنند، ۲- مأمورین نفوذ که بسرای نفوذ در سازمانها هستند و خود را "مبارز" جا میزنند و ۳- مأمورین تعقیب که بطور زنجیری افراد را دنبال مینمایند، استفاده میکند. در روستا نیز شبکه ی سازمان را توسعه داده اند و از سپاههای دانش و بهداشت (۱۶۵)



و آبادانی و غیره بعنوان پوشش فعالیت‌های جاسوسی استفاد ه میشود. مأمورین سازمان امنیت گاه حقوق کامل و گزاف و گاه حقوق کمی کوچکی که موافق برخی اطلاعات میزان آن در مواردی از ۱۵۰۰ ریال تجاوز نمیکنند دریافت میدارند. مأمورین سازمان امنیت در اجتماع مطلقا فاقد اعتباراند چه بسا اتفاق افتاده است که ورود آنها باسکوت همگانی روبرو شده است.

مأمورین و افسران سازمان امنیت پین افسران و درجه داران احترامی ندارند، آنهاشغل پلید خود را از ماد ره همسر خود نیز پنهان میکنند. روسای این سازمان افرادی نه تنها آدمکش، بلکه دزد و رشوه بگیر نیز هستند و حتی برای گرفتن پول و رشوه برای همکاران خود نیز پایتخت میدویند. برای روسای ادارات و کارمندان وزارتخانه ها و سفارتها نیز پرونده سازی میکنند و میخواهند "امنیت وثبات" کشور را تماما بحساب "جانبازیها"ی خود بگذارند. سازمان امنیت با "سیا" و دیگر سازمانهای جاسوسی امپریالیستی در تماس است. زیبائی گفته بود خود ش و مبصر با آمریکا آنها در تماس اند، ولی علوی کیامعاون وقت رکن دوم عامل "انٹلیجنس سرویس" است. جانیانی مانند نصیری، زیبائی، زمانی، بختیسار، علوی کیا، امجدی، سیاحتگر، سالاری، خشایار، وزیر، عید و دیگران جانورانی هستند که نظیرشان بقول سیاحتگر در هیچ جنگلی پیدا نمیشود. سازمان امنیت جانشین فرمانداری نظامی است که سالها بعد از کودتا رژیم ضد ملی و ضد موکراتیک ایران را نگهداری میکرد. سازمان امنیت باررشته های مرئی و نامرئی خود، اراده ای مردم مارا در بند کرده و دسترچ آنها بجیب خاندان پهلوی و نگران آنها سرازیر میکنند. سازمان امنیت نگهد ارشاه و دولتهای دست نشاند ه ای اوست. سازمان امنیت باتمام قدرت ظاهریش در قبال مبارزه ای مردم و جنبش انسان سازمانی است زبون و بی اراده و هیچگاه قادر نبوده و نخواهد بود که راه مبارزان را سد کند و همه ی مبارزانی که عزم آنها برای خدمت به خلق جزم باشد میتواند بموفقیت کامل علیه این سازمان و شیوه های آن نبرد کند.

د ستگیری و پس از آن

د ستگیریهای سیاسی معمولانیمه های شب انجام میگردد و یاد ساعات خلوت روز به منازل میریزند. معمولابند ا یک یاد و تن بالباس شخصی به پشت در میآیند و بیبانه های مختلف وارد منزل میشوند و سپس علامت میدهند و یک گروه چند نفری پلیس و نظامی بخانه یورش میرند. بعد از ورود، تمام ساکنین خانه و مهمانان را در نقطه ای گرد میآورند و خود به تفتیش یحتمی زیر و رو کردن اثاث منزل مشغول میگرددند و خسارات زیاد وارد میسازند. همانجا توهین و تحقیر نسبت به اهل منزل و بخصوص "متهم" آغاز میشود و در مواردی به کتک و شلاق میرسد. گاهی نه تنها "متهم" بلکه تمام مردان خانه و حتی مهمانان را توقیف میکنند و با خود میرند. بعد از توقیف افراد، مأمورین چند روز در منزل میمانند و منتظر "هدستان" متهم میشوند. در این مدت منزل شبیه یکی از مراکز سازمان امنیت میشود و بارقت و آمد های بیموقع، با یکاراند آختن بی سیم و دیگر وسائل، آسایش و زندگی معمولی خانواده هارابهیم میزنند و به کودکان و بیماران نیز رحم نمیکنند. در تفتیش خانه، هر کتاب بانشریه ای که مأمور نشناسد بعنوان مدرک جرم جمع آوری میشود. گاهی مجله ای که در هر کیوسک روزنامه فروشی فروخته میشود، بعنوان "مدرک جرم" جمع آوری میگردد. یادداشت های خصوصی افراد، عکسهای خانوادگی و آدرس و شماره ی تلفن آشنایان نیز ضبط میشود.

آدم دزدی نیز یکی از کارهای سازمان امنیت است، آنها افراد را در خارج از منازل، در کوچه و خیابان میگردد و بزرورید اخل اتوموبیل سواری انداخته و با چشم بسته بسوی شکنجه گاهها میرند. سازمان امنیت برای کسانی که هنوز د ستگیر نشده اند نیز ایجاد مزاحمت میکند، طی نامه ای یا مذکره ای تلفنی آنها را بیک ای "مراکز بی تابلو"ی خود احضار مینماید و در آنجا علاوه بر آنکه ساعتها آنها را در انتظار میگذارد، سئوالاتی در پی، با تهدید و دعوت به همکاری و واداشتن به جاسوسی علیه دوستان خود، ایجاد مزاحمت میکند. مأمورین امنیت از راه تلفن نیز

آسایش خانواده هارابرم میزنند. در مورد تمام این علیات توصیف شده شواهد مشخص بسیاری وجود دارد.
و تکیه فردی دستگیر شد، نام آنها در استان و خوشانش از او بیخبر میمانند و نمیدانند در کجاست. فقط بعد از چندین ماه تلاش و دوندگی میتوانند جایش را پیدا کنند و یا احیاناً با املاقات نمایند. بآنکه در ماهی ۱۲۴ "آئین داد سری کبیری" قید شده است که بعد از ۲۴ ساعت علت توقیف باید با اطلاع متهم برسد، ولی زندانیانی هستند که مدتهای طولانی بلا تکلیف مانده اند. زندانیانی را در شکنجه گاههای "قزل قلعه" و "باغشاه" روزها و هفته ها شکنجه داده اند بدون اینکه بفهمند چرا دستگیر شده اند و از آنها چه میخواهند.

بازجویی و باز پرس

رفیق حزبی ما روبیک نواساردیان در گزارش خود به حزب درباره ی وضع زندان و زندانیان نوشته بود:

"سپس بازجویی از من شروع شد، در بازجویی ماغیر از قلم و کاغذ، و مسائل مختلف شکنجه قرارداد داشت مانند شلاق، دستبند قفالی، کلاه خود آهنی، میله های داغ سرخ شده"

در این بازجوییها فقط يك "قانون" وجود دارد. متهم یا باید اتهامی را که به او نسبت میدهند قبول کند یا زیر شکنجه از پای درآید. در سالهای بعد از کودتا عده ی زیادی از مبارزان را زیر شکنجه کشتند، مانند رفقا: وارطان سالاخانیان، محمود کوچک شوشتری، حسین حریری، ستوان منزوی و همچنین پرویز فرهموند و عده ی دیگری که هنوز جریان آنها قاش نشده است. (مثلا در جریان حادثه ی کاخ مرمر بیش از صد نفر را دستگیر کردند که از سرنوشت عده ای از آنها خبری نیست).

در خمیان، وارطان سالاخیان و کوچک شوشتری را در باغ مهران (باغ متریکی که در اختیار ارتش بود) بردند و در آنجا زیر شکنجه کشتند. آنها برای مخفی کردن جنایاتشان، جنازه ی سالاخیان را به بیمارستان ارتش بردند و بنام نعمت اله همتی به ثبت رساندند و خواستند بدین ترتیب ورقه ی فوت درست کنند ولی چون موفق نشدند، شبانه زیبایی که روپوش سفید پرستارها را پوشیده بود، با عده ای مأمور به بیمارستان آمده و نعش را در ریتویی پیچیده داخل آمبولانس نمود. زیبایی میخواست نعش را در رودخانه ی هراز بیاندازد، ولی بعلمت تصادف ماشینی سراسیمه خود را به جاجرود رساندند و جسد له شده ی جوان قهرمان را به رودخانه انداختند.

مأمورین سازمان امنیت کلیا زاخاریان عضو کمیته ی ایالتی تهران - حزب توده ی ایران را در اسفند ماه ۱۳۳۳ دستگیر نمودند و در فروردین ماه ۱۳۳۴ در یکی از شکنجه گاههای مخفی مغزش را، چون بقول زیبایی "نم پس نداد" با گلوله متلاشی کردند. زیبایی گفته بود طبق دستور شاه نباید گذشت کار افرادی نظیر زاخاریان پسه دادگاه برسد، چون حرفهایی میزنند و در دنیا سروصدا راه میاندازند که اسباب زحمت میشود. این گفته ی شاه نیز تاکنون بارها اجرا شده است. آنها مائیس سرکیسیان و جهانگیر باغدانیان اعضای رهبری سازمان جوانان توده ی ایران را در خیابانهای تهران کشتند. در بین مردم شایع است که در برخی از "مرگها" و "خودکشیها" ی سالهای اخیر دستهای خو نین امنیتیه ها دیده میشود.

در سالهای اخیر بغیر از وسائل قدیمی شکنجه از "شوگ الکتریکی"، "اشعه ی خیره کننده"، "آپولهای تضعیف اراده" و "دستگل دروغ سنج" استفاده میکنند. مطابق يك اطلاع در یکی از این شکنجه گاهها از جیب کهنه ای که زیر آفتاب گذاشته بودند برای زجر دادن زندانیان استفاده میکردند و آنها را در ساعات گرم روز داخل جیب میکردند تا آب بدنشان خشک شود و تشنگی شدید مقاومت زندانی را درهم شکنند.
(۱۱۷)

چند سال قبل عدّه ای را بنام اینکه میخواستند پل غازیان را منفرج کنند دستگیر ساختند و آنقدر شکنجه دادند که از سر نوشت برخی از آنها خبری بدست نیامد و چنانکه میگویند چند تن از آنها دچار اختلال عصبی شدند. از شکنجه های هولناک این دوران قفسی بوده به ارتفاع ۷۰ سانتیمتر که به سقف آن میخهایی کوبیده بودند و لحظه به لحظه آب سرد یا گرم وارد کف قفس میکردند و بیگناهی که در آن بودی اختیار خود را ندان میداد و پشتش به میخها میخورد و مجروح میشد.

باید برای شکنجه ها، فشارهای روحی، تحقیر و توهین و دشنام و اسلوبهای مختلف اربابی را نیز اضافه کرد. مهندسین بازرگان یکی از رهبران جبهه ی ملی درد ادگاه تجدید نظر نظامی گفته است: در لشکر زرهی خرسی را آوردند که در حمام تارک بسراخ و دخترها میفرستادند رفقای عضو سازمان افسری حزب توده ی ایران را پس از دستگیری به اطاقی میبردند و افسری با هفت تیر لخت و ضامن کشیده وارد میشد و تهدید میکرد که هم اکنون او را خواهد کشت. فشارهای دیگر روحی مانند دستگیری اقوام، نشان دادن نامه های جعلی از دوستان و رفقای حزبی که گویا به حزب خیانت میکنند یا همکار پلیس هستند، نیز اعمال شده و میشود.

* دادگاه و دادرسی *

دادرسی زندانیان هیچگاه طبق قوانین دادگستری و موازین قانونی انجام نمیگرفت یعنی صلاحیت دادگاهها مورد توجه نیست و متهم در دادگاهی که قانون معین کرده دادرسی نمیشود و به مقرراتی که برای هر کدام از این دادگاهها در نظر گرفته شده توجه نمیشود (مانند هیئت منصفه در محاکمات سیاسی، حق تعیین وکیل مدافع و آزادی دفاع از جانب متهم و وکیل مدافع متهم).

متهم را تهدید میکنند که اگر در دادگاه از شکنجه هائی که شده است حرفی بزند مجدداً شکنجه خواهد شد. در مواردی هم وکیل مدافع را بعد از دفاع از متهم بدون توجه به مصونیت قضائی او دستگیر و محکوم و بزند آن انداخته اند مانند وکلای مهندسین بازرگان و دکتر سحابی و آیت الله طالقانی (یعنی سرتیپ علی اصغر مسعودی، سرهنگ رحیمی، سرهنگ نقاری و دکتر سرهنگ طعیه). بعضی وقتها دادگاه در خود سلول زندان تشکیل میشود مانند دادگاه رفیق شهید خسرو روزه. در دیماه سال ۱۳۴۶ به رفقا صابر محمدزاده و آصف رزم دیده حتی اجازه ندادند که اوراق دفاعیه ی خود را از زندان به دادگاه بیاورند و در عرض چند دقیقه حکم محکومیت را ابلاغ نمودند. در امر محکوم کردن نیز به مقررات و موازین که قانون برای هر جرمی در نظر گرفته است توجه نمیشود و بعد از کودتای دادگاههای نظامی طبق دستور مقامات بالا متهمین را محکوم کرده اند و این محکومیتها معمولاً با اعدام، یا حبس ابد و یا حبسهای سنگین بوده است. در ۶۷-۱۹۶۶ - ۵۶ حکم اعدام صادر شده که ۳۸ حکم آن اجرا شده است. در همین مدت برای متهمین سیاسی احکام در حدود ۵۰۰ سال زندان صادر شده است.

در سالهای اخیر "دادگاههای ارتش" در پادگانها و مراکز نظامی گردستان بیش از صد نفر مهین پرست کرد را محکوم به اعدام و ناپسود کرده اند. عدّه ای را در کوهها به قتل رساندند و حتی این زحمت را بخود ندادند که همین "محاکمه" ی قلابی ارتشی را نیز که حکم برق آسائی اعدام صادر میکرد تشکیل دهند. نام مبارزانی نظیر سلیمان معینی، عبدالله معینی، اسمعیل شریفزاده و ملا آواره و دیگران که بعد از شکنجه ها و حشیانه بدون رعایت هیچگونه تشریفات قانونی شهید شدند همیشه زنده خواهد ماند.

وضع زندانها

یک رفیق حزبی در باره ی سلولی که ماهها در آن زندانی بود چنین مینویسد:

" سلولی بود بعرض یکمتر و طول یکمتر و نیم، در آن بسته و چراغ بالای سر آن خاموش بود. تختخواب من عبارت بود از یک سکوی گلین و زیر و رویم راد و پتوی کهنه ی چرکین میاند اختم. در شبانه روز دو بار هر بار دو و نکه نان، مقداری آب با چند دانه نخود بعنوان غذا بمن میدادند و بجای روزی ده دقیقه هوا خوری در هفته یک روز آنهم پنج دقیقه از هوای آزاد استفاده میکردم. در سلول خود نه قلم داشتم و نه کاغذ و نه کتاب و کسانی که میآمدند و جوای حال من میشدند، مسئولین زندان در پاسخ اظهار بی اطلاعی میکردند.

عده ای از رفقای زندانی سالها در چنین سلولهایی بسر بردند. در ردیف سلولهای انفرادی " قزل قلعه" جا برای دراز کشیدن نداشتند و سقف آنها نیز بلند از ای پائین است که زندانی نمیتواند روی پا بایستد. قبلا این سلولها تختخواب نداشت و زندانیان بر روی توده ای از گاه میخوابیدند، ولی بعدا به زندانیان یک تشک پراز گاه و یک ملاقه و یک پتو داده شد. رفیقی که به ملاقات جمعی از رفقای زندانی رفته است چنین مینویسد:

" در زندان موقت ملاقات طوری بود که آنها در پشت میله های آهنی بودند، بعد دو قدم فاصله داشت، باز میله های آهنی بود و افراد یک برای ملاقات آمده بودند از پشت آن داد میزدند و جواب را هم به داد می شنیدند. رفیق زندانی میگفت مبتلا بانواع امراض شده ام، میروم بیهوشی، فرصت میدهند، بجای اینکه حال را بهتر شود درد هاشد بدتر میشود. وضع غذا هم بد است. ظهرها آش و شبها آبگوشت و روزی دو نان و هر سه روز یکبار حمام."

این رفیق اضافه میکند:

" در زندانهای دیگر هم وضع چنین است. ملاقات پشت میله هاست و مأمورین هم مواظب گفتگوی آنها هستند. زندانیان اغلب بیمارند و وسیله ی معالجه ای هم در کار نیست. بیمارستانها و درمانگاههای داخل زندانها نیز نه تنها سودی بحال زندانی نمیرسانند، بلکه بانها صدمه میزنند. زندانیان از کتاب و روزنامه محروم اند و حق ندارند هر کس را که مایل باشند ملاقات کنند."

رفقای که در قلعه ی پراز جان زندانی اند، علاوه بر این محرومیتها، از گرمای فوق العاده ی آنجا نیز رنج میبرند. وقتی که گرما به ۴۰ درجه میرسد گاه زندانیان بیهوش میشوند.

در برخی از زندانها بعد از مبارزات طولانی زندانیان موفق شدند " جیره ی خشک" بگیرند و خودشان غذا برای خود بپزند. این جیره ۱۲ ریال است که با آن میتوان یک سیر پنیر و یک نان تافتون خرید، ولی زندانیان ترجیح میدهند که با این پول خودشان غذا بخورند. راد رگوشه ی اطاق روی چراغهای نفتی درست کنند و آبگوشت آلوده ی و مشکوک و ابکی زندان را بخورند. در زندان رضایه یا قبول مبلغان رژیم "ندامتگاه" رضایه ملاقات وجود ندارد و ملاقات کنندگان از دفتر زندان در حضور مأمورین میتوانند با زندانی باتلفن گفتگو کنند!

در زندانهای ایران اکثر زندانیان بیمارند. در اثر شکنجه ها، بدی غذا، تنگی جا و نبودن نور و هوای سالم و کافی مبارزان در بند بدتر رنج ناپدید میشوند. روسای زندان و سازمان امنیت از معالجه ی زندانیان، حتی زندانیانی که در خطر مرگ اند خود داری میکنند. برخی از

زندانیان سیاسی برای آنکه بتوانند معالجه شوند، دست به اعتصاب غذا زدند.
ما "مورین امنیت گاه و بیگاه"، شب و روز، وارد سلولها میشویم و ایجاد مزاحمت میکنند. آنها وسائل شخصی زندانیان از جمله لیوان، چراغ خوراک پزی، فنجان و لحاف را توقیف میکنند تا باین ترتیب بقول نصیری - این جنایتکار حرفه ای - "روزی هزار بار آنها را بکشند".

مبارزه ادامه دارد

در زندانهای "موقت"، "قصر"، "قلعه"، "باغشاه"، "قلعه ی برازجان"، "قلعه ی فلك الافلاك"، "بندر عباس" و "رضائیه" و دیگر نقاط کشور مبارزان توده ای، مصدقی، روحانیون مترقی و دیگر مخالفین سیاسی رژیم در کنار هم در بند اند. آنها با اعتصابها و اعتراضهای جمعی و فردی، نوشتن نامه بمقامات مختلف داخلی و خارجی و مقاومت در قبال زورگوییهای پلیس، زندانها را به دژ نبرد تبدیل کرده اند. برخی از رفقای حزبی مینویسند:

"چه قبل از محاکمه، چه بعد از آن از ما خواستند که اظهارندامت کنیم، ولی تابع آوای آمرانه ی وجدان حزبی خویش بودیم و زندان و مرگ را بر سر خواری و نفرت عمومی برتر داشتیم".

در این مبارزه ی مرگ و زندگی زندانیان تنها نیستند. حزب توده ی ایران و همه ی مردم شرافتمند ایران و جهان با آنها هستند. در مقالات مطبوعات ما، در گفتارها و برنامه های "پیک ایران"، در جزوه ی "زندگان و زندانیان سیاسی" (که از طرف حزب ما بزرگان انگلیسی و فرانسه منتشر شد) و دیگر نشریات حزب ما، در کارتهای مخصوص تبریک عید و کارتهای اعتراضی، از این فرزندان شجاع خلق دفاع شده و جنایات رژیم و رفتار ددمنشانه ی وی نسبت به آنها افشا شده است.

در روزنامه های معتبر جهان، در جلسات سازمانهای دموکراتیک جهان، در دستیوال جهانی جوانان و دانشجویان و همه و همه جا صدای متین و روزمجویانه ی آنها به اطلاع همگان رسیده است.

بنامیت روز ۲۱ اردیبهشت، روز شهادت خسرو روزبه قهرمان ملی ایران که روز زندانیان سیاسی ایرانست، یکبار دیگر در کشور و خارج از کشور، با اعتصابها، کنفرانسها، چاپ مقالات و پخش گفتارهای مخصوص از رادیو "پیک ایران"، تهیه کارت پستالها و جمع آوری یکروز درآمد از زندگی و مبارزه ی مبارزان در بند دفاع شد. و این مبارزه برای کمک برفقای پیکارجو، برای ستایش مبارزه ی آنها، برای همدردی با آنها و برای کمک به خانواده ی آنها و برای آزادی آنها ادامه خواهد داشت. ما مطمئنان داریم که درهای زندان بدست خلق پیروزمند گشوده خواهد شد. درود آتشین ما بزندانیان سیاسی ایران!

به همسر افسران شهید

که بر لب لرزشی بودت ، به دل افسانه شومی
نظر کردی در آن چشمان که بودش سَرِیکتومی

چراغت رانهان کردند در زندان تار یکی
خبر میداد گوئی از بلا و رنج نزدیک

تنش سوراخ و خونین بود چون دیدی دگر بارش
که حیرت زاد و خاموشی فراق روح آزارش

بمرد آن شمع اندر آرزوی پاک خورشیدی
که پیشاپیش مرگ او را نلرزانید تردیدی

کُلند آورد دشمن تا زاید نام پاک و ی ،
هنوزش کینه می آید به جسم چاک چاک وی

زهی آن زن که او جاوید با شویش فاگرد ده !
که شوی قهرمانت در رهش جانرافند آکرده !

به چشم شوی خود خواندی مگر راز نهانش را
فشردی باتشنج دستهای پهلوانش را

دریغا ! تاخت آوردند دیوانی نحو ست پی
همانا آسمان تیره و غنناک ماه دی

بسرپ تفته خستندش پس از زجر روانکاهی
نه در چشمان ترا اشکی ، نه در سینه ترا آهی

چو نوری سیمرنگ افکند صبح تیره ی بهمن
براه زندگی او را چنان امید بد روشن

چو گوش را بیاد عشق خود آباد میکردی
بلی خونخوار خصم او ز فـسـرط ناجوانمردی

ترا او شوی در خورید ، تو او را باش در خورزن !
برو مردانه درد نیال آن اندیشه ی روشن

ای شاعری که شمع جوانیت شد خموش
در زیر آسمان غمین سپیده دم
بیشک نبود جان تو غافل ز سیرکار
روزی که هشته ای به سبیل طلب قدم

قلبی که بود منبع الهام و شعر و راز
از جور خصم شد گل پولاد ماء منش
چشمی که بود پر زنگاهی زمانه سنج
اویخت مرگ پرده ی تاری ز روزنش

طوفان وزید و شاخه ی نو خیر تو شکست
وز باغ عمر برگ وجود تو شد جدا
رفتی بدان دیار کزان بازگشت نیست
وان خاندان و خانه تهی شد ز کد خدا

پروانه ای که شیفته ی شمع روشن است
پروا ندارد آنکه بسوزد وجود خویش
شاعرکه هست عاشق انوار زندگی
تاگاه مرگ سرنکشد از سرود خویش

آنکس که شور بخت ترا خواند ، برخطاست
زیران بود راه سعادت سعادت است
زیبائی و جوانی و رزم تو شعر تو ست
وان شعراخرین که سرودی " شهادت " است .

ای شاعری که شمع جوانیت شد خموش

برخی تاریخ های مهم

از دوران سوسیال دموکراسی انقلابی در ایران فعالیت حزب کمونیست ایران و جنبش کارگری ایران

۱۷ اسفند ۱۲۵۹

انتشار نخستین مقاله در معرفی سوسیالیسم (بنقل از مقاله ی روزنامه ی فارسی اختر چاپ استانبول) در
روزنامه ی نیمه رسمی "ایران" .

سال ۱۲۸۳ (۱۹۰۴ میلادی)

تشکیل گروه سوسیال دموکراسی کارگران ایران در باکو بنام گروه " همت " .

فروردین ۱۲۸۶

اعتصاب ۱۶۰۰ کارمند تلگرافخانه در تهران و سایر شهرهای ایران برای دریافت اضافه حقوق و جلوگیری
از اجحافات روسها .

بهار ۱۲۸۶

اعتصاب کارگران چاپخانه های تهران بعنوان همدردی با یکی از کارگران حرفه چین که از اعتماد السلطنه
(۱۷۳)

رئیس مطبوعات چوب خورد بود. • اعتصاب تایرکناری اعتماد السلطنه از کار ادامه یافت •

تابستان ۱۲۸۶

اعتصاب کارگران چاپخانه های تهران برای تقلیل ساعات کار. مبارزه ی اعتصابی آنقدر ادامه یافت تا ساعات کار از ۱۴ ساعت به ۹ ساعت کاهش یافت •

شهریور ۱۲۸۶ (سپتامبر ۱۹۰۷)

تصویب برنامه ی سازمان مجاهدان در مشهد که خواستار برقراری آزاد بهای دموکراتیک ، مصادره ی املاک شاهی و خوانین بزرگ و تقسیم بلاعوض میان دهقانان ، ۸ ساعت کار، تعلیمات اجباری و غیره بود •

دی ۱۲۸۶ (ژانویه ی ۱۹۰۷)

اعتصاب کارمندان تلگرافخانه ی تبریز که خواهان پرداخت حقوق عقب افتاده ی خود بودند •

سالهای ۱۲۸۶-۱۲۸۷

تشکیل اتحادیه های کارگران چاپخانه های تهران ، کارگران واگنهای اسبی ، تلگرافچیان ، قالی بافان کرمان •

فروردین ۱۲۸۷

اعتصاب کرجی بانان لنگرود برای اضافه دستمزد •

۲۴ مهر ۱۲۸۷ (۱۶ اکتبر ۱۹۰۸)

تشکیل نخستین گروه سوسیال دموکرات در تبریز •

۷ آبان ۱۲۸۷

اعتصاب کارخانه های چرمسازی تبریز تحت رهبری سوسیال دموکراتها • خواست اعتصابیون عبارت بود از: بالا بردن دستمزد ، پذیرش و اخراج کارگران با موافقت نمایندگان کارگران ، پرداخت دو برابر

دستمزد برای اضافه کار، پرداخت نصف حقوق کارگران به هنگام بیماری • اعتصاب پس از سه روز با گذر رفتن اضافه دستمزد و تعهد عدم اخراج اعتصاب کنندگان پایان یافت •

دی ۱۲۸۷

اعتصاب کارگران شیلات انزلی علیه خود سری کنتراتیچی ها - اعتصاب از طرف نیروی قزاق سرکوب شد ، ولی مجدد ا در فروردین ماه تجدید گردید •

تابستان ۱۲۸۹

اعتصاب کارگران چاپخانه های تهران و کارمندان تلگرافخانه ی تهران • پس از دخالت پلیس نمایندگان اعتصابیون در مجلس متحصن شدند تا آنکه تقاضای اضافه دستمزد و آزادی بازداشت شدگان پذیرفته شد •

تابستان ۱۲۸۹

انتشار نخستین روزنامه ی کارگری بنام "اتفاق کارگران" که بیش از پنج شماره از آن منتشر نشد •

سال ۱۲۸۹

انتشار روزنامه ی مرفعی "ایران نو" ارگان حزب دمکرات که سوسیال دمکراتها در آن نفوذ داشتند • در این روزنامه مقالاتی در زمینه ی شناساندن مارکس و مارکسیسم انتشار می یافت •

سال ۱۲۹۰ (۱۹۱۶ میلادی)

تشکیل نخستین گروه عدالت زیر رهبری اسداله غفارزاده در معادن نفت باکو •

اردیبهشت ۱۲۹۶ (مه ۱۹۱۷)

تشکیل حزب عدالت •

سال ۱۲۹۷

اعتصاب چهارده روزه ی کارگران چاپخانه های تهران که نتیجه ی آن انعقاد نخستین قرارداد دستمزد (۱۷۰)

جمعی بود که در آن هشت ساعت کار و بهبود وضع کارگران پیش بینی شده بود.

سال ۱۲۹۷

تشکیل اتحادیه های نانوائی ، آموزگاران ، کارمندان پست و تلگراف ، کفاشان ، خیاطان . مجموعه ادراين سال ۱۱ اتحادیه تشکیل شد.

پایان سال ۱۲۹۷

تشکیل شورای اتحادیه های کارگری تهران .

۱- ۳ تیر ۱۲۹۹ (۲۲-۲۴ ژوئن ۱۹۲۰)

نخستین کنگره ی حزب " عدالت " که به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد در " بند رانزلی " تشکیل شد.

مرداد ۱۲۹۹ (سپتامبر ۱۹۲۰)

تشکیل کنگره ی نمایندگان ملل خاور در باکو .

مهر ۱۲۹۹ (اکتبر ۱۹۲۰)

تشکیل پلنوم کمیته ی مرکزی حزب کمونیست ایران - در این پلنوم حیدرعواظلی به صدارت برگزیده شد .

۱۳۰۰ (۱۹۲۱)

تشکیل دفتر مرکزی برای رهبری جنبش اتحادیه ای و پذیرش اتحادیه های ایران در بین الملل اتحادیه ها (پروفیتن) .

۹ دی ۱۳۰۰

انتشار نخستین شماره ی روزنامه ی " حقیقت " بدییریت سید محمد دهگان عضو کمیته ی مرکزی که رسماً

ارگان اتحادیه های کارگری تهران ولی در حقیقت ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران بود.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۱ (اول مه ۱۹۲۲ میلادی)

• نخستین نمایش جمعی بمناسبت اول ماه مه

سال ۱۳۰۱

انتشار روزنامه ی کارکه پس از توقیف روزنامه ی "حقیقت" وظیفه ی ارگان مرکزی را انجام میداد و روزنامه ی "پیکان" که وابسته به حزب بود.

سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲ میلادی)

• نخستین اعتصاب در تاسیسات شرکت نفت جنوب

بهمن ۱۳۰۱

اعتصاب ۲۱ روزه ی آموزگاران تهران برای دریافت حقوق پس افتاده که منجر به نمایشات سیاسی و سقوط حکومت قوام شد.

سال ۱۳۰۱

انتشار روزنامه ی هفتگی "خلق" که در پاورقی الفبای کمو نیمس را منتشر میکرد.

سال ۱۳۰۱

• انتشار مجله ی "جرقه" ارگان تئوریک حزب کمونیست ایران

شهریور ۱۳۰۳

• اعتصاب کارگران پارچه بافی تهران

سال ۱۳۰۴

• تشکیل اتحادیه های کارگران نفت جنوب

۱۲ آبان ۱۳۰۴

میرزایحیی واعظ کیوانی (قزوینی) یکی از شخصیت‌های حزب کمونیست ایران در برابر مجلس بهنگام طرح لایحهی خلع سلطنت قاچاره بقتل رسید.

اردیبهشت ۱۳۰۶

اعتصاب عمومی کارمندان دولت علیه تقلیل حقوق.

سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷ میلادی)

تشکیل کنگره ی دوم حزب کمونیست معروف به "کنگره ی ارومیه".

آذر ۱۳۰۶

کنفرانس اتحادیه های کارگران نفت جنوب.

۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۸

اعتصاب سه روزه ی بیست هزار نفری کارگران نفت جنوب که خواستار آزادی رهبران بازداشت شده ی اتحادیه بودند. بین کارگران و سربازان دولتی زد و خورد شد. در نتیجه ۲۰۰ نفر از کارگران بازداشت و ۳۰۰ نفر از کار اخراج گردیدند. این اعتصاب مستقیماً تحت رهبری حزب کمونیست ایران بود.

تابستان ۱۳۰۸

اعتصاب ۱۲۰۰ نفر کارگر راه آهن مازندران.

پهمن ۱۳۰۸

کنفرانس کارگران نفت جنوب که خواسته های کارگران از جمله ازدیاد دستمزد، برسمیت شناختن اتحادیه، برسمیت شناختن روز اول ماه مه، شرکت نماینده ی کارگران در تصمیم پذیرش و اخراج کارگران، هفت ساعت کار روزانه برای خرد سالان و غیره را مطرح ساخت.

سال ۱۳۱۰

انتشار روزنامه ی "پیکار" ارگان حزب کمونیست ایران و مجله ی "ستاره ی سرخ" ارگان تئوریک حزب در خارج از ایران.

سال ۱۳۱۰

اعتصاب کارگران راه آهن سرتاسری شمال که در د و نویت انجام گرفت و ۱۵۰۰ کارگرد آن شرکت کردند. این اعتصاب مستقیماً تحت رهبری حزب کمونیست ایران بود.

اردیبهشت ۱۳۱۰

اعتصاب کارگران کارخانه ی وطن اصفهان برهبری حزب کمونیست. در این نخستین اعتصاب اصفهان ۵۰۰ کارگر شرکت نمودند و موفق به دریافت ۲۰ درصد اضافه دستمزد و کاهش ساعات کار به ۹ ساعت در روز گردیدند.

۱۰ خرداد ۱۳۱۰

تصویب قانون ضد کمونیستی معروف به قانون سیاه" که بموجب آن هرکس دسته یا جمعیتی تشکیل دهد و یا عضو دسته و یا جمعیتی باشد که رویه یا مرام آن اشتراکی است به سه تا ده سال حبس مجرد محکوم میشود.

اردیبهشت ۱۳۱۳

آغاز انتشار مجله ی "دنیا".

پایان سال ۱۳۱۳

تجدید سازمان حزب کمونیست ایران و شناخته شدن مجله "دنیا" بعنوان ارگان حزب.

سال ۱۳۱۴

اعتصاب درد انشگاه تهران و دانشکده ی فنی برای بهبود وضع تد ریس که توسط سازمان مخفی حزب کمونیست ایران اداره میشد.

ازسند اصلی جلسه مشاوره احزاب برادر

وحدت عمل نیروهای ضد امپریالیسم

وضع معاصر اجتماعی - سیاسی در جهان امکان میدهد که نبرد علیه امپریالیسم به سطح نوینی ارتقا داده شود. باتشديد تعرض علیه امپریالیسم میتوان به برتری قاطع بروی دست یافت ، سیاست تجار و زوی و جنگی وی را د چار شکست نمود .

این امر موگدا اتخاذ تد ابیر و عمل مشخص در تمام قاره هارا ایجاب میکند، بخاطر آنکه برابر نیروها ی دموکراتیک و مترقی ، تمام کسانیکه علاقمند به حل مسائل مهم مبتلا به بشریت اند ، علاقمند به حل مسئله ی صلح و امنیت خلقها هستند ، دور نمای روشنی نهاد ه شده .

احزاب کمونیست و کارگری شرکت کنند در کنفرانس با آگاهی به مسئولیت تاریخی خویش ، به تمام کمونیستهای جهان ، به تمام دشمنان امپریالیسم ، به تمام کسانیکه حاضرند در راه صلح ، آزادی ، و ترقی مبارزه کنند ، خطاب کرده و آنها را بوحثت عمل قرا میخوانند .

ارد بیبهشت ۱۳۱۶

بازداشت ۵۳ نفر کمونیست ایرانی .

سال ۱۳۱۷

تشکیل اتحادیه ی مخفی کارگران راه آهن شمال .

سال ۱۳۱۷

محاکمه ی ۵۳ نفر .

۱۴ بهمن سال ۱۳۱۸

شهادت دکتر ترقی ارانی در زندان رضاشاه .

درباره‌ی این تقویم

تقویمی که از وقایع زندگی حزب توده‌ی ایران در صفحات آینده بخوانندگان ارجمند ارائه میشود، تا آنجاکه مامید انیم کاملترین فهرستی است که از این وقایع تاکنون تنظیم شده است، ولی با اینحال مسلماً دارای نقائص متعددی است، زیرا در دسترس نبودن اسناد و مدارک کافی این وضع را ناگزیر میساخته است. علاوه بر وقایع حزب توده‌ی ایران برخی از وقایع عمومی کشور و جهان نیز در متن تقویم حزب گنجانده شده است. ولی البته ما بهیچوجه قصد نداشته‌ایم در اینجا وقایع نامهای از حوادث جهان و ایران طی سالهای مورد نظر تنظیم کنیم. عکسها و تصاویری نیز در متن تقویم چاپ شده که آن نیز در چارچوب امکانات محدود کنونی ما بوده و ملاک خاصی را در این زمینه نمیتوانستیم مراعات کنیم. از خوانندگان ارجمند این تقویم تقاضا داریم هرگاه به نقص مهمی برخوردند ما را به‌وسیله که صلاح میدانند از نظر خویش مطلع سازند تا در کارهای نظیر آتی در نظر گرفته شود.

تاریخ هائی از زندگی حزب توده ایران

سال ۱۳۲۰ - ۱۳۴۸

سال ۱۳۲۰

۳ شهریور ۱۳۲۰

ورود نیروهای متفقین به ایران و پایان دیکتاتوری بیست ساله ی رضاشاه سرسلسله ی خاندان پهلوی •

۲۸ شهریور ۱۳۲۰

آزادی عده ای از زندانیان سیاسی •

۷ مهرماه ۱۳۲۰

تشکیل جلسه ی مؤسسان حزب و انتخاب کمیته ی مرکزی موقت حزب توده ی ایران بریاست سلیمان محسن اسکندری یکی از رجال آزاد پخواه صدر مشروطیت •

۱۰ مهرماه ۱۳۲۰

روزنامه سیس حزب توده ی ایران - این روز با روز جشن باستانی مهرگان تطبیق میکند •

۲۴ مهرماه ۱۳۲۰

تصویب قانون غوغوی زندانیان سیاسی در مجلس دوازدهم •

۱۲ بهمن ۱۳۲۰

انتشار نخستین شماره ی روزنامه ی ضد فاشیستی "مردم"



۱۴ بهمن ۱۳۲۰

نخستین میتینگ عظیم حزب بمناسبت دومین سال شهادت دکتر ارانی رهبر زحمتکشان ایران - دکتر ارانی در تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ در زندان رضا شاه بشهادت رسید.

دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران

۳ اسفند ۱۳۲۰

انتشار روزنامه ی "سیاست" بعنوان ارگان مرکزی حزب • در نخستین شماره ی این روزنامه اصول اساسی مرام حزب انتشار یافت •

اسفند ماه ۱۳۲۰

تشکیل شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران •

سال ۱۳۲۱

۱۷ مهر ۱۳۲۱

اولین کنفرانس ایالتی تهران تشکیل شد. در این کنفرانس ۱۲۰ نماینده حضور داشت که ۳۳ نفر آن از شهرستانها دعوت شده بودند. در این کنفرانس علاوه بر سایر تصمیمات، ماده‌ی مربوط به لزوم تأمین حقوق سیاسی زنان در برنامه‌ی حزب گنجانده شد. کنفرانس ایالتی و کمیسیون تفتیش ایالتی تهران انتخاب گردید و قرار شد تا تشکیل کنگره‌ی اول حزب، این دو ارگان به‌مثابه ارگانهای مرکزی فعالیت کنند.

۱۰ بهمن ۱۳۲۱

نخستین شماره‌ی روزنامه‌ی "رهبر" ارگان مرکزی حزب بجای روزنامه‌ی سیاست ارگان قبلی، انتشار یافت. این روزنامه از نظر کثرت انتشار و مین روزنامه‌ی کشور بود.

سال ۱۳۲۲

اول فروردین ۱۳۲۲

تشکیل سازمان جوانان حزب توده‌ی ایران.

خرداد ۱۳۲۲

تشکیل نخستین اتحادیه‌های دهقانی در اطراف تهران و در برخی استانها بویژه آذربایجان. این اتحادیه‌ها به همت و فعالیت اعضا* حزب توده‌ی ایران پدید شد و بزودی به نیروی دهقانی وسیع و مبارزی بدل گردید.

تیر ۱۳۲۲

* تشکیلات دموکراتیک زنان ایران* آغاز فعالیت نمود و طی زمان کوتاهی موفق شد هزاران زن را در سراسر

کشور د ربارزه برای کسب حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خویش متشکل کند. این سازمان از پشتیبانی و راهنمایی همه ی سازمانهای دموکراتیک و مترقی و در رأس آنان حزب تودهی ایران برخوردار بود.

۲۵ مهر ۱۳۲۲

نمایش چهل هزار نفری اعتقاداً حزب تودهی ایران بمنظور افشای توطئه ی سیاسی سید ضیاءالدین طباطبائی .

۲۹ مهر ۱۳۲۲

تصویب موافقتنامه ی "ساعت - د ریغوس" . بموجب این موافقتنامه ، ژاندارمری ایران برای بااصطلاح "تجدید سازمان" در اختیار افسران امریکائی قرار گرفت .

۷ آذر ۱۳۲۲

تشکیل کنفرانس تهران
با شرکت سران کشور -
های متفق، استالین،
روزولت، چرچیل .

این کسب بمناسبت دهمین سال
انقلاب اکتبر است . سلیمان میرزا
و فرخی از طرف حزب کمونیست
اتحاد شوروی دعوت شده اند .
(از راست بچپ : سلیمان میرزا
فرخی یزدی ، نفر سوم شناخته
نشده)



درگذشت سلیمان
محسن اسکندری راجل
آزاد یخواه صد رمشروطیت
و از بنیاد گزاران و
رهبران حزب تودهی
ایران .

۱۶ دی ۱۳۲۲

آغاز فعالیت فراکسیون حزب توده ی ایران در مجلس شورا • اعضا* فراکسیون از نقاط زیرانتخاب شد • پیوند:
 ۱- دکترراد منش از لاهیجان ، ۲- ایرج اسکندری از مازندران ، ۳- عبدالصمد کامبخش از قزوین ،
 ۴- ارد شیراوانسیان از جانب ارامنه ی شمال (رضائیه) ، ۵- دکتر فریدون کشاورز از بندر پهلوی ، ۶- پروین
 گنابادی از سبزوار ، ۷- تقی فد اکار از اصفهان ، ۸- شهاب فردوس از فردوس •

سال ۱۳۲۳

۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۳

"شورای متحد" ی مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران* با شرکت چهار سازمان سندیکائی تا ۳۰ سپتامبر
 روزنامه ی "ظفر" بعنوان ارگان شورای متحد ی مرکزی انتشار یافت • شورای متحد در همان آغاز ۳۰۰۰
 نفر عضو داشت و بزودی توانست بیش از ۹۰٪ کارگران ایران را در صفوف خود متشکل کند •

۱۰ مرداد ۱۳۲۳

افتتاح نخستین کنگره ی حزب توده ی ایران - ۱۶۴ نفر در این کنگره شرکت داشتند • کنگره برنامه و
 اساسنامه ی حزب را تصویب نمود • در روز ۲۱ مرداد پس از ۱۱ روز فعالیت پرشمار بکار خود پایان داد •

تابستان ۱۳۲۳

به ابتکار حزب توده ی ایران و یاد عوت حزب ما ، جبهه ای از مدبران جرائد مترقی مرکز و ولایات ، نویسند
 گان و نمایندگان گروهها و دسته های مترقی بنام "جبهه ی آزادی" تشکیل شد • ۴۴ روزنامه یعنی نصف تمام
 جرائد منتشره در کشور پند ریج در این جبهه عضویت یافتند • هدف جبهه مبارزه علیه هرگونه سیاست
 استعماری و برقراری حکومت ملی بر اساس قانون اساسی بود •

مهر ۱۳۲۳

تشکیل سازمان "اتحادیه دهقانان" وابسته به حزب توده ی ایران در تهران • عمده ترین مواد مراننامه
 این اتحادیه عبارت بود از مبارزه علیه رژیم ارباب - رعیتی ، تقسیم بلا عوض زمینهای خالصه ، بازخرید و

تقسیم بلاعوض زمینهای اریایی • این اتحادیه در برخی شهرستانها دارای سازمانهای وسیع بود •

۲۹ آذر ۱۳۲۳

تصادم شدید بین کارگران شاهی و چاقوکشان حزب وطن که بکمک دسته‌های مسلح پرسرکارگران ریختند •
در این جریان عده‌ای از کارگران کشته و عده‌ی زیادی مجروح شدند •

۴ بهمن ۱۳۲۳

آتش زدن کلوپ حزب توده ی ایران توسط عناصر منتسب به سید ضیاء الدین طباطبائی •

سال ۱۳۲۴

۱ فروردین ۱۳۲۴

یورش عمومی به سازمانهای حزب توده ی ایران و اتحادیه های کارگری در اصفهان •

۲ فروردین ۱۳۲۴

برای نخستین بار گروه‌ها نظامی ما مورجولوگیری از حرکت زحمتکشان برهبری حزب توده ی ایران بطرف
مجلس ، از اجرای دستور فرمانداری نظامی سرپاز زد و راه را برای نمایش دهندگان باز نمود •

۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۴

نخستین رژه ی زحمتکشان برهبری حزب توده ی ایران و شورای متحد ه ی مرکزی بمناسبت روز اول ماه مه •
در این روز در تهران ۸۰۰۰۰ نفر و در ولایات ۲۵۰۰۰۰ نفر رژه رفتند •

۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴

پایان جنگ جهانی دوم - پیروزی برفاشسم هیتلری •

۱۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۴

میتینگ ۴۰ هزار نفری حزب توده ای ایران و شورای متحد ه ی مرکزی بافتخار پیروزی برفاشیسم هیتلری .

۹ خرداد ۱۳۲۴

نخستین اعتصاب کارگران نفت کرمانشاه تحت رهبری اتحادیه ی مخفی محلی شروع شد . خواستهای کارگران هشت ساعت کارد رروز، یکروز مرخصی در هفته، مرخصی سالیانه با استقاده از حقوق، افزایش دستمزد، برسمیت شناختن اتحادیه ها، برابری مزد و شرایط کار با کارگران خارجی شرکت نفت . اعتصاب بزور مدبران انگلیسی شرکت نفت درهم شکست و ۴۰۰ نفر از کارگران از مجموع ۹۵۰ نفر اخراج شدند .

اول تیر ۱۳۲۴

اعتصاب کارگران قسمتی از پالایشگاه آبادان - این اعتصاب با موفقیت به پایان رسید و دستمزد کارگران از ۲۴ ریال به ۳۰ ریال و از ۳۰ ریال به ۳۵ ریال و از ۳۶ ریال به ۳۸ ریال افزایش یافت . ۵۰۰۰ کارگر پالایشگاه مشمول این اضافه دستمزد شدند .

تیر ۱۳۲۴

تشکیل حزب دمکرات ایران توسط قوام السلطنه نخست وزیر وقت . این حزب با کمک نیروهای انتظامی علیه حزب توده ای ایران دست بکار شد .

۲۶ مرداد ۱۳۲۴

تشکیل دومین کنفرانس ایالتی سازمان تهران - ۱۹۲ نفر نمایند ه در این کنفرانس حضور داشتند . کنفرانس در تاریخ ۲۹ مرداد پایان یافت .

۲۷ مرداد ۱۳۲۴

قیام افسران خراسان و تهران - قیام شب ۲۴ مرداد در مشهد آغاز شد . کاروان افسران قیام کنند ه پس از خلع سلاح پادگان مراوتیه بسوی دشت ترکمن صحرا بحرکت درآمد . در حوالی گرگان گروه کوچکی از افسران تهران بقیام کنندگان پیوستند و با اتفاق بسوی گنبد قابوس حرکت کردند ، ولی واحد های ژاندارم و پلیس که دستور قتل عام افسران را داشتند ، باران گلوله بر سر آنان ریختند . نام شهید ۱۰ حادثه ی گنبد قابوس چنین است :

- ۱- سرگرد اسکندانی ۲- ستوان یکم شهبازی ۳- ستوان یکم نجدی
- ۴- ستوان یکم مینائی ۵- ستوان دوم نجفی ۶- سر جوخه بهلول
- ۷- سرباز قره وشی *

اول شهریور ۱۳۲۴

تبعید عده ای از افسران عضو حزب توده ایران به کرمان و زندانی کردن آنها در آنجا *

۱۲ شهریور ۱۳۲۴

تشکیل فرقه ی دمکرات آذربایجان *

۱۰ مهر ۱۳۲۴

در تظاهراتی که بمناسبت پنجمین سالگرد حزب در تهران برگزار شد ، صد هزار نفر شرکت کردند *

۱۱ مهر ۱۳۲۴

تشکیل فدراسیون سندیکائی جهانی *

۳ آبان ۱۳۲۴

تشکیل اولین کنگره ی حزب دمکرات کردستان *

۱۸ آبان ۱۳۲۴

تشکیل فدراسیون جهانی جوانان دمکرات

۲۵ آبان ۱۳۲۴

این روز ، روز بین المللی دانشجویان شناخته شد *

آبان ۱۳۲۴

شرکت فرقه ی دمکرات آذربایجان ، حزب دمکرات کردستان ، حزب جنگل و حزب سوسیالیست در جنبه
(۱۸۹)

مؤتلف احزاب آزاد پخواه.

۱۳۲۴ آذر ۹

تشکیل فد راسیون دمکراتیک بین المللی زنان — تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و سازمان زنان ایران که قبل از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ فعالیت پر دامنه ی منحصر بفردی در بین زنان ایران داشتند ، هر دو عضو فد راسیون دمکراتیک بین المللی زنان هستند.

۱۳۲۴ آذر ۲۱

تشکیل حکومت ملی در آذربایجان .

۱۳۲۴ بهمن ۲

تشکیل حکومت ملی در کردستان .

۱۳۲۴ اسفند ۱۹

صد ورق قطعنامه ی مشترک حزب توده ی ایران و شورای متحد ه ی مرکزی علیه تصمیم مربوط به تمسک دید مجلس چهاردهم .

۱۳۲۴ اسفند ۲۶

اعلام گرسنگی افسران زندانی در کرمان .

سال ۱۳۲۵

۱۳۲۵ اردیبهشت ۱۱

دولت قوام طبق تصویب نامه ی هیئت وزیران ، قانونیت مطالبات و خصلت دمکراتیک جنبش آذربایجان را

مورد تأیید قرار داد.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۵

متجاوز از ۷۰۰۰۰۰ نفر کارگرد رسراسر ایران در جشن اول ماه مه شرکت کردند. این بزرگترین جشن کارگری ایران بوده است. اتحادیه های کارگری خوزستان که تا آنوقت مخفی بودند علناً در جشن اول ماه مه شرکت کردند.

۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۵

اعتصاب ۱۰۰۰۰ کارگرفت در آغاچاری — هدف اعتصاب اضافه دستمزد، تأمین حداقل وسائل بهداشتی، تأمین آب آشامیدنی و یخ برای کارگران بوده. این اعتصاب ۱۴ روز طول کشید و موفقیت خاتمه یافت.

۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۵

قانون کار و نیز قانون کسر ۱۵٪ از بهره ی مالکانه بتصویب رسید.

۲۳ تیر ۱۳۲۵

در این روز ۸۰۰۰۰ کارگرمناطق نفت خیز خوزستان و مؤسسات کمپانی سابق نفت دست به اعتصاب زدند. کارگران عزل استاند ارزد و خوزستان، انحلال دستگاه سیاسی کمپانی و اجابت تقاضاهای حقه اقتصادی خود و از جمله اجرای کامل قانون کار و پرداخت دستمزد روز جمعه را میخواستند. اعتصاب کارگران نفت منجر به اعتصاب همگانی شد و سایر زحمتکشان مناطق نفت خیز نیز به اعتصاب پیوستند. کمپانی توانست با استفاده از تفنگداران روسای قبایل، عمال حکومت نظامی و ژاندارمری، کارگران بی سلاح را دستار کنند. در این جریان ۴۷ نفر از کارگران شهید و ۱۷۰ نفر زخمی شدند. اما کارگران قهرمان خوزستان حتی پس از این جنایت وحشیانه باز هم به اعتصاب درخشان خود ادامه دادند و تنها پس از اینکه مقامات شرکت سابق بود و بقبول تقاضاهای اقتصادی کارگران مجبور شدند اعتصاب خاتمه یافت.

۱ مرداد ۱۳۲۵

شرکت نمایندگان جیبه ی مؤتلف در دولت ائتلافی قوام — از حزب توده ی ایران: ابرج اسکندری وزیر اقتصاد، دکتر فریدون کشاورز وزیر فرهنگ و دکتر یزدی وزیر بهداشت. از حزب ایران الهیار صالح وزیر دادگستری.

(۱۹۱)

۱۰ مرداد ۱۳۲۵

مسافرت لوئی سایان دبیر "سند یکای جهانی کارگران" به ایران، شناسائی شورای متحده ی مرکزی از طرف "سند یکای جهانی" بعنوان یگانه سند یکای واقعی زحمتکشانشان ایران.

۲۳ مرداد ۱۳۲۵

امضاء قرارداد ی در ۱۵ ماده بین دولت مرکزی و جنبش دمکراتیک آذربایجان.

۲۴ مهر ۱۳۲۵

تصمیم به خروج نمایندگان جبهه ی مؤلف از دولت واستعفا ی آنان.

۹ آذر ۱۳۲۵

شهادت سرهنگ محمود قاضی اسد الهی در سنگرمبارزه با باند ضد انقلابی ذوالفقاری در جریان جنبش دمکراتیک آذربایجان.

۲۱ آذر ۱۳۲۵

سرکوب جنبش دمکراتیک در آذربایجان و کردستان ایران - هزارهائفر در شهرها و روستاهای آذربایجان بوسیله ی مأمورین انتظامی و اوباش بقتل رسیدند و دههاتن از مبارزان نهضت دمکراتیک تبریزاران یا بدار آورخته شدند و از انجمله اند: نوراله یکانی، خلیل آذربادان، داداش تقی زاده، فریدون ایزمیی، میرزاریع کبیری، محمد امین آزاد وطن، قربانعلی (قلی) صبحی نوری، میرایوب شکبیا، غلامرضا جاویدان، حسین نوری، محمد علی رامتین.

۲۹ آذر ۱۳۲۵

جلسه ی مشورتی کادرهای مرکزی حزب برای تصمیم در باره ی رفع بحران حزب و رد هرگونه روش فراكسیون

۴ دی ۱۳۲۵

تشکیل جلسه ی مشترك اعضا همیته ی مرکزی، کمیسیون تفتیش کل و کمیسیون ابالتی تهران. از میان اعضا

این جلسه شورای حزب و هیئت اجرائیه ی موقت انتخاب شدند .

۱۰ دی ۱۳۲۵

اعدام جمعی افسران د تبریز . اینها افسران عضو حزب تود هی ایران بودند که به جنبش د مکراتیک آذربایجان پیوستند و پس از شکست جنبش بدست حکومت شاه گرفتار و تیرباران شدند . تعداد این افسران ۳۳ نفر بود ، از جمله اند : سرهنگ عظیمی ، سرهنگ مرتضوی ، سرگرد الهی ، سرگرد جودت ، سرگرد جعفر سلحله سرگرد حبشی ، سرگرد قاسمی ، سروان دبیرنیا ، سروان سفائی ، ستوان سنائی ، سروان غاریان ، ستوان کیانی .

۱۵ دی ۱۳۲۵

هیئت اجرائیه موقت تصمیم گرفت روزنامه " مردم بجای روزنامه " رهبر " بعنوان ارگان مرکزی حزب منتشر گردد .

سال ۱۳۲۶

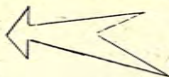
روز شهادت قهرمانانه رهبران جنبش کردستان ، قاضی محمد ، صدر قاضی و محمد حسین سیف قاضی . جنبش کردستان خواهان تأمین حقوق د مکراتیک خلق کرد در کنار سایر خلقهای ایران بود . جنبش کردستان د شرایطی که موج ترور سراسر کشور را فرا گرفته بود سرکوب و رهبران آن بدستور شاه اعدام شدند . نام ارجمند شهید ای نهضت کردستان پیوسته الهام بخش آزاد یخواهان و میهن پرستان ایرانی خواهد بود .



قاضی محمد

۰ آفروردین ۱۳۲۶

اول خرداد ۱۳۲۶



(۱۹۳)

در این روز جلادان شاه ، فریدون ابراهیمی عضو حزب توده ی ایران و یکی از رهبران جنبش د مکراتیک آذربایجان را د تبریز اراویختند .

۱۱ تیر ۱۳۲۶

تشکیل سومین کنفرانس ایالتی تهران



شاد روان میرجعفر پیشه وری

درگذشت شاد روان میرجعفر پیشه وری یکی از رهبران جنبش دموکراتیک آذربایجان و حزب کمونیست ایران

۲۰ تیر ۱۳۲۶

۱۳ مهر ۱۳۲۶

امضا* قرارداد نظامی بین ایران و آمریکا • این قرار داد یک هیئت نظامی افسران آمریکائی را در امور نظامی ایران دخالت داد و تمام اسرار و اطلاعاتی را که برای اجرا* ما موریت افسران آمریکائی ضروری بود در اختیار آنها میگذارد • امضا* این قرارداد با مخالفت شدید عناصر ملی و قبل از همه حزب توده ی ایران روبرو شد •

۱۳ دی ۱۳۲۶

گروه خلیل ملکی از حزب توده ی ایران انشعاب نمود •

۲ بهمن ۱۳۲۶

اعلامیه ی گروه انشعابی خلیل ملکی و انورخامه* مبنی بر انحلال خود •

سال ۱۳۲۶

تشکیل نخستین کنگره ی سازمان جوانان توده ی ایران •

سال ۱۳۲۷

فرودین ۱۳۲۷

اقدام حزب برای جمع آوری نیروهای مترقی و مبارزه ی مشترک علیه دیکتاتوری • نتیجه ی این اقدام تشکیل

"جبهه‌ی مطبوعات ضد دیکتاتوری" بود که در مدت قلیلی ۴۷ روزنامه در آن عضویت یافتند.

۱۳۲۷ اردیبهشت

دومین کنگره‌ی حزب تشکیل گردید. در کنگره ۱۱۸ نماینده از کلیه‌ی سازمانهای حزبی بغیر از آذربایجان و کردستان شرکت داشتند. در برنامه و اساسنامه‌ی حزب تغییراتی بعمل آمده که از جمله افزایش تعداد اعضا، کمیته‌ی مرکزی بود. کنگره ۱۹ نفر را برای عضویت اصلی و ۱۶ نفر را برای عضویت مشاور کمیته‌ی مرکزی انتخاب نمود.

۱۳۲۷ اردیبهشت

پلنوم اول کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران.

۱۳۲۷ خرداد

پلنوم دوم کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران.

۱۳۲۷ مهر ۲۲

پلنوم سوم کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران (قطعنامه‌های پلنومهای سه گانه در مجله‌ی "مسائل حزبی" نشر یافته است).

۱۳۲۷ بهمن ۱۵

تیراندازی به شاه در صحن دانشگاه توسط ناصر فخرآرایی.

۱۳۲۷ بهمن ۱۶

حکومت دیکتاتوری شاه بیپهانه‌ی "سو" قصد علیه شاه با صدور تصویبنامه‌ی حزب توده‌ی ایران را غیرقانونی اعلام نمود و متعاقب آن تعرض عمومی ارتجاع علیه حزب توده‌ی ایران، سازمانها و اعضا، آن آغاز گردید. عده‌ای از اعضا، کمیته‌ی مرکزی و صد هانفر از اعضا، حزب بازداشت شدند.

۱۳۲۷ آذر ۱۹

تصویب اعلامیه‌ی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

آغاز محاکمه ی ۱۴ نفر سران حزب توده ی ایران که ۶ نفر آن عضو کمیته ی مرکزی و ۸ نفر از فعالین حزبی بودند

سال ۱۳۲۸

۱ اردیبهشت ۱۳۲۸

تشکیل مجلس مؤسسان دوم پفرمان شاه • این مجلس برخلاف قانون اساسی حق انحلال مجلسین را پشاه تصویب نمود و تغییرات دیگری بسود شاه در قانون اساسی بعمل آورد.

تیرمال ۱۳۲۸

امضا قرارداد معروف " گس - گلشائیان " • این قرارداد مکمل قرارداد نفت ۱۹۳۳ بود.

۱۰ مهر ۱۳۲۸

انتشار دومین دوره ی روزنامه ی مردم پس از غیرقانونی شناخته شدن حزب در بهمن ۱۳۲۷ - انتشار روزنامه " مردم " واقعه ای بود که در سراسر کشور طنین انداخت • خبرنگار روزنامه ی مخفی " مردم " تقریباً در تمام جرائد مرکز درج گردید.

دی ۱۳۲۸

امضا قرارداد ایران و امریکا درباره ی باصطلاح " کمک متقابل بمنظور دفاع " •

۱۵ بهمن ۱۳۲۸

نخستین شماره ی " رزم " ارگان کمیته ی مرکزی سازمان جوانان توده ی ایران در دوران مبارزه ی مخفی پس از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ انتشار یافت.

سال ۱۳۲۹

۴ اردیبهشت ۱۳۲۹

اعتصاب کارگران کارخانه ی نساجی شاهی • این نخستین اعتصاب پس از بهمن ۱۳۲۷ بود • اعتصاب از طرف دولت غیرقانونی اعلام شد و به زد و خورد بانبروهای انتظامی انجامید • پنج نفر از کارگران بدست مأموران فرمانداری نظامی بقتل رسیدند •

۸ اردیبهشت ۱۳۲۹

اعتصاب دانشجویان دانشکده ی پزشکی دانشگاه تهران — سایر دانشکده ها هانیز برای همبستگی با اعتصاب کنندگان اعتصاب نمودند •

تشکیل جمعیت ایرانی هواداران صلح — در راس این جمعیت ملک الشعراء بهار شاعر و ادیب و سیاستمدار معروف ایران قرار داشت • وی با وجود بیماری تا پایان عمر مجدانه از امر صلح دفاع نمود • جمعیت ایرانی هواداران صلح از پشتیبانی همهی سازمانهای دموکراتیک و مترقی و در راس آنان حزب تود • ی ایران برخوردار بود •



۱۴ خرداد ۱۳۲۹

۲۵ آذر ۱۳۲۹

فرار اعضا کمیته ی مرکزی حزب تود • ی ایران و رفیق خسرو روزبه از زندان قصر •

آذر ۱۳۲۹

نمایش دانشجویان و انتشار اعلامیه ای از طرف سازمانهای دانشجویی در تهران مبنی بر تقاضای خروج استعمارگران انگلیس از ایران.

دی ۱۳۲۹

تشکیل "جمعیت ملی مبارزه با شرکت استعماری نفت جنوب" در کنگره ی اول این جمعیت که در آخر اردی بهشت سال ۱۳۳۰ تشکیل شد نام آن به "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" تبدیل گردید. این جمعیت روزنامه ی "شهباز" را ارگان مرکزی خود قرارداد. "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" از پشتیبانی همسازانها د مکراتیک و مترقی و در رأس آنان حزب توده ی ایران برخوردار بود.

۲۷ بهمن ۱۳۲۹

نخستین میتینگ "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" با شرکت دهها هزار نفر در تهران تشکیل شد.

۱۴ اسفند ۱۳۲۹

امضا قرارداد دو جانبه ی ایران و امریکا.

اسفند ۱۳۲۹

رزم آراء بدست خلیل طهماسبی بقتل رسید.

۲۹ اسفند ۱۳۲۹

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت.

۲۹ اسفند ۱۳۲۹

اعتصاب ۸۰۰۰ کارگر بند رمعشور برای جلوگیری از کاهش دستمزد.

سال ۱۳۳۰

تشکیل "کانون جوانان دمکرات ایران" .

انتشار نخستین شماره روزنامه "ظفر" مخفی ارگان شورای متحده مرکزی .

صادق هدایت نویسنده و محقق دانشمند در پاریس خودکشی کرد . آثار هدایت هم در ادبیات ایران و هم در ادبیات جهان جای برجسته ای دارد .

اعتصاب ۴۰۰۰ کارگرفت آبادان . این اعتصاب ۱۲ روز طول کشید . بسیاری از سازمانهای کارگری و دانشجویی در تهران و شهرستانها با اعتصابیون همدردی کردند . این اعتصاب در امر ملی کردن صنعت تا " شیر نمود " .

ملك الشعرا " بهار شاعر و سیاستمدار معروف ایران و رئیس جمعیت هوا داران صلح درگذشت . فعالیت بهار در سالهای آخر زندگیش در جنبش صلح او را بحق مورد احترام مردم قرار داد .

(۱۹۹)



فروردین ۱۳۳۰

فروردین ۱۳۳۰

۱۹ فروردین ۱۳۳۰

۴ آفروردین ۱۳۳۰

۱ اردیبهشت ۱۳۳۰

۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۰

تشکیل دولت ملی دکتر مصدق و تصویب قانون خلع ید از شرکت استعماری نفت.

۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۰

تشکیل "سازمان زنان ایران" - این سازمان که از پشتیبانی همه ی سازمانهای دمکراتیک و مترقی و در رأس آنان حزب توده ی ایران برخوردار بود در اندک مدتی توانست قشرهای مختلف زنان را در صفوف خود متشکل کند. سازمان زنان ایران بخصوص در زمینه ی تغییر قانون انتخابات و لزوم شرکت زنان در انتخابات فعالیت درخشانی کرد.

اردیبهشت ۱۳۳۰

تشکیل د مونسراسیون صلح - این د مونسراسیون با شرکت دهها هزار نفر از مردم تهران تشکیل شد.

۷ خرداد ۱۳۳۰

نمایش زحمتکشان ایران برهبری حزب توده ی ایران و جمعیت ملی مبارزه با استعمار بمناسبت هجدهمین سال قرارداد ننگین ۱۹۲۳ - این نمایش در تمام شهرهای ایران با استقبال خوزستان که در آن حکومت نظامی اعلام شده بود انجام شد. در تهران ۱۰۰۰۰ نفر شرکت کردند.

۲۹ خرداد ۱۳۳۰

تصمیم به خلع ید از شرکت غاصب نفت از طرف جلسه ی مشترك هیئت دولت و کمیسیون مختلط نفت.

۷ تیر ۱۳۳۰

میتینگ عظیم ضد استعماری مردم تهران به پشتیبانی از مبارزه علیه شرکت غاصب نفت.

۲۳ تیر ۱۳۳۰

هریمن مشاور مخصوص ترومن رئیس جمهور امریکا برای باصطلاح حل مسئله ی نفت به ایران آمد. جمعیت

ملی مبارزه با استعمار بمناسبت پنجمین سال قاجعه ی ۲۳ تیر ۱۳۲۵ و برای اعتراض به ورود هرمن د لال نفت نمایش عظیمی ترتیب داد. نیروهای انتظامی به تظاهرات مسالمت آمیز مردم حمله بردند و تظاهرات بخون کشیده شد. عده ی زیادی مقتول و مجروح شدند.

۱۴ آذر ۱۳۳۰

تظاهرات وسیع دانشجویان و دانش آموزان که منجر به قتل عده ای از دانشجویان و سیله ی نیروهای انتظامی و اقدامات غارتگرانه و تخریبی اوپاش درباری بسرکردگی شعبان جعفری گردید.

۱۸ دی ۱۳۳۰

تمدید قرارداد نظامی ایران و امریکا.

۲۱ دی ۱۳۳۰

امضا قرارداد با اصطلاح "کمک" فنی بین ایران و امریکا. بموجب این قرارداد بازارهای ایران در اختیار دولت امریکا قرار گرفت.

۱۵ اسفند ۱۳۳۰

تشکیل کنفرانس "جمعیت ایرانی حمایت کودک". این جمعیت از پشتیبانی همهی سازمانهای دمکراتیک و مترقی و در رأس آنان حزب توده ی ایران برخوردار بود.

سال ۱۳۳۰

تشکیل فستیوال ملی جوانان و دانشجویان.

سال ۱۳۳۱

۱ فروردین ۱۳۳۱

در این روز تظاهراتی از طرف "کانون جوانان دمکرات" انجام گرفت که منجر به کشته شدن ۸ نفر از جوانان (۲۰۱)

گردید (*)

۷ خرداد ۱۳۳۱

اجراء قانون خلع پید بدست حکومت ملی دکتر مصدق .

۱۲ خرداد ۱۳۳۱

تشکیل نخستین "کنگره ملی صلح" در تهران . از سراسر کشور در این کنگره شرکت جستند .

۹ تیر ۱۳۳۱

اعصاب غذای زندانیان سیاسی شیراز - این اعتصاب ۱۳ روز بطول کشید . هدف اعتصاب اعتراض به دخالت دولت در انتخابات فارس بود .

۲۶ تیر ۱۳۳۱

استعفای دکتر مصدق بمنظور اعتراض به عدم موافقت شاه با واگذاری تصدی وزارت جنگ .

۲۷ تیر ۱۳۳۱

صدور فرمان نخست وزیری قوام از جانب شاه .

۲۸ تیر ۱۳۳۱

انتشار اعلامیه ی "جمعیت مبارزه با استعمار" در مخالفت با حکومت قوام .

۳۰ تیر ۱۳۳۱

در این روز مردم ضد استعمار ایران قطع نظر از اختلافات مسلکی ، بقصد واژگون کردن دولت قوام و عطیسه مدخلات غیرقانونی شاه دوش بدوش هم بمیدان آمدند . کشتاری که در همه جا منجمله در تهران از مردماز

سند

(*) تنها از میان شهدای نام رفیق شهید قازار سرکیمیان برای ماروشن است . از خوانندگان گرامی تقاضا دارم نام ۷ نفر شهید دیگر را برای ما بفرستند .

(۲۰۲)

جان گذشته شد از صفحات سیاه تاریخ سلطنت محمد رضا شاه است . اما شرکت متحد و مشترک تمام محافل
ضد استعماری و ملی در این نبرد و پیوستن عدّه ای از افسران آزاد پخواه به مردم ، شاه را ناگزیر به عقب
نشینی نمود . دولت قوام السلطنه سقوط کرد و دکتر مصدق مجدداً بر سر کار آمد .

۳۰ مرداد ۱۳۲۱

تصویب لایحه ی اختیارات دکتر مصدق در مجلس سنا .

۲۴ مهر ۱۳۲۱

دولت دکتر مصدق با انگلستان قطع رابطه ی سیاسی نمود .

۴ آبان ۱۳۲۱

در این روز، جشن تولد شاه در امجدیه به صحنه ی نبرد بین مردم و نیروهای انتظامی مبدل شد . از کنار
جایگاه شاه و در سراسر میدان فریاد " مرگ بر شاه " یگوش میرسید . صد هانفرد این جریان مجروح و کشته
شدند . این تظاهرات از جانب حزب توده ی ایران سازمان داده شده بود .

۹ اسفند ۱۳۲۱

توطئه ی شاه و مرتجعین داخلی و امپریالیستهای غربی دکتر مصدق - این توطئه به علت هشجاری حزب توده
ایران و اعلام آن شکست خورد .

سال ۱۳۲۲

اردیبهشت ۱۳۲۲

اولین کنگره ی ملی زنان ایران به ابتکار سازمان زنان در تهران تشکیل شد . در این کنگره قریب ۱۰۰۰ نفر
(۲۰۳)

از سراسر کشور شرکت کردند. در این کنگره قطعنامه ای بتصویب رسید که مهمترین بخش آن تصریح لزوم تأمین حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان بود.

۲۹ خرداد ۱۳۳۲

میتینگ بزرگی در بابل برای اعتراض به دخالت شاه و دربار در امور کشور برگزار شد. در این جریان عدای مقتول و مجروح شدند.

۶ تیر ۱۳۳۲

بسیست هزار نفر کارگران کوره پزخانه های تهران دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران ۲۵ درصد اضافه دستمزد و اجرای لایحه بیمه های اجتماعی بود. این اعتصاب ۱۰ روز طول کشید و با پیروزی کارگران به پایان رسید.

۱۹ تیر ۱۳۳۲

تشکیل "فستیوال ملی جوانان ایران" - در این فستیوال هزاره نامایند جوانان سراسر کشور شرکت کردند.

۱۲ مرداد ۱۳۳۲

در این روز رفراندوم دولت دکتر مصدق بمنظور انحلال مجلسی که نمایندگان مرتجع و طرفدار امپریالیسم در آن کمین کرده بودند در تهران انجام شد. در این رفراندوم حزب توده ی ایران فعالانه شرکت جست و دهها هزار نفر از مردم تهران رأی امربسیج نمود. این رفراندوم از مشهورانه ترین اقدامات دکتر مصدق علیه اختیارات نامحدود شاه و ضربه ی بزرگی بر قدرت وی بود که انحلال مجلس راحق خود میدانست.

۱۹ مرداد ۱۳۳۲

در این روز میلیونها نفر از مردم شهرستانها در رفراندوم دکتر مصدق شرکت کردند و به انحلال مجلس رأی دادند.

۲۲ مرداد ۱۳۳۲

صد و فرمان نخست وزیر زاهدی و عزل دکتر مصدق از طرف شاه.

(۲۰۴)

۲۵ مرداد ۱۳۳۲

کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر مصدق باشکست رو برو شد. نمایندگی شاه (سرهنک نصیر) که مأمور ابلاغ عزل نخست وزیر قانونی بود توقیف گردید. شاه که توطئه اش افشاشده بود از بیم مردم سراسیمه از کشور گریخت.

۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در این تاریخ مرتجعترین محافظ حاکمهای ایران بسرکردگی شاه با پشتیبانی امپریالیسم امریکا و انگلیس علیه نهضت ملی ایران دست به توطئه زدند. کودتای تحت نظر آلن دالس رئیس سازمان جاسوسی امریکا انجام شد. نقش اساسی را در این توطئه هندرسن سفیر امریکا برعهده داشت و شاه و زاهدی عوامل پست اجرایی آن بودند. این کودتای نتیجه ی بند و بست قبلی شرکت های نفتی امریکا و انگلیس بود. متأسفانه بعلمت پراکنده گی نیروهای ملی کودتاگران توفیق یافته ، حکومت قانونی دکتر مصدق سقوط نمود و نهضت ملی ایران سرکوب شد.

۱۶ مهر ۱۳۳۲

برای نخستین بار پس از کودتا بازارود انشگاه بایک اعتصاب هم آهنگ متفق تظاهرات ضد کودتاگران را آغاز کردند. تظاهرات و میتینگ های موضعی که در بعضی از آنها بیش از ۱۰۰۰ نفر شرکت کردند در نقاط مختلف تهران برگزار شد. تمام دکاکین بازار و قسمتی از مغازه های سایر نقاط شهر تعطیل شد و صد ها هزار تراکت به پشتیبانی از مصدق و علیه شاه خائن و دولت زاهدی پخش گردید. در این تظاهرات همه ی نیروهای ملی و در رأس آنان حزب توده ی ایران و جبهه ی ملی شرکت داشتند. نیروهای انتظامی به تظاهرات کنندگان حمله بردند. عده ی زیادی مجروح و چند نفر مقتول شدند.

۲۰ مهر ۱۳۳۲

امضا قرارداد با امریکا : بموجب آن دولت ایالات متحد هی امریکا از پرداخت حقوق گمرکی ، عوارض و مالیات در مورد کالاهائی که با اصطلاح برای شعب خود در ایران وارد میکند معاف گردیده است.

۱۷ آبان ۱۳۳۲

آغاز حاکمگی آقای دکتر محمد مصدق در ادگاه نظامی .

۱۶ آذر ۱۳۲۲

پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد، شله گروههای مسلح خود را به انشگاه فرستادند. دانشجویان میخواستند دانشگاه از نیروهای مسلح تخلیه شود. روز ۱۲ آذر، روزتظار در انشجویان علیه این تجاوز مسلحانه بود. اما شاه بتقاضای منطقی دانشجویان با گلوله پاسخ گفت. دانشجویان را در کلاسهای درسی بکشتند. در نتیجه سه نفر از دانشجویان انشکده فنی - بزرگ نیا، شریعت رضوی و قندچی شهید شدند. خاطره ای این دانشجویان که اعضا حزب توده ایران و جبهه ملی بودند پیوسته گرامیست.



قندچی



شریعت رضوی



بزرگ نیا

۱۲۵ اسفند ۱۳۲۲

شهیدت کریم پورشیرازی مدیر روزنامه "شورش" و از مبارزان نهضت ملی ایران. وی پس از کودتا توسط نظامیان شاه دستگیر و در زندان سوزانده شد.

سال ۱۳۳۳

۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۳

کوچک شوشتری عضو سازمان جوانان حزب توده ایران که با تفاق وارطان سالخانیان دستگیر شده بود، در شکنجه گاه سازمان امنیت بقتل رسید.

۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۳

رفیق وارطان سالخانیان عضو سابقه‌ی حزب توده ایران بر اثر شکنجه های وحشیانه ی سازمان امنیت به بیمارستان انتقال یافت و در بیمارستان درگذشت. مأمورین سازمان امنیت با شرکت مستقیم زبانی برای اختفای جنایت خود جنازه ی وارطان را به رودخانه ی جاجرود انداختند. اما چند روز بعد جنازه ی وارطان کشف شد و پرده از این جنایت وحشیانه بر گرفته شد.

۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۳

عمال حکومت شاه و زاهدی بزند ان رشت یورش بردند. در این جریان پنج نفر زندانی بنام محمد تقی اقدام

دوست ، علی بلندی ، هرمز نیک راه ، سبزی محمد پور ، محمد تقی محبوب کار بقتل رسیدند و عده ای دیگر مجروح شدند .

۶ خرداد ۱۳۳۳

اعتصاب کلیه ی زندانیان سیاسی زندانهای تهران بعنوان اعتراض به کشتار پنج نفر از زندانیان سیاسی رشت و قتل وارطان سالاخانیان و کوچک شوشتری .

۲۹ خرداد ۱۳۳۳

این روز را مردم تهران بمناسبت سومین سال خلع ید بدعت حزب ما و نهضت مقاومت ملی به روز تظاهرات علیه رژیم شاه - زاهدی و تظاهرات اراده ی خود به حفظ پیروزیهای گذشته تبدیل کردند . در نقاط مختلف تهران با وجود اشغال پلیس تظاهرات پرشوری علیه کنسرسیوم و کودتاجیان از طرف مردم انجام گرفت .

۲۸ شهریور ۱۳۳۳

امضا قرارداد نفت با کنسرسیوم توسط دکتر امینی وزیر اراضی کابینه ی زاهدی .

مرداد ۱۳۳۳

کشف سازمان افسری حزب توده ی ایران .

۲۷ مهر ۱۳۳۳

در این تاریخ نخستین گروه از افسران عضو حزب توده ی ایران همراه با یک شاعر جوان ، فرمان شاه جلاد تیرباران شدند . رفقای شهید عبارت بودند از :

- ۱- سرهنگ سیامک
- ۲- سرهنگ مبشری
- ۳- سرهنگ عزیزی
- ۴- سرگرد عطار
- ۵- سرگرد دکتر وزیریان
- ۶- سروان مدنی
- ۷- سروان واعظ قائمی
- ۸- سروان شفا
- ۹- ستوان افراخته
- ۱۰- مرتضی کیوان .

۷ آبان ۱۳۳۳

تصویب قرارداد با کنسرسیوم نفت . رژیم کودتای امضا این قرارداد خیانت عظیمی به مصالح ملی خلقهای ایران نمود .

۸ آبان ۱۳۳۳

گروه دوم افسران عضو حزب توده ی ایران مرکب از رفقاً :
۱- سرگرد بهنیا ۲- سروان بیاتی ۳- سروان کلالی ۴- سرگرد محبی ۵- سروان کلهری ۶- سروان
مهدیان تیرباران شدند.

۱۷ آبان ۱۳۳۳

گروه سوم افسران عضو حزب توده ی ایران مرکب از رفقاً :
۱- سرهنگ ۲ کاظم جمشیدی ۲- سرهنگ ۲ امیر افشاریکشلو ۳- سرهنگ محمد جلالی ۴- سرگرد
جعفرکیلی ۵- ستوان یکم محمدباقر واله بدست دژخیمان شاه تیرباران شدند.





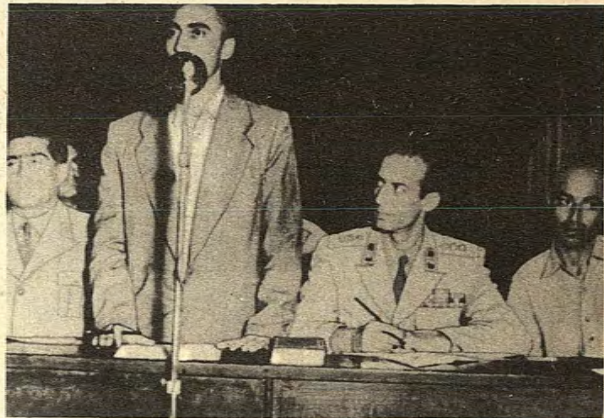
۱۹ آبان ۱۳۳۳

• شهادت دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه ی دولت آقای دکتر مصدق

سال ۱۳۳۴

۲۶ مرداد ۱۳۳۴

۶ نفر از افسران عضو حزب توده ی ایران رفقا : ۱- سرگرد هوایی رحیم بهزاد ۲- سرگرد هوایی اریطوم سیرمشین



۳- سروان هوایی اسمعیل محقق زاده ۴- ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری ۵- ستوان یکم هوایی حسین مرزوان ۶- ستوان ۳ هوایی اسداله نصیری بفرمان شاه جنایتکار تیرباران شدند.

آذر ۱۳۳۴

تصویب قانون جلب و حمایت از سرمایه های خارجی .

۱۹ مهر ۱۳۳۴

اعلام پیوستن ایران به پیمان بغداد از طرف دولت عراق .

دی ۱۳۳۴

اعدام رهبران جمعیت فدائیان اسلام .

۱۵ بهمن ۱۳۳۴

ستوان منزوی عضو سازمان افسران حزب توده ی ایران ، در جریان خروج از ایران در بیروت دستگیر و به ایران عودت داده شد . وی بر اثر شکنجه در زندان بقتل رسید .

۴ اسفند ۱۳۳۴

شرکت ایران در پیمان بغداد بتصویب مجلس ایران رسید .

سال ۱۳۳۵

۴ اردیبهشت ۱۳۳۵

فدراسیون بین المللی جوانان دموکرات این روز را روز مبارزه ی جوانان جهان علیه استعمار و در راه صلح (۲۱۱)

سال ۱۳۲۶

اول خرداد ۱۳۲۶

کمیسیون دادگستری مجلس، حزب ایران را بعلمت همکاری و ائتلاف با حزب توده ی ایران در سال ۱۳۲۵،
غیرقانونی اعلام نمود.

۶ تا ۲۶ تیر ۱۳۲۶

پنوم چهارم وسیع کمیته ی مرکزی - این پنوم حوادث زندگی هشت ساله ی حزب را مورد بررسی قرار داد و یک
سلسله قطعنامه های انتقادی و تحلیلی مهم بتصویب رساند و هیئت اجراییه ی جدیدی انتخاب کرد.

۱۵ تیر ۱۳۲۶

رفیق خسرو روزبه پس از نبرد یکساعته با ماموران مسلح شاه دستگیر شد.

۱۶ مرداد ۱۳۲۶

جلسه ی مشورتی نمایندگان حزب توده ی ایران با نمایندگان فرقه ی دمکرات آذربایجان.

۶ تا ۱۰ دی ۱۳۲۶

تشکیل کنفرانس همبستگی ملل آسیا و آفریقا در شهر قاهره.

آذر ۱۳۲۶

راد یو پیک ایران شروع یکار کرد.

۱۷ بهمن ۱۳۳۶

انتشار نخستین شماره ی روزنامه ی "صبح امید" *

۱۲ تا ۱۷ اسفند ۱۳۳۶

تشکیل پلنوم پنجم کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران *

سال ۱۳۳۶

ابوالقاسم لاهوتی شاعر توده ای ایران در سن هفتاد سالگی در مسکو درگذشت *

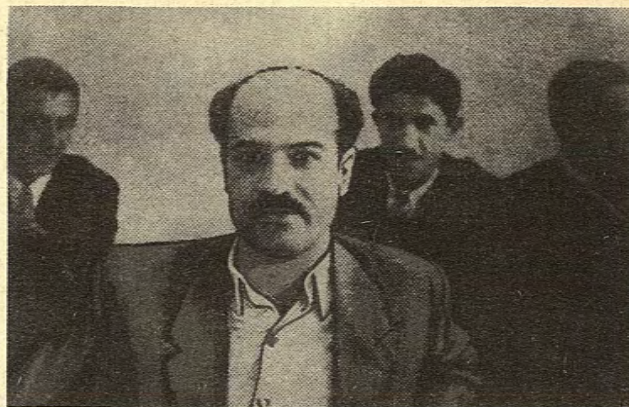
سال ۱۳۳۷

۳ فروردین ۱۳۳۷

۱۲۰۰۰ تاکسی ران تهران دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب عظیم در شمار نخستین تظاهرات علیه رژیم کودتای بود و بر ثبات و آرامش ادعائی رژیم ضربت شدید وارد آورد *

۲ اردیبهشت ۱۳۳۷

رفقا آرسن آوانسیان و هوشنگ رضوانی اعضا* حزب توده ی ایران تیرباران شدند.



۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۷

قهرمان ملی ایران رفیق خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ی ایران یفرمان شاه تیزباران شد. مرگ دلیرانه ی او، عشق به پیکار و پایداری را در مردم قزوین بخشید.

۱۸ مهر ۱۳۳۷

اعتصاب کارگران بند رشا هپور برای اضافه دستمزد ۰ این اعتصاب تا ۲۳ مهر طول کشید و با موفقیت پایان یافت ۰ کارگران موفق شدند روزانه ۲۰ ریال اضافه دستمزد دریافت دارند.

۲ دی ۱۳۳۷

پرتاب نخستین موشک کیهان پیم از طرف دانشمندان شوروی ۰

۱۷ اسفند ۱۳۳۷

دولت اقبال قرارداد نظامی و جانبه با امریکارا امضا کرد. این قرارداد در حقیقت برای حفظ رژیم شاه در

قبال جنبش روز افزون مردم به امضا رسید.

سال ۱۳۳۸

۱۳ فروردین ۱۳۳۸

خروج عراق از پیمان بغداد. آژان پس این پیمان، پیمان سنتو یعنی "سازمان پیمان مرکزی" نام گرفت.

۱۰ فروردین ۱۳۳۸

انتشار نخستین شماره ی دوره ی پنجم روزنامه ی "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ی ایران پس از چهار سال که زبان حزب ما بحالت بازداشتها، شکنجه ها و تیرباران عده ای از فعالین حزب خاموش مانده بود.

۲۸ فروردین ۱۳۳۸

تشکیل کنفرانس باند و ننگ - در این کنفرانس که با شرکت کشورهای آسیای و افریقای تشکیل شد پنج اصل زیر مبنای مناسبات بین دول شرکت کنند ه قرار گرفت :

- ۱- احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت یکدیگر ،
- ۲- عدم تعرض و تجاوز ،
- ۳- عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر ،
- ۴- مراعات تساوی حقوق متقابل ،
- ۵- همزیستی مسالمت آمیز .

۱۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۸



• درگذشت محمد علی افراشته شاعر و یار جوی توده ای

۲۳ خرداد ۱۳۳۸

• ۴۰۰۰ کارگر کوره پزخانه های تهران برای تأمین و اجرای بیمه های اجتماعی دست به اعتصاب همگانی زدند. بلافاصله مأمورین انتظامی و نیروهای امدادی شهرداری و سازمان امنیت برای سرکوب آنان وارد صحنه شدند و از کارگران کشتار بیرحمانه ای نمودند. پنجاه نفر کشته و ده ی زیادی زخمی شدند.



۲۵ خرداد ۱۳۳۸

• اعدام رفیق علوی عضو هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ای ایران

(۲۱۶)

۲۷-۲۸ شهریور ۱۳۳۸

پنوم ششم کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران •

۱۵ آبان ۱۳۳۸

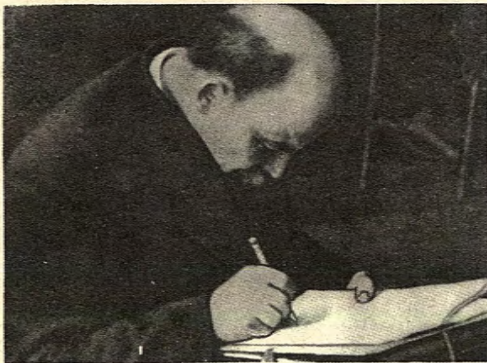
اعتصاب کارگران کارخانه ی شهپاز - زنان کارگر تقاضای اضافه دستمزد و سایر کارگران خواهان اجرای قانون کار بودند • عده ای از کارگران اخراج و عده ای تبعید شدند •

۲۰ دی ۱۳۳۸

دانش آموزان تهران دست به اعتصاب زدند • مرد ۲ تهران به علامت همدردی گروه گروه به تظاهراتکنندگان پیوستند •

۱۰ اسفند ۱۳۳۸

تصویب موافقتنامه ی تأسیس بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران بعنوان پایگاه مهم اقتصاد ی امپریالیسم امریکاد رایران •



سال ۱۳۳۹

۲ فروردین ۱۳۳۹

دومین کنفرانس همبستگی ملل آسیا و آفریقا در کناکری تشکیل شد •

۲ اردیبهشت ۱۳۳۹

۹۰ سالگی تولد لنین پیشوای داهی زحمتکشان جهان



ایوب کلانتری

اعدام پنج تن از رفقای مبارزاد رتبریز (رفقا کلانتری، فروغی، زهتاب، جهانیان، عظیم زاده).

۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۹

۱۳۳۹ اردیبهشت

در آوریل ۱۹۶۰ نمایندگان سازمانهای دانشجویی در اروپای غربی "کنفدراسیون دانشجویان ایران در اروپا" را تشکیل دادند. در ۱۹۶۰ دانشجویان مترقی ایرانی در ایالات متحده آمریکا نیز موفق شدند سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا را بیک سازمان ملی و مستقل دانشجویان ایرانی بدل کنند. در ژانویه ۱۹۶۳ تشکیل "کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی" رسمیت و قطعیت یافت.

۱۳۳۹ خرداد

برگزاری چهارمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران - احزاب برادر باین مناسبت نامه های تهنیت به کمیته مرکزی حزب توده ی ایران ارسال داشتند.

۳۰ تیر تا ۷ مرداد ۱۳۳۹

تشکیل پلنوم هفتم وسیع.

۱۰ - ۱۱ مرداد ۱۳۳۹

تشکیل کنفرانس وحدت حزب توده ی ایران و فرقه ی دمکرات آذربایجان. این کنفرانس طرح آئین نامه و برنامه ی حزب را تصویب نمود.

۱۱ مرداد ۱۳۳۹

تشکیل پلنوم هشتم (اول) کمیته مرکزی (پس از وحدت).

۲۴ بهمن ۱۳۳۹

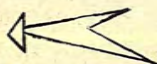
"پاتریس لوموبا" نخست
وزیر قانونی کنگو بسد ست
مزدوران امپریالیسم بقتل
رسید. وی مظهر پایداری
دلاورانه‌ی مردم آفریقا در
برابرا امپریالیسم است.

سال ۱۳۴۰

فروردین ۱۳۴۰

اعتصاب کارگران کارخانه‌ی
"نختاب" و "شهنواز"
اصفهان. اعتصاب کنندگان
خواهان اضافه دستمزد
بودند و به اخراج رفقهای
کارگر خود اعتراض داشتند.

۲۳ فروردین ۱۳۴۰



"یوری گاگارین" کیهان
نورد شوروی برای نخستین بار
باسفینه‌ی کیهانی "وستک"
زمین را دور زد. دولت



اتحاد شوروی بدین مناسبت پیامی خطاب به مردم جهان منتشر نمود که در آن گفته میشود :

" ما این پیروزی را در خدمت تمام خلقها، در خدمت ترقی، خوشبختی و رفاه مردم جهان میگذاریم. ما موفقیتها و اکتشافات خود را خدمتگزار جنگ نمیکنیم، بلکه در راه صلح و امنیت خلقها بکار میبریم."

۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰

تظاهرات فرهنگیان در برابر مجلس - ۱۲۰۰۰ نفر آموزگار و دبیر در این تظاهرات شرکت نمودند. دکتر خانعلی دبیر دبیرستانهای تهران بدست ما موران شاه بقتل رسید. این تظاهرات موجب سقوط دولت دکتر شریف امامی گردید.

۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۰

انحصار کارگران نفت مسجد سلیمان.

۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰

اعتراض مردم به انتخابات تقلبی، شاه را مجبور کرد که مجلس بیستم و نیز مجلس سنارامحل اعلام نماید.

۱۳ خرداد ۱۳۴۰

انحصار کارگران چهارکارخانه ی نساجی اصفهان - کارگران پرداخت حقوق معوقه ی خود را طلب میکردند.

۳۰ تیر ۱۳۴۰

دولت امینی تظاهرات مردم را بمناسبت روز تاریخی ۳۰ تیر به گلوله بست، کلوب جبهه ی ملی در تهران اشغال شد و صد هائفر از مردم بیکار جو و عده ای از سران جبهه ی ملی دستگیر شدند.

۱۹ تا ۲۵ شهریور ۱۳۴۰

تشکیل پلنوم نهم (دوم) کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران.

۲۵ مهر ۱۳۴۰

بیست و دومین کنگره ی حزب کمونیست اتحاد شوروی تشکیل شد.

دی ۱۳۴۰

تظاهرات ۳۰۰۰ نفر از بیکاران بند رمعشور.

۳۰ دی ۱۳۴۰

اعتصاب کارگران کارخانه ی حریربافی اصفهان.

اول بهمن ۱۳۴۰

توطئه ی هجوم به دانشگاه — کماندوهای شاه چون ارتش مهاجم به دانشگاه حمله بردند و دانشجویان را مورد حمله و تعرض وحشیانه قرار دادند. در این جریان عده ی زیادی از دانشجویان پسر و دختر شدیداً مجروح شدند.

۳ بهمن ۱۳۴۰

قتل مهدی کلهر دانش آموز دبیرستان علمیه در جریان تظاهراتی که از طرف دانشجویان و دانش آموزان علیه یورش به دانشگاه انجام گرفت.

سال ۱۳۴۱

۲۹ فروردین ۱۳۴۱

پلنوم دهم کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران.

۱۸ مرداد ۱۳۴۱

امضاء موافقتنامه ی بازرگانی ایران و شوروی — طلایعه ی بهبود روابط ایران و شوروی.

۲۴ شهریور ۱۳۴۱

انتشاریادداشت‌های متبادله بین ایران و شوروی - بموجب این یادداشت‌ها دولت ایران اطمینان داد که اجازه‌ی احداث پایگاه موشکی در ایران بهیچ کشوری نخواهد داد.

۳۰ بهمن ۱۳۴۱

حسین خیرخواه هنرپیشه‌ی ایرانی در شهر برلن درگذشت. وی یکی از قدیمیترین اعضا* حزب توده‌ی ایران بود.

اسفند ۱۳۴۱

بیانیه‌ی کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران درباره‌ی موضع بین‌المللی حزب انتشار یافت.

سال ۱۳۴۲

۱ فروردین ۱۳۴۲

حمله‌ی مأموران شاه به مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم - در این روز کماندوهای شاه بفرماندهی سرهنگ مولوی رئیس سازمان امنیت تهران با لباس شخصی به مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم حمله بردند و با کمک مأموران انتظامی بجان مردم و طلاب افتادند.

۱۹ فروردین ۱۳۴۲

در این روز ۱۱ نفر از زندانیان سیاسی قزل‌قلعه که بتوقیف غیرقانونی خود اعتراض داشتند اعتصاب غذا نمودند.

۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۲

این روز، روز آفریقا اعلام شد.

۱۵ خرداد ۱۳۴۲

بزرگترین تظاهرات ضد رژیم در سالهای پس از کودتا از طرف هزاران نفر از مردم تهران، قم و برخی نقاط دیگر برگزار شد. اپوزیسیون راست در برآه انداختن این تظاهرات ابتدا دخالت داشت و کوشید از این جریان بسمود خود استفاده کند. تظاهرات مردم از طرف نظامیان شاه و حشیانه بخون کشید. شد. قریب ۲۰۰۰ نفر در این تظاهرات بقتل رسیدند.

۱۱ آبان ۱۳۴۲

تیرباران دو نفر از متهمین واقعه ی ۱۵ خرداد. محاکمه ی متهمین واقعه ی ۱۵ خرداد در تاریخ ۱۳ مرداد همین سال در دادگاه نظامی آغاز شد. بود.

۲۵ آبان ۱۳۴۲

مسافرت رفیق لئونید برژنف صد رشورای عالی اتحاد جماهیر شوروی به ایران.

۲۵ آبان ۱۳۴۲

اعتصاب کارگران کارخانه ریسندهی و یافتندگی زاینده رود اصفهان. کارگران کارخانه را اشغال نمود. و از خروج کالا از کارخانه جلوگیری نمودند. آنها تقاضای پرداخت حقوق معوقه ی خود را داشتند.

سال ۱۳۴۳

۲۲ تیر ۱۳۴۳

رفیق ستوان قبادی یکی از افسران عضو حزب تود. ی ایران بدست دشمنان شاه تیرباران شد. ستوان قبادی (۲۲۳)

بناباطمینانهای مکرر سفارت ایران و بعثت باور باین اطمینانهای محیلانه از مهاجرت با ایران رفت و چون پس از مراجعت نخواست آلت دست رژیم شاه قرار گیرد در ادگاه نظامی محاکمه و به شهادت رسید.



اعصاب کارگران کارخانه صنایع پشم اصفهان - کارگران خواهان پرداخت ۲۰٪ سود بودند.

۱۱ خرداد ۱۳۴۳

«والنتینا ترشکوا» نخستین زن کیهان نورد جهان در عرصه کیهان
بهبود آمد.

۲۶ خرداد ۱۳۴۳

تصویب قانون اعطاء مصونیت سیاسی به مستشاران امرکائی که در حقیقت یکنوع احیا کاپیتولاسیون است.

۴ آبان ۱۳۴۳

تبعید آیت اله خمینی از ایران بمناسبت مبارزه علیه احیاء کاپیتولاسیون.

۱۳ آبان ۱۳۴۳

منصور نخست وزیر شاه هنگامیکه به مجلس شورامیرفت مورد اصابت گلوله‌ی محمد بخارائی قرار گرفت و مقتول شد.

اول بهمن ۱۳۴۳

سال ۱۳۴۴

۲۱ فروردین ۱۳۴۴

یکی از افراد گارد سلطنتی بنام رضاشمس آبادی در کاخ مرمر بموسوی شاه تیراندازی نمود. این نمونه‌ی دیگری از طغیان خشم مردم علیه رژیم شاه بود.

۲۶ خرداد ۱۳۴۴

اعدام ۴ تن از متهمین قتل نخست وزیر منصور *

تیر ۱۳۴۴

تشکیل جبهه ی ملی سوم *

۱۴ مرداد ۱۳۴۴

۶۰ سالگی انقلاب مشروطیت ایران *

۱۴ مهر ۱۳۴۴

آغاز محاکمه ۱۴ نفر متهمین حادثه ی کاخ مرمر *

۲۹ مهر تا ۲ آبان ۱۳۴۴

برگزاری یادبود سی امین سالگشت کنگره هفتم کمینترن در شهر پراگ * در این جلسه نمایندگانی از حزب توده ایران نیز شرکت نمود *

۳ آبان ۱۳۴۴

اعصاب غذای دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور بمناسبت صد و ارحام محکومیت ۱۴ نفر متهمین حادثه ی کاخ مرمر *

آذر ۱۳۴۴

صد و اعلامیه از طرف کمیته ی مرکزی حزب توده ایران درباره فعالیت گروه انشعابی قاسمی، فروتن، سغائی

۱۷ بهمن ۱۳۴۴

آغاز محاکمه ی ۵۵ نفر از اعضا * حزب ملل اسلامی برهبری محمد کاظم موسوی بجنوردی *

۳۰ دی ۱۳۴۴

تشکیل پلنوم یازدهم کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران *

۱۳ تا ۲۵ دی ۱۳۴۴

تشکیل کنفرانس هاوانا - مظهر همبستگی مبارزان ضد استعمار آسیا، افریقا و امریکای لاتین *

اول اسفند ۱۳۴۴

امضا موافقتنامه با امریکاه بموجب آن صدور "مازاد" محصولات کشاورزی امریکابه ایران مجاز است *

سال ۱۳۴۴

شهادت سرهنگ حمیدی و یارانش *

سال ۱۳۴۵

۲ فروردین ۱۳۴۵

اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی مقیم آلمان غربی برای اعتراض به احکام اعدام پرویز حکمت جو، علی خاوری و محمد کاظم بجنوردی *

۹ تا ۱۹ فروردین ۱۳۴۵

تشکیل کنگره ی بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی - ۸۶ کشور در این کنگره شرکت کردند *

اول تیرماه ۱۳۴۵

صدور احکام محکومیت رفقا خاوری و حکمت جو و اتن دیگر از مبارزان توده ای - رفقا خاوری و حکمت جو به

اعدام و سایرین به محکومیت زندان از ۱۸ ماه تا ۷ سال محکوم شدند. بر اثر مبارزات وسیعی که برای نجات جان رفقا حکمت جو و خاوری در سراسر جهان انجام شد، احکام اعدام آنان به حبس ابد تبدیل شد.



پرویز حکمت جو



علی خاوری

۱۷ آبان ۱۳۴۵

شهادت بهمن بهادری قشقائی در شیراز.

۱۴ اسفند ۱۳۴۵



درگذشت دکتر مصدق نخست وزیر ایران در دوران جنبش ملی کردن نفت.



سال ۱۳۴۶

اردیبهشت ۱۳۴۶

دستگیری رفقا صابر محمد زاده و آصف رزم دیده، کارگران عضو حزب توده، ی ایران - این رفقا بترتیب به ۷ و ۶ سال زندان از طرف دادگاه نظامی محکوم شدند.



سلیمان و عبداله معینسی
دو نفر از شهیدان کردستان



صابر محمد زاده



آصف رزم دیده

خرداد ۱۳۴۶

یورش ارتجاع به کردستان و قتل بسیاری از رزمندگان کرد.

رژیم مطلقه شاه

شاه که کارگردان اصلی رژیم است باستناد تغییراتیکه بدخواه خود پس از کودتای ۲۸ مرداد در قانون اساسی وارد کرده قدرت مطلقه را در کشور مابعدی بسط داده است که در واقع کلیه قوای دولتی در دست شخص او متمرکز گردیده است.

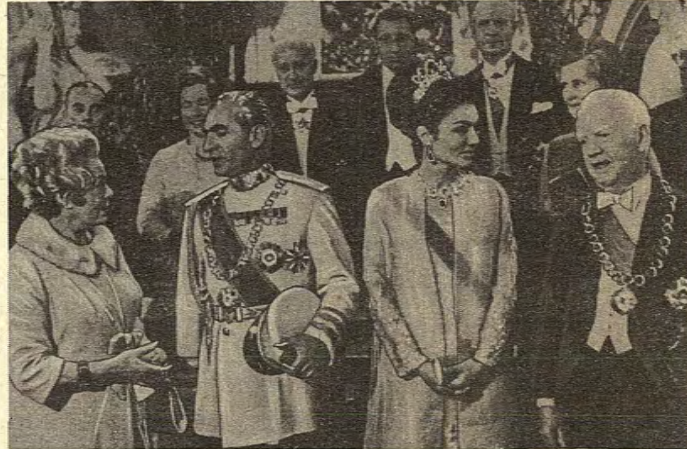
مجلسین بصورت اداره‌ی ثبت "منویات ملوکانه" درآمده اند، استقلال قضائی یکی از میان برداشته شده و دادگاهها عملاً به آلت اجرا نظریات دولت تبدیل گردیده اند. حق رسیدگی به محاکمات سیاسی و جرائم مربوط به مطبوعات برخلاف نص صریح قانون اساسی از مراجع دادگستری سلب شده و به دادگاههای استثنائی نظامی محول گردیده است. محاکم در سته‌ی نظامی که هیچ قانون و مقرراتی جز فرمان شاه نمیشناسند بکمک سازمان امنیت دسته دسته میهن پرستان و آزاد یخواهان را بزند آنها و میدانهای اعدام میفرستند. کار بجائی رسیده که حتی صورت ظاهراً اصول محاکمات رعایت نمیشود - امری که مکرراً از جانب حقوقدانان خارجی که امکان شرکت در برخی از محاکمات اخیر را یافته اند تصریح شده است. سازمان امنیت که برخلاف کلیه اصول قضائی جانشین قضات تحقیق شده است را با بدون اتکا به هیچ قرار یا حکمی مخالفان رژیم را بازداشت نموده در زندانها بقتل میرساند و یا تبعید و نفی بلد میکند.

در کلیه شئون دولتی و اجتماعی فرد پرستی و استناد بدستور و فرمان شاه جانشین نظارت دموکراتیک در امور دولتی و اصول حکومت پارلمانی گردیده است. نخست وزیر و وزراء نیز که تنها بفرمان شخص شاه عزل و نصب میشوند برای خود در برابر مجلسین هیچگونه مسئولیتی قائل نیستند و حتی علناً و بی پروا خود را بحزری او امرشاه اعلام میدارند. خصلت ضد دموکراتیک و بهر وکراتیک رژیم روز بروز در تمام امور دولتی و اجتماعی بسط مییابد و کوچکترین مخالفت یا مقاومتی از طرف مردم با شدت و بی پروائی خاصی سرکوب میگردد.

احزاب و اجتماعات کماکان ممنوعند و حق هرگونه مخالفت نسبت به سیاست دولت از مطبوعات سلب گردیده است.

مسافرت شاه به آلمان غربی -

دانشجویان ایرانی در سراسر آلمان غربی به تظاهرات وسیعی علیه شاه دست زدند. دانشجویان خارجی و بویژه دانشجویان آلمان غربی و برلن غربی نیز بعنوان مخالفت با استبداد شاه در این تظاهرات شرکت نمودند. در نمایش عظیمی که در برلن غربی از طرف دانشجویان هنگام ورود شاه به "اپرا" علیه وی انجام شد ابتدا امام‌موران سازمان امنیت ایران با جوب و چماق به دانشجویان حمله نمودند و سپس پلیس آلمان غربی با گاز اشک‌آور، با فشار آب ماشینهای آتش‌نشانی و با باتون به دانشجویان یورش برد. چون دانشجویان به تظاهرات ادامه دادند، پلیس کشور آلمان غربی به تظاهرکنندگان تبراندازی نمود و در نتیجه دانشجویی ۲۶ ساله ای بنام "بنواو نه زورگ" از برلن غربی به قتل رسید. در جریان این تظاهرات عده ای مجروح و جمعی بازداشت شدند. نام "بنواو نه زورگ" در کنار سایر قربانیان رژیم ثبت است.



برگزاری پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیرا کثیر در سراسر جهان • باین مناسبت از طرف حزب توده ی ایران کتاب "انقلاب اکتبر و ایران" متضمن سخنرانیهایی که در سمینارهای علمی سه گانه شده بود، نشر یافت •

درگذشت غلامرضا تختی قهرمان ورزش ایران و عضو شورایی عالی جبهه ی ملی - تختی در دوران کوتاه حیات خود موفق بد ریافت ۴ مدال طلا و ۶ مدال نقره در مسابقات جهانی المپیک شد • روش سیاسی و حمایت او از جنبش ملی ایران و دکتروصدق او را یکی از محبوبترین ورزشکاران ایران بدل کرده بود • تختی مورد کینه ی دربار بود و به همین جهت مردم تهران در شایعه ی خودکشی او تردید نمودند •



از سند اصلی جلسه مشاوره احزاب برادر

ضرورت مبارزه در راه صلح

حلقه ی اصلی عمل مشترك نیروهای ضد امپریالیستی همچنان مانند گذشته عبارتست از مبارزه بخاطر صلح جهانی، طبقه خطر جنگ جهانی هسته ای، خطری که خلقها را به امحاء توده ای تهدید مینماید • بامساعی مشترك کشورهای سوسیالیستی، طبقه ی کارگر بین المللی، جنبش آزاد یبخش ملی، تمام کشورهای صلح طلب، سازمانهای اجتماعی و جنبشهای توده ای میتوان از جنگ جهانی جلوگیری گرفت •

سال ۱۳۴۷

۷ فروردین ۱۳۴۷

نخستین کیهان نورد جهان سرهنگ بوری گاکارین در یک سانحه ی هوایی درگذشت.

۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۷



شهادت شریف زاده و یارانش بدست نظامیان شاه. شریف زاده هنگامی که دانشجوی دانشگاه تهران بود مبارزه ی خود را علیه رژیم کودتا آغاز نمود و بعداً در کردستان ایران دست به مقاومت مسلحانه علیه رژیم زد.



۱ اردیبهشت ۱۳۴۷

صد و پنجاهمین سالگرد تولد مارکس در سراسر جهان برگزار گردید و هیئت نمایندگی حزب توده ایران در جلسه ی سالگرد منعقد در برلین دموکراتیک شرکت جست.

۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۷

تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران -
بمناسبت تشکیل این کنفرانس کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران نامه ی سرگشاده ای در اواسط اقدامات ضد دموکراتیک رژیم ایران به کنفرانس ارسال داشت.

۱۶ تا ۲۳ خرداد ۱۳۴۷

تشکیل پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب توده ی ایران *

مهر ۱۳۴۷

برگزاری صدمین سالگرد تولد ستارخان سردار ملی *

سال ۱۳۴۸

۱۵ تا ۱۷ خرداد ۱۳۴۸

تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری در مسکو - در این کنفرانس ۷۵ حزب و از ان جمله هیئت نمایندگی حزب ما شرکت کردند. سند عمده ی کنفرانس تحت عنوان: «وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و همه ی نیروهای امپریالیستی» بتصویب رسید.

۶ تا ۱۱ آذر ۱۳۴۸

تشکیل پلنوم سیزدهم کمیته مرکزی حزب توده ی ایران *

۱۴ بهمن ۱۳۴۸

سی امین سال شهادت دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران - دکتر ارانی در تاریخ ۱۴ بهمن سال ۱۳۱۸ در زندان رضاشاه درگذشت. بیاد بود سالگرد شهادت ارانی ویژه نامه ی مجله ی "دنیای" انتشار یافت *

تظاهرات وسیع مردم تهران برای اعتراض به گرانی‌های بلیط اتوبوس، این تظاهرات سه روز بطول انجامید و قشرهای مختلف مردم در آن شرکت جستند. مردم در این مبارزه پیروز شدند و دولت مجبور به عقب نشینی شد. در جریان تظاهرات عده‌ای از دانشجویان بازداشت و زندانی شدند.

گرد آورنده و تنظیم کننده: م. مینو

ازسند تحلیلی حزب:

ضرورت و وحدت عمل

حزب توده‌ی ایران معتقد است که یکی از عده‌ترین علل پابرجا ماندن رژیم حکومت مطلقه پراکندگی و عدم هماهنگی بین نیروهای میهن پرست است و به همین سبب است که کوشش در راه ایجاد چنین اتحادی را وظیفه‌ی مرکزی و مستمر خویش تلقی میکند. حزب ماکلیه، مساعی لازم را بیکار خواهد برد تا در اطراف مسئله مرکزی مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیک و علیه حکومت پلیسی ترور و اختناق همه نیروها را، صرف نظر از تحلیل‌ها و تفسیرات و عقاید مختلفه مجتمع سازد.

اتحاد عمل در پیرامون مسائل روزانه از قبیل اقدامات مشترک برای دفاع از این یا آن زندانی سیاسی، مبارزه‌ی متحد در راه آزادی همه زندانیان سیاسی، مبارزه‌ی مشترک برای افشای جنایات و اعمال خلاف قانون سازمان امنیت و محاکم نظامی، مبارزه متحد برای ارجاع محاکمات سیاسی به محاکم دادگستری، مبارزه مشترک برای تصویب قانون غوغوی زندانیان و پناهندگان سیاسی، مبارزه‌ی مشترک برای آزادی اجتماعات و احزاب و تصویب قانون اجتماعات و غیره — بهترین وسیله برای ایجاد زمینه‌ی چنین اتحادی است. اقدامات مشترک باید تدریجا باین نتیجه انجامد که زمینه‌ی اتحاد بر مبنای برنامه‌ی مشترک عمل را فراهم سازد. تجارب سالهای اخیر اثربخشی وحدت عمل را در عرصه‌های گوناگونی با اثبات رسانده است. حزب ما به پیروی از این روش در فعالیت روزمره‌ی خود با تمام قوا از حقوق مردم ایران و گروههای سیاسی میهن پرست و آزادخواه، صرف نظر از آنکه عقاید و مشی آنها با ما موافق باشد یا نه، دفاع کرده میکند.

خداوند بزرگ او رمزد که این بوم آفرید ، کسه آن
آسمان آفرید ، که شادی آفرید مردم را .*

(از سنگنبشته ی " استخر ")

شادی

دیدم این پندگرانمایه بر استخر کهن :
که خداوند چو در جاده ی ایجاد افتاد
چارچیز است که آغاز پدیدار آورد :
آسمان و زمی ، آدمی است و شادی است
که از آن خانه ی جان بهره ور از آبا دیست .
شادی از " چارنخست " است که ایزد اراست ،
گرچه اهریمن آلود جهان را بارنج ،
ورچه آرزو ه روانیم . در این دیر سنج ،
لیک خوش بینی و شادی ره پایسته ی ماست .
اند رین رزم نرانیم دمی خنده ز لب
نیست در خورد بشر شیون غم ، بازک تعب .
گر نیایشگر شادی جهان آرائیم
هر گره راکه بلا در فکند ، بگشائیم .

گفت زرتشت به یسنا : مکش آوای دریغ !
مویه کردن نسمزد مردم یزدانی را
آفریننده ی مرگ است و ستم اهریمن
هر که از مرگ و ستم چهره نماید پرچین
پیش اهریمن افکند ه سیر ، سود ه جبین .
زندگی ، شادی : این دود هوش است از هر مز
شاد باشیم ، نموئیم ، بشادی بزئیم !
نفشانیم سرشک از الم و ناکامی !
وند رین رزم که بالشکر جوراست پدید ،

ای غم اگر موی شوی پیش منت بار نیست
درشکرینه ی یقین سرکه ی انکار نیست
ای غم اگر زرشوی یا همسه شکر شوی
بندم لب گویمت : خواجه شکر خوار نیست
(مولوی)

نگزینم ره ناکسی وبدنامی !
پیش اهریمن دون جبهه نسائیم ، که نیست
درخور انسان این پمستی وبدفرجامی .

الحق این نکته که در دفتر ایام کهن
ثبت گردیده ، یکی نکته ی پند آموز است .
کیشها جمله نوای المی جانسوز است
لیک زرتشت یکی نغمه ی خوش ساز کند ،
و ندرین مرحله رازی دگراغاز کند .
شادی هستی : این سرخوشی و مستی نیست
بی خبرماندن از راه بلاخیز جهان
غافل و سرخوش و لاقید ، زمان پیمودن ،
یک چنین شیوه بجز سفلگی و پستی نیست .
شادی درخور ما شادی رزم است و طلب ،
شادی قدرت و امید و تکاپو و تلاش ،
شادی آنکس کس نیست بوجدان گردی ،
شادی آنکس کو گفت : نماندم بیکار
تاد رخت طلب من ثمر آورد بیبار .
هرچه کان نیک بد و والا - فرمان کردم ،
هرچه کان رنج بد و حرمان - درمان کردم ،
هرچه کان زشت بد و سفله - براندم از راه
نهراسید روانم نه ز دار ، نه زبند
نه ز دژخیم تههکار و نه زندان سیاه .

نگزینم ره ناکسی وبدنامی !
نفسانیم سرشک ازالم و ناکامی !
درخور انسان این پستی وبدفرجامی .

اندرین رزم که با لشگر جور است پدید
شادباشیم و نموئیم وبشادی بزئیم !
پیش اهریمن دون جبهه نسائیم که نیست

مسئولیت ملی و بین المللی احزاب برادر

شرکت کنندگان در کنفرانس معتقدند که اثر بخشی سیاست هر حزب کمونیست بستگی به کامیابیهای آن حزب در کشور خویش و کامیابیهای دیگر احزاب برادر و درجه همکاری آنها با یکدیگر دارد. هر حزب کمونیست مسئول فعالیت خویش در برابر طبقه ی کارگر و خلق کشور خویش و در عین حال در برابر طبقه ی کارگر جهانی میباشد. مسئولیت ملی و بین المللی هر حزب کمونیست و کارگری تحکیم نا پذیر است. مارکسیست لنینیست ها در عین حال هم میهن پرستند و هم انترناسیونالیست. آنها هم تنگ نظری ناسیونالیستی، هم نفی مصالح ملی و کم بها دادن به آنها و هم گرایش بسوی هرژونیم رامپورد میدانند. احزاب کمونیست یعنی احزاب طبقه ی کارگر و تمام زحمتکشانشان پرچمداران مصالح واقعی ملی در برابر طبقات مرجع خائن به این مصالح اند. بزرگترین خدمت به امر سوسیالیسم و انترناسیونالیسم پرولتری از جانب احزاب کمونیستی که در کشورهای سرمایه داری میروزمند عبارتست از تصرف قدرت حاکمه توسط طبقه ی کارگر و متحدین وی.

بنیاد مناسبات متقابل احزاب برادر

شرکت کنندگان در کنفرانس نظرمشترک خود را تا عمید میکنند که بنیاد مناسبات متقابل بین احزاب برادر عبارت از اصول انترناسیونالیسم پرولتری، همبستگی و کمک متقابل، احترام به استقلال و برابری، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر است. رعایت دقیق این اصول، شرط ضروری برای رشد همکاری رفیقانه ی احزاب برادر و تحکیم وحدت جنبش کمونیستی است.

گیاه معجزه

آنکه که ترس و ننگ کشد پرد ه ای سیاه
بر جلوه های سعی و تلاش ستکشان ،
دل‌های پاک را نبود هیچ شك که عشق
باز آید و کرامت خود مید هد نشان •

این آن گیاه معجزه باشد که هر دمش
پیراستند ، شاخ کُشَن داد ، برگ داد
طوفان برف برتن آن هشت قشر مرگ
لیکن گمان مبرکه روان را به مرگ داد •

ایام تیره است و ستم اُشْتَلُم کنان
طبل ظفر بگوید و فریاد می کند
شمشیر زهرگین بلا را ز فرط غیظ
در قلب خلق خسته زبیداد میکند •

لیکن زمان که در کف معجز نمون خویش
دارد قوای خلقت و اسباب انهدام ،
طبق شرایطی که بود ذاتی حیات
برهم زند ز بیخ و بن این بد شگون نظام

در پیچ جاده ایم و پس پیچ منظر است
کاندر درون سینه بود آرزوی آن
از پا میفت و با همه ی جان و دل بکوش
خواهی اگر طراوت روی نکوی آن •

قطعات اشعاری که در این مجموعه آمده
(بجز قطعات رفیق فقید افراشته) سرود
۰۱ سپهر است.

تدارک فنی این سالنامه به یاری رفقا
ص ۰ شیواد و ر ۰ پیمانگرانجام گرفته است
(۲۳۹)

YEARBOOK OF TOUDEH

On the occasion of the 50th anniversary of the Communist Party of Iran

and

the 30th anniversary of the foundation of the Toudeh Party of Iran

Price: 1.5 \$

Druck: Leipziger Druckhaus, Grafischer Großbetrieb

سالنامه ی توده
بمناسبت پنجاهمین سالگرد حزب
کمونیست ایران وسی امین سالگرد
حزب توده ی ایران
سال ۱۳۴۹
چاپخانه ی "زالتس لاند" ۳۲۵ شتاسفورت
بهادر ایران ۱۲۰ ریال
درخارج معادل ارزی همین مبلغ